

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جلد ۱

بررسی فراز و فرودهای هواداری
از گروه بی‌تی‌اس
از منظر طرفداران ایرانی

/ دکتر مرتضی منطقی /

/ استاد دانشگاه خوارزمی /

تابستان ۱۴۰۳

فهرست مطالب

۱- مقدمه

۲- اثرهای روانی هواداری از گروه بی تی اس

- ۱-۲- سردرگمی‌های نوجوانی
- ۲-۲- انگیزه بخشی
- ۳-۲- افزایش اعتماد به نفس
- ۴-۲- کمک به بهبود حال بد افراد
- ۵-۲- آرامش بخشی
- ۶-۲- شادی آفرینی
- ۷-۲- تعدیل اثرپذیری در گذر زمان
- ۸-۲- عشق تخیلی
- ۹-۲- تحقق برخورد مادرانه
- ۱۰-۲- ارضای هیجان جویی
- ۱۱-۲- پیشه کردن برخوردهای هیجان مدار
- ۱۲-۲- تخلیه روانی
- ۱۳-۲- اتلاف وقت
- ۱۴-۲- توهم زدگی
- ۱۵-۲- بازماندن در ابعاد عینی
- ۱۶-۲- کم اثر شدن تدریجی حساسیت‌ها
- ۱۷-۲- بروز خطاهای جدی شناختی
- ۱۸-۲- بروز برخی از اختلال‌های روانی
- ۱۹-۲- بی‌هویتی جنسی
- ۲۰-۲- وابستگی و اعتیاد به بی تی اس
- ۲۱-۲- سایر مسایل روان شناختی

۳- اثرهای اجتماعی هواداری از گروه بی تی اس

- ۱-۳- نقد محدودیت‌های داخل ایران
- ۲-۳- نقد ضعف‌های حرفه‌ای و اخلاقی سلبریتی‌های ایرانی
- ۳-۳- شروع هواداری از سنین پایین
- ۴-۳- پرداختن ستاره‌ها به مسایل جوانان

- ۳-۵- تعمیق رابطه ستاره‌ها با هواداران
- ۳-۶- چند بعدی و چند وجهی دیدن گروه و اعضای آن
- ۳-۷- تشویق به مهاجرت به کره جنوبی
- ۳-۸- دوست‌یابی حضوری و مجازی
- ۳-۹- نودوستی
- ۳-۱۰- جهانی شدن و جهانی اندیشیدن
- ۳-۱۱- الگوبرداری از ستاره‌ها
- ۳-۱۲- تحول‌های هویتی
- ۳-۱۳- تحول‌یابی روابط اجتماعی هواداران
- ۳-۱۴- احساس تعهد به حمایت از گروه
- ۳-۱۵- تلاش در جهت افزایش هواداران
- ۳-۱۶- تعصب ورزیدن در طرفداری
- ۳-۱۷- پیشه کردن برخوردهای هیجان‌مدار با افراد خودی و غیرخودی
- ۳-۱۸- نقد خط‌مشی‌های کمپانی گروه بی‌تی‌اس
- ۳-۱۹- سایر موارد اجتماعی

۴- اثرهای فرهنگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس

- ۴-۱- رشد گروه‌های کی‌پاپ در بسترسازی‌های فرهنگی اولیه کره
- ۴-۲- ارتقای موسیقی کی‌پاپ به صنعت سرگرمی
- ۴-۳- ارایه محتوا و سرگرمی‌های مورد علاقه نوجوانان و جوانان توسط گروه بی‌تی‌اس
- ۴-۴- تشویق طرفداران به خواندن و دیدن کتاب‌ها و فیلم‌های مختلف
- ۴-۵- علاقه به آشنایی با فرهنگ کره
- ۴-۶- اشاعه زبان کره‌ای در میان هواداران
- ۴-۷- استقبال از غذاهای کره‌ای
- ۴-۸- پذیرش محتوای تهیه شده توسط هواداران
- ۴-۹- سایر موارد فرهنگی

۵- اثرهای آموزشی هواداری از گروه بی‌تی‌اس

- ۵-۱- آموزش فعال
- ۵-۲- ارتقای مهارت‌های فنی هواداران
- ۵-۳- کم توجهی به درس و افت تحصیلی
- ۵-۴- اطلاع‌رسانی‌های مختلف.

۶- اثرهای اخلاقی - عقیدتی هواداری از گروه بی‌تی‌اس

- ۱-۶- دامن زدن به تسامح اخلاقی
- ۲-۶- اثرپذیری‌های اخلاقی - ارزشی
- ۳-۶- کم رنگ شدن ابعاد عقیدتی
- ۴-۶- سوق دادن هواداران به سمت پیوستن به جریان انقلاب جنسی
- ۵-۶- پذیرش اخلاق نسبیت‌گرا
- ۶-۶- تحول‌آفرینی اخلاقی در محیط خانواده
- ۷-۶- تحول‌آفرینی در اخلاق فردی، اجتماعی و زیست‌محیطی برخی از هواداران

۷- اثرهای اقتصادی - سیاسی هواداری از گروه بی‌تی‌اس

- ۱-۷- همسویی گروه بی‌تی‌اس با نظام سرمایه‌داری
- ۲-۷- ترویج مصرف‌گرایی
- ۳-۷- نفوذ کانون قدرت در هنر
- ۴-۷- فعالیت سیاسی گروه بی‌تی‌اس
- ۵-۷- اخذ الگو برای حرفه آینده
- ۶-۷- صرف هزینه جهت هواداری از گروه بی‌تی‌اس
- ۷-۷- درآمدزایی برخی از هواداران بر مبنای تبلیغ برای بی‌تی‌اس

۸- اثرهای هنری هواداری از گروه بی‌تی‌اس

- ۱-۸- برتری کی‌پاپ بی‌تی‌اس نسبت به پاپ غربی
- ۲-۸- وجود محتوای معنادار، پیچیده و معمایی در موزیک ویدیوهای بی‌تی‌اس
- ۳-۸- تنوع آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس
- ۴-۸- جذابیت بخشیدن به صحنه
- ۵-۸- جذابیت‌های جانبی گروه
- ۶-۸- توأم شدن موسیقی بی‌تی‌اس با رقص‌های بسیار دشوار و مهیج

۹- اثرهای زیباشناختی هواداری از گروه بی‌تی‌اس

- ۱-۹- جذابیت‌های ظاهری ستاره‌ها
- ۲-۹- الگوبرداری از ستاره‌های بی‌تی‌اس در زیبایی‌های ظاهری
- ۳-۹- الگوبرداری در زمینه مدهایی که پسران بی‌تی‌اس عرضه می‌کنند

۱۰- اثرهای خانوادگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس

- ۱-۱۰- احساس یک خانواده بودن با ستاره‌ها
- ۲-۱۰- بروز برخی از اختلاف‌های خانوادگی در اثر هواداری از گروه بی‌تی‌اس
- ۳-۱۰- آسیب رسیدن به خانواده

فهرست کتاب حاضر

- ۱- مقدمه ۱۱
- ۲- اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس ۱۹
 - ۱-۲- سردرگمی‌های نوجوانی ۲۰
 - ۲-۲- انگیزه بخشی ۲۹
 - ۳-۲- افزایش اعتماد به نفس ۴۸
 - ۴-۲- کمک به بهبود حال بد افراد ۵۱
 - ۵-۲- آرامش‌بخشی ۵۶
 - ۶-۲- شادی‌آفرینی ۶۴
 - ۷-۲- تعدیل اثرپذیری در گذر زمان ۶۹
 - ۸-۲- عشق تخیلی ۷۷
 - ۹-۲- تحقق برخورد مادرانه ۹۷
 - ۲-۱۰- ارضای هیجان‌جویی ۱۰۱
 - ۲-۱۱- پیشه کردن برخوردهای هیجان‌مدار ۱۰۹
 - ۲-۱۲- تخلیه روانی ۱۲۳
 - ۲-۱۳- اتلاف وقت ۱۲۸
 - ۲-۱۴- توهم‌زدگی ۱۳۱
 - ۲-۱۵- بازماندن در ابعاد عینی ۱۴۰
 - ۲-۱۶- کاهش تدریجی حساسیت‌ها ۱۴۷
 - ۲-۱۷- بروز خطاهای جدی شناختی ۱۵۲
 - ۲-۱۸- بروز برخی از اختلال‌های روانی ۱۸۶
 - ۲-۱۹- بی‌هویتی جنسی ۲۱۰
 - ۲-۲۰- وابستگی و اعتیاد به بیتیاس ۲۲۳
 - ۲-۲۱- سایر مسایل روان‌شناختی ۲۲۸

۱ - مقدمه

«به عیان مشاهده می‌افتد که کودکان و جوانان به پرورش و مجالست کسانی که به خُلُق موسومند، آن خُلُق را از افراد فرا می‌گیرند» (خواجه نصیرالدین طوسی^۱).

الگوها از اهمیت وافری در شکل دادن به شخصیت انسانی انسان‌ها و جوامع برخوردارند. الگوها بسان فانوس‌های دریایی که راه را بر کشتی‌ها نشان می‌دهند، راه را بر کشتی وجودی انسان‌ها و جوامع می‌نمایانند. از همین رو از دیدگاه‌های دینی گرفته تا دیدگاه‌های معاصر روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، همگی بر اهمیت الگوها صحه نهاده از ضرورت عطف توجه انسان‌ها و جوامع بشری نسبت بدان‌ها یاد کرده‌اند.

از منظر دیدگاه دینی در عین وجود الگوها و اسوه‌های حسنه، الگوهای غیرحَسَن نیز وجود دارند که برخلاف اعتلایابی و تحول‌آفرینی که در اسوه‌های حسنه برای انسان‌ها وجود دارد، اسوه‌های غیرحَسَن در سقوط ارزشی و انسانی انسان‌ها، ذی‌نقش بوده، اسباب اضمحلال آنان را فراهم می‌آورند.

در نظریه‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی مسأله الگوبرداری افراد، ذیل نظریات مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. هرگنهان و السون^۲ در این زمینه می‌نویسند:

«مسأله الگو و تقلید یا همانندسازی با آن، از مقوله‌های مهم روان‌شناسی معاصر دیده شده، مکاتب روان‌شناسی زیادی درباره آن نظریه‌پردازی کرده‌اند».

سایت سلامتی نیز با اشاره به مقاله منتشره لئوناردو^۳ که در ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۷ در نشریه ساینس منتشر شده است، ذیل عنوان الگوبرداری کودکان، از اثرپذیری کودکان ۱۵ ماهه از الگوهای فرارویشان یاد می‌کند.

مسأله الگو، الگویابی و جامعه‌پذیری نیز از مباحث مورد توجه در نظریات جامعه‌شناسی بوده است (هر چند جامعه‌شناسان مقوله الگوبرداری را گسترده‌تر از روان‌شناسان دیده و مسأله الگوگیری را در ابعاد اخلاقی تا فرهنگی، اجتماعی، عقیدتی و سیاسی، گسترده دیده‌اند).

نقش پراهمیتی که الگوها در تربیت انسان‌ها و جوامع بشری دارند، سبب شده است که هم انسان‌ها و نهادهای نیک‌اندیش و هم انسان‌های بد و نهادهایی که در پی به تاراج بردن هستی انسان‌ها و جوامع

۱ - خواجه نصیرالدین طوسی (؟). اخلاق ناصری. به تصحیح مجتبی مینوی. ۱۳۶۵. تهران: خوارزمی.

۲ - هرگنهان، بی. آر. و السون، میتو، اچ. (؟). مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری. ترجمه علی‌اکبر سیف. چ ۱. ۱۳۹۶.

3 - Leonardo, J. (2017). When Adults Show Determination, Babies Copy. Massachusetts Institute of Technology, department of brain and cognitive sciences, Cambridge. *Science*, Sept. 22, 2017.

بشری هستند، متوجه الگوها شده، منطبق با خواست خود به پردازش الگوهای مطلوب طبع خویش اقدام کنند. بالطبع از آنجا که انسان‌ها و نهادهای بداندیش به صراحت نمی‌توانند با طرح الگوهای سیئه و ناپاک، دیگران را معطوف به خود کنند، می‌کوشند تا با پردازش الگوهایی به ظاهر ارزشمند و متعالی، انسان‌ها را با اتکاء به الگوهای به ظاهر جذاب، به سمت اهداف سوء خویش هدایت کرده و راهنمون سازند.

طبرسی در تفسیر مجمع البیان (؟، ترجمه محمد رازی، ۱۳۶۵)،^۱ در توضیح آیه ۲۳ از سوره نوح که ناظر بر مسأله الگوها است، به اشاره همین مسأله پرداخته است. به این معنا که طبرسی خاطر نشان می‌سازد، برخی از الگوها ممکن است دارای ویژگی‌های قابل توجهی باشند، اما در عمل انسان‌ها را به راه‌های نامناسبی سوق می‌دهند که اسباب سقوط و اضمحلال آنان و جوامعشان را فراهم می‌آورند. بررسی چگونگی پردازش الگوها در طول تاریخ بشر، بیانگر آن است که ورای الگوهای دینی که چند بعدی هستند، الگوهای عامی که در سطح جوامع بشری پردازش می‌شده‌اند، در ابتدا، تنها واجد یک ویژگی قابل ملاحظه بودند، مثلاً رستم کوهی از عضله بود، بارید و نکیسا، نوازندگی شگفتی داشتند، کلتوپترا از چهره زیبایی برخوردار بود و مانند آن‌ها. اما اهمیت تعیین کننده الگوها سبب شد تا بشر طی چند دهه اخیر، برای تحقق بیش از پیش اهدافش، رو به پردازش الگوهای فراگیرتر و قدرتمندتری بیاورد، از این رو با ادغام دو جریان ورزشی و هنری، در صدد پردازش الگوهایی دو بعدی برآمد. به عنوان مثال، آرنولد که چندین بار قهرمان پرورش اندام در سطح جهان شده بود، پا به عرصه هنر نهاد و در فیلم‌های سینمایی نقش آفرین واقع شد.

در موج جدید پردازش الگوها، به فرض اگر کسی علاقه‌مند به مسایل ورزشی بود، پای فیلم افرادی همچون آرنولد، استالونه، بروس لی و نظایر آن‌ها می‌نشست و فیلم آن‌ها را می‌دید و اگر کسی هم علاقه‌مند به هنر سینما بود، باز پای همان فیلم‌ها نشسته و به کاربری از همان فیلم‌ها می‌پرداخت. بررسی روند پردازش الگوها در حال حاضر بیانگر آن است که اهمیت وافر الگوها، سبب شده است که برخی از نهادها و جریان‌های اجتماعی در پی محقق کردن بیش از پیش اهداف خودشان، در صدد پردازش الگوهای چند بعدی برآیند. از همین رو، روند پردازش الگوها پس از تبدیل الگوهای یک بعدی به دو بعدی، از حالت اخیر به پردازش الگوهای چند بعدی سوق یافته و ارتقاء پیدا کرده‌اند. از جمله نهادهایی که در پردازش الگوهای چند بعدی موفق عمل کرده‌اند، می‌توان از کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت (کمپانی گروه کی‌پاپری بی‌تی‌اس) یاد کرد.^۲ این کمپانی در جریان شکل دادن به گروه خویش، از آغاز، پردازش الگوهایی چند بعدی را مدنظر قرار داده و عملی ساخته است.

۱ - طبرسی، ابوعلی افضل ابن الحسن (؟)، مجمع البیان. ترجمه حاج شیخ محمد رازی. ۱۳۶۵. ج ۲۵. تهران: فراهانی.

۲ - کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت، در سال ۲۰۱۰ گروه بی‌تی‌اس را شکل داد و پا به عرصه نهادن این گروه در سال ۲۰۱۳ تا به حال، گروه بی‌تی‌اس به موفقیت‌های قابل توجهی در سطح جهان دست یافته است.

کمپانی بیگ‌هیت در گام نخست برای شروع فعالیت خویش، پسرانی «زیبا رو» را برای تشکیل گروه خود گزینش کرد. افراد زیباروی اخیر، طی سال‌ها کارآموزی در زمینه‌های خوانندگی، رقص، رسانه، بازیگری و مانند آن، هم‌زمان با اجرای آهنگ‌های خویش، به نمایش «رقصی پرهیجان» نیز می‌پردازند که نمایش دشوار اخیر از عهده افراد عادی خارج است.

پسران بی‌تی‌اس علاوه بر اجراهای پرهیجان و باشکوهی که دارند، با ارایه آهنگ‌هایی که ناظر بر مسایل و مشکلات دوران جوانی و جوانی افراد است، خود را به صورت «مدافع جوانان» به نمایش کشیده و با دادن رهنمود در مورد عصیان علیه ارزش‌های نسل بزرگسال خود را به صورت «گروهی روشن فکر» تثبیت کرده و با ارایه رهنمود در مورد چگونه ادامه دادن و چگونه زیستن در جهان دشواری که جوانان را دربر گرفته است، با طرح حمایت تام خویش از جوانان، خود را به صورت «منجی جوانان» مطرح می‌سازند.

از سوی دیگر پسران گروه بی‌تی‌اس، هم‌زمان با تلاش در جهت ارایه تولیدهایی برای «پرکردن فراغ‌بال هواداران و سرگرم کردن آنان»، دست به «ایجاد روابطی عمیق با هواداران» زده، به فرض شعار می‌دهند: «اگر شما هیچ پناهی ندارید، ما در سؤال در اندیشه شما هستیم و شما می‌توانید ما را همواره پشتیبان و یاور خودتان ببینید».

اقدام‌های «نوعدوستانه و به ظاهر نعدوستانه» گروه بی‌تی‌اس از سویی و «فعالیت‌های اجتماعی - سیاسی» آنان از سوی دیگر، جذابیت‌های دیگری هستند که گروه کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت از آن

«مدیرعامل کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت، بانگ شی - هیوک با این اندیشه که جوانان امروز نیازمند قهرمانانی هستند که بدون آن که آنان را از موضع بالا موعظه کنند، تکیه‌گاه آنان قرار گرفته و دست به همراهی با آنان بزنند» (ویکی‌پدیا)، به گروه بی‌تی‌اس (که با نام بنگتن بویز نیز شناخته می‌شود)، شکل داد.

شوگا یکی از اعضای ۷ نفره گروه بی‌تی‌اس نیز در مصاحبه‌ای خاطرنشان می‌کرد، ما برای آن که با مخاطبان خودمان همدلی ایجاد کنیم، در صدد بیان داستان‌هایی برآمدیم که مردم تمایل به شنیدنشان داشتند، یعنی داستان‌هایی از عواطف و احساسات آنان و طرح اضطراب‌ها، نگرانی‌ها و دردهای مردم، چیزی که دیگران کمتر به طرح آن‌ها می‌پرداختند.

اندیشه‌های اخیر سبب شد، گروه بی‌تی‌اس، فضایی نسبتاً متفاوت از گروه‌های پاپ کره‌ای را رقم بزند و در این مسیر با استقبال داخل و خارجی گسترده‌ای روبرو شود.

«رتبه اول آهنگ خون، عرق و اشک در تمامی جداول کره جنوبی، رتبه اول آهنگ نقشه روح: ۷، در صدر جداول ۱۰۰ آهنگ داغ و جدول بیلبورد ۲۰۰، شکستن رکورد پربیننده‌ترین نمایش اولیه یوتیوب و شکستن بیش‌تر از ۱۰۰ میلیون بازدید آهنگ طی ۲۴ ساعت پس از انتشار و دریافت ۱۲ جایزه در جشنواره موسیقی بیلبورد، تنها قسمتی از دستاوردهای قابل توجه گروه بی‌تی‌اس به شمار می‌روند» (ویکی‌پدیا). تبدیل شدن اعضای گروه به الگوی بسیاری از نوجوانان و جوانان از دیگر دستاوردهای گروه بی‌تی‌اس کمپانی بیگ‌هیت است.

اما کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت و گروه بی‌تی‌اس آن، ورای دستاوردهای قابل توجه اخیر، از ابعاد ناشناخته‌ای نیز برخوردارند که مجموعه حاضر کوشیده است تا با مصاحبه میدانی با طرفداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس، از آن‌ها پرده بردارد و در کنار ارزیابی موفقیت‌های جهانی اخیر، اهداف آشکار و پنهان اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی - عقیدتی، روان‌شناختی و زیباشناختی کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت و گروه بی‌تی‌اس آن را عمیق‌تر واکاوی کند.

برخوردار است و در نهایت، پسران با پرهیز از ازدواج و یا حتی گذاشتن یک قرار ملاقات با جنس مخالف، به شکل غیرمستقیم خود را به صورت «عشق» و «همسر بالقوه مخاطبان دختر» خویش مطرح می‌سازند.

مجموعه آنچه از آن یاد شد، ستاره‌های گروه بی‌تی‌اس را به صورت الگوهای چند بعدی (زیبا، سرشار از هیجان، با صدایی زیبا، نودوست، با توجهات اجتماعی - سیاسی، روشنفکر، منجی جوانان و مانند آن) مطرح می‌سازد که شاید در طول پردازش الگوهای بشری، مشابه آن‌ها یافت نشود. بررسی شواهد میدانی در سطح هواداران گروه بی‌تی‌اس، حکایت از اثرگذاری فوق تصور این گروه بر مخاطبان خویش، خاصه هواداران مؤنث، دارد.

بررسی‌های مقدماتی پژوهشگر و دانشجویانش در زمینه شناخت اثرات گروه بی‌تی‌اس بر هوادارانش، بیانگر آن است که گاه تشکل‌های هواداری قدرتمندی در سطح طرفداران گروه بی‌تی‌اس شکل گرفته است که به فرض با عرضه ۸ ساعت ویدیوی سفر سالانه پسران بی‌تی‌اس (بن ویاژ) در فضای مجازی، تنها یک گروه ۳۰ نفره مترجم از یک تشکل هواداری، هم‌زمان تمامی شب روی ترجمه فیلم‌های پسران گروه کار می‌کنند و با اتمام ترجمه، محتوای تهیه شده را به دست ویراستاران گروه سپرده، می‌خواهند تا جمع ویراستارها نیز پس از ویرایش نهایی متن تهیه شده، آن را برای بارگذاری به دست جمع سوم تیمشان بسپارند و خودشان به استراحت پردازند و گروه بارگذاری نیز بلافاصله، با بارگذاری محتوای تهیه شده در فضای مجازی، آن را به دست خیل هواداران گروه بی‌تی‌اس می‌رساند. به همین ترتیب در موارد متعددی مشاهده شده است که برخی از هواداران، با نشر آهنگ‌های جدید بی‌تی‌اس، برای آن که آهنگ گروه مورد علاقه‌شان در سایت‌های مطرح موسیقیایی جهان، از رتبه بالایی برخوردار شود و یا جوایز انتخاب‌های مردمی را ببرند، «به شکل ۲۴ ساعته شروع به گوش کردن آهنگ مورد نظر کرده» یا «به کار رأی دادن پرداخته‌اند» تا به این ترتیب با افزایش دفعات کاربری از آهنگ مورد نظر، میزان آرای آن (استریمینگ) افزایش یافته، رتبه بالایی را در سایت‌های مطرحی مانند بیلبورد، اسپاتیفای و نظایر آن‌ها به دست بیاورند یا جوایز انتخاب‌های مردمی را از آن خود سازند.

یکی از دانشجویان نگارنده، در گزارش خویش خاطرنشان می‌ساخت، وقتی وی برای گردآوری داده‌های مورد نظرش، به یکی از دبیرستان‌های دخترانه مراجعه کرده بود، ملاحظه کرد، قریب به نیمی از دانش‌آموزان مدرسه گریه می‌کنند و وقتی وی با شگفتی جوپای این امر شده بود که آیا کسی از کادر آموزشی شما در گذشته است که شما این چنین بی‌تابی می‌کنید، دانش‌آموزان به وی پاسخ داده بودند که «نه، جین - یکی از پسران عضو بی‌تی‌اس - به سربازی رفته است!»

دختران زیادی در جریان مصاحبه‌هایشان اظهار می‌داشتند: «حاضرند جانشان را برای پسران گروه بدهند»، «در مواجهه با نفرت‌پراکنان گروه‌های رقیب، دچار حمله ترس (پنیک) شده‌اند»، «حاضر است کلیه‌اش را بفروشد و بهای آن را برای یک شب به سر بردن نزد جیمین، پردازد»، «سر این که فلان

آیدول (ستاره)، شوهر من است، با دیگر دانش‌آموزان به دعوا و مرافعه و گیس و گیس‌کشی در مدرسه پرداخته‌اند»، «سفرش تهیه داستان‌های هرزه‌نگار (فن‌فیکشن‌های اسامات) با محوریت خود و یکی از پسران گروه را به افرادی که از قلم‌گیری برخوردارند، داده‌اند»، «خانواده خودشان را تهدید کرده‌اند که آن‌ها را به کره جنوبی (موطن بی‌تی‌اس) بفرستند، وگرنه خودکشی خواهند کرد»، «دست به برگزاری گردهمایی (میتینگ)‌های بزرگ با حضور ادمین کانال‌های بی‌تی‌اس، ادمین صفحات بی‌تی‌اس، کلسیونرهای (کالکشنرهای) بی‌تی‌اس، داستان‌نویس‌ها (فن‌فیک یا فن‌فیکشن)‌های بی‌تی‌اس و هواداران (فن‌های) ساده، برای تجلیل از پسران گروه در ایران زده‌اند»، «دست به تمرین ۵-۶ ساعت رقص در روز می‌زنند تا حداقل به عنوان رقاصان پس‌صحنه اجرای بی‌تی‌اس پذیرفته شوند»، «با شنیدن شایعه رابطه ستاره مورد علاقه‌شان با یک دختر، به اندیشه خودکشی افتاده‌اند» و «به گونه‌ای حرف می‌زنند که انگار با ستاره مورد نظرشان ازدواج کرده‌اند» و یا حتی «داعیه باردار شدن از ستاره مورد نظرشان را دارند».

بررسی میدانی مقدماتی گروه پژوهش دلالت بر آن داشت که دانش‌آموزان قابل توجهی (حتی در مقطع دبستان) فراگیری خودآموز زبان کره‌ای را شروع کرده، برخی در حدی با این زبان آشنا شده‌اند که به راحتی متن‌های به زبان کره‌ای را ترجمه کرده و یا اصولاً صفحه اینستاگرامی خویش را با نوشتار کره‌ای اداره می‌کنند.

فروش بالای کتاب‌های آموزش زبان کره‌ای (پس از کتاب‌های زبان انگلیسی) در جامعه، شاهد مثال بارز دیگری در موفقیت گروه‌های کی‌پاپ و خاصه گروه بی‌تی‌اس در سطح نوجوانان و جوانان جامعه است و این در حالی است که وقتی دانش‌آموزان دبیرستانی، روی صفحه رایانه‌های مدرسه‌شان، تصویر اعضای ۷ نفره پسران گروه بی‌تی‌اس را می‌گذارند، اولیای آموزشی مدرسه یا آن‌ها را نمی‌شناسند و یا به سادگی از کنار علت و دلیل این امر، عبور می‌کنند.

مجموعه آنچه از آن یاد شد، نگارنده را بر آن داشت تا در جهت روشنگری در امر تحول‌های پدید آمده در پردازش الگوها در جهان معاصر اقدام کند که در پی این امر با همراهی دانشجویانش، به پژوهش در این جهت پرداخت.^۱

۱- درباره روش پژوهش حاضر باید بیان داشت که در این تحقیق، روش پژوهش، روش کیفی بوده است.

گاهی پژوهش‌گران حوزه‌های انسانی با مسأله‌ها و پرسش‌هایی رو به رو می‌شوند که امکان پاسخ‌گویی آن‌ها با کمک روش‌های معمول پژوهش میسر نیست. معمولاً در این پرسش‌ها مؤلفه‌ها و مفاهیمی وجود دارد که نمی‌توان به راحتی آن‌ها را تعریف کرد، یا سابقه‌ای از موارد مشابه آن‌ها در متون قبلی وجود ندارد و بر این اساس نمی‌توان فرضیه‌ای تدوین کرد و در نتیجه نمی‌توان به آزمون فرضیه پرداخت. پژوهش کیفی برای پاسخ به شرایط اخیر، مناسب‌ترین گزینه است.

اجرای پژوهش کیفی فرآیندی غیرخطی است و قسمت‌های مختلف آن بیش از آن که در پی یکدیگر قرار گیرند، در کنار هم قرار می‌گیرند. به تعبیر دیگر، در پژوهش کیفی هم‌زمان با گردآوری داده‌ها تحلیل نیز آغاز می‌شود و این فرآیند تا زمانی ادامه می‌یابد

روند تهیه مجموعه حاضر به این ترتیب بود که نگارنده، پس از آموزش مقدماتی روش کیفی داده بنیاد به دانشجویانش در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری، و پس از آرایه برخی از اطلاعات اولیه در مورد اهمیت الگوها و چگونگی پردازش الگوهای گروه بی‌تی‌اس توسط کمپانی بیگ‌هیت به دانشجویان، از آنان می‌خواست تا در برخورد با هواداران این گروه، دست به مصاحبه عمیق با آنان بزنند و دیدگاه‌های آنان در ارتباط با فراز و فرودهای کمپانی بیگ‌هیت، گروه بی‌تی‌اس و هواداران این گروه را جویا گردند.

که پژوهش‌گر به نقطه اشباع برسد. منظور از نقطه اشباع زمانی است که می‌توان از کیفیت و کفایت (بستگی) داده‌های گردآوری شده برای رسیدن به تحلیلی دقیق اطمینان یافت.

رویکرد پژوهش کیفی در این پژوهش روش داده‌بنیاد بود. روش داده‌بنیاد، روش مناسبی برای پژوهش در حوزه‌هایی است که دانش اندکی درباره آن‌ها در دسترس است.

نظریه‌پردازان نظریه داده‌بنیاد، سعی بر آن دارد که درکی از فرایندهای مرتبط با موضوع‌های بنیادی به وجود آورند. در همه پژوهش‌های کیفی محقق باید یافته‌های خود را که بیش‌تر جنبه تفسیری دارند، بدون تکیه بر روش‌های آماری، به نحو متقاعد کننده‌ای گزارش کنند.

معمولاً کتاب‌های روش تحقیق کیفی در مورد حجم نمونه مورد بررسی ارقام ۸، ۱۲ و یا ۲۰ مصاحبه کیفی عمیق را در مورد مسأله مورد بررسی پیشنهاد کرده‌اند که به زعم پژوهش‌گر، این ارقام به چند دلیل در ایران درست جواب نمی‌دهند.

دلیل نخست را می‌توان در تفاوت روند جامعه‌پذیری در غرب و در ایران خلاصه کرد، به این معنا که به نظر می‌رسد روند جامعه‌پذیری در ایران، روندی دشوار و بعضاً متناقض است، در حالی که در غرب چنین نیست. به عنوان مثال، آنچه خانه، مدرسه و جامعه (به عنوان مهم‌ترین نهادهای جامعه‌پذیر کننده) در ایران به کودک یا جوان القا می‌کنند، خط‌مشی‌هایی ناهمگون است. به تعبیر دیگر، در ایران اولیا از فرزند می‌خواهند، وی تنها به فکر بیرون کشیدن گلیم خویش از آب باشد، اولیای آموزشی در مدرسه به دانش‌آموز مستقیم و غیرمستقیم القا می‌کنند که وی باید ایثار، جهاد و شهادت را در دستور کار خود داشته باشد و سرانجام همین فرد در جامعه شاهد آن است که فساد اقتصادی در جامعه شکل نظام‌مند به خود گرفته و بسیاری از مسوولان و نزدیکان آنان در زمینه رانت‌خواری با یکدیگر مسابقه نهاده‌اند، از این رو روند جامعه‌پذیری در ایران با دشواری و تنگنا پیش رفته و محقق می‌گردد، در حالی که نهادهای خانه، مدرسه و جامعه (به عنوان مهم‌ترین نهادهای جامعه‌پذیر کننده) در غرب، در غالب موارد به گونه‌ای یک‌دست و هماهنگ عمل می‌کنند.

دلیل بعدی احتیاط در افزایش حجم نمونه در پژوهش‌های کیفی در ایران را باید در عدم حمایت مالی بسیاری از پژوهش‌ها در ایران دید. به این معنا که به فرض در غرب، پژوهش‌گر خود را موظف می‌داند، در برابر گرفتن وقت مصاحبه‌شونده، با پرداخت وجهی، قدردانی لازم را از همکاری و صرف وقت فرد مصاحبه شده انجام دهد، در حالی که این امکان در ایران، در غالب موارد میسر نیست و همین مسأله سبب می‌شود، مصاحبه‌شوندگان به ویژه در پژوهش‌های کیفی که مستلزم صرف وقت کافی است، حاضر به صرف وقت مناسب نشده، مصاحبه خود را زودتر از حد لازم به پایان برسانند. ترس سیاسی پاسخ دهندگان در محیط ایران - که البته در این پژوهش به میزان نسبتاً کمی مطرح بود- و بی‌حوصلگی، عدم تمرکز و پاسخ‌های بعضاً متعارض پاسخ دهندگان - که در پاسخ‌دهندگان کم سن، طبیعی است- از دیگر مشکلات پژوهش کیفی به شمار می‌روند.

مسائل اخیر سبب می‌شود، پژوهش‌گران ایرانی برای وقوف کامل به پدیده کیفی مورد نظر، آمار مصاحبه‌های عمیق خویش را افزایش دهند، همان‌گونه که در پژوهش حاضر، تعداد مصاحبه‌های مورد نظر برای گردآوری داده‌های تحقیق، بیش‌تر از موارد توصیه شده در کتاب‌های پژوهش کیفی در نظر گرفته شده است.

در پژوهش حاضر، مصاحبه‌های انجام شده از نمونه‌های در دسترس بهره جسته، اما در شهرهای مختلف ایران صورت پذیرفته است. شرط انجام مصاحبه نیز هواداری و شناخت کافی از گروه بی‌تی‌اس بود.

سازمان‌بندی اولیه پژوهش حاضر، شامل «بررسی ابعاد آشکار و پنهان کمپانی بیگ‌هیت (کمپانی مالک گروه بی‌تی‌اس)»، «بررسی ابعاد آشکار و پنهان گروه پسران بی‌تی‌اس» و «بررسی فراز و فرودهای هواداری از گروه بی‌تی‌اس» بود.

پس از گردآوری اطلاعات میدانی لازم، اطلاعات گردآمده، در دو زیر مجموعه ارایه گردیدند. زیر مجموعه نخست، شامل مصاحبه‌های انجام شده حول محورهای «بررسی فراز و فرودهای هواداری از گروه بی‌تی‌اس» (۲۳ مصاحبه)، «ابعاد آشکار و پنهان گروه بی‌تی‌اس» (۱۲ مصاحبه) و «ابعاد آشکار و پنهان کمپانی بیگ‌هیت» (۱۲ مصاحبه) بود که پس از درج کامل اظهارات دانش‌آموزان و دانشجویان^۱ مصاحبه شده، در یک بررسی کیفی مقدماتی با روش داده بنیاد، جمع‌بندی لازم در مورد موضوع پژوهش، صورت پذیرفته است.

در زیر مجموعه دوم، اولاً با توجه به فیش‌های گردآوری شده از تمامی مصاحبه‌های انجام شده (۴۷ مصاحبه عمیق انجام شده در پژوهش) و ثانیاً با تحلیل برخی از آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس و ثالثاً با استعانت از معدودی از پژوهش‌های انتقادی انجام شده در مورد گروه بی‌تی‌اس و برخی از منابع مربوط به تحول‌های نوجوانان و جوانان، موضوع‌های مورد نظر پژوهش، به شکل عمیق‌تری مورد بررسی قرار گرفتند و به این ترتیب کتاب‌های زیر مجموعه دوم، تدوین گردیدند. به تعبیر دیگر، زیر مجموعه نخست، بیش‌تر سنخ یک تحلیل داده بنیاد اصیل را دارد که بدون اتکاء به اطلاعات دیگر و صرفاً مبتنی بر یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های انجام شده، به ارایه جمع‌بندی لازم پرداخته است، اما در زیر مجموعه دوم، سنخ تحلیل کیفی انجام شده، بیش‌تر متمایل به روش کیفی سه سویه‌سازی است که در آن اطلاعات حاصل از جمعیت تحقیق، با اطلاعات حاصل از معدود اسناد و مدارک موجود و نظریات دیگر پژوهشگران در زمینه موضوع پژوهش، مورد بررسی و استفاده قرار گرفته اند

۱ - با توجه به سرعت تحولات اجتماعی از سویی و بی‌عنایتی به بررسی‌های پژوهشی در مورد مسایل انسانی - اجتماعی جامعه، در کلان نظام دانشگاهی و مؤسسات پژوهشی کشور، درج مصاحبه‌های انجام شده با جمعیت تحقیق، واجد این مزیت هست که ترسیمی هر چند نسبی از تحول‌های روانی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی - عقیدتی و سیاسی آنان را به دست می‌دهد و اگر چه نگارنده در انتهای کتاب‌های یاد شده، با اتکاء به همین مصاحبه‌ها، دست به جمع‌بندی‌های لازم زده و بر همان مبنای، به ارایه رهنمود اقدام ورزیده است، اما این مصاحبه‌ها می‌توانند به عنوان یک ماده خام، مورد استفاده سایر پژوهشگران انسانی - اجتماعی قرار گیرند. از این رو ارایه کامل مصاحبه‌های انجام شده، در برهوت تحقیقاتی ایران، به نظر می‌رسد، ابداع ارزشمندی باشد که به دیگر پژوهشگران مسایل روان‌شناختی و جامعه‌شناختی نوجوانان و جوانان در فهم بهتر تحول‌های نسل‌های جدید ایران، یاری خواهد رساند.

مجموعه حاضر شامل ۱۴ جلد کتاب است، عناوین کتاب‌های زیر مجموعه نخست به قرار زیرند:
- چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره کمپانی این گروه (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت) (۲ جلد)

- چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره اعضای این گروه (۲ جلد)
- چند مصاحبه با هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس درباره هواداران این گروه (۳ جلد)
عنوان‌های کتاب‌های زیر مجموعه دوم به شرح زیر است:
- بررسی اهداف آشکار و پنهان کمپانی گروه بی‌تی‌اس (کمپانی بیگ‌هیت اینترتینمنت) از منظر هواداران ایرانی (۲ جلد)

- بررسی اهداف آشکار و پنهان گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس از منظر هواداران ایرانی (۲ جلد)
- بررسی فراز و فرودهای هواداری از گروه بی‌تی‌اس از منظر هواداران ایرانی (۳ جلد).
اثر حاضر در سه جلد، شامل مقدمه و ۱۰ فصل تهیه شده است. عناوین فصل‌های کتاب به قرار زیرند:
در مقدمه کتاب، ضمن اشاره به روش‌شناسی پژوهش، دورنمایی کلی از مباحث مطرح شده در کتاب ارایه شده است.

فصل‌های بعدی کتاب که ماحصل جمع‌بندی ۴۷ مصاحبه عمیق انجام شده با هواداران گروه بی‌تی‌اس درباره اثرپذیری هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس در ابعاد مختلف روانی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، اخلاقی- عقیدتی، اقتصادی- سیاسی، هنری، زیباشناختی و خانوادگی از این گروه است.
جلد اول کتاب شامل مقدمه و فصل اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس (سردرگمی‌های نوجوانی، انگیزه بخشی، افزایش اعتماد به نفس، کمک به بهبود حال بد افراد، آرامش‌بخشی، شادی‌آفرینی، تعدیل اثرپذیری در گذر زمان، عشق تخیلی، تحقق برخورد مادرانه، ارضای هیجان‌جویی، پیشه کردن برخوردهای هیجان‌مدار، تخلیه روانی، اتلاف وقت، توهم‌زدگی، بازماندن در ابعاد عینی، کم اثر شدن تدریجی حساسیت‌ها، بروز خطاهای جدی شناختی، بروز برخی از اختلال‌های روانی، بی‌هویتی جنسی، وابستگی و اعتیاد به بی‌تی‌اس، سایر مسایل روان‌شناختی) است.

جلد دوم کتاب شامل فصل اثرهای اجتماعی هواداری از گروه بی‌تی‌اس (نقد محدودیت‌های داخل ایران، نقد ضعف‌های حرفه‌ای و اخلاقی سلبریتی‌های ایرانی، شروع هواداری از سنین پایین، پرداختن ستاره‌ها به مسایل جوانان، تعمیق رابطه ستاره‌ها با هواداران، چند بعدی و چند وجهی دیدن گروه و اعضای آن، تشویق به مهاجرت به کره جنوبی، دوست‌یابی حضوری و مجازی، نودوستی، جهانی شدن و جهانی اندیشیدن، الگوبرداری از ستاره‌ها، تحول‌های هویتی، تحول‌یابی روابط اجتماعی هواداران، احساس تعهد به حمایت از گروه، تلاش در جهت افزایش هواداران، تعصب ورزیدن در طرفداری، پیشه کردن برخوردهای هیجان‌مدار با افراد خودی و غیرخودی، نقد خط‌مشی‌های کمپانی گروه بی‌تی‌اس، سایر موارد اجتماعی) است.

جلد سوم کتاب شامل فصول اثرهای فرهنگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس (رشد گروه‌های کی‌پاپ در بسترسازی‌های فرهنگی اولیه کره، ارتقای موسیقی کی‌پاپ به صنعت سرگرمی، ارایه محتوا و سرگرمی‌های مورد علاقه نوجوانان و جوانان توسط گروه بی‌تی‌اس، تشویق طرفداران به خواندن و دیدن کتاب‌ها و فیلم‌های مختلف، علاقه به آشنایی با فرهنگ کره، اشاعه زبان کره‌ای در میان هواداران، استقبال از غذاهای کره‌ای، پذیرش محتواهای تهیه شده توسط هواداران، سایر موارد فرهنگی)، اثرهای آموزشی هواداری از گروه بی‌تی‌اس (آموزش فعال، ارتقای مهارت‌های فنی هواداران، کم توجهی به درس و افت تحصیلی، اطلاع رسانی‌های مختلف)، اثرهای اخلاقی - عقیدتی هواداری از گروه بی‌تی‌اس (دامن زدن به تسامح اخلاقی، اثرپذیری‌های اخلاقی - ارزشی، کم رنگ شدن ابعاد عقیدتی، سوق دادن هواداران به سمت پیوستن به جریان انقلاب جنسی، پذیرش اخلاق نسبی‌گرا، تحول‌آفرینی اخلاقی در محیط خانواده، تحول‌آفرینی در اخلاق فردی، اجتماعی و زیست‌محیطی برخی از هواداران)، اثرهای اقتصادی - سیاسی هواداری از گروه بی‌تی‌اس (همسویی گروه بی‌تی‌اس با نظام سرمایه‌داری، ترویج مصرف‌گرایی، نفوذ کانون قدرت در هنر، فعالیت سیاسی گروه بی‌تی‌اس، اخذ الگو برای حرفه آینده، صرف هزینه جهت هواداری از گروه بی‌تی‌اس، درآمدزایی برخی از هواداران بر مبنای تبلیغ برای بی‌تی‌اس)، اثرهای هنری هواداری از گروه بی‌تی‌اس (برتری کی‌پاپ بی‌تی‌اس نسبت به پاپ غربی، وجود محتواهای معنادار، پیچیده و معمایی در موزیک ویدیوهای بی‌تی‌اس، تنوع آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس، جذابیت بخشیدن به صحنه، جذابیت‌های جانبی گروه، توأم شدن موسیقی بی‌تی‌اس با رقص‌های بسیار دشوار و مهیج)، اثرهای زیباشناختی هواداری از گروه بی‌تی‌اس (جذابیت‌های ظاهری ستاره‌ها، الگوپردازی از ستاره‌های بی‌تی‌اس در زیبایی‌های ظاهری، الگوپردازی در زمینه مدهایی که پسران بی‌تی‌اس عرضه می‌کنند)، اثرهای خانوادگی هواداری از گروه بی‌تی‌اس (احساس یک خانواده بودن با ستاره‌ها، بروز برخی از اختلاف‌های خانوادگی در اثر هواداری از گروه بی‌تی‌اس، آسیب رسیدن به خانواده) است.

در خاتمه باید از دانشجویان محترم کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری که در امر پژوهش میدانی گسترده تحقیق، به نگارنده یاری رسانده و وی را رهین منت خویش کردند، سپاس‌گزاری داشته باشم. عزیزان همکار در تهیه مصاحبه‌های انجام شده عبارتند از:

آتنا رعیتی، آلا سیاحی، امیرحسین عمویی، پرنیان بحرینی، پریسا عزیزآبادی فراهانی، پویان عزتی - زاده، پیمان اصغری، ثمین مرادی، جواد بشردوست، حانیه یاسمن، درناز دشتی‌زاده، زهرا بزرگی، زهرا خجوی، زهرا قاضی زاهدی، زینب‌سادات موسوی، ساجده فرخی، ستاره ورزشی، سعید علوی، سینا هداوند، صدف سادات حقیقت‌زاده، عارفه جامه بزرگ، عسل یمینی، علی امینی، علی دراج، علی شهباز، فاطمه ایمانی، فاطمه رضانی، فاطمه سیادت، فاطمه قلی‌زاده، فاطمه کریمی‌زاده، فاطمه یاری‌سعدی، مایده طاهری، مایده واعظی، مبینا رهگشای، مجید طهماسبی، محمدحسین دستورانی، محمدکاظم

آذرکمان، مرضیه حمیدی، مرضیه دمرچی‌لو، مریم حسینی، مریم خوانساری، مریم فرشاد، مریم قربانی، معید مطهری، ملیکا ابراهیمی، مهتا شیردل، مهرگان نظام اسلامی، مهسا فرمانی، مهشید محمدلو، مهناز سرمستی، المیرا داودخانی، المیرا قاسمی، میرمحمد مشرقی، مینا مردای تبار، نرجس رحمتی، نسرین جعفری، نگین شهریاری و نیکا مهدی‌زاده.

زحمت تایپ کتاب نیز بر عهده خانم اکرم مظاهری بود که از ایشان نیز تشکر و قدردانی می‌گردد.
اجرشان مأجور باد.

۲- اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس

«آتیش، آتیش، آتیش، آتیش، وقتی توی اتاقم از خواب بیدار می‌شم، تا وقتی که خورشید غروب کنه، من توتلو می‌خورم، من کاملاً از خود بی‌خودم، توی خیابونا می‌چرخم و چرت و پرت می‌گم، من زندگی رو باختیم، مثل یه دیوونه‌ام. همه‌ی این‌ها یه آشوبه و همه چیزم بهم ریخته، مثل یه بووق زندگی می‌کنم، فقط همون طوری که خودت می‌خوای زندگی کن، زندگی تو مال خودته... من رو با بقیه مقایسه می‌کنی، فکر می‌کنی تو کی هستی که من رو مقایسه کنی؟»

مقایسه کردن رو تموم کن، من فقط منم! خب که چی؟

فقط همون طوری که خودت می‌خوای زندگی کن، زندگی تو مال خودته، خیلی سخت تلاش نکن، اشکالی نداره اگه ببازی، آتیش، تو هر قدمی که برمی‌داری، آتیش، بپر و دیوونه شو، همه‌اش رو آتیش بزن، بووو ووو ووو» (قسمتی از آهنگ آتش - فایر - بی‌تی‌اس).

هواداری از گروه‌های مختلف از جمله بی‌تی‌اس، واجد آثار مختلفی نظیر اثرهای روانی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی - عقیدتی، آموزشی، اقتصادی - سیاسی، زیباشناختی، هنری، سلامت و بهداشت و خانوادگی است که در این قسمت، بررسی اثرهای روانی (روان‌شناختی) هواداری از گروه بی‌تی‌اس، مدنظر قرار گرفته و مورد بحث قرار خواهد گرفت. عناوینی که در ذیل بررسی اثرهای روانی هواداری از پسران بی‌تی‌اس، در این قسمت مورد بررسی قرار خواهند گرفت، به ترتیب عبارتند از: سردرگمی‌های نوجوانی، انگیزه بخشی، افزایش اعتماد به نفس، کمک به بهبود حال بد افراد، آرامش بخشی، شادی - آفرینی، تعدیل اثرپذیری در گذر زمان، عشق تخیلی، تحقق برخورد مادرانه، رضای هیجان‌جویی، پیشه کردن برخوردهای هیجان‌مدار، تخلیه روانی، ائتلاف وقت، توهم‌زدگی، بازماندن در ابعاد عینی، کم اثر شدن تدریجی حساسیت‌ها، بروز خطاهای جدی شناختی (پرهیز از کسب اطلاعات جدید، عدم برخورد نقادانه با اطلاعات خویش، بزرگ‌نمایی، پیشه کردن برخوردهای عاطفی و هیجان‌مدار، توجیه کردن نادیده گرفتن تناقض‌ها، برخوردهای متعارض، اتکاء به منطق بسیار ضعیف، توسل به استنادهای ضعیف و متعارض، نیت‌خوانی، ارجاع مباحث به فرد ثالث، پیش گرفتن برخوردهای مفرط، خودفربیی، خودسانسوری، توهم‌زدگی، رؤیاپردازی، توسل به دروغ، تقدس‌گرایی، توسل به واکنش‌های نابخردانه، شکل‌گیری ادراک جهت‌دار)، بروز برخی از اختلال‌های روانی (اضطراب، درگیری ذهنی، احساس تحقیر شدگی، احساس سرخوردگی، حسادت، افسردگی، عصبی شدن، بدشکلی بدنی، از خود بیگانگی)، بی-هویتی جنسی، وابستگی و اعتیاد به بی‌تی‌اس، سایر مسایل روان‌شناختی (ارتقای تفکر انتقادی هواداران، پذیرش تولید هواداران، ایجاد امکانی برای فرافکنی و بروز نسبی ذهنیات ممنوعه افراد، به انحراف

کشیده شدن کنجکاوای فرد، پناه بردن به موسیقی به عنوان یک پناهگاه، وقوع پدیده اشباع، کاربری از آثار غالباً هرزه‌نگار، تحریک جنسی هواداران، بی‌توجهی به بهداشت روانی افراد).
در ادامه به بررسی عناوین پیش‌گفته، پرداخته خواهد شد.

۲-۱- سردرگمی‌های نوجوانی

سن نوجوانی سن بحرانی و پر تلاطمی برای نوجوان (و خانواده‌اش) به شمار می‌رود. نوجوان در عین آن که درگیر تحولات فیزیکی قابل توجه در سطح بدنش هست، درگیر تحول‌های شناختی، عاطفی، اجتماعی و عقیدتی نیز هست. مضاف بر همه این‌ها که اطلاعات پیشینی در مورد آن‌ها وجود داشته است، مطالعات جدید مبتنی بر تصویربرداری‌های مغزی از تحول‌های شدید مغز نوجوان در اوان بلوغ یاد می‌کنند.

مطالعات جدید اخیر دلالت بر آن دارند که به دلیل تفاوت در میلینی شدن و تکمیل سلول‌های عصبی مغز نوجوان در قسمت‌های شناختی و عاطفی و هیجانی وی، نوجوان مستعد بروز واکنش‌های هیجانی شدیدی است که مراکز شناختی به دلیل کامل نشدن، اثرگذاری جدی روی رفتارهای هیجانی اخیر را ندارند. مضاف بر این، به اوج رشد رسیدن قشر خاکستری مغز و هسته آکومبنس (که می‌توان آن را مترادف مرکز لذت مغز دانست)، سبب می‌شود، نوجوان لذت‌های مختلف را در اوج خودش تجربه کند، حال آن که به دلیل کاهش ضخامت قشر خاکستری مغز و خاصه هسته آکومبنس، تکرار اوج لذات نوجوانی در بزرگسالی فرد به همان شکل، امکان‌پذیر نیست.

آنچه از آن یاد شد، موجد افزایش رفتارهای ریسک‌پذیر و هیجانی در نوجوان خواهد شد و این در حالی است که به دلیل عدم شناخت تحول‌های مغزی نوجوان توسط اولیاء، وی از سوی آنان، به دلیل انجام رفتارهای اخیر، غالباً به چالش کشیده می‌شود.

مضاف بر آنچه از آن سخن رفت، تحول چرخه خواب در دوران نوجوانی عامل زیستی دیگری است که اسباب تکدر خاطر نسبی فرزند و اولیا را فراهم می‌آورد. به این معنا که در هنگامی که اولیاء به سبب افزایش ملاتونین (هورمون خواب) مغزشان نیاز به خواب یافته و به بستر می‌روند، کمی ملاتونین در مغز نوجوان، وی را بیدار نگه می‌دارد و در زمانی که زیادی ملاتونین در مغز نوجوان، وی را متمایل به ادامه خواب می‌کند، در آن زمان ملاتونینی در مغز اولیاء وجود ندارند و بنابراین آنان بیدار هستند، در نتیجه باز هم عدم فهم تحولات زیستی خاصی که در مغز نوجوان بروز می‌یابند، موجبات برخی از نقدهای دیگر در اولیاء نسبت به نوجوان را فراهم می‌آورند.

گذشته از تحول‌های مغزی و تحول چرخه خواب نوجوان، تحول‌های عاطفی و روانی نوجوان، ممکن است به درستی از سوی اولیاء فهم نشده، موجبات نقد و یا در سطحی فراتر درگیری اولیاء و نوجوان‌شان را فراهم آورد. به عنوان مثال، بسیاری از روان‌شناسان سن نوجوانی را سن نفی و انکار قلمداد می‌کنند،

مثلاً هانری والن با یاد کردن از سن نفی و انکار در دوره نوجوانی، بیان می‌دارد، نوجوان برای اثبات وجود خویش در برابر اولیاء، به نه گفتن می‌پردازد تا به این ترتیب در عمل به اولیای خویش نشان بدهد که اگر اولیاء تا اوان بلوغ، دست به امر و نهی به فرزندشان می‌زدند و وی از آنان تبعیت می‌کرد، اکنون فرزند دیگر از مرحله تبعیت و دیگرپیروی خود گذشته و به مرحله استقلال‌طلبی و خودپیروی خویش رسیده است و ضرورت دارد که برای تجربه ایستادن روی پای خودش، با نفی سیطره اولیاء بر خودش، به نوعی هویت مستقل خویش را تجربه کرده و رقم بزند.

منزوی شدن نسبی نوجوانان در اوان بلوغ، باز ممکن است موجبات درگیری اولیاء با نوجوان‌شان را فراهم آورد و اولیاء تصور کنند، علت انزوای فرزندشان، مثلاً عاشق شدن وی است! در حالی که در خود فرورفتگی و انزوای نوجوان در واقع فرصتی برای تأمل درونی برای او فراهم می‌آورد که ببیند به عنوان یک شهروند زن و یا مرد، در آینده‌ای نزدیک در جامعه‌اش، باید از چه ارزش‌هایی برخوردار باشد.

استقلال‌طلبی نوجوان در عین هیجان‌جویی‌های وی، علاقه نوجوان و جوان به مراد به با جنس مخالف، اهمیت یافتن گروه همسالان برای نوجوان و تحقق از شیر گرفتگی روانی (به معنای گسستن نسبی از خانواده و ارزش‌های آن و ورود به جمع همسالان)، هر یک به سهم خود ممکن است قضاوت بدبینانه اولیاء نسبت به نوجوان‌شان را دامن بزنند و مجموعه این عدم فهم‌ها و قضاوت‌های زود هنگام روابط اولیاء با فرزندشان را مخدوش و دچار بحران سازد.

مضاف بر موارد یاد شده، مواجهه نوجوان با فضای مجازی و برخورد وی با ویتترین زندگی بسیاری از افراد در شبکه‌های اجتماعی نظیر اینستاگرام، نوجوان را با واقعیات اغراق شده‌ای مواجه می‌سازد که نوجوان به دلیل کم تجربگی خود، ممکن است آن‌ها را منطبق با واقع تصور کند و از سوی دیگر، چون نوجوان مشابه آن موارد را در زندگی خویش نمی‌یابد (نظیر صبحانه خوردن در یک رستوران لاکچری، صرف ناهار در یک رستوران لاکچری دیگری، شرکت در یک میهمانی پرشکوه در شب همان روز، رفتن به سفرهای خارجی، تهیه البسه و پوشاک برند و نظایر آن‌ها)، تکدر خاطری را در خویش احساس می‌کند که قسمت‌هایی از این تکدر خاطر ممکن است در خانواده نیز مطرح شده و اسباب سردی و یا در سطحی بالاتر، محکوم کردن اولیاء را به دلیل عدم تهیه امکانات پیش‌گفته برای نوجوان فراهم آورد. مضاف بر آن چه از آن یاد شد، نوجوان در بدو ورود به جامعه به سبب آن که از منظر نظریه پیازه در سن آرمان‌گرایی خویش است و به تعبیری مسیحایی شدن را تجربه می‌کند، با ملاحظه شکاف طبقاتی، رانت‌خواری بسیاری از مسوولان و اقربای آنان، فساد اقتصادی و نظایر آن، ممکن است سرخورده شده و به خشم درآید.

علاوه بر این، نوجوان در بدو ورود به جامعه، با ارزش‌های اجتماعی (نظیر ضرورت جذابیت بدنی افراد، خاصه زنان) مواجه می‌شود و به سبب آن که همه دختران جذابیت و زیبایی مورد نظر جامعه را در

دوران بلوغ خویش به دست نمی‌آورند، این مسأله اسباب نگرانی و کاهش اعتماد به نفس قشر جوان، به ویژه دختران را فراهم می‌آورد.

مجموعه آنچه که به اجمال از آن یاد شد، نوجوان را بدانجا سوق می‌دهد که به سبب اختلاف‌هایی که بین خود و اولیاء، اولیای آموزشی و اولیای اجتماعی خودش (و حتی دیگر کشورهای جهان) می‌بیند، احساس سردرگمی و حتی یأس کند.

یادداشت زیر، متعلق به نوجوانی است که سفره دل را باز کرده و از ناراحتی‌ها، یأس‌ها و اندوه خویش در مواجهه با دنیایی که آن را مطلوب نمی‌بیند، یاد کرده است:

«شاید

سلام، شاید شما از خواندن متن خسته کننده من واقعاً خسته بشوید. شاید هم خواندن این مطلب برایتان سرگرم کننده باشد. شاید اگر روزی من دفتر سینه‌ام را باز کنم، شما متوجه بشوید که من از بزم هستی جدا مانده‌ام و تنها کمک شما به من این خواهد بود که از فرسنگ‌ها فاصله مرا بنگرید و همین و بس. شاید اگر روزی قیامت قیام کند، من به یک‌باره از عمر حاشا کنم. شاید اگر آتش بودم، جهان بدی و گناه را آتش می‌زدم. شاید اگر ابر بودم، با گریه غوغا می‌کردم.

شاید یک روز، یک آشنا با احساس هم‌دردی دست مرا بگیرد و از حال دل بیمارم بپرسد و نگذارد در سینه این دل خسته من بمیرد و آخ که آن روز برای من چه قدر شیرین خواهد بود، زیرا زندگی دوباره و آخرین انتظار من آن روز خواهد بود و اکنون ده‌ها غم‌نامه‌ای را که نوشته‌ام در کشوی کمد خودم می‌گذارم، به امید این که شاید یک روز فریادرسی از غیب بیاید و وقتی که من خوابیده‌ام، آهسته و آرام و در تاریکی این صفحات را بخواند و به خاطر غربت و دل‌شکستگی‌ها و درماندگی‌های من اشگ بریزد. زیرا زمانی که به گذشته خویش می‌نگرم، به هر صفحه‌ای از آن نگاه می‌کنم، به جز غروب محبت و انسانیت در زندگی چیزی نمی‌بینم، اما به آینده به این امید می‌نگرم که شاید در آینده‌ام طلوع دوباره‌ای باشد... اما افسوس و هزار افسوس.

اگر می‌توانستم دست آویزی را در هر نقطه از آسمان درست می‌کردم که وقتی کسی به معنای واقعی از زندگی و زمینی و اهل ریاکار زمین ناامید شد و برای یافتن دستگیری دستش را بلند کرد، هوای خالی را چنگ نزنند و آخ که چه قدر سخت است، زمانی که دلت از همه می‌شکند و دلت از دنیای خاکی می‌گیرد و فکر می‌کنی که فرشتگان در آسمان کمکت خواهند کرد، ولی وقتی فقط هوای خالی زیر پایت و بالای سرت بود، می‌فهمی که چه قدر دنیا پوچ است. نمی‌دانم تا به حال شده است که خودتان را گم کنید یا نه؟

و دیگر خودتان را پیدا نکنید؟

اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۲۳

ولی من روزی در نقطه‌ای ایستادم و دیگر در آن لحظه بود که متوجه شدم که چه قدر تنها هستم و حس می‌کردم که حالا باید در جاده‌های دور افتاده و صعب‌العبور زندگی به دنبال خودم بگردم و خودم را پیدا کنم.

ممکن است شما فکر کنید که من یک فرد خیال‌بافم، ولی بگذارید بگویم من تا به حال خیال‌بافی نکرده‌ام، چون اگر خیال می‌بافتم، به این روز نمی‌افتادم و با خیال‌بافی‌های خودم، سرگرم می‌شدم و ای کاش که قدرت چنین کاری را داشتم.

ای کاش که یک فرد خیال‌باف و تخیلی بودم.

و ای کاش که اصلاً در دنیا واقعیتی وجود نداشت، زیرا هر بلایی که بر سر انسان‌ها نازل می‌شود، از دنیای حقیقت و واقعیت‌های تلخ است. ای کاش این قلب در سینه من نبود و کاش قلبم آهنین بود و آرزو می‌کردم، ای کاش درد بزرگی که از ابتدای موجودیت من با من همراه و همزاد بود، وجود نمی‌داشت. ای کاش بهاری به وجود نمی‌آمد تا خزانی به دنبال داشته باشد و ای کاش طراوتی نمی‌بود تا پژمردگی هم نباشد، ای کاش در زندگی شیرینی نداشتیم تا تلخی نبینیم، ای کاش کامروایی نبود تا ناکامی نیز نباشد و ای کاش نخستین سخن هر کس، معادل با آخرین حرفش بود.

ای کاش شب‌های بی‌شمار، سوختن شمع را در ظلمت و تاریکی نمی‌دیدم، و ای کاش هیچ وقت احساس نمی‌کردم که مانند شمع می‌سوزم و ای کاش که من یک شمع بودم و هر شب تا سحر می‌سوختم و دیگر خلاص می‌شدم. چون به هر حال سوختن آرام و آهسته شمع، از سوختن و مرگ تدریجی قلبم بهتر است، زیرا شمع با مرگ خویش تاریکی‌ها را روشن می‌کند، ولی قلب من فقط در خودش و با غم‌های خودش و تنها با خودش می‌سوزد، ای کاش اصولاً بلبلی سرگشته گلی نمی‌شد و ای کاش سمبل گل و بلبل و پروانه و شمع، نمودی بر عشق‌های ظاهری و زود گذر ظاهر فریبان نمی‌شد، ای کاش من می‌توانستم ساعت‌ها فکر کنم و ای کاش به من اجازه می‌دادند و مرا به حال خودم می‌گذاشتند تا روزها، بلکه هفته‌ها می‌توانستم فکر کنم، شاید بتوانم مسیر خودم را و سرنوشت گم‌گشته خودم را انتخاب کنم.

ای کاش انسان‌ها همان‌گونه که به از بین رفتن چیزهای بی‌ارزش و امور دنیوی توجه می‌کنند، به دیگرانی که مرده متحرک اند نیز اندکی توجه کنند، ای کاش هم‌زادی داشتیم، هم‌فکر و هم‌شکل و هم عقیده خودم که هم‌درد و هم‌دل و هم صحبت من باشد تا ساعت‌ها می‌نشستیم و دردهای خودمان را برای هم می‌گفتیم و هر دو برای بدبختی‌ها و درماندگی‌ها و شوربختی یکدیگر، اشک می‌ریختیم.

ای کاش غروب آفتاب ساعت‌های طولانی به درازا می‌انجامید تا من می‌توانستم واقعاً مسیر آن را تماشا کنم. ای کاش می‌توانستم ساعت‌ها گریه کنم، بلکه طلسم غم عظیمی که در دلم دارم برای یک‌بار هم که شده بشکند و ای کاش من می‌توانستم و قدرت این را داشتم که این ای کاش‌ها را از بین ببرم و ای کاش نباشد که من عقده‌ای برای رسیدن به این کاش‌ها نداشتیم.

من اگر می‌توانستم با تمام کسانی که خودکشی کرده‌اند، صحبت کنم و انگیزه خودکشی آن‌ها را بپرسم، آن گاه کتاب‌ها درباره قایق‌های شکسته احساس می‌نوشتم و به انسان‌های ظاهربین، ثابت می‌کردم که اگر خلاقی، گناهی، نافرمانی و اگر شکستن قانونی پیش می‌آید، همه بازتاب اعمال بد دور از انسانیت آن‌ها است. اگر می‌توانستم دلم را می‌پاشیدم تا احساس سبکی کنم و بغضی که مدت‌ها است بیخ گلویم را گرفته، من را رها کند.

اگر می‌توانستم سنگ صبورهایی را می‌ساختم که همه بتوانند در منزل‌شان یکی از آن‌ها را داشته باشند و درد دل‌شان را برای آن بگویند. اگر قدرت داشتم و می‌توانستم بر تمامی غم‌ها غلبه کنم و ناراحتی‌ها را از پیش پای تمامی انسان‌ها بردارم. آن وقت احساس می‌کردم که اندکی از شوریدگی‌ام کاسته خواهد شد، ولی افسوس که بر من غم‌ها تسلط کامل دارند.

آری، هر سواری گم شود اندر غبار خویشتن
آن غبارم من که گم کردم سوار خویشتن
باید از خون جگر گلگون کنم طومارها
تا بگویم قصه‌ای از روزگار خویشتن».

بروز تحول‌های مغزی در نوجوانان از سویی و تحقق تحول‌های فیزیکی، شناختی، عاطفی، اجتماعی، فرهنگی و عقیدتی که نوجوان در کوران بلوغ زیستی خود به تجربه آن‌ها می‌پردازد، از سوی دیگر، در مجموع شرایط بغرنجی را برای غالب نوجوانان پدید می‌آورند.

علاوه بر آن چه جوان را به سمت شرایط بی‌ثبات و نامتعادل سوق می‌دهد، غالب اولیاء نیز به دلیل نشناختن تحول‌های پیش‌گفته (خاصه تحول‌های مغزی نوجوان خودشان)، غالباً وارد نوعی از چالش و درگیری با جوان‌شان می‌گردند که بحران نوجوانی را تشدید و مضاعف می‌کند.

در این میان اگر فرد یا گروهی به دفاع و حمایت از نوجوانان برخیزد و منادی احترام، عزت و شخصیت دادن به آن‌ها باشد و آنان را انسان‌های موفق فردا معرفی کند، بالطبع به شدت مورد توجه نوجوانی قرار می‌گیرد که به دلیل عدم فهم درست تحول‌های مختلف نوجوانی از سوی اولیاء، اولیای آموزشی و اولیای جامعه، غالباً با دیده تردید و نفی و انکار نگریسته می‌شود.

کمپانی بیگ هیت با توجه به سردرگمی اخیر که نوجوانان و جوانان غالب نقاط جهان با آن روبرو هستند، وظیفه انگیزه دادن، امیدبخشی و حمایت از نوجوانان و جوانان را به گروه موسیقی بی‌تی‌اس خود داد تا ضمن حمایت از این قشر گسترده اجتماعی، در عمل خودشان را نیز به عنوان سردمداران رهبری جوانان قرار داده و معرفی کنند تا در ادامه به عرضه ایدئولوژی خودش به نوجوانان و جوانان اقدام ورزد.

اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۲۵

بررسی اظهارنظرهای جمعیت مورد بررسی، دلالت بر آن دارد که غالب هواداران گروه بی‌تی‌اس، دقیقاً از سنین بحرانی نوجوانی خویش، با گروه پسران بی‌تی‌اس آشنا شده و از آن به عنوان ملجاء و پناه دوران بی‌پناهی خود یاد کرده اند.

مسعود ۲۰ ساله، در مصاحبه‌اش، سن استقبال از گروه بی‌تی‌اس را ۱۴-۱۳ سالگی اعلان داشته است. فرشته ۱۸ ساله در بیان‌اتش خاطرنشان می‌سازد، وی از ۱۳ سالگی با پسران بی‌تی‌اس آشنا شد و آنان، دنیای تین‌ایجری قشنگی را برای وی رقم زده اند. دیبای ۱۵ ساله نیز یادآور شده است، زمانی که جوان درگیر مشکلاتی نظیر این که چرا چهره من این‌گونه هست یا قد و پوست من آن‌گونه نیست، گروه بی‌تی‌اس ظاهر شده و با دلالت‌های خویش آنان را به آرامش و امید یافتن دعوت می‌کند:

«- مسعود به نظرت بیش‌تر چه رده سنی هوادار گروه بی‌تی‌اس هست؟

تا اون جا که من دیدم در بین دوستانم بیش‌تر نوجوانان سیزده، چهارده ساله تا بیست و پنج ساله.

- هوادار بیست و پنج ساله به بالاتر نیست؟

نه که نباشه، هوادار بیست و پنج ساله به بالاتر کم‌تر هست. بیش‌تر اوج هواداری در دوران راهنمایی و دبیرستان هست. سن هواداران که از بیست و پنج به بالاتر می‌ره، به خاطر مسایل مهم‌تری مثل ازدواج و ادامه تحصیل و پیدا کردن شغل مناسب یا هواداری شون کم رنگ‌تر می‌شه یا از ادامه هواداری منصرف می‌شن».

«- خوب فرشته به نظرت شیفتگی تو به کی‌پاپ از چه زمانی جدی‌تر شد؟

از همون سن ۱۳ سالگی، تابستون بود و قطعاً تفریح خاصی نداشتیم و چی بهتر از یک دنیای جدید و کامل و قشنگ و تینیجری».

«- مخاطب‌های بی‌تی‌اس معمولاً توی چه دامنه سنی هستن؟

بیش‌تر به نظرم از ۱۲، ۱۳ سال یعنی همون سن نوجوونی شروع می‌شه، چون که بچه‌ها تازه دارن وارد فضای مجازی می‌شن و با موضوعات جدید آشنا می‌شن و خب ممکنه با بی‌تی‌اس و کی‌پاپ هم آشنایی پیدا کنن و براشون جذاب باشه.

دلیل این که توی سن نوجوونی هم جذب می‌شن، به نظرم اینه که آدم توی اون سن خیلی از خودش ایراد می‌گیره و با شناخت خودش درگیره و دایم با خودش می‌گه که وای چرا من این جوریم؟ و چرا قیافه‌ام این شکلیه؟ به همین دلیل به نظرم توی اون سن بیش‌تر با کی‌پاپ می‌شه انس گرفت».

سمانه ۱۷ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، یادآور می‌شود، جوانان سردرگم در مواجهه با شعار «خودت را دوست داشته باش» گروه بی‌تی‌اس، ناگهان به ارزش وجودی خویش پی برده، مقاومت فزون‌تری در برابر ناملایمات در خود احساس می‌کنند.

شب‌نم ۲۵ ساله نیز با تکرار مباحث مشابه، از اثر مثبت شعار اخیر روی خودش یاد کرده است:

«- بازه سنی طرفداری این گروه چند سال هست؟

امم... خب می‌شه گفت از ۱۲ یا ۱۳ سال شروع می‌شه و تا ۲۰ یا ۲۲ سال، یعنی اکثراً در دوران نوجوانی هستند.

- بعد چه جور روی این گروه از افراد اثر می‌گذارن؟

خب آهنگای انگیزشی و هیجانی دارن کلاً البته آروم هم دارن، ولی اکثرشون اون جوریه که خب به نظرم تأثیر دو برابر می‌ذاره رو نوجوان که شور و حالش بالا هست و دنبال چنین آهنگاییه که هیجان خودش رو تخلیه کنه، جملاتی مثل خودت رو دوست داشته باش، خودت مثلاً مهمی و اینا هم هی می‌گن. اصن شعارشون اینا شده».

«- شبنم علاقه به بی‌تی‌اس از لحاظ ظاهری چه تأثیری روی شما داشته؟

خب من از بچگی چاق بودم و اضافه وزن داشتم و خیلی مواقع هم بابتش خجالت کشیدم و به خصوص توی مدرسه بابتش مسخره می‌شدم و اینا. اولش هم که با فیلمای کره‌ای و تیپ و لاغری هنرمندای دختر مواجه شدم، شاید احساس خجالت می‌کردم و چندباری هم سعی کردم که با گرفتن رژیم و ورزش تغییری ایجاد کنم. اما خب ادامه نداشت و وسطش ول می‌کردم.

ولی بعد کم‌کم وقتی با همون مفاهیمی که پسر می‌گفتند، مثل خودت را دوست داشته باش، آشنا شدم دیگه، این مسأله چاقیم برام خیلی اهمیتی نداشت. اولاً که توی ویدیوهای طرفدارا می‌دیدم که خیلیا که ویدیوی رقص درست می‌کردن، چه گروهی و چه تنهایی، چاق هستن و با این موضوع مشکلی ندارن. از طرف دیگه هم پیام بی‌تی‌اس توی آهنگاشون همین بود که خودت رو هر طور که هستی بپذیر».



برخی از هواداران، از ویژگی‌های دیگری در گروه بی‌تی‌اس یاد کرده اند که این ویژگی‌ها برای آنان راهگشا واقع شده اند.

ریحانه ۲۱ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، خاطر نشان می‌سازد، جوانانی که در خانه و جامعه به دلایل مختلف سرکوب می‌شدند، در گروه بی‌تی‌اس که بدون هیچ قضاوت و توهینی با آنان برخورد می‌کرد، می‌توانستند خودشان باشند. احسان ۱۷ ساله نیز با اشاره به تفاوت دو جنس در بسیاری از خانواده‌ها، شعار تساوی دو جنس بی‌تی‌اس را که مانع از احساس خودکم بینی و خسران جنس مؤنث می‌شد،

اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۲۷

ارزشمند ارزیابی می‌کند، به همین ترتیب ریحانه ۱۵ ساله، در مصاحبه خودش با اشاره به این که بی‌تی‌اس به وی و دوستانش جرأت و جسارت مقابله با مشکلات را داده است و احساس مستقل بودن را برای آن‌ها امری در دسترس ترسیم می‌کند، از این مسأله با دیده رضایت یاد می‌کند:

«... در حالی که در غرب، بیش‌تر روی محتویات جنسی و سطحی کار می‌کنند، در کی‌پاپ آثار زیادی را با موضوعات روان‌شناختی، فلسفی و اجتماعی می‌توان دید (البته در کی‌پاپ هم آثاری با محتویات جنسی و سطحی وجود دارند).

بی‌تی‌اس از همان اوایل شروع به کار خودش، آثاری در نقد به دولت کره و آموزش و پرورشش در مدارس داشت. در ادامه به تدریج شروع به ساختن یک دنیای ساختگی کرد تا داستان‌هایی را به نمایش بگذارد. داستان‌هایی در مورد نوجوانانی که مشکلات زیادی در دوران بلوغ داشتند و در متن آهنگ‌هایشان از تجربیات نوجوانی خودشان می‌گفتند. مشکلاتی که شاید طرفداران‌شان هم داشته باشند.

نوجوانانی که در جامعه و خانواده به هر دلیلی سرکوب می‌شدند، کسانی را پیدا کرده بودند که به آن‌ها در مورد دوست داشتن خود یاد می‌داد. از آن‌ها می‌خواست در مورد خودشان صحبت کنند و داستان‌شان را بازگو کنند. بدون توجه به این که از چه نژاد، رنگ، کشور و جنسیتی هستند.^۱ پس نوجوانان مکان امن خود را در بی‌تی‌اس (و دیگر گروه‌ها) پیدا کرده بودند. جایی که بدون هیچ قضاوت و توهینی، می‌توانستند خود واقعی‌شان باشند.

اما کی‌پاپ در کنار این خوبی‌ها، بدی‌هایی هم دارد. مشکلاتی مانند دعوا، فن‌فیک‌هایی^۲ با محتویات سطحی و جنسی (قطعاً فن‌فیک‌های خوبی هم وجود دارد)، طرفداری افراطی، شیپ^۳ کردن افراطی، الگوهای نامناسب گرفتن و مانند آن.»

«- به نظرت چرا این قدر گروه بی‌تی‌اس روی این شعار مانور می‌ده؟»

به خاطر این که گروه بی‌تی‌اس به کشور کره‌ای است و مردم کره و بیش‌تر کشورهای آسیایی دارای تفکرات تبعیض جنسیتی هستند. این افکار از داخل خانواده‌ها شکل می‌گیره و سپس در اجتماع خودش رو نشون می‌ده. بیش‌تر خانواده‌ها فرزندان پسر خود رو بیش‌تر دوست دارند و در بین اقوام و فامیل با

۱ - اشاره به سخنرانی کیم نامجون عضو بی‌تی‌اس که در سال ۲۰۱۸ بیان شد.

۲ - فن‌فیکشن یا فن‌فیکشن (به‌طور خلاصه فن‌فیک، فن‌فیک یا فیک، Fan fiction)، داستانی تخیلی است که توسط طرفداران یک کتاب، مجموعه تلویزیونی، فیلم، گروه موسیقی، ورزشکاران و... نوشته می‌شود. نویسندگان این داستان‌ها با الهام از شخصیت‌ها و ساختار داستان‌های نویسندگان اصلی، حکایت جدیدی را در قالبی نو پی‌ریزی می‌کنند. این مجموعه‌ها معمولاً به‌طور رسمی منتشر نمی‌شوند و در ابتدا تنها در مجلات طرفداران جای می‌گرفتند. اما امروزه همچون دیگر فعالیت‌های هواداران به سادگی قابل دست‌یابی در اینترنت هستند.

۳ - شیپ کردن، یعنی فردی تصور می‌کند، دو نفر می‌توانند در رابطه با هم باشند و زوج ایده‌آلی را تشکیل می‌دهند و آن‌ها را اصطلاحاً باهم مرتبط می‌کند. شیپ کردن‌های اخیر از برقراری روابط دوستانه گرفته تا روابط جنسی، گسترده است.

داشتن پسران بیش‌تر خود، احساس افتخار می‌کرده‌اند. همیشه والدین پسران خود رو تشویق می‌کردند و کم‌تر خانواده‌ای بوده که به داشتن دخترش افتخار کند و یا او رو تشویق کنه. برای همین بی‌تی‌اس این اختلاف‌ها رو در میان جوامع آسیایی دید و با تفکر برابری انسان‌ها به مبارزه با آن پرداخت.»

– ازدواج نمی‌کنن؟

نه دیگه، یه چیزی می‌گم به مامانم نگی‌ها، بین خودمونم بمونه، ولی یه جا خوندم که اونا ازدواج نمی‌کنن، چون همجنس‌گران، یعنی نمی‌دونم دقیق چه جوریه، ولی مثلاً با اعضای خودشونم رابطه عاشقانه دارن، تو بعضی کلیپاشون یا فن‌فیکیشن‌هاشون هست. انگار بعضی‌هاشون باهم رابطه عشقی دارن، مث زوج‌ها باهم صمیمی هستن، شاید با همونا هم ازدواج می‌کنن، نمی‌دونم. یا فن‌فیکیشن‌هایی که براشون می‌سازن نشون دهنده این رابطه‌ها هست پس حتماً یه چیزی هست دیگه، ولی در کل نباید ازدواج کنن، چون خلاف قوانین بی‌تی‌اسه.

– خوب این جوریه احساس و عشق‌شون نسبت به جنس مخالف چی می‌شه؟

اون احساس رو نسبت به بقیه اعضا و آیدول‌ها دارن. این جوریه می‌تونن عشق و محبت رو هم انتقال بدن و دریافت کنن. می‌شه گفت جایگزینیه برای این که ازدواج نکنن.

– یعنی به نظرت این می‌تونه احساس یه آدم نسبت به جنس مخالف رو جبران کنه؟

خب شاید نه صد درصد، ولی این جز قوانین بی‌تی‌اسه. همون طور که گفتیم اون‌ها همه قوانین رو پذیرفتن و باهاش کنار اومدن.



– با این توصیفات به نظرت چرا دخترها این قدر بی‌تی‌اس رو دوست دارن؟

بین خب تو نگاه اول شاید ظاهرشون باشه، اما به نظر من چیزای دیگه هم هست.

– مثلاً چه چیزهایی؟

دخترایی مثل من دغدغه‌شون اینه که خودشون برا خودشون تصمیم بگیرن، انقدر وابسته به بقیه نباشن و... می‌دونی به نظرم بی‌تی‌اس بهمون جرأت می‌ده که قوی باشیم و دخترا بتونن مستقل باشن.

بعدم این که همه آدمای مهربون و دلسوز رو دوست دارن، بی‌تی‌اس هم خیلی مهربون هستن و دلسوز و هوای جوون‌ها رو دارن».

با اوصافی که گذشت، پسران بی‌تی‌اس با امیدبخشی، انگیزه دادن، طرح این که آینده متعلق به نوجوانان و جوانان است و آن‌ها تحول‌آفرینان جامعه آینده خواهند بود، با تزریق امید به نوجوانان و جوانان، به میزان قابل توجهی از این مزیت برخوردار می‌گردد که از سردرگمی قشر جوانان در برخورد با خانواده، مدرسه و جامعه کاسته و متقابلاً خودشان را به عنوان گروهی متمایز از دیگر گروه‌های کی‌پاپ و پاپ که توجه چندانی به مقوله مشکلات نوجوانان و جوانان ندارند، مطرح سازند.

۲-۲- انگیزه بخشی

نوجوان و جوانی که از سویی درگیر تحول‌های مغزی و از سوی دیگر درگیر تحول‌های فیزیکی، شناختی، عاطفی، اجتماعی، فرهنگی و عقیدتی است، در عمل خود را با ناهماهنگی‌ها و تعارض‌های زیادی مواجه می‌بیند که همین موارد احساس بحرانی بودن شرایط را برای وی تداعی می‌کنند.

از سوی دیگر نوجوان و جوانی که غالباً بهره‌چندانی از تجربیات اجتماعی با خود ندارند، در مواجهه با حجم عظیم ناهماهنگی‌ها و تعارض‌هایی که فراروی وی قرار دارند، ممکن است به سادگی خود را بیازد و خسران و شکست را سرانجام آینده محتوم خویش ببیند.

در شرایط پیش‌گفته، اگر فرد یا گروهی پا به میدان نهاده و با امید و انگیزه دادن به نوجوان و جوان، او را تشویق به ستیز برای رفع مشکلات فرارویش کند، بالطبع به شکل عمیقی مورد توجه نوجوان و جوان واقع شده، الگوبرداری از وی در دستور کار او قرار خواهد گرفت.

بررسی مصاحبه‌های انجام شده با نوجوانان و جوانان مصاحبه شده، دلالت بر آن دارند که هواداران گروه بی‌تی‌اس از سه طریق، اثرپذیری از سخت‌کوشی اعضای گروه، اثرپذیری غیرمستقیم از طریق مفاهیم القاء شده در آهنگ‌های بی‌تی‌اس و اثرپذیری مستقیم از بیانات اعضای گروه، تحت تأثیر اندیشه‌های گروه بی‌تی‌اس و کمپانی بیگ هیت قرار گرفته و تحول‌هایی را در خط‌مشی زندگی خود پدید آورده‌اند که این تحول‌ها را هم می‌توان در دو سطح اثرپذیری‌های معمول و اثرپذیری‌های بسیار عمیق طبقه‌بندی کرد.

بررسی سوابق اعضای گروه بی‌تی‌اس دلالت بر آن دارد که به جز یکی از افراد گروه بی‌تی‌اس که متعلق به خانواده‌ای مرفه و ثروتمند بوده است، سایر اعضای گروه متعلق به خانواده‌های دست‌تنگ بوده‌اند و پس از جذب شدن توسط کمپانی، در کنار آموزش‌های پر حجم و وقت‌گیر کمپانی، از حداقل امکانات ممکن از سوی کمپانی برخوردار بوده‌اند، به نحوی که نه تنها همگی در یک واحد اسکان داشتند، بلکه خودشان موظف به تأمین مایحتاج گذران زندگی خویش بوده‌اند و بنابراین در کنار آموزش‌هایشان، باید کار نیز می‌کردند.

برخی از افراد مصاحبه شده با استناد به چگونگی زندگی پیشین الگوهای مورد علاقه خویش، خاطرنشان ساخته‌اند که از زندگی آن‌ها سرمشق گرفته، انگیزه تلاش مضاعف را در خود یافته‌اند تا به این ترتیب به تحقق آمال خویش نایل آیند.

دییای ۱۵ ساله، پونه ۱۸ ساله و مهشید ۲۱ ساله در مصاحبه‌های جداگانه خویش با استناد به گذشته دشوار گروه بی‌تی‌اس، الهام گرفتن خودشان از زندگی اعضای گروه را مورد تأیید قرار داده‌اند:

«- آیا این پیام‌هایی که توی آهنگ‌های بی‌تی‌اس وجود داره، روی شما تأثیری داشته؟»

من الان به درجه‌ای از دوست داشتن خود رسیده‌ام، ولی نمی‌تونم بگم که فقط آهنگ‌های بی‌تی‌اس روی من تأثیر گذاشتن، چون به طور مثال ویدیوهایی که توی شبکه‌های اجتماعی دیدم هم تا حد زیادی روم تأثیر گذاشتن، ولی واقعاً یه بخشی از این دوست داشتن خودم رو مدیون بی‌تی‌اس هستم و خب به قولی سخت‌کوشی‌شون هم روی من مؤثر بوده».

«- اعضای گروه چه جوری بهت انگیزه می‌دن؟»

با حرفاشون، کاراشون، آهنگاشون و تلاش کردناشون. یادمه اون اوایل که تازه آرمی شده بودم، دوستم یه ویدیو ازشون برام فرستاده بود که توش پسرا داشتن تو خیابونای کره از مردم خواهش می‌کردن که بیان و اجراشون رو تماشا کنن و خیلی از مردم اون موقع ایگنورشون (بی‌توجهی) می‌کردن. اما ببین هفت تا پسر بچه چه جوری و از کجا به کجا رسیدن. ببین چه قدر تلاش کردن تا به این جایی که الان خواستن رسیدن و شدن الگوی خیلیا. شدن امید و انگیزه‌ی کلییی آدم از آسیا گرفته تا اروپا و امریکا. جوری پیشرفت کردن که ازشون دعوت کردن به عنوان نماینده‌ی کره برن سازمان ملل سخنرانی کنن. خب من وقتی می‌بینم که این پسرا چه قدر تلاش کردن و جواب گرفتن، منم حس انگیزه می‌گیرم و با خودم می‌گم، اگر تلاش کنم، قطعاً نتیجه می‌گیرم. خیلی وقتا شده که من حال خوبی نداشتم و رفتم یه کلیپ ازشون دیدم و حالم خوب شده. خیلی وقتا با حرفاشون من رو تحت تأثیر قرار دادن. اومدن لایو روزم رو ساختن. خیلییی تأثیر گذارن، واقعاً وقتی می‌گم با پسرا زندگی می‌کنم، الکی نمی‌گم. اینا دلایله».

«- گروه بی‌تی‌اس چه ویژگی خاصی داشت که جذبت کرد؟»

ببین چندتا تفاوت وجود داره بین موسیقی کشور ما با کی‌پاپ که اینا باعث افزایش روزافزون طرفدارهای این سبک می‌شه که الان برات چندتا شون رو می‌گم، اول این که معنی بیش‌تر شعرهاشون به دوست داشتن خود، هدف داشتن و ناامید نشدن و تسلیم نشدن اشاره داره و این معنی‌دار بودن و انرژی مثبتی که گروه داره، یکی از نکاتی هست که طرفدارهای زیادی دارن. دوم این که اصولاً تفاوت باعث جذابیت می‌شه، کی‌پاپ همراه با آهنگ، دنس و رقص رو هم همراه موسیقی آورده، برای همین در کل دنیا مورد توجه قرار گرفتن، در طول تاریخ موسیقی دنیا رو هم نگاه کنی، هر تفاوتی که ایجاد شده باعث جذابیت و طرفدارهای زیاد شده.

بی‌تی‌اس به چیزی که خیلی معروفه کلاً بین همه گروه‌هایی که هستش اینه که هیچ چیزی براشون غیرممکن نیست، یعنی این قدر می‌جنگن و این قدر تلاش می‌کنن برای خواسته‌شون که قطعاً به اون هدف می‌رسن و این هم خیلی روش مانور می‌دن و خیلی یاد می‌دن به فناشون... دوتا چیزی که خیلی روش مانور می‌دن یکی دوست داشتن خودته، روی این موضوع خیلی تأکید دارن. معتقدن که ما خودمون رو دوست داشته باشیم، به خیلی چیزها دست پیدا می‌کنیم و از دیگران خیلی جلوتریم. بعد چیزی با ارزش‌تر از خودمون نمی‌تونه باشه در دنیا و تحت هر شرایطی نباید جا بزنینم و نباید وقتی که شکست خوردیم، جا بزنینم... هدف‌دار بودن و این که برای هدفت بجنگی، هر چه قدر هم شرایط سخت شد، تو تسلیم نشی و سخت‌تر و بیش‌تر براش تلاش کنی، این دوتا مورد خیلی بولده توی این گروه، موضوع شعرهاشون هم بیش‌تر همینه، امید داشتن، امید دادن، خودت رو دوست داشته باشی، به چیزهای مثبت فکر کنی و به خاطر دیگران خودت رو عوض نکنی و تسلیم شرایط و موقعیت‌ها نشی، ویژگی‌هایی که نداری رو بهونه نکنی، مثلاً من اگه پولش رو داشتیم، به اونجا می‌رسیدم، اگر پارتنی داشتیم به فلان چیز می‌رسیدم، این‌ها همه بهونه هست. تو نخواستی که نشده، مثلاً چند سال پیش کمپینی رو درست کرده بودند به نام لاو یورسلف آلبومی هم با همین تایتل (عنوان) دادن. این کمپین بزرگ و بزرگ‌تر شد و به هر کشوری که رفتن این رو تبلیغ کردن و تو آهنگاشون این رو تبلیغ می‌کردن تا این که یونیسف دعوت‌شون کرد، اون‌جا سخنرانی داشتن، سخنرانی‌شون خیلی خوب و جذاب بود، از اون به بعد هم هر سال حتی در ایام کرونا به صورت ویدیو پیام فرستادن و یا به صورت حضوری رفتن یونیسف و همین چند ماه پیش به عنوان نماینده قاره آسیا رفتن و برای سازمان ملل صحبت کردن برای مشکلاتی که در آسیا هست و در مورد این تبعیض نژادی و تفاوت‌هایی که بین آسیا، اروپا و آمریکا هست صحبت کردن».



در سطح دیگری افراد مصاحبه شده تأکید ورزیده اند که در برخورد با محتوای آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس، انگیزه‌های جدی‌تری برای برخورد با مشکلات فرارویشان یافته اند.

سارینا و نگین ۱۳ ساله و باران ۲۰ ساله، در مصاحبه‌هایی که داشته اند، بالاتفاق از اثرپذیری از مفاهیم مطرح در آهنگ‌های پسران بی‌تی‌اس یاد کرده و آثار آن در زندگی روزمره خودشان را مورد تأیید قرار داده اند:

«- با توجه به این که گفتم بی‌تی‌اس توی اکثر آهنگ‌هاشون به این موضوع اشاره می‌کنن که خودت رو دوست داشته باش، آیا این موضوع روی زندگی و علاقه‌ات نسبت به خودت تأثیری گذاشته؟ در اون حد خیلییی زیاد نه، ولی واقعاً امیدبخشه و تو زندگی من تقریباً ۷۰ درصد تأثیر داره و من هر وقت ناراحت می‌شم یا ناامید می‌شم، بهشون گوش می‌دم و معجزه می‌کنه».

«- تشکیل دادن گروه دخترانه چه احساساتی در مخاطب‌ها ایجاد کرده است؟

نمی‌دونم راستش، ولی چیزی که من می‌دونم اینه که وقتی بی‌تی‌اس دیس‌بند بشه، قطعاً خیلی از آرمی‌ها افسرده می‌شن، مثلاً خود دوست‌های من این قدر وابسته گروه بی‌تی‌اس هستن خود من همین طور که اگر یک روزی به ما بگن که دیگه قرار نیست چیزی باشه، ما دیگه کلاً انگار زندگی برامون معنا نداره (هنگامی که راجع به این مسایل صحبت می‌کرد، به وضوح اضطراب و تشویش در کلامش مشهود بود).

- چه نقش‌هایی در زندگی شما و در چه ابعادی ایفا می‌کنند؟

خوب بستگی به این داره که هر کسی چه چیزی ازشون یاد بگیره، مثلاً خود من آدمی هستم که حتماً باید بهم بگن که خوشگلی یا یک تعریفی باید از من بشه تا باور کنم، چون خیلی این طوری نیستم که مثل بعضی‌ها خودم را دوست داشته باشم، ولی خوب بی‌تی‌اس با یک چیزی مثل هشتک لاو یورسلف معروف شد و بعد از اون فن‌هاشون هر روز زیاد شد.

- متن شعرها انگیزه و نیرو به شما می‌دهد؟

بله».

«- متن آهنگ مورد علاقه‌ات رو بگو و درباره احساسات خودت در این باره توضیح بده.

آهنگ استیل ویت یو^۱ از کوکی، آهنگ ویت یو^۲ جیمین، آهنگ مجیک شاپ، آهنگ بولت پروف، کوکی دوتا آهنگ کاور کرده که وقتی ناراحتم خیلی گوش می‌دم خیلی دوست دارم یکیش فالینگ^۳ از هری استایلز و اون یکی تو یو^۴ از جاستین بیبر، آهنگ 00:00:00 خیلی خیلی برام مهمه، متنش رو

1 - still with you

2 - with you

3 - falling

4 - 2 U

اثرهای روانی هواداری از گروه بی تی اس / ۳۳

برات می فرستم، حتماً تو مصاحبه من بذار. من خیلی بهش علاقه دارم، چون می گه، همیشه می شه شروع کرد.







«یه روزایی هست،
روزایی که بی هیچ دلیلی غمگینی،
یه بدن سنگین،
یه روزی که همه به غیر از من،
سرشون شلوغه و حریص ان،
قدم هام نمی افتن،
فکر کنم همین الانشم دیر کردم، می بینی؟
کل دنیا نفرت انگیزه،
همه جا سرعت گیره،

قلبم تیکه تیکه شده و کلمات برام محو می‌شن،
چرا داشتم خیلی سخت می‌دویدم؟
اوه، چرا من؟
برمی‌گردم خونه،
رو تختم لم می‌دم،
فکر می‌کنم،
تقصیر من بوده؟
شب گیج کننده هس،
یهو به ساعت نگاه می‌کنم،
تقریباً دوازدهه،
چیزی تغییر می‌کنه؟
مطمئنناً قرار نیست یه همچین چیزی بشه،
ولی این روز،
تموم شده،
وقتی ثانیه شمار،
با دقیقه شمار یکی می‌شه،
دنیا برای یه لحظه‌ی کوتاه نفسش رو حبس می‌کنه،
ساعت دوازده نیمه شبه،
و تو قراره خوشحال باشی،
و تو قراره خوشحال باشی،
مثل برفی که درست همین الان رو زمین نشسته،
بیا مثل اولین بار نفس بکشیم،
و تو قراره خوشحال باشی،
و تو قراره خوشحال باشی،
همه‌ی اینا رو بچرخون،
همه چیز جدید،
ساعت دوازده نیمه شبه،
کم‌کم، ضربان قلبم می‌زنه،
نمی‌تونم یه حالت عادی رو صورتم داشته باشم،
همه‌اش لیریکای آشنا رو فراموش می‌کنم،

هیچ چیز دیگه‌ای مثل قلب من نیست،
درسته اینا تمام چیزیه که گذشته،
حتی اگه با خودمم حرف بزnm، خیلی راحت نیست،
این تقصیر منه؟
این مشکل منه؟
فقط صدای منه که،
هیچ جوابی نداره،
برمی‌گردم خونه،
رو تختم لم می‌دم،
فکر می‌کنم،
تقصیر من بوده؟
شب گیج کننده هس،
یهو به ساعت نگاه می‌کنم،
تقریباً دوازدهه،
چیزی تغییر می‌کنه؟
مطمئناً قرار نیست یه همچین چیزی بشه،
ولی این روز،
تموم شده،
وقتی ثانیه شمار،
با دقیقه شمار یکی می‌شه،
دنیا برای یه لحظه‌ی کوتاه نفسش رو حبس می‌کنه،
ساعت دوازده نیمه شبه،
و تو قراره خوشحال باشی،
و تو قراره خوشحال باشی،
مثل برفی که درست همین الان رو زمین نشسته،
بیا مثل اولین بار نفس بکشیم،
و تو قراره خوشحال باشی،
و تو قراره خوشحال باشی،
همه‌ی اینا رو بچرخون،
همه چیز جدیده،

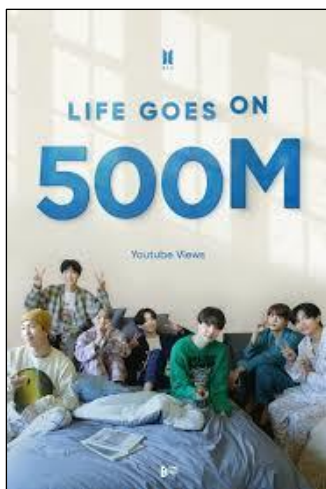
ساعت دوازده نیمه شبه،
دوتا دستام رو روی هم می‌ذارم،
و دعا می‌کنم،
که یه کم بیش‌تر لبخند بزخم،
فردا،
برای من،
یه کم حس بهتری داشته باشه،
برای من،
اگه این آهنگ،
تموم شه،
ممکنه یه آهنگ جدید،
شروع شه،
یه کم بیش‌تر خوشحال باشم، آره،
و تو قراره خوشحال باشی،
و تو قراره خوشحال باشی،
مثل برفی که درست همین الان رو زمین نشسته،
بیا مثل اولین بار نفس بکشیم،
و تو قراره خوشحال باشی،
و تو قراره خوشحال باشی،
همه‌ی اینا رو بچرخون،
همه چیز جدید،
ساعت دوازده نیمه شبه».



اثرهای روانی هواداری از گروه بی تی اس / ۳۹

فکر کنم آهنگ لایف گووز آن رو هم که تو دوران کرونا منتشر کردن برای این بود که حال همه بهتر بشه.

متش به شدت عالی، اینم به عنوان قسمتی از حرفای من بذار:



«یه روز، دنیا ایستاد،
بدون هیچ هشدار،
بهار نمی‌دونست که باید صبر کنه،
حتی یک دقیقه هم تأخیر نداشت،
خیابون‌ها از جای پا خالی شدن،
من اینجا افتاده روی زمین دراز می‌کشم،
زمان برای خودش می‌گذره،
بدون این که حتی متأسف باشه، آره،
انگار امروز هم قراره بارون بیاد،
کل بدنم خیس شده، بارون هنوز نمی‌خواد بند بیاد،
از اون ابر بارونی سریع‌تر می‌دوم،
فکر می‌کردم همین کافیه، فک کنم هر چی که باشه، باز منم یه انسانم،
من توی دنیایی از دردم، این سرماییه که دنیا بهم داده،
باعث می‌شه که بخوام اون دکمه‌ی خاک گرفته‌ی بازگشت رو بزنم،
بدون ریتم می‌رقصم، روی زمین دراز می‌کشم،
به محض این که زمستون رسید، بیا نفس مون رو بیرون بدیم یه نفس گرم‌تر،
نمی‌تونم تهش رو ببینم،

راه خروجی هست؟
پاهام دیگه نمی‌خوان حرکت بکنن،
برای یه لحظه چشم‌هات رو ببند،
دستم رو بگیر،
بیا به سمت اون آینده فرار کنیم،
مثل پژواکی تو جنگل،
اون روز برمی‌گرده،
انگار که هیچی اتفاقی نیفتاده،
آره، زندگی ادامه داره،
مثل تیری تو آسمون آبی،
یه روز دیگه هم می‌گذره،
روی بالشم، روی میزم،
آره، زندگی دوباره همین طوری ادامه داره،
بذار با این آهنگ بهت بگم (آی)،
مردم می‌گن دنیا عوض شده،
اما خوشبختانه بین من و تو چیزی عوض نشده،
با «انیونگ» می‌که روزمون رو باهاش شروع و تموم می‌کنیم،
بیا فردا رو به امروز وصل کنیم،
الآن ایستادم، ولی تو سایه قایم نمی‌شم،
روشنایی روز دوباره به درخشش در میاد،
نمی‌تونم تهش رو ببینم،
راه خروجی هست؟
پاهام دیگه نمی‌خوان حرکت بکنن،
برای یه لحظه چشمات رو ببند،
چشمات رو برای یه لحظه ببند،
دست من رو بگیر،
مثل پژواکی تو جنگل،
اون روز برمی‌گرده،
انگار که هیچ اتفاقی نیفتاده،
آره، زندگی ادامه داره».



برخی از هواداران مصاحبه شده تأکید کرده اند که آنان با شنیدن پیام مستقیم الگوهای مورد علاقه خودشان، کوشیده اند تا طبق همان رهنمودها عمل کنند و همین مسأله به تناسب تحول‌آفرینی‌های کوچک و بزرگی را در زندگی روزمره آنان رقم زده است:

«... ولی بی‌تی‌اس انگار واقعاً اون چیزی که می‌خواست رو خیلی براش زحمت کشید و هر روز به طرفداراشون می‌گن که بهتر از دیروزشون باشن و این یکی از پیام‌هاشون بود، این که ما همیشه سعی می‌کنیم بهترین خودمون رو نشون بدیم و بهتر از دیروز باشیم یا این که همیشه می‌گفتن یک درصد بهتر از دیروزت باش، مثلاً توی آهنگ نات تودی هم سعی می‌کردند همین مفهوم رو برسوند، ولی کلاً آهنگ‌هاشون تو این فازه. در کل من از حال و هواشون خوشم اومد و از پیام‌هایی که می‌دن.»





«- فکر نمی کنی طرفداری از بی تی اس وقتت رو گرفته و می تونستی وقتت رو صرف اولویت های بهتری بکنی؟»

نه، چون من کنترل تایمم رو داشتم. این جورى نبوده که تمام وقتم رو گذاشته باشم واسه اونا و از کار و زندگی بیفتم. حتی تأثیر مثبت هم داشته روی درس هام. مثلاً من اصلاً علاقه ای به ریاضی نداشتم، بعد نامجون اومد گفت شما باید ریاضی بخونید و من از اون موقع انگیزه گرفتم.»

«- دغدغه هایی که تو شعرهاشون ازش صحبت می کنن، بیش تر در ارتباط با چه مواردی هستن؟ بخوام خیلی کلی بگم مفهوم شعرهاشون خوبه و خب دغدغه هایی که ازش صحبت می کنن در مورد زندگی روزمره و واقعیت هایی هست که تو خیلی از جوامع وجود دارن. - امکانش هست، مثالی رو در موردش بیان کنید؟»

بله، مثلاً تو چندتا از شعرهاشون درباره ی دخالت بزرگ ترها تو تصمیمات کوچک ترها صحبت می کنن، در مورد این که بزرگ ترها، کوچک ترها رو تحت فشار می گذارن برای این که مسیر آینده شون رو طوری انتخاب کنن که خودشون می خوان، یعنی مطابق میل خود بچه نباشه و در آخر هم می گه باید دنبال علاقه خودتون برید و چیزی که دوست ندارید، نباید به شما تحمیل بشه یا مثلاً اعتماد به نفس داشتن یا مفهوم یه لیریک^۱ معروفش اینه که فقط هدف رو نبیین و از مسیر رسیدن به هدف لذت ببر یا این که زندگی ادامه داره.

- در مورد این سه مورد، منظورم اعتماد به نفس، ادامه داشتن زندگی و لذت بردن از مسیر در جهت رسیدن به هدف هم می شه مثل مورد اول توضیح بدید؟

تو آهنگ های مختلف در مورد اعتماد به نفس داشتن صحبت کردن که معروف ترین شون هم لاولیورسلفه^۲ که می گن باید خودمون رو دوست داشته باشیم، جدا از همه تفاوت هایی که بین آدما وجود

1- Lyric

2- love yourself

اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۴۳

داره، مثلاً یکی چاقه، یکی لاغره، یکی قد بلنده یا یکی کوتاهه، خب این ویژگیا خوب یا بد، باید پذیرفته بشن و ما خودمون رو دوست داشته باشیم.



زندگی ادامه داره هم منظورش اینه با تمام سختی‌هایی که هست، باز زندگی قشنگی‌های خودش رو داره و باید تا حد ممکن ازش لذت برد».

بررسی‌های میدانی انجام شده بیانگر آن است که الگوبرداری هواداران از سخت‌کوشی پسران گروه بی‌تی‌اس با اخذ خطامشی از مفاهیم مطرح شده در آهنگ‌های آنان و یا به گوش گرفتن پیام‌های مستقیم پسران گروه، به تناسب ظرفیت‌های فردی هواداران، میزان علاقه آنان به الگوها و موارد مشابه، در دو سطح اثرپذیری اندک و متوسط و اثرپذیری بسیار عمیق قابل مشاهده است. شادی ۱۵ ساله، ثنای ۱۶ ساله و نرگس ۲۱ ساله، در مصاحبه‌های خویش شواهدی از اثرپذیری‌های معمول از انگیزه بخشی گروه بی‌تی‌اس را به معرض دید نهاده اند:

«- رقص شون رو بلدی گفتی؟»

آره کامل.

- چه جور ی یاد گرفتی؟

از کلیپاشون یاد گرفتم. اونا رو زیاد می‌بینم.





- در طی چه مدت یاد گرفتی؟
- تقریباً یکی، دو ماه، ولی زیاد می‌دیدم.
- مثلاً چه قدر؟
- روزی ۵ ساعت مثلاً.
- زبون شون رو چی؟
- تاحدودی آره، ولی خیلی سخته (باخنده) شبیه چینی، ولی عین اون نیست، چینی سخت‌تره.
- نوشتن هم بلدی؟
- نه فقط شنیداری، حرف زدن رو بلدم.

«... من واقعاً داشتم گوشه‌گیر می‌شدم و بچه‌ها خیلی با من حرف نمی‌زدن و من رو دست کم می‌گرفتن. یه برنامه هست به نام لینگ بی^۱ که باهاش می‌شه با افراد مختلفی از ملیت‌های مختلفی حرف زد. تماس می‌زدم و با آدمای مختلف جلوی فامیلامون انگلیسی حرف می‌زدم، همه دهن‌شون وا مونده بود. می‌گفتن چه طوری انگلیسی یاد گرفتی.»



- یاد گرفتن انگلیسی با بی‌تی‌اس چه ارتباطی دارد؟
- گفتم که می‌خوام برم کره برای ادامه تحصیل. هم انگلیسی لازمه و هم کره‌ای مجبور بودم یاد بگیرم. یه کم پیش زمینه داشتم و برای همین رفتم کلاس زبان و الآن عالی‌ه زبانم.

- خوب چه ارتباطی به بی‌تی‌اس دارد؟

از طریق بی‌تی‌اس با کره آشنا شدم و بعدش رفتم سرچ زدم دیدم دانشگاه‌هاش نیاز به انگلیسی و کره‌ای داره و بعدش رفتم جدی انگلیسی رو یاد گرفتم».

«- از نظر درسی هم گفتم اون زمان افت داشتی؟»

آره خیلی. خیلی زیاد. گفتم که هیچ تمرکزی نداشتم برای درس خوندن، جدای از این که اصلاً علاقه‌ای به خوندن درس نداشتم هیچ وقت، این که ذهنم همیشه درگیر بی‌تی‌اس بود هم وضع رو بدتر کرد. یه تایمی افت تحصیلم خیلی زیاد شد.

- خیلیا می‌گن که بی‌تی‌اس بهشون انگیزه می‌ده برای درس خوندن. تو این طور نبودی؟

نه خب، آخه من کلاً هیچ علاقه‌ای به درس نداشتم و ندارم هنوز. من حرفه‌ای دنس رو ادامه دادم از بچگی و خب بی‌تی‌اس شاید توی درس بهم انگیزه نداد، اما توی دنس قطعاً بزرگ‌ترین انگیزه‌ی من بود. یادمه یه زمانی برنامه ریخته بودم که برم و دنس کی پاپ بشم تا بتونم یه روزی اون قدر پیشرفت کنم که برم دنس بی‌تی‌اس بشم، همه قرار نیست توی درس انگیزه بگیرن. یه جورایی بستگی به علاقه آدم داره».

برخی از افراد مصاحبه شده، از تأثیرپذیری عمیق پسران گروه و پیام‌های آن‌ها بر خود یا اطرافیان‌شان یاد کرده‌اند.

مرضیه ۱۹ ساله در مصاحبه‌اش، از معنایابی زندگی‌اش در مواجهه با گروه بی‌تی‌اس یاد کرده است. الناز ۱۲ ساله، از هوادارانی یاد می‌کند که سوابق خودکشی را در زندگی خوشان داشته‌اند، اما با آشنایی با پسران بی‌تی‌اس، از اندیشه خودکشی خویش فاصله گرفتند. پریناز ۱۸ ساله، از فرد دیگری یاد می‌کند که سه بار سابقه خودکشی داشته است. سرانجام ترنم ۱۸ ساله، گزارش می‌دهد که در اوج بحران‌های نوجوانی خویش (که هر حس هیجانی به سبب در اوج بودن قشر خاکستری مغز و هسته -متصدی لذت- آکومینس، به شکلی شدیدتر از افراد بزرگسال ادراک می‌شود)، به سبب جدایی اولیای وی از هم در ۱۳ سالگی او، درد ملاقات‌های بی‌قاعده مادر با مردی غریبه، نامادری که به تخصص با وی برخاسته است و ممنوعیت ادامه تحصیل وی از سوی پدر در ۱۵ سالگی، در صدد خودکشی برآمده بود که با آشنا شدن با اندیشه‌های بی‌تی‌اس، با فاصله گرفتن از اندیشه خودکشی، مسیر بازسازی دوباره خویش را پیش گرفته است:

«من تا قبل از این که با بی‌تی‌اس آشنا شم احساس می‌کردم متعلق به این زمان و مکان نیستیم، احساس می‌کردم من متعلق به دورانی هستم که ونگوگ گوشه‌ی اتاقش مشغول کشیدن نقاشی‌هایش بود، متعلق به دورانی هستم که شرلوک هلمز و دکتر واتسون سراسیمه میان خیابان‌های انگلستان به دنبال مجرمین و گناهکاران می‌گشتند، قرن هفدهم قبل از این زندگی ماشینی، اما وقتی بی‌تی‌اس رو شناختم، اونا دلیلی شدن که از این که توی این قرن متولد شدم، خوشحال باشم از این که تو قرنی

هستم که اونا هستن که می‌تونم ببینم‌شون از پشت همین صفحه‌ی گوشی یا حتی رفتن به کنسرت-شون، اونا به زندگی من رنگ پاشیدن و باعث شدن معنایی که خیلی وقت بود تو زندگیم رنگ باخته بود رو پیدا کنم».

«- خوب تو فکر می‌کنی به چه علت جذب بی‌تی‌اس شدی؟
خب من احساس خوبی بهشون داشتم و به ما آرمی‌ها خیلی کمک کردن.
- اون‌ها چه کمکی به آرمی‌ها کردن؟

این برای من پیش نیومده، ولی یه سری آرمی‌ها بودن که خانواده‌های سخت‌گیری داشتن و یا حال‌شون خیلی بد بود تاجایی که دست به خودکشی زده بودن و بی‌تی‌اس اومد و با اون نور بنفشش، انگار اومد دست ما رو گرفت و بلندمون کرد و به ما گفت که دووم بیار، تو آدم خیلی قوی‌ای هستی و این کمکی بود که بی‌تی‌اس به ما کرد».



«من از دوستانم شنیدم که یکی‌شون می‌گفت، سه بار تجربه خودکشی ناموفق داشته، ولی خب بی‌تی‌اس براش دلیلی برای زندگی کردن شده و این برای من خیلی جالبه و این که می‌گفت خیلی خودش رو دوست داره و می‌گفت، یاد گرفته حال بد و مشکل، توی زندگی همه هست و خودکشی راه درستی نیست و امیدش به زندگی بالا رفته و من بعد از بی‌تی‌اس، واقعاً می‌تونم بگم خیلی عاقل شدم و توی شرایط سخت خیلی راحت‌تر با مشکلاتم کنار میام و خودم رو نمی‌بازم و هیچ وقت جا نمی‌زنم و خیلی قوی شدم».

«- می‌تونم درباره گروه بی‌تی‌اس، چندتا سوال از شما داشته باشم؟
بله. بفرمایید.

- چند وقت هست که با بی‌تی‌اس آشنا شدی و طرفدارشون هستی؟
خوب برای جواب دادن به این سوال باید یه کم بیش‌تر خودم رو معرفی کنم و یه کم از زندگی شخصیم بگم. من به خاطر مشکلات خانوادگی نتونستم درس بخونم و ترک تحصیل کردم، ولی خیلی دوست دارم در آینده درسم رو ادامه بدم. تقریباً هم ۵ سال هست که طرفدار بی‌تی‌اس هستم، اما این

که چی شد که طرفدارشون شدم، راستش رو بخواهی خیلی یهویی شد و اصلاً نمی‌دونم چه طوری تا اینجا اومدم. یادم میاد اون موقع‌ها که ۱۳ سالم بود، مامان و بابام از هم طلاق گرفتن و مامانم با یک مرد غریبه قرار می‌داشت و بابام هم با یک زنی ازدواج کرد که تقریباً هر روز زندگی من رو آزار می‌داد و کتکم می‌زد، من تنها بچه‌ی خانواده‌ام بودم. خیلی روح و روانم خراب شده بود همه نمره‌هام صفر و یک بود، زندگی خیلی بدی داشتم. به خاطر نمره‌هام بابام همیشه سرزنشم می‌کرد و من رو با بقیه دوست‌هام مقایسه می‌کرد و من خیلی تنها بودم، حتی در طول روز به جز تایم مدرسه رفتنم از اتاقم در نمی‌اومدم تا این که یک روز دختر همسایه‌مون بهم گفت یک آهنگ می‌شناسم، حال و هوای تو رو خیلی عوض می‌کنه و بهت انرژی می‌ده. منم قبول کردم و گفتم باشه برام بفرست ببینم چه طوریه، من وقتی به اون آهنگ گوش می‌دادم، چه با معنیش، چه با ریتم، بهم می‌گفت: کسی نمی‌تونه جلوی دوست داشتن خودت رو بگیره و من بعد اون آهنگ فقط با یک سرچ در گوگل شروع کردم به شناختن تک تک اعضای گروه، ام‌وی‌هاشون رو می‌دیدم، ویدیوها، کنسرت‌ها و مصاحبه‌هاشون رو می‌دیدم. بعد یکی دوماه متوجه شدم که چه قدر بهشون وابسته شدم. چه قدر بهم کمک کردن که از اون حال بد در پیام و من تو همون مدت کوتاه خیلی عوض شده بودم، حتی انگیزه این رو داشتم که وقتی زن بابام من رو می‌زد، جلو روش مثل یک دیوار محکم بایستم، بعد از اون موقع دیگه اون جرأت نکرد من رو بزنه، حتی اون از من می‌ترسید که نکنه یه وقت به بابام بگم اون من رو می‌زنه. وقتی ۱۵ سالم شد، دقیقاً یک روز بعد از تولدم، بابام گفت دیگه مدرسه نرو. خیلی گریه کردم و ناراحت شدم که چرا بابام نمی‌ذاره برم مدرسه؟ بعدها فهمیدم که اون زنه به بابام گفته که من دیدم دخترت با چندتا پسر تو کافه نشسته بود، بعد بابام گفت، ناموس و شرفم نداشت تو درست رو ادامه بدی. من اون موقع تصمیم گرفتم از خونه فرار کنم و برم پیش مادر بزرگم. یادم میاد دو روز تو پارک خوابیدم، چون مادر بزرگم خونه نبود، مجبور شدم که این کار رو بکنم. بی‌تی‌اس در طول این مدت همیشه کنارم بود، یعنی چه طوری بگم، اونا می‌گفتن تو اگه بخواهی می‌تونی هر کاری رو انجام بدی و من احساس می‌کردم که اونا فرشته‌هایی هستن که من نمی‌تونم ببینمشون، ولی همیشه ازم حفاظت می‌کن. دوران بلوغ برام خیلی سخت گذشت، ولی اونا با بودنشون و با آهنگ‌هاشون نداشتن از دست برم، حتی شاید اگه بی‌تی‌اس نبود یا من با اون آشنا نمی‌شدم، الان وجود نداشتم، چون من در اون زمان حتی به خودکشی هم فکر می‌کردم، ولی با کمک اونا من فهمیدم که اگه من نباشم، کی من رو بغل بگیره و آرزوهای من رو به واقعیت تبدیل کنه؟ کی جوونی کنه، بخونه و برقصه؟ فکر کنم معنی واقعی زندگی کردن رو خیلی زود یاد گرفتم. خلاصه‌تر بخوام بگم، متن اون آهنگ در اصل حرف‌هایی بود که کسی بهم زده بود و خودم هم اون اشتیاق و

علاقه به زندگی رو هم علاقه به خودم رو فراموش کرده بودم، دقیقاً چیزی که من رو جذب کرد و مثل یه نیروی محرک برای ادامه زندگی بود، حرف‌های اونا برای دوست داشتن خودم بود. آهنگ و متن و حس خوبی که بی‌تی‌اس به من می‌دادن، فوق‌العاده برام جدید و جذاب بود و حال من رو خوب می‌کرد. انگار در مورد من صحبت می‌کردن و آهنگ‌ها برای من ساخته شده بود و من با هر بار شنیدن آهنگ‌ها انرژی می‌گرفتم.

– خودت بعد از آشنا شدن با بی‌تی‌اس سعی کردی که به افراد دیگه هم معرفی کنی؟
من بعد ۱۵ سالگیم که رفتم خونه مادربزرگم، بهتر درک کردم که چه قدر بهم امید دادن و باعث شدن که از نابود شدن نجات پیدا کنم. من بعد ۱۵ سالگی، تلاش کردم بیش‌تر دخترهایی که مثل گذشته خودم از زندگی ناامید هستن رو با بی‌تی‌اس آشنا کنم و بگم چه قدر بهم انگیزه دادن تا اونا هم انگیزه بگیرن و بتونن به زندگی ادامه بدن و تعداد زیادی رو می‌شناسم که با بی‌تی‌اس و لیریک^۱ آهنگاشون و بیش‌تر از همه صحبت‌هاشون، تونستن خودشون رو دوباره از نو بسازن و تبدیل به یک آدم جدید و قوی بشن».

۲-۳- افزایش اعتماد به نفس

جمعیت مورد بررسی در مصاحبه‌های خویش، هم‌زمان با تأکید انگیزه‌یابی در مواجهه با گروه پسران بی‌تی‌اس، از افزایش اعتماد به نفس خویش در این ارتباط نیز یاد کرده‌اند. اعتماد به نفس مورد اشاره بسیاری از هواداران مصاحبه شده را از منظری می‌توان به دو قسمت اعتماد به نفس کاذب و اعتماد به نفس واقعی تقسیم کرد. اعتماد به نفس کاذب، اعتماد به نفسی است که تحول درونی فرد را رقم نمی‌زند و واجد ارزش نیست. اما اعتماد به نفس راستین، اعتماد به نفسی است که موجب آثار جدی در زندگی فرد بوده، در زندگی وی اثرگذار واقع خواهد شد.

محمدرضای ۲۱ ساله، در مصاحبه خودش، نمونه‌ای از اعتماد به نفس کاذب را به معرض دید نهاده است. وی در مصاحبه‌اش بیان داشته است، به صرف آن که مدل موهایش را شبیه یکی از اعضای گروه بی‌تی‌اس کرده است و برخی از اطرافیان، به شباهت ظاهری وی و الگوی مورد نظر اشاره داشته‌اند، عزت نفس بالاتری را در خود احساس کرده است:

«– از این که بقیه می‌گفتن شبیه اونا شدی، چه حسی داشتی؟

یه حس خوبی داشت، چون اینا خیلی معروف ان دیگه، بعد وقتی بهم می‌گفتن شبیه اینا شدی یه حس اعتماد به نفسی بهم دست می‌داد خیلی خوبه واقعاً.

۱- متن آهنگ یا لیریک به واژگانی گفته می‌شود که متن یک ترانه را می‌سازند.

- این اعتماد به نفس که در تو ایجاد می‌شه دلیلش چیه؟

خب اینا خیلی طرفدار دارن و خیلیا اصن به خاطر ظاهرشون از اینا خوششون میاد و دنبال شون می‌کنن، برای همین وقتی من هم شبیه اینا باشم و این رو بقیه هم بهم بگن، اون اعتماد به خودم ایجاد می‌شه، یعنی این که خب من هم خیلی خوبم.

اصن خیلیا هستن که این کار رو می‌کنن، ببین می‌دونی یه عده زیادی هستن که خب اصن کی پاپ رو دنبال نمی‌کنن از این گروه‌های کره‌ای و موسیقی و اینا هم خوششون نمیاد، ولی از لحاظ ظاهر عشق این رو دارن که شبیه اینا بشن».

اگر تمرکز بحث روی هوادارانی گذاشته شود که در مواجهه با گروه بی‌تی‌اس، اعتماد به نفس آن‌ها به شکل واقعی افزایش یافته است، می‌توان به دو دسته در این ارتباط دست یافت. دسته نخست، افرادی هستند که به دلیل علاقه و شیفتگی به اعضای گروه، برای آنان صفحه طرفداری باز کرده و کوشیده‌اند با تولید محتوای خویش و بارگذاری آن‌ها در صفحه طرفداری‌شان در فضای مجازی، نسبت به الگوهای مورد علاقه خودشان ادای دین کنند.

پونه ۱۸ ساله، در مصاحبه خود بیان داشته است که پس از ترجمه توسط مترجم گوگل (گوگل ترنسلیت)، محتوای ترجمه شده را در دسترس دیگران قرار می‌دهد.

سحر ۱۵ ساله، در مصاحبه خودش گزارش می‌دهد، وی در زمانی بسیار پیش‌تر، صفحه طرفداری برای پسران گروه تهیه کرده بود و سرانجام گلنوش ۱۴ ساله، در مصاحبه خودش از ویرایش (ادیت) تصاویر اعضای بی‌تی‌اس، تهیه کلیپ از تصاویر تهیه شده و گذاشتن آهنگ روی کلیپ‌هایی که تهیه کرده است، سخن گفته است:

«- تو منابع چنلت چیه؟»

تویتر و اینستاگرام ساسنگ‌ها رو دنبال می‌کنم و خبراشون رو ترجمه می‌کنم با برنامه‌ی گوگل ترنسلیت بعد می‌ذارم چنل. اکثراً هم ساسنگ‌های کره‌ای هستن، اما چندتا ساسنگ انگلیسی و عربی رو هم می‌شناسم».

«- سحر جان تو تاحالا فن‌پیج داشتی؟»

آره، اون اوایل که تازه آر می‌شده بودم توی واتساپ یه کانال زدم واسه بی‌تی‌اس. اسمش بی‌تی‌اس ورلد (جهان بی‌تی‌اس) بود و خیلی هم ممبرهاش زیاد شده بود.

- فن‌پیج تو چندتا عضو داشت؟

حدود ۱۰۰ و خورده، ولی خب اون موقع به نظرم این رقم خیلی زیاد بود.

من اون موقع که کانال رو زد، بی‌تی‌اس مد نبود و زیاد کسی خوشش نمی‌اومد، اما همین که من اون کانال رو بستم، بی‌تی‌اس به شدت معروف شد و هر کی واسشون کانال می‌زد، یهو ۱۰۰۰ نفر جوین می‌شدن و من همه‌اش با خودم می‌گفتم، چرایی!!!! (می‌خندد). کلاً شانس نداشتم. اولین کانال جی

آیدول (گروه کی‌پاپ) رو هم من توی واتساپ زدم و هیچ کس استقبال نکرد، همین که من اون کانال رو بستم، صدتا کانال ایجاد شد به اسم اولین کانال جی آیدول و معروف شدن، این شانس گند منه».

«- می‌شه بیش‌تر توضیح بدی که چه مطالبی در صفحه خودت می‌گذاری؟»

عکس‌های نامجون و بقیه رو ادیت می‌کنم و پست می‌کنم یا با عکساشون کلیپ می‌سازم، آهنگ-هاشون رو می‌ذارم. اخبار و اتفاقات رو می‌گم و گاهی اوقات دابسمش می‌سازم.

- چه طوری کلیپ می‌سازی؟

با موبایلم. من چندتا اپلیکیشن خوب دارم، مخصوص ادیت زدن و کلیپ ساختن که کار کردن باهاشون خیلی راحت. بهترین کلیپ‌ها رو با همین گوشی می‌سازم.

- یعنی روزانه سه، چهار ساعت صرف تولید محتوا برای بی‌تی‌اس می‌کنی؟

بله. حتی بیش‌تر هم شده که وقت گذاشتم».

بالطبع زمانی که فردی به دلیل علاقه به الگوهای مورد علاقه‌اش، در سنین بسیار پایین، کارهایی نظیر تولید محتوا و یا مدیریت صفحه طرفداری را در دستور کار خویش قرار دهد، می‌توان از وی انتظار داشت که از دستاورد آموزش فعال و عملکرد فنی خودش در دیگر قسمت‌های زندگی سود برده و منتفع گردد.

برخی از هواداران مصاحبه شده، در مصاحبه‌های خویش تأکید کرده اند که آنان با اخذ رهنمودهای پسران بی‌تی‌اس، دست به بازسازی نظام ارزشی خویش زده اند و به این ترتیب اعتماد به نفس خود را بازسازی کرده و اعتماد به نفس برتری را در خود تجربه کرده اند.

سارینای ۱۳ ساله، در بیاناتش به شکل کلی از افزایش اعتماد به نفس خود در برخورد با بی‌تی‌اس یاد کرده است، اما نیکوی ۱۵ ساله و مریم ۱۸ ساله، در اظهارات خویش خاطرنشان ساخته اند که فهمیده اند، نباید ناراحت شدن گاه‌گاهی خویش را به مثابه امری غیرعادی تلقی کنند و یا ارزش آن‌ها در گرو مهارت‌های آنان نیست، بلکه ارزش وجودی آن‌ها فارغ از بود و نبود مهارت‌های آنان است و افراد باید در درجه نخست اهمیت ارزش‌های درونی خویش را معیار ارزش وجودی خودشان قلمداد کنند:

«- به طور کلی آیا طرفداری از بی‌تی‌اس روی شکل‌گیری شخصیت تأثیری گذاشته؟»

به نظرم خودم نه، ولی واقعیت رو چرا یه کم.

- این که می‌گی واقعیت رو چرا یه کم، یعنی چی؟

مثلاً بعد از این که با بی‌تی‌اس آشنا شدم، بعضی‌ها بهم گفتن که بهتر شدی، یعنی با اعتمادبه‌نفس‌تر شد».

«- گوش دادن به این آهنگ‌ها چه تأثیری روی تو گذاشته و پیام‌هایی که توی آهنگ‌هاشون می‌دن

روی زندگی‌ت تأثیر مستقیم گذاشته و باعث شده که چیزی در زندگی تو تغییر بکنه یا نه؟»

آره، مثلاً من وقتی هنوز طرفدارشون نبودم، هیچ وقت این پیام خودت را دوست داشته باش گوشم نخورده بود و بعد از این که با بی‌تی‌اس آشنا شدم، تازه با اهمیت این موضوع آشنا شدم و مشکلاتم رو بهتر درک کردم. البته که با وجود عیب‌ها و نقص‌ها هنوزم کامل نتونستم خودم رو دوست داشته باشم، یعنی بهتر از قبل شدم، ولی کامل نشده، مثلاً اعتماد به نفسم چند سال پیش این جور بود که وقتی خودم رو می‌دیدم تو آینه به خودم فحش می‌دادم، ولی بعد از این که این پیام رو شنیدم، خیلی تأثیر گذاشت که مثلاً قیافه‌ام رو دوست داشته باشم، هیکلم رو دوست داشته باشم، شخصیتم رو تا به جایی پذیراش باشم، ولی خوب مثلاً روی دوستانم که طرفدار بی‌تی‌اس هستن، خیلی روی بعضی‌هاشون تأثیر گذاشته و آدم قشنگ متوجه می‌شه که اعتماد به نفسشون بیشتر شده یا مثلاً تا به مدتی فکر می‌کردم این که به موقع‌هایی بی‌دلیل ناراحت باشم و یا دلیل کوچیک و مزخرفی باشه برای ناراحت بودنم و گریه کنم، خیلی به معنای ضعیف بودنمه، در صورتی که اصلاً این طوری نبود و این اشتباه بود و این رو وقتی متوجه شدم که توی یک برنامه‌ای که اسمش رو یادم نیست، شوگای بی‌تی‌اس داشت می‌گفت که کاملاً اوکی و طبیعی هست که به موقع‌هایی حال تون خوب نباشه، حتی بی‌دلیل، این به چیز طبیعی و اصلاً مشکلی نداره و این که باید در برابر مشکلات، در مورد نقص‌هایی که داریم و اتفاقات بدی که می‌افته، باید قوی باشیم. مثلاً به سری اتفاقات وحشتناک برای افراد خوب می‌افته و این بخشی از زندگیه و این طبیعت انسانه که گاهی وقتاً ناراحت بشه و گریه کنه و این کاملاً اوکی هست و نشانه ضعف نیست، این پیامش خیلی روی من تأثیر داشت».

«- یعنی شعار خودت را دوست داشته باش، باعث شده اعتماد به نفس تو افزایش پیدا کنه؟»

آره، چون مامانم من رو از بچگی کلی کلاس گذاشته، طراحی، گیتار، زبان فرانسوی و انگلیسی، والیبال، فتوشاپ. از وقتی یادمه هر روز رقص کلاس و سرم شلوغ بوده، تا چند سال پیش حس می‌کردم، چون این کلاس‌ها رو می‌رم مفید و با ارزشم، اگه به روز حالم خوب نبود و غیبت می‌کردم، حس می‌کردم از تنبلیمه و از خودم بدم می‌اومد، ولی بی‌تی‌اس بهم نشون داد که ارزش و مفید بودن ما آدم‌ها فارغ از مهارت‌هامونه. قرار نیست من رو و وجود من رو فقط مهارت‌هام یا چیزهایی که دارم توصیف بکنه. قبل از تمام این‌ها، من به عنوان یه انسان که زنده هست و نفس می‌کشه و روح و آگاهی داره، ارزشمندم و اگه به روز هیچ کدوم از مهارت‌هایی که الان دارم رو هم نداشته باشم، باز باید خودم رو ارزشمند بدونم، چون ماها آدمیم نه ربات».

۲-۴- کمک به بهبود حال بد افراد

«به نکته بگم ما نوجوان‌ها به دوره خیلی سختی رو می‌گذرونیم، به دوره‌ای که واقعاً حال مون بده، ببین دلیل خاصی نداره‌ها، ولی انگار می‌زنه به سرمون، ولی واقعاً به چشم دیدم هم کلاسی‌های خودم وقتی میان از تجربه خودشون می‌گن که حال مون بد بود و هیچی حال مون رو بهتر نمی‌کرد تا این که با گروه

بی‌تی‌اس آشنا شدیم و یکی از دلایلی که می‌تونه در این موضوع تأثیر بذاره که می‌گن، اکثر کسانی که طرفدار گروه بی‌تی‌اس هستن، بچه‌های زیر ۱۵ هستن به خاطر اینکه که بیشتر این افراد با این گروه حال می‌کنن، واقعاً می‌تونه غم و غصه رو کم کنه و به خاطر همین برای تمام آرمی‌ها عزیزه» (پریناز، ۱۸ ساله).

یکی از مواردی که برخی از هواداران مصاحبه شده از آن یاد کرده اند، کمک پسران بی‌تی‌اس (و در واقع کمپانی آن‌ها)، به بهبود حال بد آنان بوده است. پسران بی‌تی‌اس به سه شکل، در کمک به بهبود حال هواداران ذی‌نقش بوده اند. ایجاد فرصتی برای تخلیه روانی و هیجانی افراد، تغییر معیارهای ارزشی آنان و افزایش ظرفیت روانی مخاطبان.

در حالت نخست پسران بی‌تی‌اس با اجرای کنسرت‌های هیجان برانگیز، امکان تخلیه هیجانی و روانی هواداران را فراهم آورده اند. کسانی که زیر فشارهای روانی وارده از اطرافیان و جامعه خویش هستند، اگر عرصه‌ای برای تخلیه هیجانی خویش داشته باشند، در عمل به تعدیل فشارهای درونی خویش نایل می‌آیند. مریم ۱۸ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، با اشاره به فرصتی که بی‌تی‌اس برای تخلیه هیجانی وی و دیگر هواداران فراهم آورده بود، می‌گوید:

«من شخصاً بیشتر حال و هوای اجراهای بی‌تی‌اس رو دوست دارم، وقتی کنسرت‌هاشون رو تو یوتوب نگاه می‌کنم، بهم حس قدرت می‌ده، چون تمام طول کنسرت وقتی رقص‌هاشون رو نگاه می‌کنی، انگار یه ابهتی دارن یه حس عجیبیه، هیجان زده‌ات می‌کنه، ما که ایرانییم مجبوریم فیلمش رو ببینیم، تصور کن آرمی‌هایی که اونجا هستن، چه حسی دارن. من فکر می‌کنم خیلی رو تک تک رقص‌ها و اجراشون کار می‌کنند و یه کار بی‌نقص ازش در میان که قابل مقایسه با خواننده‌های دیگه اصلاً نیست.

- یعنی دیدن اجراهای بی‌تی‌اس باعث می‌شه بتونی هیجانت رو تخلیه کنی؟

می‌شه گفت این طوره. حس خوبی پیدا می‌کنم، نگاه می‌کنم. حتی دبیرستان که بودم تو دوره امتحانات واسه خودم تشویقی می‌داشتیم که اگه تا ساعت فلان کل این فصل رو تموم کنی، می‌تونم شب یکی از کنسرت‌های بی‌تی‌اس رو نگاه کنی. قشنگ سر حالم می‌کرد».





در سطحی عمیق‌تر، بی‌تی‌اس با ایجاد تغییر در معیارهای ارزشی هواداران و یا ارایه رهنمودهایی که به افزایش ظرفیت روانی افراد باز می‌گردد، در بهبود حال روحی و روانی طرفداران خویش اثرگذار واقع شده است.

گلاره ۱۴ ساله و نرگس ۲۱ ساله، در مصاحبه‌های خویش از تغییر معیارهای ارزشی خود تحت تأثیر گروه بی‌تی‌اس یاد کرده اند. نرگس در مصاحبه خود اذعان می‌دارد، تأثیر گروه بی‌تی‌اس بر روی او چنان زیاد بوده است که وی زندگی خود را به دو قسمت قبل و بعد از طرفداری از گروه بی‌تی‌اس، تقسیم کرده است:

«فکر کنم تقریباً ۹۰ درصد آرمی‌ها این شرایط رو داشتن که توی دوران نوجوانی و بلوغ که داشتن بزرگ می‌شدن ناراحت بودن یا حال‌شون بد می‌شده و توی همین دوران بوده که با بی‌تی‌اس آشنا شدن و حال‌شون خیلی بهتر شده.

بی‌تی‌اس بهمون بر عکس این که یاد بده برای دیگران چه جوری باشیم، این رو یاد می‌ده که چه جوری برای خودمون باشیم و خودمون رو دوست داشته باشیم و چه جوری زندگی کنیم و این خیلی تأثیرگذاره. نمی‌دونم درست باشه این رو بگم یا نه، ولی من یه زمانی حتی با سن کمی که داشتیم، شب‌ها قبل از خواب همیشه گریه می‌کردم و اصلاً حالم خوب نبود و خب هیچ‌کس هم متوجه این موضوع نمی‌شد، ولی بی‌تی‌اس نه تنها توی آهنگ‌هاش که می‌گه زندگی ادامه داره، بلکه توی همه چیزش مثل همون ران‌ها و برنامه‌ها و مصاحبه‌هاش بهمون امید می‌دن و می‌گن که ما رو دوست دارن و این موضوع خیلی روی من تأثیر داشت و حالم رو خوب می‌کنه».



«- وقتی بهشون فکر می‌کردی یا باهاشون وقت می‌گذرودی، چه احساسی داشتی؟
اون اوایل که بی‌تی‌اس مثل الان این قدر حاشیه نداشت، حالم خوب بود باهاشون، یعنی من هر وقت حالم خوب نبود، با آهنگاشون گریه می‌کردم. باهاشون تو ذهنم حرف می‌زدم، شاید تصور کنی دیوونه بودم، اما همیشه حضورشون رو همه جا کنار خودم حس می‌کردم. این جوری باعث می‌شد کم‌تر توی موقعیتای مختلف مثل مهمونی یا مدرسه استرس بگیرم، حالم خوب بود با آهنگاشون می‌رقصیدم. از صبح تا شب باهاشون وقت می‌گذروتم و حس می‌کردم بیش‌تر از هر کسی توی این دنیا دوست‌شون دارم. حتی بیش‌تر از پدر و مادرم. من دوران نوجوونیم واقعاً روزای خوبی رو نمی‌گذروندم. تنها چیزی که باعث شد دست به کارای احمقانه زنم، بی‌تی‌اس بود. اون من رو به این زندگی بند کرده بود. هر روز بیش‌تر عاشق می‌شدم. لباسام شبیه بی‌تی‌اس بود. اتاقم پر از وسایل بی‌تی‌اس بود. تو صحبتام فقط از بی‌تی‌اس می‌گفتم و انگار جز حرف زدن در مورد اونا، چیزی برای گفتن نداشتم. هویتم شده بودن اونا. تو مدرسه و کلاس همه من رو به اسم دیوونه‌ترین آرمی می‌شناختن، بماند که تونستم با کارام خیلی از دوستانم رو آرمی کنم.»

- یعنی چی که می‌گی هویتت شده بودن؟

بین همین که بچه‌ها من رو توی مدرسه می‌دیدن، یاد بی‌تی‌اس می‌افتادن. بعد از یک مدت هم دیدم که حرف زدنم، علاقه‌مندی‌هام، کارهام و لباس پوشیدنم، همه چیز شبیه شده به اونا و البته بیش‌تر هم شوگا، چون بایسم توی بی‌تی‌اس بود.

اون زمان زندگی من به دو بخش تقسیم شد. قبل از بی‌تی‌اس و بعدش. تا قبلش یادم نمیاد. واقعاً نمی‌دونم چی حالم رو خوب می‌کرد. چی بهم انگیزه می‌داد. چی دوست داشتم. هیچی یادم نمیاد، اما

اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۵۵

همه‌ی اتفاقاتی بعد از بی‌تی‌اس رو یادمه. تو اون سن من سرگردان بودم و چی تأثیرش بیش‌تر از یه بند موسیقیه که بتونه تو رو بسازه. من رو ساختن. برای همین می‌گم هویت‌م شده بودن».

حدیث ۱۴ ساله و ترنم ۱۸ ساله، در اظهاراتی که در مصاحبه خوشان داشته‌اند، به نوعی از افزایش ظرفیت روانی خویش در برخورد با گروه بی‌تی‌اس یاد کرده‌اند. ترنم با بیان عبارت کشیده شدن خودش از تاریکی به طرف روشنایی، از عمق اثرگذاری گروه روی خودش یاد می‌کند:

«- گفتمی بعد از اجرا و رقص، از متن آهنگ‌ها خوش‌تر می‌اد و به نظرت امیدبخش‌تر. یه کم بیش‌تر درباره این برام توضیح بده، دقیقاً چه طوریه که به نظرت امیدبخشه؟»

می‌دونم دقیقاً انگار برای همه مودای آدم موزیک دارن. وقتی غمگینی یا حتی مثلاً با اکیپ دوستات دعوا کردی و حس می‌کنی نارو خوردی. وقتی حس افسردگی داری یا فکر می‌کنی کسی دوست نداره. من خودم وقتی آهنگاشون رو گوش می‌دم، واقعاً حس می‌کنم توی تجربه اون حس تنها نیستم و خیلی راحت‌تر از اون حس و حال می‌گذرم.

- یه نمونه از این مدل آهنگاشون رو بهم می‌گی که خودتم دوستش داشته باشی.

یه تیکه از متن آهنگ زندگی ادامه دارد که خیلی دوستش دارم، این طوریه:

مثل پژواکی توی جنگل،

یه روزی میاد که

انگار هیچ اتفاقی نیفتاده بود،

آره، زندگی ادامه داره،

مثل تیری در آسمان آبی

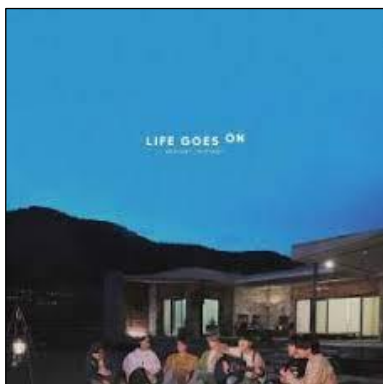
ما یه روز دیگه پرواز می‌کنیم (پیشرفت می‌کنیم)،

روی بالش‌م، روی میز‌م،

آره، زندگی ادامه داره،

بازم همین طوره.

من این آهنگ رو وقتی یکی از امتحانام رو گند زده بودم، مدام گوش می‌دادم و واقعاً حال‌م بد بود، چون خانواده‌ام هم همه‌اش سرزنش‌م می‌کردن، ولی این موزیک و متنش خیلی حال‌م رو بهتر می‌کرد. بعد از این مسایل علاقه‌ام خیلی بیش‌تر شد».



«- فکر می‌کنی بی‌تی‌اس در چه مواردی بیش‌ترین تأثیر رو در زندگی شخصی خودت داشته؟ از هر لحاظ برای من تأثیرگذار بود. اول و مهم‌تر از همه تأثیری که رو روحیه‌ام داشته و الان نسبت به قبل از آشنایی با بی‌تی‌اس، خیلی شادترم. دوم تو سن خیلی کوچیک توانایی گرفتن تصمیمات بزرگ رو به دست آوردم، مثلاً موقع‌هایی که از دست زن بابام کتک می‌خوردم، با یاد آوردن حرف‌هاشون که تو آهنگ فایر می‌گفتند تو جوونی، بزن بشکن، از خودت دفاع کن، اونا نمی‌تونن تو رو بفهمن، پس تو خودت را بفهم. سوم این که قبلاً از نظر اخلاقی خیلی سنگ‌دل بودم. الان خیلی مهربون‌ترم، می‌دونم و می‌فهمم که نمی‌شه با دعوا و دیوانگی برای مشکل‌ها راه حل پیدا کرد. من دورانی با بی‌تی‌اس مواجه شدم که به این چیزهایی که بالاتر گفتم، نیاز داشتم و این جوری دور خودم با خیالات و توانایی که داشتم با بی‌تی‌اس یک چهار دیواری ساختم که توش همیشه در امنیتم. از نظر اجتماعی خیلی ارتباطم با اطرافیانم بهتر شده، قبلنا که می‌رفتم مدرسه یا عروسی، جشنی، چیزی، همیشه انتظار داشتم آدم‌ها بهم سلام بدن یا در خواست دوستی بدن، همیشه خودم رو کم‌تر از بقیه می‌دیدم و تا زمانی که کسی سمت من نمی‌اومد، من به سمتش نمی‌رفتم، ولی وقتی با بی‌تی‌اس آشنا شدم، یه جوری کلاً تغییر کردم، الان من می‌رم بهشون در خواست دوستی می‌دم، وقتی می‌بینم ناراحت ان، برای خوشحالی‌شون تلاش می‌کنم، بیش‌تر با آدم‌ها ارتباط چشمی برقرار می‌کنم، شجاعتش را دارم وقتی به یکی حسی دارم، برم رو به روش بایستم و براش توضیح بدم، مشکلاتم را با آدم‌ها می‌تونم به راحتی به اشتراک بذارم، سرش بحث کنم و متوجه این شدم که وقتی با آدم‌ها این جوری برخورد می‌کنم، آدم‌ها بیش‌تر بهم توجه می‌کنن، بیش‌تر برام ارزش قایل می‌شن. حسی بدی که قبلنا به خودم داشتم، کاملاً از بین رفته و من رو از تاریکی به روشنی کشونده.»

۲-۵- آرامش بخشی

گروه بی‌تی‌اس در پی انگیزه بخشی، ارتقای اعتماد به نفس و کمک به بهبود حال بد افراد، آرامش بخشی را در دستور کار خود دارد و هواداران زیادی در مصاحبه‌های انجام شده از ویژگی اخیر به عنوان ویژگی

اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۵۷

شاخصی که آنان را متوجه گروه بی‌تی‌اس کرده و اعضای گروه را به صورت الگوهای آنان در آورده است، یاد کرده اند.

بررسی پاسخ‌های جمعیت مورد بررسی در زمینه آرامش‌بخشی، حکایت از آن دارد که آرامش ایجاد شده توسط گروه بی‌تی‌اس را می‌توان در چند مقوله نسبتاً متفاوت طبقه‌بندی کرد، آرامش گرفتن از صدای یک عضو خاص، آرامش‌بخشی در دشواری زندگی فردی و اجتماعی افراد، آرامش‌بخشی در دوران پر تنش سیطره کرونا، آرامش‌بخشی با تأکید بر غلبه بر مشکلات فرارو که اعضاء نیز خود نمونه بارز آن هستند و سرانجام آرامش‌دهی خلسه‌وار که با فرو بردن فرد در حالتی خلسه‌وار، بین وی و شرایط پرتنش اطرافش، فاصله می‌اندازد.

مریم ۱۸ ساله، در مصاحبه خودش خاطرنشان ساخته است که وی در ساده‌ترین سطح ممکن با شنیدن صدای تهیونگ آرامش می‌یابد:

«- مریم بی‌تی‌اس برای هر حالتی آهنگ دارند؟»

آره تنوع آهنگاشون زیاده. شاد باشی، آهنگ شاد دارن، حس و حالت عاشقانه باشه، کلی آهنگ عاشقانه دارن، ناامید باشی، آهنگ‌هایی دارن که امیدوارت کنه، ناراحت باشی آهنگ‌های آرامش بخش دارن، احساس ضعف کنی، آهنگ‌هایی مثل نات تودی سر حالت میارن.



- وقت‌هایی که ناراحتی و آهنگ‌هاشون رو گوش می‌دی، حالت بهتر می‌شه؟
آره، خیلی. آرامش می‌گیرم، مخصوصاً وقتی صدای تهیونگ رو می‌شنوم. توی سال کنکور کمتر می‌تونستم پیگیر کارهاشون باشم، ولی تو تایم‌های استراحتم آهنگ‌هاشون رو گوش می‌دادم و حس می‌کردم، می‌تونم با قدرت بیش‌تری ادامه بدم.»

در سطحی فراتر، مصاحبه‌شوندگان اذعان داشته‌اند که گروه بی‌تی‌اس با محتوایی که بدان‌ها ارایه می‌کند، آنان را در مواجهه با سختی‌ها و دشواری‌های زندگی روزمره‌شان دعوت به آرامش کرده به این ترتیب مشکلات فراروی آنان را تخفیف می‌دهد.

نگین ۱۳ ساله، در مصاحبه‌اش بیان داشته است، به علت ممنوعیت ورود گوشی همراه به مدرسه، وی در مدرسه با بستن چشم‌هایش و مرور محتوای آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس، در عمل به آرامش می‌رسد.

محمدرضای ۲۱ ساله نیز خاطرنشان ساخته است که نه تنها وی در هنگام خواب، با گوش کردن به آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس، برای خواب آرامش می‌یابد، بلکه در زمان بهم پیچیده شدن کارهایش نیز محتوای آهنگ‌های بی‌تی‌اس، آرامش را برای وی به ارمغان می‌آورند.

سرانجام مسعود ۲۰ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، یادآور می‌شود، محتوایی که بی‌تی‌اس در اختیار وی می‌گذارد، به وی آرامش می‌دهد، زیرا این محتوا در عین آن که فردای بهتری را به فرد نشان می‌دهد، او را نسبت به عبور از مشکلات فرارو امیدوار می‌سازد:

«در چه موقعیتهایی از عبارت «خودت را دوست داشته باش» استفاده می‌کنی؟

من راستش خوب تو مدرسه خیلی حس و حال چیزی ندارم، چون بالاخره تو هر مدرسه یکی هست که باهات مشکل داره و همه مشکلات ظاهری، درسی این‌ها را به رخت می‌کشه. من وقتی می‌بینم که دیگه اعصابم نمی‌کشه، دیگه نمی‌تونم اون وضعیت را تحمل کنم، چون تو مدرسه گوشی و این‌ها هم ندارم و من معمولاً نصف ویدیوها و دیالوگ‌های بی‌تی‌اس را حفظ هستم و تو زنگ‌های تفریح می‌شینم روی نیمکت، چشم‌هام را می‌بندم و فقط به اون‌ها فکر می‌کنم و به همه چیزها که باعث شدن تاحالا به خاطرش خوشحال باشم و این آرومم می‌کنه.

- به من می‌گی که چه جوری این همه ویدیو رو حفظ کردی؟

خوب من دیالوگ‌هاشون رو حفظ کردم یک عالمه دیالوگ از شون حفظم، یک سری کانال یوتیوب هست، یک سری چنل که به آدم یاد می‌ده، انقدر اینا رو گوش می‌کنم، گوش می‌کنم، گوش می‌کنم تا حفظ بشم، حتی مدل گفتن، نحوه تلفظ جمله رو وقتی که هی تکرار کنی دیگه می‌فهمی، حفظشون می‌شی».

«- علاوه بر کار کردن که گفتی، موقع انجام چه کارهای دیگه‌ای آهنگ گوش می‌دن؟

مثلاً شما کتابخونه که بری شاید مثلاً از هر ده نفر یک نفر داره موسیقی کره‌ای گوش می‌ده، رپ و اینا نه‌ها، حالا یه آهنگ جیمین داره اسم آهنگش پرومایس هست، این رو مثلاً کسی گوش بده، یه حس آرامشی می‌گیره یه کمش رو انگلیسی خونده یه کمش رو هم کره‌ای، حتی اگر کسی هیچ کدوم از این دوتا زبان رو بلد نباشه، باز باهش ارتباط برقرار میکنه و اون حس آرامش رو می‌گیره.

کتابخونه رو هم برای همین گفتم، چون من زیاد دیدم کسانی رو که موقع کتاب خوندن آهنگای اینا رو گوش می‌کنن، آهنگایی مثل همین پرومایسه که فضای آرومی داره و این به نظرم فوق‌العاده هست.

- یعنی تمرکزشون رو بیش‌تر می‌کنه؟

فک کنم برای هر کسی فرق داره من خودم مشکل خواب دارم بعد از این که اینا رو دیدم که این کار رو انجام می‌دن، یعنی با موسیقی کتاب می‌خونن، گفتم بذار امتحان کنم ببینم چه تأثیری داره،

اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۵۹

دیدم واقعاً خیلی خوبه بعضی شبا می‌شینم کتاب می‌خونم با موسیقی و واقعاً کمک می‌کنه بهم تاحدی برای همین موسیقی خیلی تأثیر گذاره روی من حداقل، خب در مورد همه افراد نمی‌تونم این حرف رو بزنم، ولی در مورد خودم می‌تونم بگم که روم خیلی تأثیرگذار بوده، من حتی بعضی وقتا که کارام توی همدیگه می‌پیچن و حالا اوضاع خوب نیست برام، بازم موسیقی گوش می‌دم که واقعاً آرومم می‌کنه و باعث می‌شه آرامش به دست بیارم، بعدش خب بشینم منطقی فک کنم که باید چه کار کنم».

«- معنی آهنگ‌های بی‌تی‌اس چه تأثیری روی هواداران دارد؟

خیلی تأثیر دارد. ممکنه هر کدام از هواداران یکی از این مشکلات یا دغدغه‌ها رو داشته باشه. صبر و تلاش و کوشش برای رسیدن به هدف رو به همه یاد می‌ده. همه رو به آرامش دعوت می‌کنند و راه عبور از مشکلات رو با آهنگ‌هاشون به هواداران یاد می‌دهند.

- می‌شه یه نمونه مثال بیاری؟

نمونه‌اش خود من، در حالی که می‌دانستم اگر ادامه تحصیل بدم، ممکنه آینده خیلی بهتری از اینی که هستم رو داشته باشم، ولی تصمیم گرفتم به خاطر بقیه خواهر و برادرام وارد بازار کار بشم تا اونا بتونند ادامه تحصیل بدن و پدر و مادرم کمی از فشار روشن کم بشه. بی‌تی‌اس مشکلات من و امثال من رو دید و تونست با دلداری و دعوت به آرامش از این مشکل عبور کنم و از تصمیمم، احساس پشیمانی نکنم و به هدفی که به خاطرش این کار رو کرده بودم، فکر کنم. تونستم دوتا از خواهرام رو به دانشگاه بفرستم و کمک‌شون کنم بابت هزینه تحصیل‌شون نگران نباشند و کم‌تر بذارم پدم کارگری کنه و بعضی روزها رو استراحت کنه».

دیپای ۱۵ ساله و مسعود ۲۰ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خویش، با یادآوری شرایط دشوار دوران سیطره کرونا بر جامعه جهانی، خاطرنشان کرده اند که آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس (نظیر آهنگ دعوت به رقص)، بذر امید را در دل‌ها می‌پراکندند و دیگران را نسبت به عبور جهان از شرایط دشوار همه‌گیری کووید ۱۹، مطمئن و امیدوار می‌ساختند:

«آهنگ پرمیشن تو دنس^۱ هم به نوعی بعد از کرونا اومد و وایب خیلی مثبتی داشت و واقعاً حال آدم رو خوب می‌کرد مثلاً همه داشتن می‌رقصیدن و شادی می‌کردن و موزیک‌ویدیو و آهنگ هم در ارتباط با اون روزنامه‌ای بود که تو دست جیمین بود که مثلاً تاریخ پایان کرونا رو توش نوشته بود یا آهنگ ران بی‌تی‌اس^۲ که توی آلبوم جدیدشون بود، می‌گه که اگه بخوام زندگی کنم، نباید انقدر توی زندگی به خودم فشار بیارم و باید با جریان زندگی پیش برم و از همون لذت ببرم و باهاس حال کنم، البته این به این معنی نیست که کلاً زندگی رو جدی نگیریم (می‌خندد)».

1- Permission to Dance (2021)

2- Run BTS (2022)



«- تأثیر فعالیت‌های بی‌تی‌اس در دوران کرونا روی هواداران چگونه بود؟»

چون اکثر هواداران قشر دانش‌آموز بودند و آن‌ها هم خانه‌نشین شده بودند، تنها روزنه امیدشون آهنگ‌های بی‌تی‌اس در فضای مجازی بود که با گوش دادن به آن‌ها روحیه می‌گرفتند و یا غم از دست دادن عزیزانشون رو در بیماری کرونا با کمک بی‌تی‌اس می‌تونستند تحمل کنند. اینجا وفاداری بی‌تی‌اس به هواداران آشکارا دیده می‌شه. زمانی که ترس و ناامیدی سراسر جهان رو به خاطر کوید ۱۹ فرا گرفته بود. گروه بی‌تی‌اس با پخش آهنگ‌های ساخته خودشون به هواداران امیدواری می‌دادند. در سطحی متفاوت، جمعیت مورد بررسی بیان داشته اند که اعضای گروه بی‌تی‌اس با طرح الگوی خودشان یا الگوهای مشابه، در عمل به مخاطبان خودشان نشان می‌دهند که دشواری‌های مشابهی نیز در گذشته وجود داشته است که آنان و دیگران با عبور از این دشواری‌ها، به موفقیت دست یافته اند، بنابراین مخاطبان نیز می‌توانند با امید به آینده‌ای بهتر، با آرامشی که می‌یابند، ادامه مسیر داده و تنگناهای دشوار را پشت سر بگذارند:

«حتی موزیک‌های غمگین هم می‌تونن با اون وجهه‌ی عمیق و شاید غمگین و احساسی با مخاطب ارتباط برقرار کنن و این حس رو ایجاد کنن که شخص داره حرف‌های درونی خودش رو می‌شنوه. تنها نیست و کسانی هستن که این درد رو چشیدن و اون رو ابراز می‌کنن.»

برای مثال، موسیقی‌های سولو از عضو گروه بی‌تی‌اس، مین یونگی^۱، مثل د لست^۲، گویای مشکلات روحی و چالش‌های فکری‌ای هستن که هر نوجوون و جوونی ممکنه اونا رو تجربه کنه و حس کنه تنهاست، شنیده نمی‌شه و درک نمی‌شه. اما شنیدن این موسیقی، می‌تونه برای شخص امیدبخش باشه.

۱ - مین یونگی (Min Yoongi) که با نام‌های هنری شوگا (Suga) و آگوست دی (Agust D) شناخته می‌شود، رپر، ترانه‌سرا و تهیه‌کننده موسیقی اهل کره‌ی جنوبی است. او در سال ۲۰۱۳، به‌عنوان عضوی از گروه پسرانه‌ی کره‌ای بی‌تی‌اس، تحت نظر کمپانی بیگ هیت اینترتینمنت آغاز به کار کرد. در سال ۲۰۱۶، نخستین میکس‌تیپ انفرادی خود را با عنوان آگوست دی، منتشر کرد. او ترانه‌سرا و تهیه‌کننده‌ی موسیقی بسیاری از آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس است.

۲ - آهنگ «The Last» از آلبوم میکس‌تیپ شوگا (مین یونگی) رپر گروه بی‌تی‌اس به نام (Agust D) است که در سال ۲۰۱۶ منتشر شد. متن این آهنگ در مورد سختی‌ها و چالش‌های زندگی این رپر قبل از موفقیت است.

اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۶۱

«خواننده‌ی محبوبم از این چالش فکری به سلامتی گذر کرده. پس من هم می‌تونم» (ریحانه، ۲۱ ساله).

«- بعضی خواننده‌های هالیوودی مثل لیدی گاگا یا جنیفر لویز هم هستند که هم‌زمان می‌خوانند و می‌رقصند، فرق گروه‌های کی‌پاپ با اون‌ها چیه؟»



تفاوت‌شون اینه که کی‌پاپ از افسردگی رهاست و مثل خواننده‌های کشورهای دیگه تبلیغ افسردگی نمی‌کنند. کلاً تو کی‌پاپ هیچ وقت سبک افسردگی نداشتیم، یعنی آهنگ‌ها همه شاد بود و همه‌اش در حال رقصیدن بودن، ولی بی‌تی‌اس گروهی بود که اومد، آهنگ کاملاً ضد افسردگی ساخت و گفت، خودتون رو دوست داشته باشید. خیلی خوشم اومد که آهنگ‌هاشون حس خوبی داره و افسردگی رو نشون نمی‌ده و کسی حتی اگه آرمی نباشه، وقتی که آهنگ‌هاشون رو بشنوه، دلش می‌خواد پاشه برقصه. - خوب آهنگ‌های غمگین شون چی؟

یه سری آهنگ‌های با ریتم آرام دارن که موضوع اون‌ها هم باز افسردگی و ناامیدی نیست، بلکه این رو نشون می‌ده که دوره‌های سخت هم تموم می‌شه و بالاخره جاش با روزهای خوب عوض می‌شه، مثل آهنگ اسپرینگ دی (روز بهاری) «(سحر، ۱۵ ساله).

«... بی‌تی‌اس واقعاً خیلی آهنگای قوی‌ای داره. لیریکس (متن ترانه) و ملودی و همه چیز آهنگاشون قشنگ و قویه من خودم واقعاً با ترانه‌ی آهنگاشون همزاد پنداری می‌کنم. - مثلاً با کدوم آهنگشون بیش‌تر همزاد پنداری می‌کنی؟

فیک لاو.





- این آهنگ در مورد چیه؟
عشق.

- اشکال نداره بپرسم چرا با اون همزاد پنداری می‌کنی؟

این آهنگ در مورد عشق و رابطه‌های فیکه. من قبلاً از یکی خوشم می‌اومد و بهش گفته بودم، اما خب اون من رو خیلی محترمانه پس زد. هر بار که این آهنگ رو گوش می‌دم، یاد اون شخص می‌افتم، ولی می‌دونم این جور نیست که فقط آهنگاشون ناراحت‌کننده یا یاد خاطره‌های تلخ بیفتم، خیلی وقتاً با آهنگاشون حال‌م خوب شده و انگیزه گرفتم» (پونه، ۱۸ ساله).

کوثر ۲۵ ساله، در سطحی متفاوت، از آرامش‌یابی خلسه‌وار خود صحبت به میان آورده است، وی خاطر نشان می‌سازد، در دوران دشوار نوجوانی وی، گروه بی‌تی‌اس با آهنگ‌های خودش، بسان یک مراقب، از وی مراقبت به عمل می‌آورد و به او امید فردایی بهتر را می‌داد، به همین سبب کوثر در آرامش خلسه‌واری که در عمل تجربه می‌کرد، به دوستانش بیان می‌داشت، اگر وی خودش را نمی‌کشد، به دلیل انتظار دیدن کنسرت بی‌تی‌اس در آخر ماه است:

«- بعد این که در نهایت فکر می‌کنی طرفداری از بی‌تی‌اس چه تأثیری روی زندگیت داشته؟

تأثیر مثبت قطعاً! یعنی این رو من دارم از دید الانم می‌گم که دیگه اون طوری نه اون قدر دوس شون دارم، نه اون قدر اخبارشون رو حتی دنبال می‌کنم، ولی به عنوان کسی که از بیرون دارم به اون چندسالی که نوجوون بودم و طرفدار بی‌تی‌اس بودم یا کی‌پا پر بودم یا هر چی، نیاز داشتم به بودن همچین چیزی تو زندگیم، به خاطر این که زندگی گاهی اوقات می‌تونه خیلی سخت باشه و دوست داشتن یه چیزی که داره از تو مراقبت می‌کنه، یعنی واضح داری می‌بینی که طرف مثلاً وقتش رو داره می‌ذاره و میاد یه چیزی مثلاً آرایه می‌ده که به تو کمک داره می‌کنه. حالا می‌خواد همدلی باشه یا توصیه‌های مثبت باشه یا هر چیز دیگه‌ای. دوست داشتن همچین چیزی که حس مورد مراقبت واقع شدن رو بهت می‌ده، تو اون لحظات سخت، می‌تونه خیلی حیاتی باشه.

- اوهوم.

اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۶۳

و مطمئنم که خیلی‌ها هم همین حس رو دارن که حتی الان اگه فاصله گرفته باشن، می‌دونن که اون موقع به بودن بی‌تی‌اس تو زندگی شون نیاز داشتن و اصلاً برای همین جذبش شدن. چون جای خالیش حس می‌شده و اینا هم اون جای خالی رو با یه چیزی که واقعاً آسیب‌چندانی نداره، پر کردن. چون مثلاً درسته که صنعت کی‌پاپ به صنعت کثیفه، ولی لزوماً هر چیزی که ماهیت بدی داشته باشه، نمی‌تونه تأثیر بدی هم روی تو داشته باشه، قرار نیست تأثیر بدی روی تو داشته باشه و هیچ چیز خوب و بد مطلقاً هم وجود نداره و برای من خوبی‌هاش بیش‌تر بود. چون درسته که مثلاً ممکنه بگیم بر فرض روزی پنج، شیش ساعت از وقت من برای بی‌تی‌اس رفته و پول شده رفته تو جیب کمپانی و پول شده رفته تو جیب مثلاً خود خواننده، ولی بی‌تی‌اس اگه کلاً از زندگی من حذف می‌شد، حالا شاید خیلی از نظر یکی که داره از بیرون نگاه می‌کنه این حرف خیلی غیر واقعی به نظر بیاد، ولی واقعاً ممکن بود من حتی اصلاً اینجا نباشم.

- یعنی چی؟

یعنی که خیلی‌ها هستن که... حالا مطمئنم اگه مصاحبه‌های دیگه انجام بشه با کسانی که طرفدار حالا چه بی‌تی‌اس چه گروه‌هایی که مثلاً فعالیت این طوری دارن... خیلیا می‌گن که زندگی شون رو مدیون به اون هنرمند هستن و این دروغ نیست. چون وقتی که یک نفر افکار خودکشی داره، به شدت نیازمند به اینه که یه همچین رابطه‌ای رو، ارتباط سیف^۱ (امن) رو با یه چیزی برقرار کنه. یه چیزی که کم‌ترین آسیب ممکن رو براش داره و حس می‌کنه که بهش امید به زندگی می‌ده. من یادم میاد اون موقع‌ها به شوخی... چون اصلاً متوجه نبودم که افکار خودکشی دارم... ولی اون موقع‌ها به شوخی می‌گفتم که یکی از دلایلی که الان خودم رو نمی‌کشم، اینه که بی‌تی‌اس آخر این ماه کنسرت داره».





۲-۶- شادی‌آفرینی

بعضی از افراد شرکت کننده در پژوهش، از مقوله شادی‌بخشی و شادی‌آفرین واقع شدن گروه بی‌تی‌اس در بیانات خودشان یاد کرده اند.

شادی‌آخیر را می‌توان به دو مقوله شادی نامناسب و مرضی و شادی معمول تقسیم کرد. در شادی نامناسب، برخی از افراد با مستمسک قرار دادن پسران گروه بی‌تی‌اس و مورد تمسخر قرار دادن اعضای گروه و یا حتی اهانت به آن‌ها، به نوعی لبخندی از رضایت را بر لب آورده و اطرافیان خویش را نیز احیاناً به خنده می‌اندازند که بالطبع این شادی‌ها در مقوله شادی‌های مرضی می‌گنجد. در شادی‌های معمول شرایطی پدید می‌آید که افراد همه با هم می‌خندند و یا به شرایطی پر هیجانی سوق داده می‌شوند که شگفتی شرایط پدید آمده، اسباب شادی و نشاط آنان را (هر چند موقت) فراهم می‌آورد.

محسن ۲۲ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، مصداقی از شادی‌های نامناسب را به معرض دید می‌گذارد: «... سر همین که جین مجبور شده سربازی بره، تا دلتون بخواد فحش دادم به دولت کره (باخنده).





- چرا؟

چون دلم نمی‌خواد جین از گروه کنار بره.

- اگر جین به دلایل شخصی از گروه خارج بشود، به جین فحش خواهی داد؟
می‌رم کامنت می‌ذارم مثل بقیه چهارتا فحش آبدار می‌کشم بهش.

- چرا از جین سوال نمی‌کنی که چرا او می‌خواهد از گروه خارج بشود و یا این که درخواست کنی که در گروه بماند؟

کامنتم رو دوستانم می‌بینن می‌خندن. فحش می‌دم زیر پستش، مسخره بازی در میاریم، همین کارهایی که خیلی از ایرانیان انجام می‌دن.

- دوستانت به کامنت فحشت می‌خندند یا به این که درخواست کنی در گروه بماند؟
نه دیگه، به مسخره بازی در آوردنم می‌خندن».

مقوله شادی‌های معمول را می‌توان به زیر مجموعه‌های شادی ناشی از ملاحظه طنزپردازی‌ها، شوخی‌ها و نظایر آن‌ها و شادی ناشی از مواجهه با شرایط هیجان‌انگیز و متنوع تقسیم کرد.

سارینا و نگین ۱۳ ساله و مرضیه ۱۹ ساله، در مصاحبه‌های خود به خندیدن به شوخی‌های اعضای گروه و برنامه‌هایی مانند ران بی‌تی‌اس و مانند آن اشاره داشته‌اند:

«- چرا فقط به خاطر همین مورد که از بی‌تی‌اس خوشش نیاد، قطع رابطه می‌کنی؟

چون قطعاً نه اون می‌خواد با من دوست باشه و نه من می‌خوام با یکی که من رو قبول نداره و حاضر نیست به خاطر من به علاقه‌ام احترام بگذاره، دوست باشم.

- چه ویژگی و خصوصیتی توی بی‌تی‌اس وجود داشت که باعث شد به گروه مورد علاقه‌ات توی کی‌پاپ تبدیل بشن؟

راستش بی‌تی‌اس تنها گروه مورد علاقه من نیست و بلک‌پینک رو هم به عنوان گروه مورد علاقه‌ام می‌دونم و هردوشون رو به یه اندازه دوست دارم، ولی در کل بی‌تی‌اس آهنگ‌هاش خیلی به سلیقه و حال من خورد و در کل خیلی برای من جذاب بود و بلک‌پینک هم به خاطر این که اولین گروه کی‌پاپ بود که شناختم، خیلی برام عزیزه و بیش‌تر سبک و صداشون هست که من خیلی دوست دارم. در کل

نمی‌تونم بین این دو تا گروه، یکی رو انتخاب کنم. دلیل اصلی این که بی‌تی‌اس رو به جای گروه‌های دیگه استن می‌کنم، رو واقعاً نمی‌دونم. انگار که اون‌ها یهو از ناکجا آباد اومدن و منم یهو جذب‌شون شدم و نمی‌تونم دلیل خاصی رو بگم چون هر چیزی سلیقه‌ایه و سلیقه من هم بی‌تی‌اس هست.

- یعنی گروه بی‌تی‌اس هیچ برتری و ویژگی خاصی نسبت به سایر گروه‌های کی‌پاپ نداشت که روی انتخابت تأثیرگذار باشه؟

اگه بخوام صادق و رک باشم، واقعاً هیچ فرقی برای من نداشت نه معروفیت‌شون و نه رکوردها و ویوهاشون هیچ کدوم برای من اهمیت نداشت. من یهو به بی‌تی‌اس جذب شدم و بعدش بدون هیچ دلیل خاصی عاشق همه چیزشون شدم.

- مگه می‌شه که یه نفر عاشق چیزی بشه، ولی اون از نظرش ویژگی خاصی نداشته باشه؟ منظورم از دلیل خاص این نیست که هیچ دلیلی نداشتیم، ولی خب دلایلم خیلی بزرگ نیست. من بیش‌تر پایه فاز خل‌بازی‌هاشون شدم، چون کلاً انرژی مثبت هستن و من رو شاد می‌کنن (می‌خندد)».

«- چیزهای دیگری هست که برای شما جالب باشه؟»

معمولاً دو دسته می‌شه، یکی همین جمله‌هی تو ذهنم تکرار می‌شه و یا به ویدیوهای فان و خنده‌دارشون فکر می‌کنم. می‌دونید مثلاً شما امکان نداره برین از یک آرمی پرسین که تو ران بی‌تی‌اس را دیدی یا نه و اون بگه نه. غیر ممکنه، همه آرمی‌ها ۱۰ دفعه همه قسمت‌هاش را نگاه کردن، چون خیلی برامون جالب و خنده‌داره».



«- اگر بخواییم کمی با دقت نظر جلو بریم توی یه ویدیو گفته می‌شه: "دوز یونگی امروز"، به نظرت واقعاً این طوره که دیدن ویدیوها و عکس‌ها و گوش کردن به آهنگ‌های بی‌تی‌اس برای تو به عنوان یه طرفدار مثل یه داروی آرام بخش عمل می‌کنه و حالت رو خوب می‌کنه؟»

اوهوم، درسته واقعاً، اونا حال‌مون رو خوب می‌کنن، من یه زمانایی بود که حال‌م خوب نبود، سیگار می‌کشیدم، ولی سیگار اون تأثیری رو نداشت که بی‌تی‌اس داشت، اوکی سیگار شاید آرومت کنه، اما

اثرهای روانی هواداری از گروه بی تی اس / ۶۷

این چندتا پسر آنرمال (غیرعادی) (باخنده) کره‌ای، باعث می‌شن که من بخندم و خنده بر هر درد بی‌درمان دواست، کاری که خنده‌هاشون با آدم می‌کنه صدتا مسکن و مورفین نمی‌کنه.

- (باخنده) چرا غیر طبیعی؟

شوخی می‌کنم جدی‌نگیر، فقط به این خاطر خیلی بانمک ان و بازیگوش و اهل مسخره بازی». فریبای ۴۶ ساله، در مصاحبه خودش اظهار می‌دارد، پر انرژی بون اجراهای گروه بی تی اس، دخترش را و در ادامه خودش را به سمت گروه جذب کرده است، زیرا اجراهای پر هیجان گروه، یک‌نواختی مرسوم زندگی وی را به نوعی تقلیل می‌داده است:

«- شما تقریباً از کی با بی تی اس آشنا هستید؟

همون تقریباً از ۲ سال پیش که دخترم آشنا شد و به من هم گفت.

- هم شما پیگیر بی تی اس هستید و هم دخترتان؟

بله، شاید حتی این روزها پیگیرتر از دخترم به حساب بیام.

- چه طور؟

هم خیلی علاقه دارم به این گروه و هم خب بالاخره دخترم تأثیر می‌گیره از این گروه و نگرانش هستم و سعی می‌کنم دقیق پیگیری کنم.



- خوب کی دخترتان آشنا شده و چه طور شما را با این گروه آشنا کرد؟

دخترم به رقص خیلی علاقه داره و مدل‌های مختلف رقص رو یاد گرفته. عربی، آذری و چون کلاس رقص زومبا می‌رفت، اونجا هم گروهی می‌رقصیدن. بهم گفت که اونجا یه آهنگی پخش می‌شد و خوشم اومد از مربی پرسیدم که گفت، یکی از آهنگ‌های بی تی اس هست. اون آهنگ می‌شه سرآغاز آشنایی من و دخترم با بی تی اس.

- اسم آهنگ را به خاطر دارید؟

بله، مجیک شاپ بود.

– چرا این آهنگ را دوست داشتید؟

هنوزم دوستش داریم. هم من و هم دخترم چون خیلی شاد و انرژی‌بخش هست. بین این همه آفسرده حالی یه کم شادی لازمه. آهنگ شاد زیاد گوش می‌دم و دوست دارم دخترم هم شاد گوش بده. این آهنگ بی‌تی‌اس هم شاده».



محمدرضای ۲۱ ساله، در مصاحبه خود به ذکر نکته مهمی اشاره دارد و آن این است که شادی‌های مبتنی بر ملاحظه طنز و شوخی پسران بی‌تی‌اس با پرهیجان بودن اجراهای آنان، از آثاری موقت برخوردارند و تضمین‌کننده شادمانی درونی و پایدارتر افراد نیستند:

«– این حس شادی و خوبی که به دست می‌آید، چه قدر ادامه پیدا می‌کند، منظورم اینه گذری هست

یا طولانی مدت باقی می‌مونه؟

نه، اصلاً این طوری نیست که تأثیر طولانی داشته باشه، می‌دونی حداقل برای من دایمی و طولانی

مدت نبوده، ولی خب حواسم رو از مشکلات پرت می‌کنه یه کم».

۲-۷- تعدیل اثرپذیری در گذر زمان

پیش‌تر از تحولات مغزی نوجوان یاد شد که در آن به دلیل عدم رسش هم‌زمان قسمت‌های شناختی و عاطفی مغز نوجوان، در زندگی روزمره خویش به سادگی اسیر هیجان‌های خود شده و واکنش‌های عاطفی شدیدی از خویش نشان می‌دهد.

اما در گذر زمان، با فرارسیدن فرایند هرس مغزی که در جریان آن برخی از پیوندهای به کار گرفته نشده در مغز از بین می‌روند، ضخامت مغز خاکستری کاهش یافته، هسته آکومینس (که مترادف مرکز لذت مغز است) نیز کوچک‌تر می‌گردد. هم‌زمان با رسش قسمت‌های شناختی مغز نوجوان، واکنش‌های هیجانی افراطی وی تعدیل شده با اعمال کنترل مراکز شناختی، واکنش‌های معقول‌تری از جوان سر می‌زند.

ملاحظه اظهارنظر نوجوانان و جوانان مصاحبه شده، حکایت از آن دارد که اگر چه آنان در آغاز، طرفداری خود از گروه بی‌تی‌اس را بسیار شدید و طوفانی ترسیم می‌کردند، اما در ادامه، طرفداری شدیدی پیش‌گفته را قدری تعدیل کرده و به آن رنگ منطقی‌تری داده اند که بالطبع در نتیجه نازک‌تر شدن قشر خاکستری مخ و کاهش شدت هیجان‌پذیری نوجوان و اعمال کنترل مراکز شناختی مغز بر مراکز عاطفی آن است.

اظهارنظر سارینای ۱۳ ساله و نیکوی ۱۵ ساله، تداعی‌گر سایه‌افکن شدن بیش‌تر منطبق بر رفتارهای افراطی آغازین این هواداران است:

«- سارینا جان گفتمی که قبلاً نسبت به بلک‌پینک تعصب شدیدی داشتی و الان دیگه مثل قبل

نیستی، آیا نسبت به بی‌تی‌اس هم چنین تعصباتی داری؟

آره دارم، ولی الان زیاد سعی می‌کنم درگیر نشم، چون اعصاب خودم بدتر بهم می‌ریزه، چه درباره بلک‌پینک چه درباره بی‌تی‌اس و خب من جزو بلینک و آرمی بودن تو پنج تا فندوم دیگه هم هستم که به اندازه این دوتا نیست و اگه بخوام برا همه‌شون این جور بحث کنم، واقعاً اعصابی برای خودم باقی نمی‌مونه. قبلاً که نیو فن بودم خیلی درگیر هیترها بودم، ولی الان خیلی سعی می‌کنم درگیر نشم و اگر هم شدم از راه منطقی جلو برم، مثلاً بگم که این که اون‌ها آرایش می‌کنن به شما ربطی نداره یا این که من چه نوع سلیقه‌ای دارم، هم به شما آسیب نمی‌زنه و به شما مربوط نیست و لزوماً همه نباید مثل هم باشن».

«- تا حالا سعی کردی آهنگ‌های بی‌تی‌اس رو تکرار کنی یا رقص‌های کی‌پاپ رو یاد بگیری؟

در مورد دنس‌ها احساس کردم که اگه بلد باشم، خیلی خوبه چون بین دوستانم و کلاً گروه‌های طرفدار بی‌تی‌اس این طوره که اگه یه نفر دنس‌هاشون رو حفظ باشه، خیلی باحاله. من کاور هم کردم، هم کاور رقص کردم هم کاور آهنگ کردم، البته کاورهای آهنگ صرفاً به خاطر بی‌تی‌اس نبود و بیش‌تر به

علاقه خودم برمی‌گرفته، چون من علاقه زیادی به خوانندگی دارم و این یه تمرینی می‌شه برام. در مورد دنس هم قبل از این که طرفدار بی‌تی‌اس باشم من قبلاً فقط رقص ایرانی بلد بودم، ولی بعد از این که با این گروه آشنا شدم، با رقص هیپ هاپ و کی‌پاپ آشنا شدم و این احساس بهم دست داد که چون دوستای کی‌پاپم دنس‌هاشون رو حفظ بودن، پس منم چون طرفدارشون هستم، باید دنس‌هاشون رو حفظ باشم و انگار جزو وظایفم بود و تا یه مدتی انگار اجباری و زوری بود که من باید حتماً بلد باشم و اگه یه تیکه از دنس‌شون رو نتونم خوب اجرا کنم و حفظ نباشم، خیلی احساس بدی بهم دست می‌داد، ولی از یه جایی به بعد این حسم عوض شد و با خودم گفتم، من فقط به خاطر این که طرفدار بی‌تی‌اس هستم نمی‌رقصم، من رقص رو کلاً دوست دارم و الآن دیگه فقط بی‌تی‌اس رو نمی‌رم، مگر این که بین دوستانم باشم و بخوایم چندتایی یکی از دنس‌هاشون رو بریم، الآن کلاً رقص تمرین می‌کنم تو خونه با هر آهنگی که باشه».

همان‌گونه که پیش‌تر هم بیان شد، تأکید برخی از مؤلفان بر تبیین تحول‌های نوجوانی با اتکاء صرف به یافته‌های مغزبنیان درست نیست و باید در کنار توجه به تحول‌های مغزی نوجوان، به موارد دیگری مانند تحول‌های فیزیکی، روانی، اجتماعی، فرهنگی و عقیدتی و سیاسی نوجوان نیز توجه داشت و سهم این موارد را هم در تحول رفتار نوجوان احصاء کرد. به عنوان مثال، احسان ۱۷ ساله، تحول دید خویش را صرفاً به اخذ ارزش از گروه بی‌تی‌اس منتسب می‌سازد که این تبیین تک‌علتی برای تبیین تعدیل رفتاری نوجوان در گذر زمان کافی نیست:

«- آیا هواداری تو از بی‌تی‌اس روی اخلاقت هم تأثیر گذاشته؟

بله، تأثیر گذاشته، قبلاً کم حوصله و عجول بودم، ولی بی‌تی‌اس صبر و حوصله رو به من آموخت. احترام به والدین و بزرگ‌ترها و اساتید و کمک به نیازمندان و بیماران رو به من یاد داد.
- می‌شه یه مثالی بزنی؟

مثلاً قبلاً هر روز با هم کلاسی‌هام سر کوچک‌ترین اختلافی دعوا می‌شد، ولی حالا اصلاً این‌طور نیستم، حتی اگر توهینی بشنوم کوتاه میام و سعی در ادامه جرو بحث رو ندارم و آن‌ها رو هم دعوت به آرامش می‌کنم».

دییای ۱۵ ساله، در مصاحبه خویش خاطرنشان کرده است، اگر چه وی در آغاز طرفداری خویش دوست داشت که کاملاً شبیه آیدول‌ها باشد و دایم با خودش کلنجر داشت که چرا بینی یا چهره وی شبیه آیدول‌ها نیست، اما در گذر زمان و خاصه با دلالت‌های مادرش، به این نتیجه رسیده است که هر قسمت از چهره‌اش در جای خودش مناسب است و باید به جای پی‌گرفتن آیدول‌ها، دنبال زندگی خودش برود.

«- پس یه دوره‌ای بوده که تو فکر این باشی که باید شبیه آیدول‌ها بشی، درسته؟

اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۷۱

بله پیش اومده مثلاً یه دوره‌ای که کوچیک‌تر بودم، می‌گفتم که وای چرا دماغ من این شکلیه و باید کوچک‌تر باشه یا مثلاً در مورد جاهای دیگه بدنم هم این فکر رو داشتم، ولی الان به اون درجه از دوست داشتن خود رسیدم و دیگه این جور فکر نمی‌کنم.

- اون اوایل که به گفته خودت خیلی افراطی دنبال شبیه شدن به آیدول‌ها بودی، مثلاً چه افکاری تو ذهنت داشتی؟

مثلاً خیلییی دنبال این بودم مثل اون‌ها لاغر بشم یا مثل آیدول‌ها لباس بپوشم یا بتونم مثل اون‌ها برقصم و بخوانم.

- این که خودت رو توی اون دوران با آیدول‌ها یا بی‌تی‌اس مقایسه می‌کردی، چه احساسی بهت می‌داد؟

به نظرم این نکته رو باید بگم که من توی اون سن حتی اگر با کی‌پاپ هم آشنا نمی‌شدم، شبکه‌های اجتماعی جوری بود که آدم رو به سمت و سوی این می‌برد که خودت رو با بقیه مقایسه کنی، ولی خب اون زمان این حس رو نداشتیم که مثلاً باید یک عملی رو روی صورت‌م انجام بدم و خب، مامانم مثلاً بهم می‌گفت که تو خودت خیلی خوشگلی و داری حرف الکی می‌زنی (می‌خندد) یا مثلاً می‌گفت، چرا خودت رو با اون‌ها مقایسه می‌کنی و این‌ها خوشگلی خودشون رو دارن و تو هم خوشگلی خودت رو داری، ولی خب بعضی وقت‌ها می‌شد که قاطی بکنم و فکر کنم که زشت هستم، ولی همیشه نبود یا مثلاً خودم رو به جز این مسایل زیبایی، توی رقص و این جور چیزها هم باهاشون مقایسه می‌کردم و مامانم بهم می‌گفت که دیبا اون‌ها چند سال آموزش دیدن که چه کار باید بکنن و کلی ورزش می‌کنن یا مثلاً اون‌ها کلی تمرین کردن که الان این جوری می‌تونن برقصن و بخوانن یا این رو می‌گفت که مثلاً تو توی اتاق نشستی و داری می‌گی که چرا نمی‌تونم مثل اون‌ها باشم و خب، وقتی تلاشی نمی‌کنی، نمی‌تونی شبیه اون‌ها باشی. از اینجایا بود که کم‌کم فهمیدم که اون‌ها تو ذات‌شون نبود که می‌تونن برقصن یا بخونن و تمرین کردن و کردن که به اینجا رسیدن... .

- توی صحبت‌ها به این موضوع اشاره کردی که ظاهر جسمانی و چهرهای بی‌تی‌اس برات جذابیت داشت، آیا تا به حال دنبال این بودی که شبیه اعضای بی‌تی‌اس یا آیدول‌های کی‌پاپ بشی؟

ببین از نظر رژیم و این‌ها خیلییی تلاش کردم، لزوماً نه این که شبیه آیدول‌ها بشم و برای این که لاغر بشم، ولی از این نظر که بخوام شبیه بی‌تی‌اس بشم، خیلی افراطی بهش فکر نمی‌کردم که وای مثلاً من چشم‌هام باید این شکلی باشه، شکمم این مدلی باشه و از این جور چیزها و به طور کلی فقط در این حده که باید از اندامم راضی باشم.

اوایل که با کی‌پاپ آشنا شده بودم، شاید خیلی افراطی به این مسایل فکر می‌کردم و وای دماغم خیلی درشته و باید کوچیک بشه یا چشم‌هام باید کشیده‌تر باشه، ولی الان که عقلم اومده سر جاش دیگه الان دنبال اینم که اندامم سر جاش باشه... .

- دیبا جان آیا تا به حال شده که به این فکر کنی یا دلت بخواد که آیدول بشی؟

بله، بهش فکر که کردم. می‌دونم اون اوایل خیلی بیش‌تر به این موضوع فکر می‌کردم، چون خیلی کنسرت‌ها و اجراهای قشنگی دارن و کلی فن دارن و رقص، آهنگ، کانسپت‌های موزیک ویدیوها، لباس‌ها و میکاپ‌هاشون خیلی باحاله و خب من رو خیلی جذب می‌کرد و دلم می‌خواست شبیه‌شون باشم و اون کارها رو انجام بدم و خیلی‌ها دوستم داشته باشن و حتی الان هم که به چیزهای باحالش فکر می‌کنم، دوست دارم، ولی خب در حد فانتزیه، نه چیزی فراتر از این که مثلاً بخوام کاری بکنم، ولی در کل خیلی خوانندگی رو دوست دارم.

از یه زمانی به بعد که تکامل عقلی‌ام بیش‌تر شد، دیگه دوست دارم بیش‌تر به زندگی خودم پردازم و به فکر آیدول شدن نباشم، چون خیلی راه سختیه تا به اون مرحله برسی».

گلاره ۱۴ ساله و مه‌لقای ۱۹ ساله نیز در مصاحبه‌هایی که دارند، در بیان‌اتشان، در گامی تحولی، از جامعه نیز یاد کرده‌اند.

گلاره با یاد کردن از برخی از جبرهای اجتماعی، تفکر پیشین خودش را بچه‌گانه توصیف کرده، مه‌لقا نیز خاطرنشان می‌سازند، اگر چه در ابتدای طرفداری دنبال مهاجرت به کشور کره بود، اما با بزرگ‌تر شدن، فهمیده است که آدمی نباید خود را مرکز عالم تصور کند. مضاف بر این، با توجه به عملکرد کاپیتالایسم، به این نتیجه رسیده است که گروه‌های کی‌پاپ و نظایر آن‌ها، بیش‌تر از آن که به دنبال درمان دردهای بشری باشند، به دنبال سرازیر کردن پول به جیب دنیای کاپیتالایستی هستند:

«به نظر خودم این افکار و رؤیا که کلاً بخوای به خاطر آیدول‌ها یا بی‌تی‌اس بری اون‌جا زندگی کنی یه کم بچه‌گونه است و من همیشه با خودم فکر می‌کنم، شاید یه روزی برسه که دیگه نخوام فن بی‌تی‌اس باشم، نه این که ازشون بدم بیاد، ولی علاقه‌ای هم نداشته باشم، چون وقتی به بزرگ‌ترها مثل مامان و بابای خودم نگاه می‌کنم، این جور نیستن که یه نفر رو دوست داشته باشن و چسبیده باشن بهش و همیشه دنبالش باشن.

آدم وقتی بزرگ می‌شه و سلیقه‌اش تغییر می‌کنه و این که آرزو داشته باشی بری اون‌جا زندگی بکنی، یه کم افکار بچگونه‌ایه. نه این که بگم نمی‌خوام اون‌ها رو ببینم، ولی به خودم باور دادم که قرار نیست ببینمشون، چون می‌دونم محدودیت‌هامون خیلی زیاده.

- آیا کسی رو می‌شناسی که به خاطر بی‌تی‌اس یا کی‌پاپ بخواد بره کره و اون‌جا زندگی بکنه؟
مثلاً یه سری آرمی‌ها که هنوز سن‌شون کمه و عقل‌شون خیلی نمی‌رسه و این‌ها مثلاً این جور ان که آره من می‌خوام برم کره اعضاء رو ببینم و کلاً همه‌اش یه سری هوس دارن و مثلاً دوست دارن برن کره که برن فن‌ساین^۱، برن کنسرت یا برن کمپانی اعضاء رو ببینن. یه چنین چیزهای چرت و پرتی

۱- فن‌ساین (fan sign) همان ملاقات با آیدول اما خصوصی‌تر است و در فن‌ساین طرفداران برای گرفتن امضاء از آلبوم جدید ستاره حضور پیدا می‌کنند و شامل صحبت حضوری و عکاسی نیز می‌شود.

اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۷۳

رو درباره‌اش فکر می‌کنن. بعضی‌ها هم مثلاً دوست دارن زبون اون‌ها رو یاد بگیرن و کلاً به خاطر این که اعضاء تو کره زندگی می‌کنن، این‌ها هم برن کره زندگی کنن.

- می‌شه درباره محدودیت‌هایی که باعث شده به این باور بررسی که هیچ‌وقت قرار نیست بی‌تی‌اس

رو ببینی، توضیح بدی؟

خوب کشور ما یک کشور اسلامی و ورود بی‌تی‌اس بهش ممنوعه، یعنی حتی عربستان هم به بی‌تی‌اس اجازه داد که بره اون‌جا کنسرت بگذاره، ولی ایران نه. این یکی از دلایل این موضوعه که کشور ما اجازه نمی‌ده ما همچین کاری بکنیم و تا وقتی که این قدر پولدار نباشیم که بریم کنسرت یا مهاجرت بکنیم یا یه سفر کوتاه به کره بریم، نمی‌تونیم بی‌تی‌اس رو ببینیم و اون‌ها هم نمی‌تونن ما رو ببینن. دومین مسأله هم اینه که ایران خیلی کشور گنده و توچشمی مثل انگلیس و آمریکا نیست که بی‌تی‌اس همیشه بهش توجه بکنن و ما رو یادشون بیاد. خیلی به آرمی‌های مسلمان و ایرانی اشاره کردن، ولی خب برای اون‌ها یه بخش خیلی کوچیکی هستیم. سه هم اینه که اسلام کلاً این چیزها رو حرام می‌دونه که ما آهنگ‌های خارجی گوش بکنیم و فن این‌ها باشیم و این‌ها مثلاً آدم‌های بدی ان که موهاشون رو و رنگ می‌کنن و آدم‌های بدی ان که فلان کار رو می‌کنن. البته اسلام که نه مملکت الان این مدلیه. با توجه به این موضوعات به نظرم دیدن‌شون یه رؤیایی‌ایه که نمی‌تونه حقیقی باشه.

- این که به نظرت دیدن بی‌تی‌اس یه رؤیاییه که نمی‌تونه حقیقی بشه، چه احساسی بهت می‌ده؟
می‌دونی تقریباً دیگه عادت کردم که بی‌تی‌اس فقط یه کسایی هستن که از پشت گوشی می‌شه دیدشون، ولی وقتی آدم خیلی بهش فکر می‌کنه و می‌بینه که خیلی‌ها هستن که می‌تونن اون‌ها رو ببینن، چندین بار برن فن‌ساین، چندین بار برن کنسرت یا این که ببینی مثلاً تو همین کشور همسایه کنسرت گذاشتن یا قطر که مثلاً دیگه خیلی اون‌ها هم مذهبی ان و یکی از اعضاء بی‌تی‌اس رفته اون‌جا خیلی فشار داره (می‌خندد)، یعنی در کل حس بدی داره این‌ها رو ببینیم و نمی‌تونم چه جورى توصیفش کنم و اصلاً نمی‌دونم چی بگم. اگه هم بخوام حس این رو بگم که مثلاً از خود اون طرفی که می‌خوام ببینمش، دورم، خب مثلاً این جوریه که تو دلت می‌خواد با تمام وجود اون رو ببینی و بری مثل بقیه بغلش کنی و ازش امضاء بگیری ولی نمی‌شه.

- چرا این فکر رو داری که اون طرفدارهایی که می‌خوان به خاطر کی‌پاپ برن کره و زندگی کنن

صرفاً یه هوس دارن؟

خب ببین به نظر من ماهایی که اینجا هستیم و شرایطمون اینه، به غیر از اون‌هایی که پولدار هستن، خیلی احتمالش کمه که بتونیم بریم اون‌جا و بتونیم با اعضاء ارتباط برقرار بکنیم و ببینیم‌شون، به خاطر همین یک کار بیهوده است و مثلاً تا وقتی که زیرنویس هست، چه نیازی هست که کره‌ای یاد بگیریم. شاید هم از نظر من این جوریه که این فقط خیلی حوصله می‌خواد و کار بی‌خودیه».

«- می‌تونم بپرسم چه رشته‌ای می‌خونی و این که گروه پسرها توی پیدا کردن هدف چه طوری کمکت کرد؟»

من دانشگاه نمی‌رم، ولی تو هنرستان موسیقی خوندم. بهتره بگیم پسرها علاقه من به موسیقی رو تشدید کرد و یه انگیزه بود برام. من اون موقع‌ها خیلی دوست داشتم مهاجرت کنم و در کشور کره درس بخونم، ولی بزرگ‌تر که شدم، اون دیدگاه ایده‌آل و رؤیاییم نسبت بهش از بین رفت و با بدی‌های فرهنگ کره بیش‌تر آشنا شدم و بتی که ساخته بودم شکست.

- منظورت از این بتی که می‌گی ساخته بودی چیه؟

خب اون موقع می‌گفتم کره هم مثل مثلاً کشور خودمونه، اینجا هم یک‌سری تعصبات هست اونجا هم هست، در عوض امکاناتش بیش‌تره، ولی کم‌کم فرهنگشون رو دیدم، اون تعصبات نژادپرستی و غیره باعث شد، بدی‌هاش در نظرم غلبه کنه... .

- این مدت هیچ وقت دوست نداشتی کره بری، به عنوان یک مقصدی که بخوای بهش مهاجرت کنی؟

چرا، دو سال به شدت هدفم این بود برم کره آهنگ‌سازی بخونم. اما بعدش فهمیدم خیلی خیلی سخت‌تر از این حرف‌هاست و از طرفی اون دیدگاه رؤیاییم نسبت به کره تغییر کرد و خودم رو با واقعیت این که کشور چندان سالمی نیست و گزینه‌ی خوبی هم برای مهاجرت نیست رو به رو کردم.

- منظورت چیه که می‌گی کره کشور سالمی نیست، مگه چه جوریه؟

اگر بخوای به عنوان یک مهاجر نگاه بکنی، مثلاً به مقدار کشور گرونیه، یعنی خیلی دخل و خرج به هم نمی‌خوره، یعنی از نظر اقتصادی خوب نیست برای مهاجرت، اما جدا از اون یا به طور کل بخوام بگم، این که در فرهنگ خیلی اینا به بزرگ‌ترشون حتماً این طورین که احترام بذار، ولی من کاملاً مخالف هم‌چنین قضیه‌ای هستم که بخوای به خاطر این که یه نفر صرفاً زودتر از تو به دنیا اومده، همه جور بهش احترام بذاری، نه احترام رو باید به همه بذاری به یک اندازه، نه صرفاً چون ازت بزرگ‌تره و این قدر این بزرگ‌تر بودن رو بت کنی و این که نژادپرستن و به ظاهر خیلی اهمیت می‌دن. امم خیلی تو زندگی هم دخالت می‌کنن یا زیادی نسبت به هم بی‌تفاوت ان و حسودی می‌کنن و راحت نمی‌تونن اونجا به کسی اعتماد بکنی. درسته که آدم خوب و بد همه جا هست، ولی یه سری فرهنگ‌های مزخرفی هم دارن اونا، امم این که نسبت به خارجیا خیلی گارد دارن، بعد دیگه این که امم همه این داستانا باعث شد که حسم به کره این طوری باشه که دوست دارم یه روزی حتماً برم، اما نه برای زندگی کردن اونجا، به خاطر این که یه کشور شرقیه که هنوز خیلی چیزا توش تابو محسوب می‌شه یا مثلاً در مورد ال‌جی‌بی‌تی‌کیو (اقلیت جنسی) هم خیلی گارد دارن همچنان و خیلی چیزا فرهنگ‌سازی نشده، همین مسأله باعث شده که دل‌م نخواد به عنوان مهاجر و برای زندگی کردن، وارد این کشور بشم، به خاطر این که خیلی فرهنگشون همچنان مثل ایرانه و حتی شاید بدتر... .

- تو الآن دیگه کی پاپر نیستی؟

نه، تقریباً یک‌سال می‌شه دیگه پیگیری نمی‌کنم.

- می‌شه بگی چرا؟

هم دغدغه‌هام و زندگی‌م تغییر کرده، هم از اون دنیای فانتزیه نوجوونی بیرون اومدم و متوجه شدم که خود کانسپت «فن بودن» یعنی بت ساختن، چه بخوای چه نخوای تو وجودت بذر تعصب می‌کاره.

- منظورت از این که می‌گی از دنیای فانتزیه نوجوونی بیرون اومدم چیه، چه طور شد؟

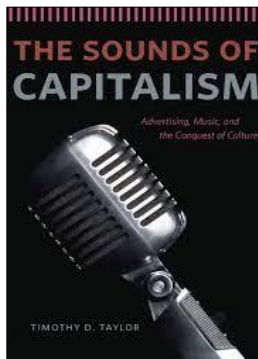
ببین وقتی نوجوونی یعنی هر چی سنت پایین‌تره، این دیدگاه رو داری که چی؟ که دنیا حول محور تو می‌چرخه، انگار همه چیز به تو بستگی داره، انگار همه چیز به تو ربط داره، در صورتی که وقتی هر چه قدر بزرگ‌تر می‌شی، می‌فهمی که این طوری نیست که تو مرکز دنیا باشی، نه تو یه گوشه‌ای از این دنیایی که شاید نباشی و به غیر از چهارتا آدمای دور و برت، هیچ کس هیچ اتفاقی برات نیفته و هیچ تأثیر خیلی خاصی تو دنیا ایجاد نشه و این که آدم تو دوران نوجوونیش بلند پروازتره، به خاطر این که هنوز انگاری وارد اون اقیانوسه نشده، چون توی مثلاً دوران نوجوونی توی یه رودخونه‌ای یا نهایتاً یه دریاچه یا نهایتش یه دریا باشی، در صورتی که هر چه قد بزرگ‌تر می‌شی، این داره بزرگ‌تر می‌شه، یهو می‌بینی وسط یه اقیانوس گنده‌ای با کلی ماهی بزرگ‌تر از خودت و قوی‌تر از خودت که اونا به راحتی می‌تونن تو رو بخورن، لهت کنن، حقت رو بخورن و هزارتا چیز دیگه، یعنی می‌فهمی که تو مرکز دنیا نیستی و اون دیدگاه فانتزیه که نسبت به دنیا داشتی و فکر می‌کردی، خیلی چیزا خوب پیش می‌ره، خیلی هم با واقعیت همخوانی نداره. خود من به شخصه همیشه این طوری بودم که تنها راه به دست آوردن چیزی تلاشه، در صورتی که ما رو هیچ وقت با مقوله‌ای به اسم شانس آشنا نکردن، یعنی چیزهایی که دست ما نیست، گاهی وقتا تو ممکنه تمام تلاشت رو واسه یه کاری بکنی، ممکنه به هیچ نتیجه‌ای نرسه، اما اون ربطی به تو نداشته باشه، صرفاً از تأثیر تصمیم یه شخص دیگه باشه یا زنجیره‌ای از اتفاقات به هم وصل شده باشه که باعث شده تأثیری بذاره رو زندگی تو، پس اینجا مهم نیست که تلاشی کردی یا حتی بیش‌تر می‌کردی بازم. هیچ نتیجه و تأثیری نداشت.

- منظورت از موسیقی مارکتی و کاپیتالیستی چیه و دقیقاً این موارد چه جوری هستن؟

ببین کلاً کی پاپ و صنعت موسیقی کره‌ای این طوره که خیلی به ظاهر اهمیت می‌ده، یعنی این که تو اگر یه صدای بی‌نظیر داشته باشی یا خیلی خوب برقصی، اما قیافه نداشته باشی، ممکنه هیچ کمپانی نخواد باهات قرارداد بنده، مگر این که تو بری کلی ورزش یا عمل کنی تا مثلاً به اون ایده‌آل‌ها یا مثلاً معیارهایی که گذاشتن نزدیک بشی، در اون صورت مثلاً تو رو می‌پذیرن و به عنوان کارآموز ازت ثبت نام می‌کنن. کی پاپ کلاً صنعتیه که به شدت به ظاهر اهمیت می‌ده، به خاطر همین هزینه خیلی بالایی نسبت به خواننده‌های غربی انجام می‌دن روی موزیک ویدیوهاشون به خاطر این که می‌خوان خیلی جذاب باشه و همین استفاده از رنگ و اینا باعث جذب مخاطب می‌شه و تو رو وارد این داستانا می‌کنه

و اون قدر که تو درگیر کوچیک‌ترین اخبار و اتفاقات و همه چیز می‌شی... زنجیره هس و تو نمی‌تونی به کم یه کم چک کنی، اگه بری توش مستقیم می‌ری توش و اگر ازش بکشی بیرون، کامل می‌کشی بیرون و نمی‌تونی یه کم یه کم داشته باشیش و این که تو رو دقیقاً معتاد خودش می‌کنه و تو صحبتای قبل گفتی، حالا چه طور این کار رو می‌کنه با چیزای مختلف با برنامه‌ها و جشنواره‌ها این داستانا و این مسأله مسلماً به کاپیتالیسم ربط داره، چون تهش اون پوله هس و همه این اتفاقاً صورت می‌گیره تا یه پولی به عده‌ای برسه و طبیعتاً هر چه قدر بیش‌تر برای کاپیتالیسم بهتره.

هدف کاپیتالیسم اینه که سودش رو بیره بالا و حیطه بزرگ‌تری داشته باشه و انگاری کل دنیا رو گرفته و هر چی می‌کشیم، از دست اینه، انگاری و هیچ کس حواسش بهش نیست و به وضوح توی موسیقی هم وارد شده و موسیقی بیش‌تر فروش می‌ره که انگار زیاد به صدای خواننده یا چه می‌دونم، مهارت اون شخص توجهی نمی‌شه، مثلاً تو تیک تاک از وقتی تیک تاک اومده، همه آهنگا این‌طورین که یه لاین باحال فقط دارن و همون رو می‌سازن تا اون فقط ریپید (تکرار) شه و موزیک‌شون مثلاً خیلی وایرال بشه و اینا و تو بری اینا رو گوش بدی می‌بینی خیلی مزخرفه فقط دو، سه تا لاین خوب داره و این باعث شده موسیقیایی که ارزش چندانی ندارن، بیان بالا و به اون شخص کلی سود برسه. کاپیتالیسم و موسیقی مارکتی یعنی این که موسیقی‌ای که ارزش موسیقیایی نداره، هر هنری که ارزش هنری نداره بیاد بالا با یه سری ترفندها، صرفاً به خاطر این که به هنرمند یه سودی برسه و بیش‌تر معروف شه.





- پس تو ناخواسته فرد متعصبی بودی؟

آره دقیقاً نه این که بگم ناآگاهانه‌ها... ناخواسته خیلی وقتاً من متوجه می‌شدم که این از روی تعصبه، خیلی وقت‌ها می‌فهمیدم که این رفتارم از روی تعصبه و می‌خواستم که کمش بکنم، اما بازم می‌گم اون کانسپت فن بوده خودش متعصبانه هست، اصلاً نمی‌تونم بگی که متعصبانه نیست، الان مثلاً می‌گم من مثلاً لانا رو خیلی دوست دارم موزیکاش رو و مدل فکری که میاد وارد موزیکش می‌کنه و ایده‌هایی که توی مغزش داره رو، ولی من فنش نیستم که این آدم رو بپرستم، نه اونم پر از نقصه، اونم پر از مشکله و هزارتا چیز دیگه و کل زندگیم لانا نیست، درسته که شاید خیلی زیاد آهنگاش رو گوش بدم، شاید خیلی حاله رو خوب می‌کنه و خیلی لذت می‌برم از موزیکش، ولی این طوری نیست که کل زندگیم لانا باشه نه».

همان‌گونه که از اظهارات مه‌لقا پیدا است، وی در گذر زمان از تفکر عینی و ملموس به تفکر انتزاعی رسیده است و با شناختی که از عملکرد نظام سرمایه‌داری و کاپیتالیستی یافته است، متوجه شده است که این نظام عمدتاً به فکر سود خودش است، و هر چیزی (حتی گروه‌های کی‌پاپی که خود را مدافع جوانان قلمداد می‌کنند)، به شکل بالقوه می‌توانند مورد سوءاستفاده نظام کاپیتالیستی قرار گرفته، بیش‌تر از آن که به فکر حل مشکلات جوانان و جوامع آن‌ها باشند، به فکر به حداکثر رساندن سود کمپانی خویش و نظام سرمایه‌داری باشند.

۲-۸- عشق تخیلی

«- بین دوستان خودت کسی رو می‌شناسی که روی قرار گذاشتن اعضاء حساس باشه و واکنش تندی به این موضوع نشون بده؟

آره، می‌شه گفت تقریباً همه دوستان همین جوری ان و همیشه تو حرف‌هاشون می‌گن که نکنه بایس‌شون با فلانی داره قرار می‌ذاره و رفته تو رابطه. یه وقت‌هایی هم خبر رابطه اعضاء با یه نفر میاد بیرون این‌ها همه‌شون خل می‌شن که واقعیه یا نه، نکنه واقعی باشه، نکنه دوستش داره. بعد شروع

می‌کنند اون دختر بدبخت رو قضاوت کردن که این کجاش به مثلاً تهیونگ می‌خوره، این این‌جاش این طوری، اون جاش اون طوری، این با همه بوده و از این حرف‌ها» (بنفشه، ۱۸ ساله).

فروید در نظریه‌پردازی خویش خاطرنشان می‌سازد، اگر چه در آغاز هر فرزند به والد جنس مخالف خود علاقه‌مندی می‌یابد، اما در دوران بلوغ، علاقه‌مندی و کشش نوجوان نه به اولیا، بلکه به چهره‌های شاخص جنس مخالف آنان در جامعه (و جامعه جهانی) خواهد بود. به این معنا که دختران به خواننده‌ها، هنرپیشه‌ها و ورزشکاران و دیگر چهره‌های شاخص اجتماعی مرد و پسران به شکل مشابهی به چهره‌های مشهور هنری، ورزشی و اجتماعی زن متوجه شده و علاقه‌مندی و عشق به آن‌ها را در خود به نمایش می‌گذارند.

اگر از عشق اخیر که در دوران نوجوانی و اوان بلوغ در حد گسترده‌ای در جوامع مختلف بشری ملاحظه می‌شود، با عنوان عشق تخیلی یاد شود، می‌توان بیان داشت، در این عشق یک نوجوان و یا جوان، عواطف عاشقانه و پرشوری را در ارتباط با چهره‌های مشهور اجتماعی خویش و یا جامعه جهانی، تجربه خواهد کرد که علایم این عشق بی‌شبهت به عشق‌های پرشور شورانگیز نخواهد بود. در این عشق نوجوان یا جوان با دلدادگی و دل سپردن به یک چهره هنری، ورزشی و یا اجتماعی، آرزوی دستیابی و همدم شدن با وی را دارد و از او به عنوان دوست جنس مخالف و یا اصولاً همسر آینده‌اش یاد می‌کند.

رنگ باختن منطقی (نظیر امید بستن به دستیابی به فرد مورد نظر که آن سوی جهان زندگی می‌کند)، فرو رفتن در رؤیاهای عمیق، دست زدن به رفتارهای نمادین عاشقانه (مانند تتوی نام محبوب بر روی بدن خویش)، احساس خشم و حسادت در برابر رقبا و سرانجام تلاش برای حفظ و حراست از محبوب در برابر رقیبان، از مهم‌ترین فرازهایی هستند که در عشق تخیلی قابل مشاهده هستند.

اگر در این قسمت، بحث محدود به گروه بی‌تی‌اس شود، بالطبع عشاق سینه‌چاک آیدول‌ها در این میان دختران هوادار خواهند بود و می‌توان انتظار داشت که خیل انبوهی از دختران هوادار، در عین طرفداری از آیدول‌ها، عشق‌ورزی به یکی از آنان را پیشه خویش کرده، در ذهن خودشان به روابط عاشقانه تخیلی خویش سامان می‌دهند.

در پژوهش حاضر، بسیاری از افراد مصاحبه شده، از شکل‌گیری عشق خویش به آیدول‌های گروه بی‌تی‌اس یاد کرده، در ادامه یادآور شده‌اند که در رؤیاهای خویش به عشق مورد نظرشان می‌اندیشیده‌اند و با یاد وی زندگی می‌کرده‌اند.

بروز عواطف و احساسات افراد عاشق پیشه به صورت داستان‌سرایی‌های معمول در هواداران بی‌تی‌اس (و سلبریتی‌های دیگر)، به نمایش نهادن رفتارهای نمادین در ارتباط با محبوب، تلاش برای محافظت از وی و احساس خسران و شکست و بن‌بست روانی در شرایطی که فرد احساس از دست دادن محبوب (مثلاً با دوست شدن وی با یک زن یا ازدواج وی) را بیابد، پیامدهایی مانند به نمایش نهادن آن سوی

سکه عشق که نفرت است، اضطراب، افسردگی و سوق یافتن به سمت خودکشی در شکست عاطفی پدید آمده، از مواردی است که در این دسته از هواداران عاشق‌پیشه قابل مشاهده است.

کوثر ۲۵ ساله، در مصاحبه خود در مقایسه سریال‌های امریکایی و شرقی خاطرنشان می‌سازد، برخلاف سریال‌های امریکایی که عشق در آن‌ها به سرعت شکل گرفته و به روابط نزدیک دو طرف می‌رسد، در سریال‌های کره‌ای عشق با فرایند طولانی‌تری به انجام می‌رسد که همین مسأله سبب می‌شود، جذابیت سریال‌های کره‌ای (که برخی از آیدول‌ها نیز در سریال‌های آن نقش‌آفرینی دارند) برای نوجوانان و جوانانی که به عواطف عاشقانه می‌اندیشند، به مراتب بیش‌تر از سریال‌های امریکایی باشد:

«... در سریال‌های ایرانی خب چیزی که واضح‌تر است، ما هیچ چیزی که مقیاس زندگی واقعی باشه رو توش نمی‌دیدیم. همه چیز سانسور شده است. مثلاً طرف باحجاب کامل از خواب بیدار می‌شه، با آرایش کامل از خواب بیدار می‌شه. یا مثلاً... خیلی غیرواقعی ان. حتی برای من تینیجری که مثلاً سیزده، چهارده سالم بود، سریال‌های ایرانی خیلی غیرواقعی و مسخره بودن همیشه. بعد من به خودم می‌گفتم، اصلاً این اصلاً شبیه زندگی واقعی که ما داریم نیست، من این شکلی از خواب بیدار نمی‌شم.

- اوهوم.

و خب مثلاً اون موقع چون تینیجری، تازه اون حس‌های رمانتیکت میاد بالا که مثلاً علاقه‌مند می‌شی به یه نفر و این حرفا، و خب این بازم چیزی بود که اکثراً تو سریال‌های ایرانی ما نمی‌دیدیم، یعنی چی می‌گن، سیراب نبودیم از داستان عاشقانه، چون اصلاً نداشتیم سریال عاشقانه‌ها مون هم آبکی و مسخره و اکثراً هم تو فیلم و سریال‌های ایرانی چیزهای ناراحت‌کننده و بدبختی و این چیزها رو نشون می‌دادن. خصوصاً اون موقع بیش‌تر حتی، ولی کلاً همین طوری ان سریال‌های ایرانی. حتی الانم اکثراً همین طوری ان. اون جذابیت رو ندارن، چون هم نزدیک به واقعیت نیستن، حتی الان هم که بازم دارن سعی می‌کنن نزدیک به واقعیت کنن، بازم نزدیک به واقعیت نیست. هم این که آدم رو سیراب نمی‌کنه، چون اون چیزی که می‌خوای نیست بازم از پشت پرده‌ی سانسوره، ولی خب اون سریال‌های کره‌ای خب این آیتم رو نداشتن. با این که تلویزیون کره هم تا حد زیادی سانسور می‌کنه نسبت به سریال‌های امریکایی، ولی برای مثلاً من تینیجر کافی بود در همین حد دیدن یه ارتباط عاشقانه، یه داستان رمانتیک، اتفاقای هیجان‌انگیز، مثلاً یه چیزی که دوست داشتم، شاید خودم تجربه‌اش کنم.

- اوهوم... با توجه به این که سانسور هم توی سریال‌های کره‌ای خیلی حضور نداره، حالا تاحدی، هم مثلاً سریال‌ها و فیلم‌های غربی، چی شد که بیش‌تر سمت شرق اومدی تا سمت غرب؟

حس می‌کنم به خاطر این که اون قسمت عاشقانه بودن سریال، تو سریال‌های کره‌ای خیلی بیش‌تر بود تا سریال‌های امریکایی.

- اوهوم!

می‌دونی مثلاً من سریالای آمریکایی رو که می‌دیدم اکثراً، انگار دیگه خیلی از اون فرهنگ ما دور بود. خیلی از اون چیزی که ما ممکنه تجربه کنیم دور بود. حداقل برای من سیزده، چهارده ساله و تو بافت فرهنگی‌ای که من توش بودم، ولی اون سریال کره‌ایه خیلی دور از ذهن نبود. یعنی به زندگی واقعی که من ممکن بود تجربه‌اش کنم، خیلی بیش‌تر نزدیک بود نسبت به سریالای ایرانی و سریالای آمریکایی».

کوثر در قسمت دیگری از بیاناتش، با اشاره به عشق تخیلی، از سن نسبتاً اندک هواداران گروه بی‌تی‌اس و علایق فطری آنان به تجربه عشق و عشق ورزی، به قرار زیر یاد کرده است:

«یه نظرسنجی که بود، این جور بود که تقریباً بیست درصد طرفدارای کی‌پاپ بالای سی سال هستن. بیست درصد توی جمعیت کل کی‌پاپرای دنیا خیلی زیاد می‌شه.

- آره... .

ولی یه درصد خیلی زیادی‌شون تینیجر ان. یعنی تقریباً نصف... نمی‌تونم آمار دقیق بدم، چون آمارهاش یادم نیست، ولی تقریباً می‌شه گفت حدوداً نصف و شاید حتی یه کم از نصف بیش‌تر، تینیجر ان. وقتی که طرف تینیجر باشه، ناخودآگاه باور ذهنیش رومنسیسایز^۱ کردن (عاشقانه) اون ارتباط ذهنیش با اون آرتیسته. یعنی دلش می‌خواد اون آرتیست فقط برای خودش باشه. حتی اگر می‌دونه که فقط برای خودش نیست. یعنی اصلاً وقتی که طرف از دوران تینیجریش رد می‌شه و هنوز طرفدار اون گروه‌های کی‌پاپه، دیگه اون چیز تو ذهنش نیست و مشکل نداره طرف بره ازدواج کنه. ازدواج کنه هم مشکلی نداره، ولی معمولاً تو تینیجرا سخت می‌تونن همچین چیزی رو قبول کنن، چون حس می‌کنن طرف به اینا به عنوان طرفدار اهمیت نمی‌ده».

گلاره ۱۴ ساله، در مصاحبه خودش در تبیین شکل‌گیری عشق تخیلی بیان می‌دارد، آیدول‌ها جنتلمن بازی در می‌آوردند و همین امر سبب می‌شود، دختران هوادار بیش از پیش جذب آنان شوند و در یک تلاطم عاطفی، عشق تخیلی در آنان شکل بگیرد:

«- آیا آیدول‌ها نقشی توی شکل‌گیری این افکار طرفدارها که ما باید با آیدول خودمون ازدواج کنیم، دارن یا نه؟

خب آیدول‌ها جنتلمن بازی در میارن و بعد فن‌ها هم تو ذهن خودشون از آیدول سناریو می‌سازن.

- این جنتلمن بازی که می‌گی یعنی چی؟

مثلاً آیدول‌ها تایپ مورد علاقه دخترها هستن دیگه، هم تیپ‌شون، ادا و اصول‌شون موقع خواندن، لاس زدن‌شون و اخلاق‌هاشون.

- مگه جونگ‌کوک چه ویژگی‌هایی داره که باعث می‌شه خودت رو این قدر با شدت عاشقتش بدونی؟

اثرهای روانی هواداری از گروه بی تی اس / ۸۱

خب با توجه به چیزهایی که ازش می بینم، اون دقیقاً تایپ مورد علاقه منه، مثلاً توی ورزش بی نظیره و بدنش بی نظیره. علاوه بر این موسیقی بخش بزرگی از سرگرمی های منه و خب صدای خواننده یکی از مهم ترین چیزهاست که صدای جونگ کوک بیش از اندازه برام جذابیت داره. در کنار اون شخصیت بی نظیری داره و از همه مهم تر آرمی ها براش خیلی مهم هستن. وای اصلاً زبانم قاصر هست».



محمدرضای ۲۱ ساله، به عنوان یک مرد (که طبق ادبیات پژوهشی، معمولاً مردان عقل گراتر از زنان عمل می کنند)، در مصاحبه اش با اشاره به رؤیاپردازی دختران، عشق تخیلی آنان را نوعی از توهم زدگی توصیف می کند:

«- محمدرضا چه چیزی باعث این تعصب می شه؟»

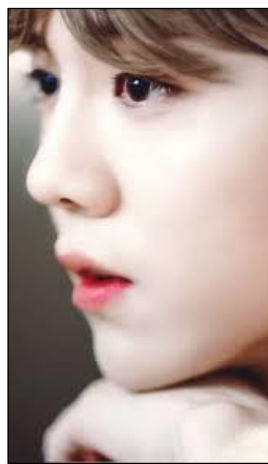
خب ببین اعضای کی پاپ یعنی همون آیدولا و آیدول هم یعنی همون خواننده های کی پاپ دیگه، در واقع این آیدولا نمی تونن ازدواج کنن تا وقتی تو اون گروه ها هستن، نه می تونن ازدواج کنن نه می تونن دوست دختر داشته باشن یا این جور چیزا دیگه، در کل تو این مسایل خیلی محدودیت دارن. به خاطر همین بعضی از این فنا، البته بیش تر این فناست که دیگه خیلی رو اینا تعصب دارن، میان تو خیالاتشون آخه یه کم توهمی ان (باخنده) توهم می زنن و فک می کنن اون طرف دوست پسرشونه، مثلاً بعضی ها هستن که واقعاً با عکسای اینا زندگی می کنن یا مثلاً همه چی شون رو دارن، یعنی همه چی شون بی تی اسه، مثلاً کیف، لباس، دفتر، پوستر همه چیز دیگه، بیش تر همین توهمات باعث این تعصب می شه، مثلاً فک می کنن طرف دوست پسرشه، برا همین زیاد روش تعصب دارن، بعد اگه کسی به اون چیزی بگه، اینا هم نمی تونن تحمل کنن و جوابش رو می دن».

با شکل گیری عشق تخیلی، اندیشه ازدواج یا به سر بردن نزد محبوب به عنوان دوست دختر، ذهن دختران عاشق پیشه را فرا می گیرد. شیدای ۲۰ ساله، نیکوی ۱۵ ساله و رخساره ۱۶ ساله از اندیشه های خویش حول ازدواج با آیدول مورد علاقه شان، به شرح زیر یاد کرده اند:

«- خودت چه طور آیا از این فانتزی ها و داستان ها درباره اعضای بی تی اس و خودت را داشتی؟»

نه اصلاً.

- آیدول خاصی چی، کسی بوده که خیلی طرفدارش باشی؟
آره زمان اکسو طرفدار لوهان بودم. اصلاً دوست داشتم شوهر آینده‌ام اون باشه (با خجالت می‌خندد)».



«سازنگ‌فن‌ها خیلی موجودات خطرناکی ان، مثلاً توی تیک‌تاک و توی اینستاگرام خیلی زیاد شده بود یه مدت که ویدیو می‌داشتن از خودشون که مثلاً ما چندین ساله با جونگ‌کوک ازدواج کردیم، ولی مخفی نگهش داشتیم یا مثلاً یکی از دخترها که فن بی‌تی‌اس بود و ویدیو گذاشته بود توی اینستا که من عاشق تهیونگم و ما بالاخره یه روزی ازدواج می‌کنیم و هیچ کس حق نداره بایسش تهیونگ باشه، با این که تهیونگ اون همه طرفدار داره، حالا تو بیا همه رو راضی کن که فقط من طرفدارشم، مگه امکان پذیره؟»

«- یعنی می‌گی یه تعدادی از آرمی‌ها تو ذهن‌شون شوهر دارن؟
آره.»

- تو به این مسأله چه جوری فکر می‌کنی؟
من یه کم حرصم می‌گیره که بعضی از آرمیا می‌گن من تهیونگ را دوست دارم. تهیونگ شوهر منه. حق ندارین دوسش داشته باشین. بعضی از آرمیا این جور ی ان، این جور واقعاً حرصم در میاد با این حرفاشون، مگه فقط تو باید طرفدارشون باشی، یعنی خب چیز واقعاً مسخره‌ایه.
- توی اطرافیان خودت یا داخل کامنت‌ها همچین چیزهایی را دیدی؟
داخل مثلاً روییکا یه گپ زدیم با بعضیا، بعد افراد جدید میان این جور ی ان یا مثلاً یکی از دوست‌هام عکس پروفایل تهیونگ را گرفته گذاشته. یه دختری بهش پیام داده برای چی پروفایل شوهرم را گرفتی گذاشتی، زودتر پاکش کن وگرنه دیپورتت می‌کنم».



برخی از افراد مصاحبه شده که تجربه عشق تخیلی را هم داشته اند، در مصاحبه‌های خود خاطرنشان ساخته اند که آنان برای بیرون ریختن عواطفی که در جریان عشق تخیلی‌شان وجود آنان را فراگرفته بود، رو به داستان‌نویسی آورده اند.

داستان‌سرایی‌های اخیر در هر دو شکل عاطفی صرف و داستان‌نویسی توأم با هوا و هوس فرد به صورت هرزه‌نگار، گزارش شده است. رهای ۱۸ ساله و محمدرضای ۲۱ ساله، در مصاحبه‌های خود به ذکر مصادیقی از هر دو نوع داستان‌نویسی پیش‌گفته اشاره داشته اند:

«... خب فیکشن اسمش روشه. یه چیز تخیلیه که فقط شخصیت‌هاش واقعی ان. منتها هیچ محدودیتی نداره. شما فقط باید بیای مثلاً جیمین رو با جونگ کوک شیپ کنی^{۲۰} و داستان از خودتون بنویسی. فقط شخصیت‌ها واقعی ان. منتها به مراتب داستان که از خودتونه بقیه چیزا رو خودت شکل می‌دی. بعد بله اینا ژانرهای مختلف داره. مثل کتاب و این خود فیکشن هم از یه سالی به بعد نه فقط به خاطر کی‌پاپ‌ها، فن‌فیکشن نویسی توی دنیا به طور رسمی شناخته شده. که به عنوان کتاب، کتابی که توی موبایل می‌خونی، کاملاً مورد قبوله تو دنیا. حالا توی کی‌پاپ هم هست. ژانرای مختلف داره. موضوعات مختلف داره. شیپ^۱ (معمولاً رابطه عاشقانه)های مختلف داره و این جور چیزا. خودت نوشتی تا حالا؟»

نه که جایی بذارم، ولی آره بعضی وقتا. می‌نویسم چند خط. در مورد همه هم نه (می‌خندد). یکی از آیدول‌ها هست که واقعاً عاشقشتم. یعنی هیچ کاری هم نمی‌کنه‌ها (می‌خندد). من این مدلی‌ام که اصلاً وقتی راجع بهش حرف می‌زنم، واقعاً با تمام وجود حرف می‌زنم (می‌خندد). دیگه فیکشنایی که خودم تو ذهنم یا می‌نویسم بیش‌تر راجع به اونه.

- چه جور فیکشنایی می‌نویسی؟

خب دیگه مثلاً (می‌خندد) عاشقانه.»

- محمدرضا در مورد فن‌فیکشن‌ها نظرت چیه؟

من زیاد ندیدم، ولی خب خیلی از دخترا هستن که اینا رو می‌نویسن من خودم به نظرم تفکر خاصی پشتش نیست، اینا بیش‌تر می‌خوان خودشون رو سرگرم کنن و به خودشون امید بدن در کل یه همچین چیزاییه.

- گفتمی که بیش‌تر بین دخترها هست، به نظرت دلیل خاصی داره؟

خب ببین بیش‌تر این فیکشنا در مورد عشق و عاشقی با اعضای گروه هستن، بعد اینا هم هفتا پسر ان دیگه، برای همین خب خیلی تعداد نویسنده‌های دختر بیش‌تره، بیش‌ترش همینه، مثلاً دختره یه جای دیگه هس، بدون این که مثلاً به تهیونگ بگه، بعد تهیونگ به این پیام می‌ده که کجایی و این می‌گه فلان جا، بعد مثلاً می‌گه همون جا وایسا دارم میام (باخنده) یه همچین داستان‌هایی هستن.

- خوب این طور که من متوجه شدم فن فیکشن‌ها محتوای خیلی خاصی نداره درسته؟

اصلاً محتوای خاصی نداره (باخنده) من خودم هم برا همینه که دنبال نمی‌کنم، چون واقعاً وقت تلف کردنه، بعد ببین بیش‌تر هم داستان رو سکسی می‌کنن، برا همین می‌گم محتوا نداره، مثلاً یکی از این دوستای ما هست اسمش بارانه، تو این چیزا خیلی حساسه، مثلاً اون دفعه‌ای رفتیم بیرون، بعد این خب پولداره، یعنی خودش که نه، باباش، بعد این لباسایی که می‌پوشه مثلاً می‌دن برایش طرح می‌دوزن و چاپ می‌کنن و اینا، بعد این عکس تهیونگ رو زده بود روی تی شرتش، بعد یکی دیگه اومد بهش گفت اینا چیه نگاه می‌کنی، لباساشون رو می‌خری و اینا، بعد اصن اون برگشت دعوا راه انداخت، بعد تو صفحه اینستا ش هم زیاد از این داستانا می‌نویسه، ولی خب من واقعاً از این داستان زیاد خوشم نیامد، آخه می‌دونم ساخته ذهنشونه دیگه، تخیلاتشونه، ولی خب دوست دارن این چیزا رو.

- به نظرت چی باعث می‌شه که وقت بگذارن و این داستان‌ها رو بنویسن؟

خب کلاً شاید هر کسی هدف خاصی داشته باشه، ولی خب من خودم از اون دوستم همون باران که بهت گفتم الان، من خودم از اون پرسیدم اون یه هوادار با تعصبه، واقعاً داشت الکی الکی دعوا درست می‌کرد، اون خودش از روی علاقه و سرگرمی داستان می‌نویسه، خب بعضی از این دخترا روی این کراشن، بعد مثلاً شروع می‌کنن به نوشتن که مثلاً دیشب تهیونگ اومد خونه‌مون و یه کارایی هم کردیم (باخنده)، ولی خب بقیه شاید دلایلی دیگه‌ای داشته باشن».

به نمایش نهادن عواطف عاشقانه، تنها محدود به داستان‌نویسی‌های عاشقانه نبوده، در اشکال دیگری مانند دست زدن به حرکات نمادین (نظیر تتوی نام یا چهره محبوب بر بدن) یا شعارهای عاشقانه (نظیر عشق ورزیدن تا دم مرگ)، ملاحظه می‌شود. نرگس ۲۱ ساله و شیدای ۲۰ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خویش از نمونه‌هایی از این دست رفتارهای عاشقانه به قرار زیر یاد کرده اند:

«- احساست به شوگا چه طور بود و اون چه قدر روی تو تأثیر گذار بود؟

عام. همه می‌دونستن که شوگا دوست پسر منه. حق نداشتن بهش بد بگن. حق نداشتن از شوگا خوش شون بیاد. توی مدرسه اگر می‌دیدم کسی داره ارمی می‌شه، می‌رفتم مخش رو می‌زدم تا شوگا رو

به عنوان بایس انتخاب نکنه. اگر انتخاب می‌کردن، با من طرف بودن. من حتی رفتم اسم شوگا رو تتو کردم روی سینه‌ام اون موقع».

«بین به نظرم طرفدارای بی‌تی‌اس دو گروه هستن. یه گروه سبک آهنگاشون رو دوست دارن یا مثلاً عاشق موسیقی یا زبان کره‌ای هستن یا مثلاً تیپاشون و اون جو شادشون رو دوست دارن. یک عده هم به خاطر حرفاشون و عقایدشون و شخصیتشون.

بعد من چون با مترو دایم میرم و میام توی مترو خلیا رو می‌بینم که دارن توی گوشی‌شون کنسرتای بی‌تی‌اس رو می‌بینن. مثلاً یکی از دخترا بود داشت با تلفن حرف می‌زد و به دوستش می‌گفت اگه من مردم زنگ بزنی به «جی‌هوک» بگید که من عاشقش بودم و براش می‌مردم و نتونستم بهش برسم و من این جور بودم که یا بافضل به کجا داریم می‌ریم. خیلی برام عجیبه این حجم از تصورسازیا. البته من خودمم مثلاً یه جور دیگه یه حسی دارم. مثلاً دو نفر رو دوست دارم که بینمشون و رفیق فابم بشن. یکی سوگند، یکی هم لیدی گاگا».

فراز مهمی که در عشق‌های تخیلی مشهود است، مسأله محافظت و مراقبت از عشق فرد به آیدول یا سلبریتی مورد نظر است. زیرا افراد اخیر که در سطح جامعه افراد شناخته شده‌ای به شمار می‌آیند، طبعاً فقط مورد توجه فرد عاشق‌پیشه تنها نبوده، افراد دیگری هم جذب چهره یا حرکات و ساکنات آن آیدول یا سلبریتی قرار گرفته‌اند. بنابراین هر فرد عاشق‌پیشه‌ای در واقع خود را با رقیب‌های متعددی مواجه می‌بیند که باید به نوعی در اندیشه آنان نیز باشد.

پس از شکل‌گیری عشق تخیلی و شروع رؤیایپردازی‌های دختران عاشق‌پیشه، مسأله مهمی که ممکن است در این میان رخ دهد، مسأله ازدواج کردن آیدول یا سلبریتی مورد نظر و به همین ترتیب وجود رقیبان بالقوه‌ای است که ممکن است گوی سبقت را از فرد عاشق‌پیشه گرفته، خود را کاندید به سر بردن یا ازدواج با آیدول یا سلبریتی مورد نظر کنند.

بنابراین در درجه نخست، آیدول مورد نظر نباید ازدواج کند، زیرا با ازدواج وی، رؤیای دست‌یابی و نزدیکی دختران هواداری که وی را عاشقانه دوست داشته و امید پذیرفته شدن از سوی وی را داشته‌اند، بر باد خواهد رفت.

رخساره ۱۶ ساله، نگین ۱۳ ساله و دیبای ۱۵ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خویش با اشاره به این که آیدول آن‌ها باید مجرد بماند، خاطرنشان ساخته‌اند که مجرد ماندن آیدول سبب می‌شود، امیدهای آنان از دست نرود و حداقل اگر آن‌ها به آیدول مورد نظرشان دست نیافتند، با مجرد ماندن وی، فرد دیگری هم به او دست نیابد تا اسباب حسادت بیش از پیش آنان فراهم نشود:

«معمولاً داخل کنسرت خیلی با احساس، یعنی یه جورى واقعاً از ته قلبشون آرمیا رو صدا می‌کنن. و یه چند بار این کار رو کرد و گفتش، شما قول می‌دین همیشه اینجا باشین، ما واقعاً بهترین طرفدارهای جهان رو داریم. اه، درخشان‌ترین ستاره‌های جهان من هستین و همچین چیزایی رو می‌گه

و یه جووری خیلی بلند داد می‌زنه، آرمی دوستتون داریم هر کجای جهان که باشید (این کلیپ‌ها برای من فرستاد).

- و حرف‌هاشون را مثل این که حس می‌کنی، باور می‌کنی؟
- آره واقعاً.

حس می‌کنم که یکی واقعاً بهم اهمیت می‌ده.

- اهممم. بعد اون موقع که قرار بود اینا برن سربازی و قبل از این که قراردادشون رو تمدید کنن، چه حال و هوایی داشتی؟

اوم. ناراحت بودم. همه‌اش، همه‌اش به فکر این بودم که اگه دیس‌بند شدن من چه کار کنم. بدون اون‌ها نمی‌تونم، گریه‌ام در می‌اومد.

- پس الان یه مدت کوتاهیه که از افسردگی درباره اون‌ها در اومدی؟

آره. الان گفتن که ما، چون به خاطر سربازی، دو سال سربازی رفتیم، ۲۰۲۷ هم نمی‌ریم. فعلاً پیش شما هستیم. فعلاً معلوم نشد چه زمانی می‌رن، ولی گفتن فعلاً هستیم.

- آها فعلاً ضمنی، دو سال تمدید کردن.

یه جورایی، ولی هنوز مشخص نشد چه زمانی دقیقاً چه روزی می‌رن، ولی خب بالاخره می‌رن، ازدواج می‌کنن دیگه.

- یعنی ازدواج اینا خیلی اعصاب خورد کن می‌شه، چون انگار ازدواج کنن، اون وقت قطعاً تمام می‌شه گروه؟

آره. حتی یکی از آرمیای دختر به جانگ‌کوک گفته، طرفدار بودن خیلی سخته، چون که می‌دونیم قراره یه روزی ازدواج کنی و ما رو تنها بذاری. بعد جانگ‌کوک هم در جوابش گفته: می‌دونی آیدول بودن هم خیلی سخته. چون می‌دونم اون روز قلب میلیون‌ها پروانه رو می‌شکنم.

- ولی ببین چرا وقتی ازدواج کنه این قدر این حس وجود داره که دیگه طرفدارهاش را تنها گذاشته؟ چون، یکی رو الان داره که بیش‌تر از طرفدارهاش دوستش داره، عاشقشه، بغلش می‌کند، بوسش می‌کنه. با همدیگه بچه‌دار می‌شن. برای همین یه کمی احساس تنهایی بیش‌تری می‌کنن طرفدارا، چون انگار جان‌کوک یکی رو پیدا کرده که بیش‌تر از ما دوست داره.

- دارم فکر می‌کنم یک جووری هم دلبرانه حرف می‌زند وقتی می‌گن که قلب این همه پروانه را بشکنم، آدم خب احساس می‌کنه که چه قدر آدم خاصیه، باید کنارش باشم؟

ام، این کلاً این جووری میاد با آرمی‌ها حرف می‌زنه که حالا آرمی عاشقتیم یا مثلاً یکی اعضاء می‌گه: من ماه هستم و آرمیا ستاره‌های من هستن. کلاً میان این جووری با آرمی‌ها حرف می‌زنن. خیلی با عشق و محبت میان باهاشون صحبت می‌کنن.



و این مثلاً آگه یه زن بگیره بره، صد برابر بهتر از این‌ها را به زنش بگه، خب آرمیا قطعاً ناراحت می‌شن. یه حس خالی بودن می‌گیرن».

«- این که نباید حق قرار ملاقات با جنس مخالف را داشته باشند، چه خدمتی به کمپانی می‌کند؟ اگر این‌ها دیت داشته باشند، فن‌ها کم می‌شن.



- به چه صورت مجرد بودن آیدول‌ها، فن‌های آن‌ها را افزایش می‌دهد؟
من هم هنوز نفهمیدم که چرا فن‌ها می‌خوان که آیدول‌شون مجرد باشه، ولی یکی دوتا آیدول که باهم قرار می‌گذاشتن، خیلی هیت می‌گرفتن.

- داخل کامنت‌هاشون نمی‌نوشتن چه چیزی باعث می‌شود هیت بدن؟
فکر کنم به خاطر اینه که توی فن‌گرل‌ها برای بوی بندها این جوریه که اگر طرف زن و بچه داشته باشه، تمام تصوراتشون بر باد می‌ره، این شکلیه دیگه.

- به خاطر این که تصوراتشون دست نخورده باقی بماند، اجازه قرار ملاقات با جنس مخالف را به او نمی‌دهند؟
بله، استقلال و انتخاب آیدول ازش گرفته می‌شه».

«چه دلیلی وجود داره که کمپانی‌ها، طرفدارها و یا هیترها بیش‌تر نسبت به قرار گذاشتن آیدول‌ها حساسیت دارن؟»

خیلی از طرفدارها وجود دارن که آیدول‌شون رو به صورت افراطی دوست دارن و اون رو برای خودشون می‌دونن و با این که خودشون به اون آیدول نمی‌رسن، می‌گن که نه آیدول ما باید سینگل فواراور (مجرد ابدی) باشه و نباید به هیچ دختری دست بزنه یا هیچ دختری رو ببینه و کلاً سر این چیزها خیلی بهم می‌ریزن و هیت می‌دن و خب کلاً نمی‌تونن اون آیدول رو در کنار دختر مورد علاقه‌اش هضم کنن».

البته لازم به ذکر است که در این میان برخی از دختران عاشق‌پیشه حاضر به برقراری ارتباط مجازی (نظیر ارسال ایمیل) برای معشوق نیز نمی‌شوند، زیرا ترس آن را دارند که در صورت رسیدن پیام آن‌ها به محبوب، با پاسخ منفی وی مواجه شوند، بنابراین برای محافظت از عشق تخیلی خویش، حاضر به ریسک پیام دادن به محبوب نیز نمی‌شوند. شبنم ۲۵ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، در همین ارتباط به طرح مصداق مشابهی پرداخته است:

«خیال‌پردازی‌های شما درباره قهرمان سریال چه طوری بود؟»

(خجالت می‌کشد و می‌خندد) توی خیالم می‌رم دنبالش و پیداش می‌کنم. اینا رو که دارم به تو می‌گم، تاحالا به کسی نگفتم. این جور بود که این رو می‌دیدم، قلبم اصلاً می‌لرزید و واقعاً داشتم دیوونه می‌شدم و دلم می‌خواست برم کره و پیداش کنم. اون قدر علاقه‌ام شدید بود که فکر و ذکرم این آدم بود و حتی دلم نمی‌خواست با هیچ پسری دوست بشم و اصلاً یکی از انگیزه‌هام این بود که به خاطرش می‌خواستم برم کره و هر جوری شده ببینمش و این جوری بشه که صحبتی کنم باهاش و دوست بشم باهاش و یه رابطه‌ای شکل بگیره و اینا. روی همین حساب هم توی اینستا خیلیا رو دنبال می‌کردم که مثلاً یه زوج ایرانی و کره‌ای بودن که مثلاً شیش ماه ایران بودن و شیش ماه کره و بچه‌های بامزه‌ای داشتن و دوست داشتم این اتفاق‌ها برای خودمم بیفته. وای مسخرهام نکنی (می‌خندد).

– این حس و علاقه توی چندسالگی شما بود؟

شروعش رو که گفتم ۱۴ سالگی بود، ولی تا ۱۸ سالگی که رفتم سریالش رو خریدم و بعدش هم ادامه داشت.

– هیچ وقت تلاش نکردی که از یه طریقی مثل ایمیل یا شبکه‌های اجتماعی با اون آدم تماس برقرار کنی؟

نه. خیلی پیگیر این چیزا نبودم.

– به نظرت این که پیگیر نبودی از سر ترس نبود که مبدا تصویر خیالی و زیبایی که از اون توی ذهنت ساختی با بی‌توجهی و بی‌جواب موندن ایمیلت خراب بشه؟

اثرهای روانی هواداری از گروه بی تی اس / ۸۹

خب... چرا! خب بالاخره احتمالاً کلی آدم بهش ایمیل می دن، اگر اصلاً ایمیلی آدم بتونه ازش پیدا کنه! بنابراین این که تلاش کنم و جوابی نگیرم به نظرم تلخ تره تا این که همین جوری توی خیالاتم باهاش سر کنم.

- الان که شما به اون زمان نگاه می کنی، از این وقت و انرژی که بابتش صرف کردی، احساس رضایت داری؟

آره. اصلاً ناراضی نیستم. اصلاً. یعنی اگه زمان دوباره برگرده، هم همین کار رو می کنم و نمی گم وقتم تلف شد، چون به نظرم علاقه ام واقعی بوده. اصلاً پشیمون نیستم که هفت، هشت سال از زندگی و وقتم رو صرفش کردم.

- این پیگیری چه دستاوردی برات داشته؟

خب من مطمئنم که در آینده برام موفقیت هم به همراه میاره.

- برنامه شما برای آینده چی هست؟

(مکث می کند) خب برنامه ام اینه که برم کره و توی کره یه آدم موفق بشم.



- پس اون برنامه ای که گفتی رو همچنان برای رفتن توی ذهنه داری؟
آره. صد در صد».

شبم در فراز دیگری از مصاحبه اش، از تعصب داشتن و غیرت ورزیدن دختران عاشق پیشه نسبت به محبوب شان به قرار زیر یاد کرده است:

«- می شه درباره این احساسات بیش تر توضیح بدی؟

بین خیلی از هوادارای بی تی اس که من می شناسم (مثلاً دوستای خواهرم و اون هایی که سن و سالشون هم کم تره)، این جوری هستن که «وای مثلاً من اصلاً دوست ندارم کسی با فلان عضو گروه رابطه داشته باشه». یعنی مثلاً انگار که دوست پسرشون باشه، روش غیرت و تعصب دارن، ولی من این جوری نیستم. غیرتی که من روشون دارم، این جوریه که مثلاً ارزش هاشون رو دوست دارم. مثلاً همین

که انقدر همراه و پایه مردم هستن و اهمیت می‌دن به مردم و این کاراشون واقعی هست و برعکس خیلی گروه‌های دیگه دنبال ظاهرسازی نیستن».

تلاش برای محافظت از معشوق در برابر رقیبان احتمالی، دغدغه عمده‌ای هست که گریبان دختران عاشق را گرفته، آنان را وادار به انجام برخی از اعمال حفاظتی برای دور کردن رقیبان از محبوب می‌کند. فریبای ۴۶ ساله، در مصاحبه‌اش از حسادت دخترش نسبت به رقیب احتمالی خودش یاد کرده است. گلاره ۱۴ ساله، از مخدوش کردن تصویر محبوب در ویدیوهایی که به دیگران می‌دهد، سخن به میان آورده است و شادی ۱۵ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، گزارش می‌دهد که دوستانش در لفافه شوخی از یکدیگر می‌خواهند که طرف محبوب و کرش آنان نروند:

«- شما خودتان دوست دارید در گروه دختر اضافه بشود؟»

من بدم نمیداد، چون خیلی به این چیزا توجه نمی‌کنم و بعد عاطفیش برام اهمیتی نداره، ولی برای دخترم قضیه کاملاً فرق می‌کنه و حتی یک‌بار در مورد این موضوع حرف زدیم کاملاً مخالف بود و می‌گفت، گند زده می‌شه به گروه و من دیگه حمایت نمی‌کنم از گروه.

- گفت که چرا مختلط شدن گروه باعث خواهد شد، از حمایت گروه دست بردارد؟

همیشه می‌گه باعث می‌شه کم‌تر دوست شون داشته باشم، چون بچه رک و راستی هست، می‌گه که حسادت می‌کنم و این حسادت به اون دخترا باعث می‌شه دیگه دنبال نکنم».

«- به طور کلی این فن‌های متعصبی که بهشون اشاره کردی، چه ویژگی‌ها و خصوصیتی دارن؟ مثلاً خیلی بچه‌گونه فکر می‌کنن و می‌گن فلان عضو مال منه یا مثلاً می‌گن فلان عضو شوهرمه یا مثلاً وقتی که یک ویدیو از یکی از اعضا پیدا می‌کنن، خط‌خطی‌اش می‌کنن و برای بقیه می‌فرستن. - دلیل این که چرا ویدیوی اعضا رو خط‌خطی می‌کنن رو نمی‌فهمم، می‌شه درباره‌اش توضیح بدی؟ مثلاً این آرمی‌ها یا کلاً کی‌پا‌رهای که از آیدول مورد علاقه‌شون فیلم استوری می‌کنن یا برای بقیه می‌فرستن و فن‌گرلی (طرفداری هواداران دختر) می‌کنن، حاضر نیستن که یه نفر ویدیوی مورد علاقه اون‌ها از آیدول مورد علاقه‌شون رو داشته باشه، به خاطر همین ویدیو رو خط‌خطی می‌کنن و اسم‌شون رو می‌نویسن که مثلاً مال خودشون باشه و به قول معروف البته به قول معروف که نه این کلمه رو خودشون درست کردن که بقیه ازشون اسکی نرن».

«- گفتمی که بین دوستان خودت سرشون دعوا هم می‌شه؟»

اووو آره خیلییی، یکی شون می‌گه فلانی واسه منه و کراشمه و بعد باهم دعوا می‌کنن سر یکی و حتی یه سری خیال‌پردازی‌های ازدواج و اینا هم می‌کنن راجع بهشون و بچه داشتن ازشون و از این جور چیزا.

- جدی می‌گن اینا رو یا صرفاً شوخیه؟

اثرهای روانی هواداری از گروه بی تی اس / ۹۱

بعضاً شوخیه، ولی اکثر اوقات جدی انگار یه شوخیه که پشتش جدی هم هست، اون طوریه. یعنی واقعاً اعتقاد دارن به این، ولی خب شوخی شوخی اون رو می گن زیاد دعوا نشه، ولی جدی هستن».



برخی از افراد مصاحبه شده، در گامی فراتر، در اظهارات خویش خاطرنشان ساخته اند، اگر دلالت‌های آنان که در لفافه شوخی ارایه می‌گردد، دوستان را از علاقه ورزیدن به محبوب آنان باز ندارد، آنان با فحاشی و یا حتی دعوا و کتک کاری فیزیکی از آنان می‌خواهند که دور و بر آیدول مورد علاقه آنها نباشند و نسبت به آنها ابراز تمایل نکنند:

«به نظر خود من دختری بی‌تی‌اس رو بیش‌تر دوست دارن، پسرا بلک‌پینک رو. هر کدوم جنس مخالف براشون جذاب‌تره.

- یعنی در مورد تو هم چون بی‌تی‌اس پسر هستن، بیش‌تر دوست‌شون داری؟

خب یه دلیلاش می‌تونه این باشه. شایدم اصلاً دلیل اصلیش.

- آیدول‌ها رو به عنوان همسر هم دوست داری، مثلاً آرزو داشته باشی باهاشون ازدواج کنی؟

کیه که دوست نداشته باشه، ولی فکر کردن بهش مسخره هس (باخنده).

- چرا مسخره هست؟

اولاً که اونا ازدواج نمی‌کنن، بعدشم حتی اگه ازدواجم بکنن، با یکی مثل خودشون که معروف باشه،

ازدواج می‌کنن.

- دوستان تو هم دوست دارن باهاشون ازدواج کنن؟

آره، خیلی از دخترا دوست دارن، دوستانم همین طور.
- با همدیگه بر سر این که کدوم شون با آیدول‌ها ازدواج می‌کنه رقابت هم دارن؟
گاهی باهم کل می‌اندازن و دعوا می‌کنن. بایس‌هایش تو کامنت‌های اینستاگرام خیلی باهم بحث می‌کنن و حتی فحش می‌دن. اگه یه هیتر هم اون وسط باشه که همه بهش حمله می‌کنن. یه بار یکی از بچه‌ها یه کلیپ تو اینستا دیده بود که آنجلینا جولی گفته بود، دخترش عاشق جونگ‌کوک و اونا زوج خوبی برای هم می‌شن، از اون روز کینه دخترش و خود آنجلینا جولی رو داره.



- یعنی نسبت به این که دختر آنجلینا جولی احياناً با جونگ‌کوک ازدواج کنه، حسادت می‌کنه؟
آره، اون روز خیلی عصبانی بود، ما هم هی سر به سرش می‌داشتیم، بیش‌تر عصبانی می‌شد. انگار جونگ‌کوک الان حاضره که بره اون رو بگیره!» (ریحانه، ۱۵ ساله).
«- نظر دوستان خودت درباره‌شون چی بود؟»

دوستانم اونایی که طرفدارشون بودن که خب خیلی تعصبی بودن روشون و اونا هم هر کدوم یکی شون رو به عنوان کراش یا شوهر خودشون بگیریم حتی می‌دونستن و واسه اون فن‌داشت. بعد حتی سرشون دعوا می‌کردن و یکی می‌گفت فلانی واسه منه و اون واسه تو یا درباره مال من حرف نزن و از این جور تعصبا» (شقایق، ۱۹ ساله).

«- گفتی با دوستان خودت باهم کل می‌اندازید. می‌شه بیش‌تر راجع بهش بگی که در مورد چه چیزی کل می‌اندازید؟»

مثلاً دُرسا عاشق نام‌جونه، ولی من جیمین رو خیلی دوست دارم و سرشون با همدیگه رقابت داریم. یکی، دوبار هم بین فاطمه و دُرسا سرشون در مدرسه گیس و گیس کشی شده. مدیر مدرس‌مون هم خبردار شده و بهشون تذکر داده. ما هم دیگه بیش‌تر تو گروه مدرس‌مون باهم در موردشون حرف می‌زنیم. یه دختره هم تو کلاس‌مونه کلاً تو این فازا نیست، همه‌اش می‌گه دیوونه‌اید، ما هم رابطه‌مون

اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۹۳

رو باهاش قطع کردیم. دُرسا دیگه حتی عکس پروفایلاش رو هم نامجون و بی‌تی‌اس می‌ذاره یا رفته موهاش رو مٹ اونا کوتاه کرده، در کل از دُرسا خوشم نیامد، همه‌اش با فاطمه دنبال یه راهی هستم که حرصش رو دربیاریم، خیلی حال می‌ده، یه دوستای دیگه‌ام هلم‌ا که انگار تو توهم سیر می‌کنه، می‌گه آرزوشه با جیمین ازدواج کنه و باهاش بره تو کنسرتش، (باخنده) ولی نمی‌دونه که اونا ازدواج نمی‌کنن» (ریحانه، ۱۵ ساله).

در صورتی که فرد محبوب دخترانی که عاشق وی هستند، با دختر دیگری رابطه برقرار کند، دختران عاشق پیشه احساس می‌کنند که بدان‌ها خیانت شده است:

«- خوب داشتی می‌گفتی که از این که برای یونگی کامنت می‌گذاشتن ناراحت می‌شدی، این نوع نگاه برات اذیت کننده نبود؟
چرا قطعاً.»

من تا سال ۲۰۱۵ خودم رو به معنای واقعی متعلق به یونگی می‌دونستم. همیشه تو ذهنم بود. باهاش دیت (قرار ملاقات) می‌رفتم. قرار می‌ذاشتم. معاشقه می‌کردم. می‌بوسیدمش. شباً قبل خواب بهش فکر می‌کردم تا خوابم ببره. تمرکز رو همیشه از دست می‌دادم. حواس پرت شده بودم. تو مدرسه اصلاً گوش نمی‌کردم، معلم چی می‌گه. کسی باهام صحبت می‌کرد، نصف و نیمه متوجه می‌شدم تا این که سال ۲۰۱۵ بود فکر کنم یهو یه خبر پخش شد که شوگا با یه دختره قرار می‌ذاره.



من رو می‌گی؟ انگار دوست پسرم بهم خیانت کرده. چه جور ی تو دنیای واقعی دختر و پسر باهم کات می‌کنن و یکی یا دو طرف آسیب روحی می‌بینن. من دقیقاً همون حس رو داشتم. دقیقاً یادمه که تا دو هفته بعد از خبر، هر شب گریه می‌کردم. مریض شدم. غذا نمی‌خوردم. مدرسه رو چند روز غیبت کردم. حالم واقعاً بد بود. چون تا اون روز تصور می‌کردم یونگی قراره همیشه سینگل بمونه و من می‌تونم توی ذهنم تا ابد اون رو متعلق به خودم بدونم. بعد از دو هفته یه کم تونستم خودم رو جمع و جور کنم. یه کم رفتم سمت خبرای بی‌تی‌اس. چون تمام اون دو هفته فرار می‌کردم از بی‌تی‌اس و اصلاً دلم نمی‌خواست خبر جدیدی بشنوم، اما این طوری نبود که بعد از دو هفته بگم اوکی، همه چی تمومه و

من حالم خوبه دیگه، نه واقعاً نبودم. فقط یه کم آروم‌تر شده بودم. یه ماه گذشت و کارنامه‌ی ماهانه من که اومد، نمره‌هام خیلی خیلی افت کرده بود. چون اصلاً اعصاب نداشتم که درس بخونم. اون موقع تو مدرسه‌ی ما بچه‌هایی که نمره‌هاشون کم می‌شد رو می‌بردن دفتر مشاوره تا باهاشون صحبت کنن و بفهمن که مشکل شون چیه. منم رفتم. نه این که خودم بخوام. اجباری بود. یه مشاور داشتیم اسمش خانم رضایی بود. خیلی مهربون و با درک بود. وقتی رفتم پیشش بعد از کلی اصرار بهش گفتم که یه مشکلی پیش اومده که این روزا تمرکز ندارم خیلی. جلسه‌ی اول بهش نگفتم، اما قول دادم بهش که دفعه‌ی بعد باهاش راحت‌تر باشم و اگر دوست داشتم، مشکلم رو بگم تا بتونه کمکم کنه و تصمیم گرفتم بگم. وقتی بهش گفتم، اولش یه کم گیج شد، اما بعد کلی باهام صحبت کرد و بهم یه سری تمرین داد که انجام بدم تا ذهنم رو این قدر نرم سمت این اتفاق و مهم‌ترین کمکی که بهم کرد، این بود که تونست تاحدودی من رو قانع کنه، شوگا به عنوان یه انسان قرار نیست که به خاطر من با کسی قرار نذاره یا همیشه سینگل (مجرد) بمونه و منم قبول کردم. یه جورایی مجبور شدم قبول کنم، چون چاره‌ای نداشتم، نمی‌تونستم بکشم خودم رو که. با این که هیچ وقت دلم نمی‌خواست شوگا با کسی قرار بذاره، اما خب چاره‌ای نبود جز کنار اومدن باهاش. البته اون موقع من بچه بودم، بزرگ‌تر که شدم این قدر افراطی نبودم، ولی خب خیلی اذیت شدم اون زمان.

- تا کی این نوع رفتارهای تو ادامه پیدا کرد و بعدها این احساس‌ها کم‌تر شد یا بیش‌تر شد؟

ادامه‌دار بود. می‌گم این جوری نبود، بعد از این که متوجه شدم شوگا دوست دختر داره، حسم کم شه یا علاقه‌ی افراطیم از بین بره. البته چند وقت بعد، طبق اطلاعاتی که به دست آوردم، فهمیدم که دختره، دوست دختر واقعی یونگی نیست و یه جورایی یه رابطه‌ی فیکه که توی خبرا پخش شده تا مخاطب جذب کنه، اما همیشه نسبت به اون رابطه حس بدی داشتم. اون روزی که فهمیدم شوگا دیگه با اون دختره رابطه نداره، دوستام رو بردم بیرون و ناهار مهمون شون کردم. اون قدر خوشحال بودم و یه چیزی که همیشه به خودم می‌گفتم، از یه سالی به بعد، این بود که من حاضر شوگا با یه پسر قرار بذاره، اما هیچ وقت با یه دختر قرار نذاره. می‌گفتم اگر اون دختر من نیستم، پس امیدوارم هیچ وقت با هیچ دختری رابطه نداشته باشه. برام عذاب بود ببینم که شوگا با دختر دیگه‌ای قرار می‌ذاره».



اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۹۵

مرضیه ۱۹ ساله و رهای ۱۸ ساله، در مصاحبه‌های خویش یادآور شده اند که هواداران عاشق‌پیشه با احساس از دست دادن معشوق تخیلی خودشان، احساس شکست کرده، ممکن است به نفرت از معشوق خودشان برسند:

«اگه خبر ازدواج یا قرار ملاقات بایست یا حتی بقیه پسرا رو بشنوی، واکنشت در این زمینه چه خواهد بود؟»

خیلی خوشحال می‌شم، البته ممکنه حسودی هم بکنم (می‌خندد).

- همچنین تو که با فندوم‌ها آشنا هستی، می‌تونی بگی احتمالاً تو بین فندوم چه واکنش‌هایی ایجاد می‌شه؟

امممم خیلی هامون دوست داریم شاهد تشکیل خانواده دادن پسرا و دیدن بچه‌های کیوت‌شون باشیم، ولی خب خیلیا هم که فقط پسرا رو به عنوان شوهرشون می‌دونن (باخنده) دیگه همه چی رو کنسل می‌کنن و عصبی شاید بشن و فحش هم بدن و (باخنده) شایدم هیتر شدن بعداً».

«خوب بین دوستانت پیش نیومده خبر دیت گذاشتن آیدول مورد علاقه‌شون برسه و اون حالش بد بشه، بهمم بریزه و ناراحت بشه.

چرا (می‌خندد).

(با خنده ادامه می‌دهد) اون موقع که جنی و کای اکسو، قرار می‌داشتن، یه دوست داشتم اون موقع بلینک^۱ (اسم فندوم گروه بلک‌پینک) بود و اکسو رو هم خیلی دوست داشت. خیلی شیک و مجلسی، بلک‌پینک رو بوسید، گذاشت کنار و هیتر شد دیگه اصلاً.

- حالش چه طور شد؟

(با خنده) اون کلاً تو فاز اوپای من می‌خواد بیاد من رو بگیره، بود. بهم ریخت. گریه می‌کرد. منتها بعدش، بعدش بالاخره آرام شد دیگه».

شیدای ۲۰ ساله، در مصاحبه خویش با یادآوری نمونه‌ای از گروه اکسو، بیان می‌دارد با ازدواج یکی از اعضای گروه، هواداران دختر زیادی تا مرز خودکشی پیش رفتند، همان‌گونه که با ابتلای گلزار به کرونا در ایران، برخی از هواداران وی بیان می‌داشتند، دنیا پس از گلزار دیگه جای ماندن برای آنان نیست:

«به نظرت این می‌تونه تبعات منفی و آسیب‌هایی هم براشون داشته باشه؟»

آره. مثلاً یکی از اعضای اکسو فکر کنم «تائو» بودش یا «کای» که ازدواج کرده بود. من یادمه فناش تا دم خودکشی رفته بودن! یعنی این قدر طرف توی جوّ قرار می‌گیره. یعنی اونا دیگه خود طرف رو دوست دارن، ولی یکی مثل من سبک آهنگاشون رو دوست داره.



- این به نظر شما خیلی ترسناک نیستش؟

چرا واقعاً. البته واسه همه خواننده‌ها و بازیگرا هستش. مثلاً من درباره لیدی گاگا هم شنیده بودم یا مثلاً یه کلیپی بود واسه گلزار دراومده بود که دخترا واسش گریه می‌کردن و می‌گفتن اگه گلزار نباشه، اصلاً دنیا دیگه معنایی نداره و یا این که اصلاً به این که گلزار نباشه نمی‌تونستن فکر کنن و گریه می‌کردن! یا یکی بود بهش پیشنهاد ازدواج داده بود، ولی خب این جورى هستش دیگه. مثلاً خواهر خودم یه بازیگر هندی رو دوست داره به نام ابرام. بعد از تیپ و قیافه و شخصیتش خیلی خوشش میاد و این طوریه که دوست نداره این آدم ازدواج کنه. یعنی می‌گه اگر ازدواج کنه ناراحت می‌شم و حالم گرفته می‌شه. یا احساس شکست می‌کنه. یا یکی از دوستانمون هستش که متأهله، ولی عاشق شاهرخ‌خانه. یعنی تا این حد که یه بار می‌گفتش شوهرم به شاهرخ خان حسودیش می‌شه. بعد من این جورى بودم که یا ابالفصل. من حس می‌کنم آدما توی جوّ فیلما قرار می‌گیرن، بعد مثلاً خودشون رو جای پارتنر اون آدم توی فیلم قرار می‌دن و دوست دارن همون محبت و علاقه رو اوناهم می‌داشتن».





با آنچه در باب عشق تخیلی گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت، علایق عاطفی جوانان (خاصه در جنس مؤنث)، در اوان بلوغ علایقی توفنده است و چهره‌های جذاب هنری، ورزشی و اجتماعی، به سادگی می‌توانند مورد توجه جوانان قرار گرفته، مورد علاقه، محبت و مهرورزی آنان قرار گیرند.

با شکل‌گیری عشق تخیلی، علایمی شبیه علایم موجود در عشق‌های واقعی، در افراد پدید می‌آید و افراد عاشق‌پیشه در رؤیاهای خویش، هم‌زمان با رسیدن به وصل یار، از بر باد رفتن بنیان عشق تخیلی خویش در رنج و عذاب هستند، از این رو این دسته از جوانان، در کنار رفتارهای عاشقانه و نمادینی که با محبوب تخیلی خویش برقرار کرده و در رؤیاهای خویش خوش هستند، دست به اتخاذ مواضعی می‌زنند که تداوم رؤیاهای عاشقانه آنان را تا حد ممکن تضمین کنند، در حالی که رفتارهای حفاظتی و تدافعی این افراد عاشق، زندگی اجتماعی و روابط آنان با اطرافیان‌شان را (که ممکن است شبیه آنان به فرد خاصی عشق بورزند)، مخدوش می‌سازد و البته در صورت انتخاب فردی از جنس مؤنث توسط آیدول مورد نظر، تبعات شکست عاطفی، شبیه شکست‌های عشقی واقعی، گریبان افراد عاشق‌پیشه را می‌گیرد و زندگی را برای آنان برای مدت‌های طولانی، صعب و دشوار می‌سازد.

۹-۲- تحقق بر خورد مادرانه

در بحث عشق تخیلی از این مسأله یاد شد که هر دو جنس در اوان بلوغ خویش متوجه چهره‌های مشهور جامعه خویش می‌شوند و تلاطم عواطف خود را به سمت وی هدایت کرده و به این ترتیب به عشق تخیلی خویش شکل و سامان می‌دهند. عشق تخیلی در جنس مؤنث که به لحاظ زیستی بسیار بیش‌تر از جنس مذکر مستعد واکنش‌های عاطفی است، شدیدتر و گسترده‌تر ملاحظه می‌شود.

گذشته از عشق تخیلی که مبتنی بر عواطف توفنده نوجوانان و جوانان (خاصه دختران) هست، جنس مؤنث از ویژگی‌های دیگری نیز برخوردار است که یکی از این ویژگی‌ها عواطف لطیف مادرانه است. به این معنا که دختران از سنین اولیه عمر عواطف لطیف مادرانه خویش را در نگه‌داری از عروسک خویش و یا خواهر و برادر کوچک‌تر خود نشان می‌دهد.

منطقی (۱۳۹۰) در کتاب زن شرقی مرد غربی، با اشاره به روحیه مادرانه دختران می‌نویسد:

بررسی اظهارنظرهای دختران و پسرانی که وارد روابط عاطفی با یکدیگر شده‌اند، حکایت از آن دارد که هر دو گروه، به تأیید رفتارهای مادرانه خود یا رفتارهای مادرانه‌ای که از جانب دوست دخترشان متوجه آنان شده بود، پرداخته‌اند.

دختران در برخورد با فرد مورد علاقه خود، بسان مادری مهربان و نگران فرزندش، ضمن توصیه‌های کلی خویش، مشخصاً از پسر مورد نظرشان خواسته‌اند که ضمن پرداختن به «کارهای خوب»، از «دست زدن به کارهای نامناسب و غیراخلاقی، پرهیز کنند». علاوه بر این، آنان در عمل، نگرانی خویش را نسبت به «خوردن و خوراک»، «پوشاک» و «سلامت» پسر مورد علاقه خود، نشان داده‌اند و به اقدام‌های عملی مختلفی در این جهت، دست زده‌اند.

دختران در توصیه‌های عامی که به دوست پسرشان داشته‌اند، یادآور گردیده‌اند، آنان ضمن دعا برای پسر محبوب خود، در هر زمینه و کاری، سفارش لازم را به وی داشته‌اند. این توصیه‌ها از سفارش‌های بهداشتی گرفته تا توصیه در زمینه خوردن و خوراک، پوشاک، درس و مشق، دوستان، انجام تفریحات مناسب، یافتن کار مناسب و رفتار مناسب در ابعاد فردی و اجتماعی دوست پسرشان، گسترده است. دختران در توصیه به دوست پسرشان مبنی بر انجام کارهای خوب و پسندیده، سفارش‌هایی در جهت «حفظ احترام پدر و مادر»، «گوش دادن به حرف اولیاء»، «انتخاب دوست‌های خوب»، «گشتن با دوست‌های خوب»، «بیش‌تر درس خواندن»، «ورزش کردن» و «پیشه کردن رفتارهای خدایسندانه»، داشته‌اند.

در فراز دیگری، دختران، در برخورد مادرانه خویش، از پسر مورد علاقه‌شان خواسته‌اند تا «از گشتن با دوستان ناباب خودداری کنند»، «از سیگار کشیدن اجتناب ورزند»، «دست به کارهای جلف و سخیف در جامعه نزنند»، «از سبک‌بازی در کلاس درس بپرهیزند»، «لباس‌های نامناسب نپوشند» و هیچ‌گاه دنبال «شرّ» و «کارهای خلاف» نروند:

«دوست دخترم گاهی من را نصیحت می‌کرد و در جریان حرف‌هایش با گفتن: «بچه‌ام فهمیدی»، «بچه‌ام نباید آن کار را بکنی» و مانند آن‌ها، روحیه مادرانه خودش را نشان می‌داد.»
«او به من می‌گفت، سیگار نکش، به حرف پدر و مادرت گوش کن و آن‌ها را اذیت نکن، به نظافت خودت برس، درس بخوان، با کی بگرد و با کی نگرد.»

در مصاحبه با دختران هوادار گروه بی‌تی‌اس، مشخص می‌شود که برخی از دختران به جای علاقه به برقراری رابطه تخیلی عاشقانه با آیدول مورد علاقه‌شان، در ذهن‌شان روابط مادرانه با آن‌ها برقرار کرده، از آن‌ها با عناوینی نظیر «بچه‌ام» و «پسر» یاد می‌کنند. غزال ۱۶ ساله، در حالی که شاید سنش نصف تهیونگ باشد، از او با عنوان بچه‌ام و پریناز ۱۸ ساله، از شوگا، با عنوان پسر می‌یاد کرده‌اند:

«- تو امسال برای تولد تهیونگ قراره چه کار کنی؟»

البته فقط برای تهیونگ نیستا. تولد جین هم چند روز پیش بود. تولد همه‌شون. تاریخ دیو بی‌تی‌اس. اینا هم هست. تهیونگ به کم فنای اینترنشنالش بیش‌تره، به کم هم کارایی که می‌کنه، بیش‌تره نسبت به بقیه‌شون. تولد جین هم همون تایمی بود که تو کنسرت لس آنجلس بود. فن‌ها، مخصوصاً فنای آمریکایی، از روزای قبلش بیرون استادیومی که جای کنسرت بود، خیلی وسیله واسه تولدش درست کردن که اون روز سوپرایزش کنن. بیست چهارساعته کار کرده بودن. بعد نمی‌دونیییی. بچه‌ام وقتی نشونش دادن، چه قدر تو کنسرت خوشحال شد.»

«... لقب معروف شوگا، پادشاه خوابه چون پسرم زیاد می‌خوابه. به بار توی لایو می‌گفت وقتی خسته باشه دبگه به هیچ چیز اهمیت نمی‌ده و مکانش براش مهم نیست، مثلاً وسط خیابون هم باشه راحت می‌گیره می‌خوابه.»

جیهوپ هم لقبی که داره ساین شاین هست، به خاطر این که وقتی ناراحت باشی هرطوری باشه سعی می‌کنه بخندونت و این که رقصنده اصلی گروهه و پسرم سومین نفریه که به این کمپانی و گروه ملحق شده.

جونگ‌کوک هم کوچیک‌ترین فرد گروهه و لقبش گلدن مکنه، چون پسرم هر کاری که دلش می‌خواد انجام می‌ده و کسی نمی‌تونه مانعش بشه.»

مرضیه ۱۹ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، با اشاره به الگوهای مورد علاقه‌اش و با تعجب از این که پسران بزرگ‌تر از خودش را با عنوان بچه‌اش یاد می‌کند، خاطرنشان می‌سازد، اگر چه همین الآن هم در صورت امکان پذیر بودن، وی مایل به ازدواج با یکی از آیدول‌ها است، اما اکنون با بیش‌تر شدن سنش و معقول‌تر اندیشیدن، از آنجا که می‌داند عشق تخیلی به فردی که هزاران کیلومتر از او دورتر است، به نتیجه و انجام مشخصی نمی‌رسد، عواطف عاشقانه خود را به عواطف مادرانه بدل کرده، و از الگوهای مورد علاقه خودش، به عنوان فرزندش یاد می‌کند:

«من ویدیوهایی دیده بودم از این که وقتی از به آرمی پرسیدن دوست پسرت کیه، گفته بود جئون جونگ‌کوک و می‌خوام این موضوع رو بپرسم در بین فن‌دوم این طوریه که بعضی آرمی‌ها اعضاء رو مثل دوست پسرشون می‌بینن؟»

آره، هستن این دسته افراد که به نظرم نمی‌تونن احساساتشون رو کنترل کنن و افراط می‌کنن معمولاً هم آرمی‌های کم سن و سالن به نظرم که این قدر خیال‌پردازی می‌کنن.

- حالا سوالم اینه که خود تو آیا پسرا رو به صورت معشوقه یا دوست پسر بالقوه‌ی خودت می‌بینی و

رؤیاپردازی‌هایی در این زمینه داری یا نه؟

می‌گم من خودم اون اوایل که آرمی شده بودم و هیجانانگ بر من غالب‌تر بود و سنم کم‌تر بود بله، خیال‌پردازی‌هایی در این باره داشتم و تو نوت گوشیم نوشتم، ولی اصلاً دیگه دوسشون ندارم، باهانش ارتباط نمی‌گیرم و مسخره به نظر میاد برام، چون احساسم عوض شده وقتی به کتابی رو برای بار چندم

می‌خونی و هر بار احساس متفاوتی رو تجربه می‌کنی به این خاطر نیست که محتوای اون کتاب تغییر کرده، نه بلکه این تو هستی که احساساتت عوض شده، پس حال و هوای متفاوتی رو تجربه می‌کنی، البته الانم همین طور هستا و اگه بهم حق انتخاب بدن، دوست دارم یکی از این پسرا باشه، اون که همراهه هر کدومشون به نوعی تیپ ایده‌آل من هستن. جیهپوپ یه طوری، جونگ‌کوک یه طور دیگه، تهیونگ یه طور دیگه، نامی یه طور دیگه، شوگا یه طور دیگه، ولی جین خیلی مثل داداشمه و داشتم می‌گفتم، ولی وقتی شنیدم که گفتن بیاین با همدیگه بزرگ شیم، گفتن ما رو درک کنید، مثل وقتی که می‌بینید بچه‌تون برای اولین بار می‌ره مدرسه و ببینید ما چه قدر بزرگ شدیم، بیاین باهم پر قدرت بریم جلو و... و در کنار هم بودیم، این همه سال و این آلبوم داستان ما و شما هست، دیگه برام وایب (جو) رفیق بودن رو دادن، کسایی که تو روزایی که نیازشون داشتم کنارم بودن و باعث شدن این همه حس خوب تو رگام تزریق شه رو دیگه معشوق نمی‌بینم، رفیق‌هام ان و حتی یه جاهایی حس می‌کنم، من مادرشونم، ولی من به دنیاشون نیاوردم، خیلی عجیبه، احساس کنی مادر کسایی هستی که از خودت بزرگ‌ترن (می‌خندد). من دوس شون دارم و عاشق شون هستم، ولی به عنوان معشوقه کذایی یا دوست پسر نگاهشون نمی‌کنم، الان دارم به این فکر می‌کنم که مگه می‌شه کسی رو دوست داشت و در موردش خیال‌پردازی نکرد؟ هر چه قدر هم آدمی باشی که براساس واقعیت جلو بری، به هر حال یه فکریایی به ذهنت میاد و نمی‌تونی جلوی فکرها رو بگیری».



اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۱۰۱

به تعبیر دیگر، در صورت رنگ باختن عشق تخیلی هواداران دختر گروه بی‌تی‌اس، عشق اخیر می‌تواند بدل به عشق مادرانه شود و باز هم روابط گرم و صمیمی هوادار با الگوی مورد علاقه‌اش را تداوم ببخشد.

۲-۱۰- ارضای هیجان جویی

هیجان‌خواهی خصوصیتی است که با نیاز فرد به احساس‌های متفاوت، تازه و پیچیده و نیز تجارب متفاوت، تازه و پیچیده و اشتیاق فرد برای پذیرش خطرهای جسمی و اجتماعی مربوط به این تجارب تعریف شده است. بنابراین هیجان‌جویی و هیجان‌خواهی را می‌توان با تمایل افراد به تجارب تازه و متنوع، مترادف دانست.

انسان‌ها همان‌گونه که به مصرف مواد غذایی برای سلامتی جسمانی خویش نیاز دارند، نیاز به ترضیه هیجانی خویش هم دارند تا روان آنان سالم بماند.

طبق برخی از پژوهش‌ها، هیجان‌خواهی در سنین ۱۵-۱۰ سال افزایش یافته و سپس با بالا رفتن سن، آنان بعد از ۲۴ سالگی تا حدودی کاستی می‌یابد.

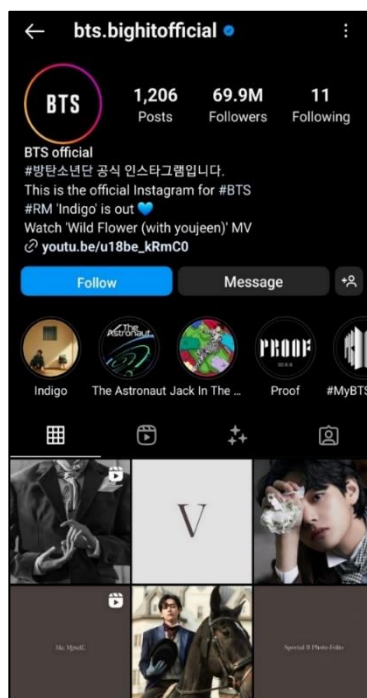
وجود افرادی که خواهان پاسخ به هیجان‌جویی معمول‌شان هستند، جوامع مختلف را بر آن می‌دارد که دست به برنامه‌ریزی‌های لازم در جهت ارضای هیجان‌جویی شهروندان‌شان بزنند.

در کشورهای غربی عرصه‌هایی چون جشن آرد، جشن رنگ پاشی به دیگران، جشن (پرتاب) گوجه فرنگی (به یکدیگر)، مسابقات رالی در بیابان و حتی روی دریاچه‌های یخ زده، مسابقات گلوبازی، صخره‌نوردی، مسابقات موتور و دوچرخه سواری در کوه، مسابقات هنری در شرایط خاص (مثلاً نقاشی در شرایط دشوار) و مانند آن، فراهم است تا افراد هیجان‌جو، عرصه‌های مورد قبولی برای تحقق هیجان‌جویی خویش داشته باشند. اما در ایران غالباً به این مسأله پر اهمیت با دیده منفی نگریسته شده است و مسابقه‌ها و برنامه‌های هیجان‌جویانه موجود در سطح جامعه نیز از محدودیت برخوردارند. از این رو به نظر می‌رسد، در سطح کلان کشور، برای پاسخ‌گویی به نیاز طبیعی برخی از افراد و خاصه برای افراد هیجان‌خواه، عرصه‌های طبیعی هیجان‌خواهی تنگ بوده، توجه لازم به آن معطوف نشده است. بنابراین در شرایط اخیر انتظار می‌رود، افراد برای ارضای هیجان‌خواهی‌های خویش به مسیرهای نامناسب روی آورند.

گروه بی‌تی‌اس، در تلاش برای ارضای هیجانی مخاطبان خویش، ضمن اجرای پرشکوه کنسرت‌هایش، با در نظر گرفتن تمهیداتی مانند به کارگیری افراد جذاب در آغاز تشکیل گروه، آمیختن اجرای آهنگ‌های گروه توام با رقص‌های پرهیجان، دشوار و متنوع؛ پوشش‌های جذاب خوانندگان، انتخاب رنگ موها و زیورآلات متفاوت و متنوع برای پسران گروه، افزودن رقص نور به صحنه، افزایش رقصان پشت صحنه، انتخاب پس زمینه‌های جذاب، تهیه چراغ‌های نورانی (لایت استیک) برای

هواداران که از طریق بلوتوث به شکل هماهنگ به رنگ‌های مختلف در می‌آیند و موارد مشابه، در صحنه اجرا، به هیجان‌جویی افراد پاسخ لازم را می‌دهد. البته به موارد اخیر مواردی همچون تبلیغات گسترده برای گروه و برگزاری پرشکوه جشن تولد آیدول‌ها را نباید از یاد برد. زهرای ۲۴ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از التهاب آفرینی کمپانی در مورد نشر موسیقی جدید بی‌تی‌اس به قرار زیر یاد کرده است:

«- در صفحات خود گروه و یا اعضاء بیش‌تر چه مواردی اشتراک‌گذاری می‌شن؟ معمولاً عکس‌های خودشون هست یا تک نفره یا گروهی، البته بعضی وقتا هم مثلاً سه نفره یا چهار نفره هستن. اگر آهنگ یا موزیک ویدیو جدید بخوان ریلیز کنن هم تو صفحه‌های خودشون اعلام می‌کنن. کنسرت‌ها هم همین‌طور، بعد این طوری هم نیست که فقط یک نفر پست بذاره، ولی هفتاشون هم باهم پست نمی‌ذارن. مثلاً اول جیمین پست می‌ذاره، بعد از سه یا چهار روز جونگ کوک، چهار پنج روز بعدش هم وی یه پست می‌ذاره که ساعت دقیق انتشار رو مشخص کردن داخلش. ضمن این که تبلیغاتی هم که انجام می‌دن رو به اشتراک می‌ذارن، مخصوصاً مربوط به لباس و پوشاک رو.»



اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۱۰۳

ملاحظه کنسرت‌های بی‌تی‌اس که بعضاً در استادیوم‌های بزرگ برگزار می‌شوند، به عیان نشان می‌دهد که افراد حاضر در کنسرت، بعضاً نه تنها از شدت هیجان ایستاده صحنه را دنبال می‌کنند، بلکه گاهی دست به همخوانی با خواننده زده و از شدت شور و هیجان در جای خویش به رقص و پایکوبی در آمده‌اند.

فاطمه ۱۹ ساله، در توصیف نمونه‌ای از رفتارهای آیدول‌ها (و به تبع آن واکنش هواداران هیجان زده) در گزارش خود بیان می‌دارد:

«دیدم زمانی که اگر کنسرتی هست یا مراسمی چیزی و ویدیو یا عکس‌هایی از اعضای بی‌تی‌اس در بین فندوم منتشر می‌شه یا مثلاً جیهوپ می‌گه: «لاورا حالتون چه طوره»، گاهی اعضای فندوم می‌گن که «رو پاهام بند نیستم» و «اتک خوردم» یا (این مورد رو با عرض معذرت ذکر می‌کنم) «حامله شدم، کوکی ازت باردارم». اینا رو توی کامنتا و پیام‌هاشون می‌بینم».

تینای ۱۹ ساله در توصیفی که از کنسرت‌های بی‌تی‌اس ارائه می‌کند، خاطرنشان می‌سازد، وی نه با حضور در خود کنسرت، بلکه تنها با تماشای فیلم آن، موهای بدنش سیخ شده‌اند که این مسأله حاکی از اوجی از هیجان است که در کنسرت‌های بی‌تی‌اس وجود دارد:

«من وقتی کنسرتاشون رو می‌بینم اون حس که طرف در مقابل مثلاً ده هزار آدم وایساده رو خیلی دوست دارم تجربه کنم، اون لحظه‌ای که یه ارتباط خیلی قشنگی بین طرفدار و خواننده هست و به نظرم اون لحظه روی استیج بودن، خیلی حس قشنگیه داره که تو احساس کنی که من آدم موفقیه هستم، من این همه آدم رو دارم خوشحال می‌کنم، این همه آدم من رو دوست دارن و این حرفا، ولی صرفاً همون اون تک لحظات کنسرت رو... اون استیجش باعث می‌شه دلم بخواد مثلاً همچین چیزی رو، همون حس رو فقط می‌خوام تجربه کنم تا این که مثلاً خواننده باشم یا چه می‌دونم آیدول باشم. اصلاً من این حس رو قبل از بی‌تی‌اسم داشتم. واسه بقیه هم مثلاً همون وان دی یه کنسرتی داشتن تو میلان، خیلی سر و صدا کرد، یه جمعیت خیلی زیاد رفته بود و اینا. بعد یه تیکه بود که مردم داشتن می‌خوندن، وان دی داشتن با یه شوق خاصی نگاه می‌کردن و اینا. بعد من این جور بودم ای بابا... بعد من رفتم نگاش کردم، مو به تنم سیخ شد یا تیلور سویفت اون تور ۱۹۸۹ اون تیکه‌ای که بعد دیگه حتی مستندشم اومد بیرون، اصلاً این جوریه همه داشتن می‌خوندن باهاش، بعد سر یه آهنگی کل جمعیت یه سری هارمونیه‌ای آهنگ رو می‌خوندن و اینا، من همین الانش دارم راجع بهش باهات حرف می‌زنم، تصویرش جلوی چشم تداعی می‌شه، همین الانش هم مو به تنم سیخ شد. احساس می‌کنم واقعاً اون لحظه حس خیلی قشنگ عجیب و خوبیه».

شیدای ۲۰ ساله هم در گزارشی مشابه، از وقوع پدیده‌ای نسبتاً همسان با کنسرت‌های بی‌تی‌اس در جمعیت ایرانی یاد کرده است:

«- هنرآموزان شما سرگرمی‌های مشترکی با محوریت بی‌تی‌اس دارن؟»

یه سر یا که مثل قدیم‌ترهای خودم با دوستانم باهم می‌رقصن و تمرین می‌کنن یا مثلاً تیپ‌های شبیه هم می‌زنن و سِت می‌کنن. یه چیز جالبی هم که چند وقت پیش شنیدم، این بود که یکی از کنسرتای بی‌تی‌اس توی یه تالار توی تهران به صورت آنلاین و مستقیم پخش شده بود و این جوری بود که می‌تونستی بلیطش رو بخری و بری. این جوری بود که این اکسوتل‌ها جمع شده بودن یک جا رو گرفته بودن و عکسای گروه رو نصب کرده بودن و از طریق این پرده‌های بزرگی که فیلم پخش می‌کنن، کنسرت‌شون رو پخش کرده بودن و همه طرفدارا اومده بودن. من توی استوری یکی از دوستانم این رو دیدم و خیلی برام جالب بود که توی ایران اجازه‌اش رو داده بودن. بعد اون قدر جیغ می‌زدن و اون قدر حس خوبی داشتن. آهنگاشون رو دور هم خونده بودن و چون تاحالا یه چنین چیزی توی ایران نیفتاده بود خیلی باحال بود. به جز این هم یه جلساتی این طرفدارا باهم دارن که دور هم می‌نشینن و درباره آیدولاشون حرف می‌زنن و تحلیل می‌کنن و اخباراشون رو دنبال می‌کنن. کلاً خیلی پیگیر ان.»



با بررسی اظهارات افراد مصاحبه شده، مشخص می‌شود که غالباً زیربنای شکل‌گیری عواطف مثبت آن‌ها به گروه بی‌تی‌اس، دیدن جذابیت‌های چهره افراد گروه و در ادامه مشاهده رقص آنان در جریان اجرا بوده است:

اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۱۰۵

«- تو چه ویژگی‌ای در اون‌ها دیدی که باعث شد جذب‌شون بشی، منظورم این که چه ویژگی در گروه بی‌تی‌اس بود که در موزیک ایرانی ندیدی؟»



خب از آهنگاشون خوشم می‌اومد، از اون مدل آهنگاشون و دنس (رقص) هاشون هم خوب بود و خوشم می‌اومد و موزیک ویدیوهاشون هم باحال بود و مهم‌ترین چیز این بود که قیافه‌هاشون رو دوست داشتم و البته صداهاشون هم قشنگ بود» (الناز، ۱۲ ساله).

«- در ابتدا چه چیزی توی بی‌تی‌اس تو رو جذب کرد؟»

می‌رقصیدن، مثل خواننده‌های ایرانی نبودن که وایستن پشت میکروفون و تکون نخورن. رقص‌شون جذبه کرد و رنگ موهاشون هم به نظرم خیلی جالب بود. قیافه‌هاشون صداشون کلاً همه چی. آهنگ‌هاشون هم ریتمی داشت که می‌پسندیدم» (سحر، ۱۵ ساله).



«- یعنی اون چیزی که در درجه اول باعث شد جذب گروه بی‌تی‌اس بشی، چی بود؟»

اول از همه دنس شون رو دیدم، بعد برام دنس شون جذاب اومد.

- رقص شون؟

آره چون اسم شون اونجا زیاد معلوم نبود بعد گذشتم. بعد دیدم کلیپ‌هاشون بیش‌تر شد و بیش‌تر حال کردم. آرمی شدم، قیافه‌هاشون بیش‌تر برای من عادی شد.

- از چه چیز هیکل شون خوشت اومد؟

این جور نیستن که خیلی پر باشن، یعنی پر از عضله نیستن، یه بدن معمولی دارن، چاق نیستن، لاغر هستن، ولی سیکس‌پک دارن، انگشت دست شون یه فرم بلند و دراز خیلی قشنگی داره، خیلی خوشم میاد» (رخساره، ۱۶ ساله).

کمپانی بیگ‌هیت در اقدامی مبتکرانه، دست به ارتقای گروه موسیقایی بی‌تی‌اس، به یک صنعت سرگرمی زده است. به این معنا که به دلیل فاصله زمانی کنسرت‌ها و ارایه آهنگ‌های جدید، اعضای گروه بی‌تی‌اس، با تهیه برنامه‌های سرگرمی متنوع برای هواداران (نظیر ران بی‌تی‌اس، بن‌ویاژ)، گذاشتن دیدارهای مختلف بین اعضای گروه و هواداران (مانند فن‌میتینگ‌ها، فن‌ساین‌ها)، تشویق شکل‌گیری گروه‌های هواداری (فندوم‌ها) و اطلاع‌رسانی‌های مختلف از طریق خبرگزاری مستقل کمپانی در مورد آیدول‌ها، در عمل ارتباط خود با هواداران را ادامه داده، و آنان را متوجه خود نگه می‌دارند.

راضیه ۱۵ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، در مورد برنامه ران بی‌تی‌اس (بی‌تی‌اس بدو)، چنین گزارش

می‌دهد:

«- عزیزم خودت ران بی‌تی‌اس رو می‌بینی؟»

آره.

- در مورد محتوای می‌توننی بهم بگی؟

خب همون طور که گفتم طنزه و مثلاً توی هر قسمت یه سری بازی باهم انجام می‌دن و خیلی فان

و جذابه برای طرفدارها».





برنامه بن‌ویاژ نیز مشابه برنامه ران بی‌تی‌اس، برنامه‌های مبتنی بر طنز و شوخی و سرگرمی است. کمپانی در تمهیدی دیگر با برگزاری برنامه‌های فن‌میتینگ و فن‌ساین، در عمل ارتباط هواداران و آیدول‌ها را عمیق‌تر و نزدیک‌تر می‌سازد. پونه ۱۸ ساله، فن‌میتینگ را یک کنسرت کوچک و فن‌ساین را یک جلسه خیلی خیلی کوچک‌تر و خصوصی توصیف کرده است که در آن هواداران و آیدول‌ها گرد هم می‌آیند و در آن هواداران ضمن اخذ امضاء از آیدول‌ها، با آن‌ها امکان عکس گرفتن را هم پیدا می‌کنند:

«- فن‌میتینگ چیه؟»

توی فن‌میتینگ اعضای بی‌تی‌اس میان با آرمیا ملاقات می‌کنن و توی اون ملاقات، حالا بازی می‌کنن یا آهنگ می‌خونن و بعضی وقت اهم آرمیا رو سوپرایز می‌کنن. یه حالت کنسرت جمع و جور داره. بعد یه چیز دیگه هم هست بهش می‌گن فن‌ساین. که فن‌ساین یه کم با فن‌میتینگ فرق داره. حالت خصوصی طور داره بعد فنا میان با اعضاء دیدار می‌کنن و امضاء می‌گیرن و عکس می‌اندازن و صحبت می‌کنن کلی به طرفدارا عشق می‌دن و همین طور طرفدارا به پسران. بعد یه چیز قشنگی که هست اینه، اگر مثلاً یه آرمیه مسلمون بره توی فن‌میتینگ کاملاً بهش احترام می‌ذارن و بهش دست نمی‌زنن، مگر این که خودش بخواد و خیلی با محبت برخورد می‌کنن باهاش. مثل بقیه‌ی فنا».



نکته مهمی که در کنار شورآفرینی و ارضای هیجانی گروه بی‌تی‌اس باید به یاد داشت، این است که از یک منظر کلی می‌توان افراد را به دو دسته، افراد با گرایش به کارهای پرهیجان و افراد با گرایش به کارهای کم هیجان تقسیم کرد. به تعبیر دیگر، هیجان‌خواهی بر اساس توانایی برانگیختن قرار دارد. فردی که زیاد هیجان‌خواه است، تحریک مغزی مداوم را ترجیح می‌دهد، از کارهای یک‌نواخت خسته می‌شود و همواره به دنبال آن است که از طریق تجربه‌های مهیج، انگیزتگی خود را بیشتر کند. فردی که هیجان‌خواه نیست، تحریک مغزی کم‌تری را ترجیح می‌دهد و کارهای یک‌نواخت را نسبتاً خوب تحمل می‌کند.

هیجان‌خواهی با توانایی برانگیختن فرد مرتبط است. فردی که زیاد هیجان‌خواه است، تحریک مغزی مداوم را ترجیح می‌دهد، از کارهای یک‌نواخت خسته می‌شود و همواره به دنبال آن است که از طریق تجربه‌های مهیج، انگیزتگی خود را بیش‌تر کند. فردی که هیجان‌خواه نیست، تحریک مغزی کم‌تری را ترجیح می‌دهد و کارهای یک‌نواخت را نسبتاً خوب تحمل می‌کند.

زاکرمن دریافت، در حالی که برخی از افراد زیاد هیجان‌خواه از فعالیت‌هایی چون کوهنوردی، پرواز با هواپیمای بی‌موتور، مسابقات اتومبیل‌رانی، اسکی و غواصی لذت می‌برند، افراد کم هیجان‌خواه عموماً از آن لذت نمی‌برند. برخی از افراد زیاد هیجان‌خواه تجربه‌های متنوع را به تجربه‌های خطرناک ترجیح می‌دهند. همچنین معلوم شده است که افراد زیاد هیجان‌خواه بیش‌تر از افراد کم هیجان‌خواه از داروهای غیرمجاز استفاده می‌کنند. افراد هیجان‌خواه از تجارب جدید استقبال می‌کنند و آداب و رسوم مرسوم در جامعه، آنان را چندان محدود نمی‌کند. اگر این افراد پی ببرند که برنامه‌ی جالبی وجود دارد، چندان ابایی از شکستن قرار قبلی ندارند.

زاکرمن اظهار می‌دارد، در گروه دوستان بزه‌کار، انگیزه هیجان‌خواهی می‌تواند در قالب رفتارهایی چون مصرف موادمخدر و قانون‌شکنی بروز کند، در مقابل در گروه رسمی‌تر، انگیزه هیجان‌خواهی

اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۱۰۹

می‌تواند در قالب رفتارهایی چون ورزش‌های خطرناک یا حتی هنر ابراز شود. افراد هیجان‌خواه به دنبال موسیقی می‌گردند که جدید و متفاوت باشد و از شعر و شوخی و لطیفه لذت می‌برند. بنابراین برنامه‌های پرهیجان گروه بی‌تی‌اس، نه تنها هیجان‌جویی افراد با هیجان‌خواهی اندک و زیاد را ارضاء می‌کند، بلکه از آنجا که در ادامه، در صنعت سرگرمی کمپانی بیگ‌هیت، به هیجان‌های طرفداران به شدت دامن زده می‌شود، افراد هوادار، خاصه افراد با تمایلات هیجانی بالا، به تدریج به گونه‌ای تربیت می‌شوند که برخوردهایی هیجان‌مدار را پیش بگیرند که از این معنا در عنوان بعد یاد خواهد شد.

۲-۱۱- پیشه کردن برخوردهای هیجان‌مدار

افراد در برخورد با مسایل فراروی‌شان، به شیوه‌های متفاوتی با مسایل برخورد می‌کنند. به این معنا که برخی از افراد در مواجهه با مسأله و مشکل، به شکلی عقلانی و مستدل در پی یافتن راه حلی مناسب برای حل مشکل برمی‌آیند، اما برخی دیگر یا با گریز از مسأله فرارو و یا با توسل به برخوردهای هیجان‌مدار، با مسایل روبرو مواجه می‌گردند.

در ادبیات روان‌شناسی از شیوه‌های حل مسأله، با عناوین روش‌های مقابله‌ای مبتنی بر حل منطقی مسأله و روش‌های مقابله‌ای مبتنی بر حل هیجانی مسأله یاد شده است. افراد در حل مسأله‌مدار مشکلات فرارو، به شکل عقلانی و مستدل در پی یافتن راه حلی مناسب برای رفع مشکل برمی‌آیند، اما در حل هیجان‌مدار مسایل، افراد با توسل به برخوردهای هیجان‌زده، با مسایل روبرو مواجه می‌گردند.

نوجوانان و جوانانی که در اثر مصرف محتوای هیجان‌مدار، در عمل برخوردهای هیجان‌مدار را فرامی‌گیرند، ضمن پیشه کردن برخوردهای هیجان‌مدار با اطرافیان خودشان، در تحلیل مسایل مختلف، به جای استفاده از منطق و استدلال، برخوردی هیجانی را پیشه خود کرده، مبتنی بر منطق ساده‌نگر صفر و یک، به تحلیل رخداد‌های مختلف می‌پردازند که البته رفتاری نامناسب و غلط هست.

در عنوان قبل از زیربنای هیجانی گرایش بسیاری از هواداران پسران بی‌تی‌اس به این گروه یاد شد و خاطرنشان شد، دقایق متعددی که در اجرای کنسرت‌های بی‌تی‌اس و تداوم بخشی حواشی گروه برای هواداران (نظیر برنامه‌های ران بی‌تی‌اس، بن‌ویاژ، فن‌میتنگ‌ها، فن‌ساین‌ها و مانند آن‌ها) فضای پر هیجانی برای هواداران پدید می‌آورد.

بررسی رفتار هواداران در ادامه طرفداری بیانگر آن است که هواداران نیز در مواجهه با گروه بی‌تی‌اس، عمدتاً به صورت هیجانی برخورد کرده و با تهیه تک‌صحنه‌ها (وان‌شات‌ها)، داستان‌سرایی‌ها (فن‌فیک یا فن‌فیکشن‌ها)، فن‌آرت‌ها، تهیه چالش‌های مختلف حول گروه بی‌تی‌اس، انجام نظرسنجی‌های مختلف، تولید محتوا (وب‌لاگ، کلیپ و نظایر آن‌ها)، ایجاد صفحات و گروه‌های هواداری (فن‌پیج‌ها و فن‌دوم‌ها)، فضایی هیجانی در ارتباط با گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس را پدید می‌آورند.

بررسی اظهارات هواداران مصاحبه شده، دلالت بر آن دارد که ماحصل برخوردهای هیجانی کمپانی و گروه بی‌تی‌اس و هواداران، به برخوردهای هیجانی و حل هیجان‌مدار مسایل پیش آمده بین هواداران با خودشان و دیگران می‌انجامد.

در این قسمت پس از ترسیم برخی از فعالیت‌های هواداران برای گروه و آیدول‌های شان (که غالباً از ماهیتی هیجانی برخوردارند)، در انتها از تربیت هیجان‌مدار هواداران یاد خواهد شد که ماحصل بسترسازی‌های هیجانی اولیه کمپانی بیگ‌هیت و واکنش‌های هیجانی مکمل هواداران است.

انجام بحث‌های رفتارهای هیجانی در جمع دوستان در ارتباط با گروه بی‌تی‌اس، برگزاری پرشکوه جشن تولد آیدول‌ها، شیپ کردن، تهیه تک‌صحنه‌ها، تهیه داستان‌سرایی، تهیه فن‌آرت، پیشنهاد انجام چالش‌های مختلف، انجام نظرسنجی، تولید محتوا (وب‌لاگ نویسی، ادیت عکس، تهیه کلیپ)، ایجاد صفحه طرفداری و ایجاد فن‌دوم (تشکل هواداران)، قسمتی از رفتارهایی است که هواداران در ارتباط با پسران بی‌تی‌اس به انجام آن‌ها مبادرت می‌ورزند.

شادی ۱۵ ساله، در مورد بحث‌ها و رفتارهای هیجانی خودش و دوستانش در مدرسه درباره گروه بی‌تی‌اس بیان می‌داشت:

«- عزیزم چه طور با این گروه آشنا شدی؟»

خب من از حدود یکی، دو سال قبل، کلاً خواننده‌های کره‌ای رو گوش می‌دادم و به طور کلی با اونا آشنا بودم ولی با بی‌تی‌اس یک سال و نیمه که آشنا هستم و این طور شد که مدرسه بچه‌ها بیش‌تر مشوق شدن برام. من مدرسه‌ام غیردولتی هست، ولی بچه‌ها خب خیلیاشون طرفدار این گروه ان و آهنگاشون رو تو مدرسه پلی می‌کردن و باهم می‌شستن سر کلاس گوش می‌دادن یا قبل این که معلم بیاد تو کلاس رقص شون رو می‌رفتن، بعد حرف می‌زدن راجع بهش باهم که کدوم جذابه و کدوم بهتره و حتی دعوا می‌کردن سرشون، منم سر همین جریانات، واقعیت کم کم خودم هم نفهمیدم چه جوری، ولی جذب بهشون شدم، ولی دقیق یادم نیست اتفاقی افتاده باشه جذب بشم، کلاً دیگه کم کم منم باهاشون کلیپاشون رو دیدم خوشم اومد ازشون و از قیافه‌های کیوت‌شون و خودم هم تو خونه هی نگاه می‌کردم بهشون و آهنگاشون و حتی رقص‌شون رو هم کم کم یاد گرفتم.

- بیش‌تر از چه چیز اون‌ها خوشت اومد؟

اومم در برخورد اول قیافه‌شون طبعاً دیده می‌شه و تو چشمه و بعد آهنگاشون.»



اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۱۱۶

برگزاری جشن تولد پرشکوه آیدول‌ها توسط کمپانی و شرکت فعال بسیاری از تشکلهای هواداری (فندوم‌ها) در این امر، مقوله مهم دیگری است که هواداران سراسر جهان در آن شرکت دارند.



شیپ کردن ستاره‌ها، مقوله مهم دیگری است که توسط بعضی از هواداران صورت می‌پذیرد. شیپ کردن به معنای ایجاد و برقراری رابطه فرضی بین آیدول‌ها است. شیپ کردن در دو معنای برقراری روابط دوستانه و برقراری روابط جسمی (رابطه با جنس مخالف یا موافق) است. برخی از هواداران بی‌قید، با ملاحظه روابط آیدول‌ها، پیشنهاد می‌دهند که از نظر وی این آیدول با آن آیدول در ارتباط هست.

البته نقش کمپانی را نیز در این میان نباید از یاد برد، زیرا گاهی کمپانی برای حاشیه‌سازی بیش‌تر برای گروه (که بالطبع به توجه بیش‌تر مخاطبان به گروه انجامیده، سود و منافع مادی بیش‌تر کمپانی را در بردارد)، به آیدول‌ها دستور می‌دهد که مثلاً در حین اجرا، لب‌های یکدیگر را ببوسند یا با لمس و نگاه‌های عمیق به یکدیگر، به نوعی شائبه هم‌جنس‌گرایی آنان را دامن بزند.



پونه ۱۸ ساله، در مصاحبه‌اش با اشاره به مقوله جور (شیپ) کردن، اظهار می‌دارد: «تو بی‌تی‌اس شیپ‌های زیادی هست که البته معروف‌ترین شون تهیونگ و کوکه، قبل از ته‌کوک به شیپ دیگه هست که اون خیلی بیش‌تر طرفدار داره اونم شیپ تهیونگه. اونم خیلی تابلو فیکه و مشخصه که برای جذب مخاطب بیش‌تر دارن این جور نشون می‌دن که جنی و تهیونگ باهم هستن. بعد از این شیپ کوک و تهیونگه که بیش‌ترین طرفدار رو داره، ولی خب خیلیا جیمین و کوک یا جیمین و یونگی رو شیپ می‌کنن یا نامجون و جین رو هم شیپ می‌کنن. البته من خودم چون کوک‌مین شیپ هستم، می‌گم که جیمین و کوکی باهم هستن، ولی خب خیلی‌ها هم باور دارن که یک دوست پسر مخفی داره. خیلیا هم می‌گن یونگیه (می‌خندد)، ولی خب خیلی بعید می‌دونم...».

در راستای شیپ کردن آیدول‌ها با هم، در میان هواداران تهیه تک‌صحنه (وان‌شات) و داستان‌سرایی (فن فیک یا فن فیکشن) در مورد آیدول‌ها (با خودشان یا مثلاً با هوادار) مطرح شده است.

حدیث ۱۴ ساله، در مورد تفاوت وان‌شات و فن فیکشن می‌گوید:

«- تفاوت فن فیکشن با وان‌شات (تک صحنه) چیه؟»

وان‌شات‌ها همون طور که از اسم‌شون معلومه یه داستان کوتاه در قالب یک یا دو پارت هست یعنی بیش‌تر از سه یا چهار پارت نمی‌تونه باشه. پس اگر یک داستان بلند داشته باشیم، اسمش وان‌شات نیست. فن فیکشن یه داستان طولانی و ادامه‌دار هست، مثلاً دوازده تا پارت داره. کلاً فرق وان‌شات و

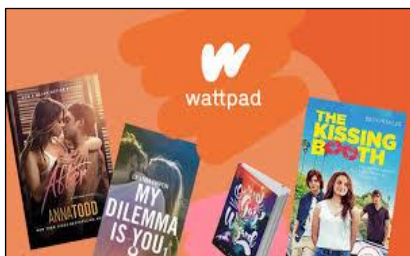
اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۱۱۳

فن‌فیک توی طولانی بودن شونه و البته این رو هم بگم که وان‌شات‌ها بیش‌تر عاشقانه هستن، ولی فن‌فیک می‌تونه هر ژانری داشته باشه».

پونه ۱۸ ساله، در مصاحبه‌اش در توصیف فن‌فیکشن بیان می‌دارد:

«- فن‌فیکشن چیه؟»

یه برنامه هست، اسمش واتپده که این خیلی ساله ساخته شده. بعدش این برنامه برای نویسندگی و خوندنه. حالا یه سری‌ها میان کلاً هر چیزی که بخوان رو توش می‌نویسن و لزوماً در مورد این شیپ‌های گروه‌های موسیقی نیست. اما یه بخش بزرگی از واتپد مال همین نوشته‌های طرفدار هست. طرفدارها در این نوشته‌ها میان در مورد شیپ‌های مورد علاقه خودشون یا حتی در مورد آرتیست مورد علاقه خودشون داستان می‌نویسن. خیلیا میان می‌خونن و کامنت می‌ذارن و ووت (رأی) یا لایک (پسند) می‌دن. توشم فقط ایرانیا نیستن. کلی نویسنده خارجی هست که میان می‌نویسن، حالا این واتپده.



جدای از واتپد خب خیلیا هم میان توی تلگرام یا اینستاگرام داستانشون رو می‌نویسن و به اشتراک می‌ذارن با خواننده‌ها. خب این داستانا خیلییی زیاد مخاطب داره، من خودم تا الان شاید نزدیکه ۳۰۰ تا بوک فقط تو واتپد خوندم از کوکمین و شیپ‌های دیگه. خیلی هم جذاب ان

- در مورد سکسیست بودن داستان‌ها که گفتی، بیش‌تر توضیح می‌دی؟
حقیقتش روم نمی‌شه بازش کنم.

- راحت باش. لطفاً هر چیزی که نظرته یا می‌دونی در موردش بگو.

بین خب این داستانیی که نوشته می‌شه تمام رابطه‌ی یه شیپ رو میاد می‌گه توش دیگه، حالا با هر موضوعی یا هر کاپلی که می‌خواد باشه، باشه. از آشنایی و علاقه و عشق و دعوا و همه چیز. نویسنده تو داستان خودش همه‌ی اینا رو جا می‌ده. بعد خب یکی از اتفاقای یک رابطه، سکس و رابطه‌ی جنسیه دیگه. می‌تونم بگم نود و نه درصد داستان‌های واتپد یا اینستاگرام و تلگرام داخل شون سکس و اسمات (حاوی محتوای هرزه‌نگار) داره. حتی خیلی از خواننده‌ها اگر بدونن که اون داستان اسمات نداره، اصلاً سمتش نمی‌رن یا نمی‌خوننش. حتی خیلی از بوک‌ها هستن که کلاً در مورد اسماته، بهش می‌گن اسمات بوک. فقط توش میاد مثلاً در غالب یه داستان کوتاه فقط و فقط از سکس دوتا کاپل می‌نویسه و ببخشید که این رو می‌گم، اما خیلی از فنا میان از همین داستان سکسی بین دوتا کاپل لذت می‌برن

و بازم ببخشید که این رو می‌گم، اما می‌دونم که خیلیا با این داستانا تحریک می‌شن و اصلاً هم هیچ شرمی ندارن از این قضیه. یه جورایی لذت می‌برن از خوندن این چیزا یا جدای از این اسمات بوکا، خیلی از داستانا‌ی عادی هستن که خب خیلی زیاد تو داستانا‌شون اسمات می‌نویسن. مثلاً از هر سه پارت و قسمت داستانا یک پارتش اسماته.

من بارها دیدم که خیلی از فنا میان و از نویسنده می‌خوان که اسمات بنویسه براشون یا تو تلگرام خیلی چنلای این مدلی زیاده که میان از دوتا شیپ و کاپل فن‌آرت‌های سکسی می‌ذارن یا مثلاً داستانا‌ی سکسی و اسمات می‌نویسن یا مثلاً ویس شبیه به صدای آیدولا می‌ذارن که مثلاً دارن باهم سکس می‌کنن».

فن‌آرت مقوله دیگری است که در بین هواداران از محبوبیت خاصی برخوردار است. برخی از هواداران با پردازش هنری آیدول‌ها، تولیدهای هنری گسترده‌ای را تهیه و در اختیار سایر هواداران گروه بی‌تی‌اس قرار می‌دهند:



نظرسنجی و گذاشتن چالش‌های مختلف، از دیگر اموری است که هواداران در جریان هواداری خویش به گزارش آن پرداخته‌اند.

شیرین ۲۲ ساله، از گذاشتن نظرسنجی‌هایی در صفحه طرفداری خود یاد می‌کند که سرانجام آن به فحاشی کشیده شده و به زعم وی، در این ماجرا به همه خوش می‌گذرد!

«در نظرسنجی‌هایی که در فن‌پیچ‌هاتون می‌گذارین، راجع به چه مسایلی پرسش به عمل می‌آرید، لطفاً یه نمونه مثال بزن؟»

مثلاً من خودم در فن‌پیچ مخصوص بی‌تی‌اس، بارها سوال‌هایی درباره گروه که به ذهنم میاد رو به صورت نظرسنجی در میارم و نظر فالورها رو می‌پرسم. مثلاً یک بار پرسیدم چه حس و حالی با بی‌تی‌اس به شما دست می‌ده؟ هر کی یه جواب می‌داد. یکی گفته بود: من بدون بی‌تی‌اس زنده نمی‌مونم، یکی دیگه گفته بود: بی‌تی‌اس شادی و نشاط و طراوت جوانی رو به من بازگرداند، یکی دیگه نوشته بود: بی‌تی‌اس عشق منه. به من عشق به خود رو یاد داد، یکی دیگه نوشته بود: با بی‌تی‌اس همیشه حالم خوبه، یکی دیگه نوشته بود: بی‌تی‌اس هدفمند بودن و تلاش برای رسیدن به هدف رو به من یاد داد،

اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۱۱۵

و یکی دیگه نوشته بود: من قبل از بی‌تی‌اس افسرده و منزوی بودم، ولی الآن نه تنها افسرده نیستم، به شادترین انسان تبدیل شدم و خیلی اجتماعی شدم و همیشه دوست دارم دورو برم شلوغ باشه.

- در نظرهای ارایه شده، نظرهای منفی هم داری؟

نه، خیلی کم.

- می‌شه چند نظر منفی رو مثال بزنی؟

اوه، بله، مثلاً یکی گفته بود: اعضای بی‌تی‌اس مغرور و از خود راضی‌ان، و یکی دیگه گفته بود: حالم از آرایش‌شون به هم می‌خوره. مرد که آرایش نمی‌کنه و بعضی حرف‌های مخالف دیگه.

- بقیه هوادارها با دیدن کامنت‌های مخالف چه واکنشی دارن؟

(خیلی با صدای بلند می‌خندن) این مخالفت‌ها آغاز جنگ و شروع کامنت‌های زشت و رکیک به هواداران با نظرهای مخالف تو گروه و این قدر تعداد کامنت‌ها زیاد می‌شه و هر کی حرفی بار اون شخص مخالف می‌کنه که از حوصله خارج می‌شه. بعضی وقت‌ها هواداران به عمد نظری مخالف جمع می‌نویسند، برای شروع هجوم نظرات و آغاز جنگ و کلی به همه خوش می‌گذره».



الناز ۱۲ ساله نیز در مصاحبه‌اش از گذاشتن چالش برای هواداران دیگر به قرار زیر یاد کرده است:

«- از کی فن پیج زدی؟

خب از سال ۱۳۹۸ این پیج رو دارم.

- از همون موقع فعالیت فن پیجی در راستای آرمی بودن رو شروع کردی؟

نه من حدوداً یک سال می‌شه که فن پیجم رو دارم.

- تا حالا شده که توی این فن پیج کسی اذیتت کنه یا در مورد بی‌تی‌اس بد بگه؟

بله.

- می‌شه یه مثال بزنی که چه طوری بود و چی شد؟

یه روز یه پست چالش رقص با آهنگ بی‌تی‌اس گذاشتم، یه دختره اومد زیرش کامنت گذاشت که

فکر می‌کنی خیلی قشنگ می‌رقصی.

- بعد تو چه کار کردی؟

منم گفتم که می‌تونم نگاه نکنی و بعد خواهرم بلاکش کرد.

- خواهرت جز فالورات هست؟

بله.

- پدر و مادرت چه طور؟

بابام نه، ولی مادرم بله هست.

- دوست‌هات چه طور؟

هم کلاسی‌های مدرسه‌ام نه، ولی برای زبان کرایم، بله.

خب اون موقع که دختره در پیجت این کامنت رو گذاشت، چه حس بهت داد؟

نفرت و عصبانیت و حس این که دوست داشتم خفه‌اش کنم، ولی ۲ روزه یادم رفت.»

تولید محتوا به صورت تهیه وب‌لاگ، ویرایش تصاویر، تهیه کلیپ و مانند آن‌ها از دیگر فعالیت‌های عام هواداران به شمار می‌رود، نرگس ۲۱ ساله، در توصیف وب‌لاگی که برای یکی از آیدول‌ها تهیه کرده بود، می‌نویسد:

«- احساسات به شوگا چه طور بود و اون چه قدر روی تو تأثیرگذار بود؟»

عام. همه می‌دونستن که شوگا دوست پسر منه. حق نداشتن بهش بد بگن. حق نداشتن از شوگا خوش شون بیاد. توی مدرسه اگر می‌دیدم کسی داره آرمی می‌شه، می‌رفتم مخش رو می‌زدم تا شوگا رو به عنوان بایس انتخاب نکنه. اگر انتخاب می‌کردن، با من طرف بودن. من حتی رفتم اسم شوگا رو تتو کردم روی سینه‌ام اون موقع. البته دو ماه پیش رفتم کاور کردم اون تتو رو. بعد خیلی تلاش کردم شماره‌اش رو پیدا کنم. چون خیلی از این چنلا شماره‌های این آرتیست کره‌ای‌ها رو می‌ذارن که البته بعضیاش فیکه. یه بارم تونستم آیدی اسنپ چتش رو پیدا کنم. هر روز می‌رفتم بهش پیام می‌دادم. اون موقع اینستاگرام شخصی نداشتن و فقط اکانت بی‌تی‌اس بود. برای همین خیلی بود که دایرکت اسنپ چتش رو داشتم، همون چند ماه اول که طرفدارشون شده بودم یه وبلاگ ساختم برای شوگا و خودم اسمش رو هم گذاشته بودم معشوقه‌ی پنهان یونگی (می‌خندد).

توش از احساساتم می‌نوشتم و بعضیا می‌اومدن می‌خوندن. اون سال‌ها چون تلگرام و اینستا مثل الان نبود، سایت و وبلاگ بیش‌تر طرفدار داشت. بعد از یک مدت شروع کردم به داستان نوشتن از خودم و شوگا. مثلاً ما دوست پسر و دوست دختریم و باهم رابطه داریم، بعد طرفدارای وبلاگم زیاد شد. خیلیا خودشون رو جای شخص دختر داستان که در واقع خودم بودن تصور می‌کردن و کلی خوش‌شون می‌اومد و کامنت می‌ذاشتن و تشکر می‌کردن، ولی خب بعضیا عصبیم می‌کردن، چون در مورد شوگا می‌گفتن. برعکس حرف زدنم توی جمع قلمم خوب بود.

- چه احساسی به کامنت‌هایی که می‌گذاشتن داشتی؟

اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۱۱۷

چیزی نمی‌گفتم بهشون، ولی خیلی زیاد حرص می‌خوردم. بدم می‌اومد که کسی جز خودم در مورد یونگی همچین حرفایی بزنه. اگر نزدیکم بودن خرخره‌هاشون رو می‌جویدم، تصورم این بود که یونگی برای منه و کسی حق نداره مثل من دوستش داشته باشه، می‌گفتم یا من یا هیچ کس».

تهیه صفحه هواداری (فن پیج‌ها) و تشکیل جمع هواداران (فندوم‌ها) از شایع‌ترین فعالیت‌های هواداران بی‌تی‌اس به شمار می‌رود. اما نکته مهمی که باید در این میان بدان توجه داشت، برخوردهای هیجان‌زده و پرخاشگرانه بسیاری از هواداران در صفحات و یا جمع هواداران است. نسترن و فرشته ۱۹ ساله و صوفیای ۱۸ ساله در همین ارتباط، در مصاحبه‌های جداگانه خود، به ارایه مباحث زیر اقدام ورزیده اند: «- حالا چون از گروه پسرها خوشت می‌اومد، از بقیه آرتیست‌ها خوشت نمی‌اومد یا کلاً کاری نداشتی؟

نه. اگه باهامون کاری نداشتن که ما هم باهاشون کاری نداشتیم، ولی باز مثلاً اگه صدای اون آرتیست خوب بود، خب می‌گفتم باشه، خوبه، ولی فنش نیستم و اینا. ولی اگه مثلاً خودش یا فندومشون در مورد پسر حرف می‌زدن، خب دیگه دشمن می‌شدیم (می‌خندد)».

«- فن‌های فیک چه طوری هستن؟

فقط دنبال حاشیه ان. تا جایی که دیگه نمی‌شه تشخیص داد بعضیاشون فن ان یا هیترو. به حریم شخصی اعضاء احترام نمی‌ذارن، تو زندگی‌شون دخالت می‌کنن، تهدیدشون می‌کنن، حرف بد و منفی می‌زنن درباره‌شون. این طوری ان که تو یا اون آدم بی‌نقصی هستی که ما می‌خوایم باشی یا کلاً دیگه دوست نداریم و بی‌ارزشی. کلاً هم اهمیتی به هنرشون نمی‌دن واقعاً. می‌شه حتی گفت همین مدل فنا باعث خودکشی آیدول می‌شن.

از یه طرف دیگه یه سری فن خیلی تعصبی هم هستن که فک می‌کنن بی‌تی‌اس ارث باباشونه. با بقیه بدرفتاری می‌کنن، قلدری می‌کنن واسه بقیه.

سر کوچک‌ترین انتقادی تو توئیتر و گروه‌های آرمیا کنسل می‌شی. در حالی که اصلاً حرف بدی هم نزدی. همه‌اش هم در حال جنگ و دعوا با بقیه فندومان. سر هرررر چیزی».

«- توی این هیئت‌های زیادی که به کی‌پاپ می‌دن، واکنشی نشون می‌دی؟

قبلاً که (باخنده) توی توئیتر بودم. خیلی برخورداری شدید بود... بعد وقتی فهمیدم کسانی که من دارم باهاشون حرف می‌زنم، ده سال، دوازده سال، یازده سالشونه، مو به تنم سیخ شد و فهمیدم که اوکی مشکل ریشه هست، یعنی وقتی جامعه... مادر و پدری که این طوری فکر می‌کنن، بچه‌شون رو این جور بزرگ می‌کنن و اون میاد توی سوشال مدیا و با اون حرفا، بقیه رو هم دچار افکار اشتباه می‌کنه، بهتره که باهاش حرف نزن. اگه می‌تونن به آرومی بهش بگی، اگه حس می‌کنی که ممکنه که کمکش کنه.

- منظورت چیه مو به تنم سیخ می‌شه؟

آخه بچه‌ی ده ساله رو نمی‌شه قانع کرد. حرف خودش رو می‌زنه. بعد سن‌شون پاییننه. اولین چیزی که می‌بینن رو فکر می‌کنن که درسته. اصلاً انگار مغزشون آک‌بنده، بعد اصلاً واضحه نمی‌فهمن. وقتی تو داری توضیح می‌دی، اینا فقط فحش می‌دن. واقعاً حرفی نمی‌مونه. خیلی از این هیتایی که این خواننده و بازیگرام می‌دن، واسه اینه که از این راه خودشون رو مطرح کنن. واسه خودشون حاشیه درست کنن. از طریق بی‌تی‌اس بیان بالا. به نظر من که درست نیست اصلاً باهاشون بحث کنی، چون هم احمق ان و هم داری بهشون تو هدف‌شون کمک می‌کنی».

نقض حریم خصوصی آیدول‌ها، مورد دیگری است که بر هیجان عرصه کی‌پاپ می‌افزاید و این مسأله هم از سوی برخی از هواداران و هم از سوی یکی از خبرگزاری‌های کره، پی گرفته می‌شود. بخشی از نقض حریم خصوصی آیدول که تا به حال به دفعات رخ داده است، از طرف هواداران است، مانند تجسس در محل زندگی آن‌ها و زیر پا گذاشتن حریم آن‌ها، نصب دوربین در خانه آیدول، دنبال کردن آیدول‌ها و ایجاد مزاحمت برای آنان. به این‌گونه افراد اصطلاحاً ساسنگ^۱ می‌گویند. بخش دیگر نقض حریم خصوصی آیدول‌ها مربوط به خبرگزاری‌هایی است که با افشای اطلاعات خصوصی آیدول‌ها جنجال به پا می‌کنند. از انواع شدید این نقض حریم، می‌توان به افشای پیام‌های شخصی آیدول و تماس‌های او به خصوص توسط خبرگزاری دیسپچ اشاره کرد. اتفاقی که اگر چه نقض واضح و آشکار حریم خصوصی است، اما واکنش خاصی از سوی دولت به همراه نداشته است (به عقیده برخی، به خصوص طرفداران بین‌المللی، بخش زیادی از رسوایی‌های آیدول‌ها، ساختگی و پوششی برای سایر اتفاقات سیاسی است).

تمهیدات هیجانی اولیه کمپانی بیگ‌هیت از سوئی و ادامه برخوردهای عمدتاً هیجانی طرفداران از سوی دیگر، در گذر زمان به تربیت هیجان‌مدار هواداران می‌انجامد. به این معنا که هواداران در برخورد با مسایل روزمره زندگی، به جای آن که به شکل عقلانی در صدد حل مسأله پیش آمده برآیند، می‌کوشند تا با شیوه‌ای هیجان‌مدار؛ به حل مسأله پیش آمده بپردازند.

بررسی اظهارات جمعیت مورد بررسی، حکایت از آن دارد که برخی از هواداران، حتی در مواجهه شدن با شوخی در مورد آیدول‌ها، دست به پرخاش زدن می‌کنند. در موارد دیگری عصبانی شدن و قطع رابطه، فحاشی و به کارگیری الفاظ رکیک و سرانجام، قاطی کردن، دیوانه شدن و دعوا و زد و خورد، از جمله مواردی است که برخی از افراد مصاحبه شده، در بیانات خود در مورد چگونگی مواجهه با مشکلات فرارو مطرح کرده‌اند.

ثنای ۱۶ ساله، در مصاحبه خود اظهار داشته است که با هم‌کلاس آن‌ها که طرفدار بی‌تی‌اس است، حتی نمی‌توان در مورد پسران گروه بی‌تی‌اس، شوخی کرد:

اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۱۱۹

«- آیا از دوستان شما هم کسانی هستند که به خاطر علاقه زیاد به بی‌تی‌اس دوست نداشته باشند که به نقاط ضعف بی‌تی‌اس اشاره کنند و احياناً اون‌ها رو بپذیرند؟ می‌تونم بگم همه‌شون. یکی از هم‌کلاسی‌هام که اسمش ساراس، البته یک سال از من بزرگ‌تره چون اول دبستان رو دوبار خونده یه کم خنگه (باخنده) و خیلی هم قاطیه. اصلاً نمی‌شه پیشش از بی‌تی‌اس بد بگی، وگرنه خونت پای خودته. خیلی قلدره و جلوش جرأت ندارم بگم که مثلاً به جیمین علاقه دارم، این که بگم جیمین یا بی‌تی‌اس مشکل داره که اصلاً شوخیس هم خطرناکه».



ثناء در مصاحبه خودش، در برخورد با یکی از سوال‌های پرسشگر عصبانی شده، در صدد قطع مصاحبه برمی‌آید:

«جیمین ساعت‌ها از موبایلش استفاده می‌کنه، ولی کسی گیر نمی‌ده، کتاب می‌خونه و خیلی هم به رمان‌های مختلف علاقه‌مند هست، واسه همین که روی من اثر گذاشته یه کم رمان می‌خونم جدیداً، قبلاً دوست نداشتم. بقیه آیدول‌ها هم تفریحات خودشون رو دارن، فیلم دیدم که موزه رفتن یا با دوستاشون بیرون رفتن واسه گردش و خیلی کارای دیگه.

- پس این که گفته می‌شود خیلی از کارهایی که انجام می‌دهند تحت کنترل کمپانی هست چه؟ ممکن هست بسیاری از این کارها را دوست نداشته باشند، ولی انجام بدهند؟

فکر نمی‌کنم. حداقل به این شدت نیست که خیلی کارها باشه. می‌گن که غذا نمی‌خورن و دور از چون مته اسب فعالیت می‌کنن. خنده‌داره دیگه. می‌خوان خراب‌شون کنن این چرت و پرتا رو می‌گن.

- از کجا مطمئن هستی که این طور نباشد؟

از کجا مطمئنید که باشه؟ (صدا از جملات قبلی بلندتر بود و چهره کمی برافروخته).

- نظر شخصیم نبود، گفتم که این طوری گفته می‌شود (با لبخند).

آهان، فکر کردم با این گروه مشکلی دارید و از اینایی هستید که فقط دوست دارن یه گروه رو بکوبن!

- اگر نظرم شخصی من بود چه می‌شد؟

مصاحبه رو قطع می‌کردم چون دوست ندارم با آدمایی که افراطی هستن، صحبت کنم». سارینای ۱۳ ساله گزارش می‌دهد، وی به سبب نقد یکی از هم‌کلاسی‌های خودش از پسران گروه بی‌تی‌اس، با وی قطع رابطه کرده است و ادامه می‌دهد، با هر ناقد دیگری همین‌گونه رفتار خواهد کرد، حتی اگر وی یکی از دوستان صمیمی خودش باشد:

«من بیش‌تر با کسانی که هیت می‌دن دعوا می‌کنم. مثالش هم یکی از هم‌کلاسی‌هام بود که به بی‌تی‌اس هیت می‌داد و من در آخر باهاش قطع رابطه کردم.

- مثلاً چه چیزهایی درباره بی‌تی‌اس می‌گفت؟

مثلاً می‌گفت چرا اینا آرایش می‌کنن. چرا شبیه دخترها هستن و اینا، چرا این جورى ان. عملی ان و همه جاشون عمله و از این جور حرفا.

- مگه این چیزهایی که اون دوست سابقت می‌گفت اشتباه یا دروغ بودن؟

نه، ولی اون با تمسخر و نژادپرستی می‌گفت و کلاً خیلی من رو اذیت می‌کرد.

- چند سالت بود که با هم‌کلاسی‌ات قطع رابطه کردی؟

همین یکی، دو سال پیش بود. کلاس پنجم یا ششم بودم.

- الان که داری برای من این داستان تعریف می‌کنی چه احساسی نسبت به این که اون دوستی رو

تموم کردی، داری؟

حس خیلی مزخرفی دارم که از اولش باهاش دوست بودم و خیلی خوشحالم که تمومش کردم.

- آیا اگه الان هم یک دوستی داشته باشی که از همه نظر خوب باشه، ولی از بی‌تی‌اس خوشش

نیاد، باهاش همین رفتار رو می‌کنی؟

آره. قطع رابطه می‌کنم».

ثنای ۱۶ ساله، باران ۲۰ ساله و شبنم ۲۵ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خویش بیان داشته اند که

در مواجهه با افرادی از فامیل، دوستان و دیگران، وقتی شاهد نقادی آنان نسبت به پسران بی‌تی‌اس

بوده اند، شروع به فحاشی به آنان کرده اند:

«من با دختر خاله‌ام چند وقت پیش جر و بحث کردیم سر این که اون می‌گفت جیمین لاغره من

می‌گفتم نه آرام لاغره، توهین نکن به جیمین. دختر خاله‌ام خیلی به آرام علاقه داره، چون به نظرش

هم خیلی خوشگله و هم دختر خاله‌ام خیلی به رپ علاقه داره و رپ گوش میده و آرام هم رپره. سرتون

رو درد نیارم دیگه سر این چاقی و لاغری کار ما به فحش و فحش کاری کشید».

«- چرا گروه‌های کی‌پای طرفدارای متعصب‌تری دارن؟

اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۱۲۱

به نظر من به خاطر رفتار تخرمی دیگرانه. مثلاً من خودم معمولاً به کسی نمی‌گم طرفدار کی‌پاپم، چون هم‌ه‌اش می‌پرن به آدم و توهین می‌کنن و به خاطر این علاقه‌مون، ما رو قضاوت می‌کنن، این باعث تنش می‌شه. اتفاقاً آرمیا و بقیه طرفدارهای کی‌پاپ کارهای خیرخواهانه زیادی کردن و به کلی از خیریه‌ها پول اهدا کردن به مناسبت تولد اعضا، خود اعضا هم معمولاً خیلی پول به خیریه اهدا می‌کنن و رفتار خیلی خوبی باهم دارن و خیلی هم رو ساپورت می‌کنن، من خودم بیرون یا هر جا، هر کسی رو دیدم، آرمی بوده و باهاش صحبت کردم، خیلی رفتار دوستانه و خوبی باهام داشته و خیلی ساپورتی ان کلاً، ولی خب بقیه فقط ظاهر رو می‌بینن و می‌گن چون اینا لباسایی رنگی می‌پوشن و آرایش می‌کنن اجازه توهین به ما رو به خودشون می‌دن ک***شا».

«- واکنش شما در برابر کسانی که نسبت به این علاقه شما و گروه بی‌تی‌اس زاویه داشتن و ازتون احیاناً انتقاد می‌کردن، چی بود؟

من خیلی با انتقاد مشکل داشتم و اصلاً نمی‌پذیرفتم، ولی بحث نمی‌کردم و می‌ریختم توی خودم و هم‌ه‌اش با خودم می‌جنگیدم و حالم بد می‌شد. مثلاً خیلیا مسخره می‌کردن زبان کره‌ای رو و من خیلی ناراحت می‌شدم، ولی استادم هم‌ه‌اش بهم دل‌داری می‌داد که این چیزا رو جدی نگیر. خیلیا بهم می‌گفتن بچه هستی و این چیزا بچه بازیه و اینا هم خیلی ناراحت می‌کرد. مثلاً به بار با یه دوست صمیمیم که از لوس بودن و همجنس‌گرایی بی‌تی‌اس انتقاد کرد، خیلی شدید بحث شد و من بهش گفتم حق نداری کسی رو قضاوت کنی و دیگه بحث‌مون اون قدر بالا گرفت که به فحش کشید (می‌خندد)».

نکین ۱۳ ساله، در مصاحبه خودش خاطرنشان می‌سازد، دلش می‌خواست است که دوستش را به دلیل این که دست به نفی پسران بی‌تی‌اس می‌زند، قیمة قیمة کند:

«- هیت دادن دوست شما به آیدول‌ها، چه احساسی برای شما ایجاد می‌کرد؟

من طرف را حاضر بودم قیمة قیمة‌اش کنم، اون به شدت می‌رفت روی اعصابم».

صبای ۱۶ ساله، گزارش می‌دهد که نتیجه کاربری وی از گروه بی‌تی‌اس، قاطی کردن و جوش آوردن سریع او در ارتباط با دیگران است و در این مسیر حتی با دوستش به دعوا کردن پرداخته است:

«- تأثیرات این گروه روی احساسات و عواطف خودت چی بوده؟

اممم، خب حس می‌کنم هیجانی‌تر شدم کلاً، یعنی آهنگاشون آدم رو هیجانی می‌کنه یهو. مثلاً با مسایل هیجانی‌تر و غیرعقلانی‌تر برخورد می‌کنم که این خوب نیست. بعد کلیپ آهنگاشون خیلی نورپردازی داره و خیلی بالا پایین می‌پرن و حالا رقصشونم که بلد شدم، خیلی تحرکیه کلاً».



البته هیجان یه سری تأثیرات مثبت هم داره، مثلاً حال رو خوب می‌کنه، دوپامین رو می‌بره بالا، ولی کلاً زیادش مخربه، اونم برای نوجوان.

- یعنی چه جواری هیجانی‌تر شدی؟

مثلاً جلوی اتفاقات خیلی ری‌اکشن زیادی نشون می‌دم، چه بد چه خوب. یا زود عصبی می‌شم، حس می‌کنم تو بحث ساده سریع جوش میارم و قاطی می‌کنم، قبلاً این جواری نبودم. اون روز حتی با دوستم این جواری شد و دعوا شد».

گلنوش ۱۴ ساله که طرفدار پسران بی‌تی‌اس است، خاطرنشان می‌سازد، اگر در خانه گوشی او را بگیرند، وی دیوانه می‌شود و شروع به خرد کردن وسایل خانه می‌کند تا گوشی خودش را پس بگیرد. شادی ۱۵ ساله نیز گزارش می‌دهد، کاربری او از گروه بی‌تی‌اس سبب شده است که وی حتی در بحث با مادرش قاطی کند و بخواهد وسایل خانه را بشکند.

عصبانیت شادی چنان گسترده است که حتی نسبت به ظواهر خودش با عصبانیت برخورد می‌کند:

«- مامان و بابات می‌دونن گوشی می‌بری با خودت مدرسه؟

نه، اگه بدونن هم کاری ندارن. شاید دعوا کنن، ولی من باز یواشکی می‌برم.

- اگه گوشی رو ازت بگیرن چی؟

هیچ وقت نمی‌تونن گوشی من رو بگیرن. می‌دونن که اگه این کار رو بکنن، من دیوونه می‌شم.

- منظورت از دیوونه شدن چیه؟

قاطی می‌کنم. خونه رو می‌ریزم به هم. می‌زنم همه چی رو می‌شکنم تا وقتی که مجبور شن گوشیم رو بدن.

- تاحالا این کار رو کردی؟

نه، ولی نزدیک بوده که بکنم. واسه همین می‌گم که هیچ وقت این کار رو نمی‌کنن، چون من رو

می‌شناسن. پا رو دم نمی‌ذارن».

«- از لحاظ عاطفی و احساسات بی‌تی‌اس چه تأثیری روی شما گذاشته؟»

اممم خب یه کم هیجانی‌تر شدم کلاً سر مسایل، یعنی صبرم کم‌تر شده، حس می‌کنم و زود جوش میارم و خب بیش‌تر وقتم رو صرف دیدن کلیپ‌هاشون می‌کنم، در نتیجه وقتی برای خانواده و درس دیگه نمی‌مونه و اینم اعصابم رو خورد می‌کنه یه کم یا مثلاً این طوری شدم که می‌گم یا فلان چیز باید بشه یا کلاً منصرف می‌شم ازش یعنی برخورد نسبی رو از دست دادم، نسبت به همه چیز حتی ظاهر خودم، مثلاً می‌گم پوستم کلاً خرابه وقتی یکی دوتا جوش می‌زنه حتی یا مثلاً چشمام زشته، در صورتی که خب شبیه مال اونا نیست چشماشون کشیده هست آخه اونا».

۲-۱۲- تخلیه روانی

در جریان زندگی روزمره، فشارهای متعدد و متنوعی به آدمی وارد می‌آید که گریزی از آن نیست. تخلیه و برون‌ریزی قدری از فشارهای وارده بر آدمی که به تعادل نسبی و آرامش بخشی وی می‌انجامد، تخلیه روانی نامیده می‌شود.

مطالعات انجام شده در باب فناوری‌های ارتباطی جدید، حکایت از آن دارند که فناوری‌های اخیر، به دلیل بازداری‌زدایی^۱ نسبی که از آن برخوردارند، امکان تخلیه روانی را در کاربران تسهیل می‌بخشند. جوینسون^۲ (۲۰۰۳)، در ارتباط با بازداری‌زدایی، یادآور می‌گردد: ناشناس و گمنام ماندن، یکی از خصوصیات بارز اینترنت به شمار می‌رود.

امکان عمل اخیر، به تجربه ویژه دیگری در اینترنت می‌انجامد که از آن می‌توان با عنوان، بازداری‌زدایی یاد کرد. بازداری‌زدایی، توانایی بیان خویشتن به گونه‌ای است که فرد به شکل طبیعی، قادر به انجام آن نیست.

گرینفیلد^۳ (۱۹۹۹)، در ارتباط با بازداری‌زدایی در اینترنت می‌نویسد:

برحسب دسترسی و گمنامی که در اینترنت تجربه می‌شود، ۸۰ درصد از معتادان به اینترنت، بازداری‌زدایی را تجربه می‌کنند. علاوه بر این، نزدیک به ۴۵ درصد از تمامی کاربران اینترنت، هنگام کار با آن، به تجربه مسأله اخیر می‌رسند. کاربران مزبور گزارش می‌دهند، از آنجا که در اینترنت، خودکنترلی موجود در جهان بیرون وجود ندارد، از این رو آنان احساس آزادی بیش‌تری کرده، به گونه‌ای رفتار می‌کنند که در روابط روزمره اجتماعی ممکن نیست. به عنوان مثال، آن‌ها بیان می‌دارند، در جریان ارتباط با اینترنت، آنان به بیان مسایلی می‌پردازند که حتی آن را برای همسرشان نیز بازگو نکرده‌اند.

1. Disinhibition
2. Joinson, A. N.
3. Greenfield, D. N.

از این رو پدیده بازداری‌زدایی، به مثابه امری هیجانی، و شغف‌آمیز تجربه می‌شود که اینترنت، آن را در دسترس افراد قرار داده است.

آدمی در مواجهه با فشار روانی که در زندگی فردی و اجتماعی از آن گریزی نیست، دچار تنیدگی می‌گردد. تنیدگی و تنش ایجاد شده در آدمی، امری ناخوشایند است که وی را رنجه می‌دارد. از این رو باید در اندیشه تخفیف، تعدیل و یا از بین بردن آن برآمد.

انسان‌های متعالی، می‌کوشند، تنش روانی خویش را به شکلی معقول تخلیه کنند، به عنوان مثال، اگر آن‌ها نامالایمتی را شاهد بودند، می‌کوشند با تلاش بیش‌تر در مسیر ایجاد جهانی جدید و روابطی انسانی‌تر، گام بردارند.

انسان‌های معمولی، در صدد تخلیه تنیدگی‌های خویش برآمده، با یافتن گوشه‌ای برای شنیدن، با درد دل کردن یا یافتن عرصه‌ای برای اشک ریختن، تاحدودی از تنیدگی خفه‌کننده‌ای که گرفتار آن آمده‌اند، رهایی یابند.

اما انسان‌هایی که بهره‌ای از اخلاق و معنویت نبرده‌اند، ممکن است با تعرض و تعدی به دیگران، دست به تخلیه فشارهای درونی خویش در ارتباط با دیگران بزنند که بالطبع در حالت اخیر، طرف مقابل از آسیب و گزند آنان مصون نخواهد ماند.

بررسی‌های انجام شده در سطح جمعیت مورد مطالعه، دلالت بر آن دارد که تخلیه روانی افراد مصاحبه شده، عمدتاً از سنخ تخلیه تنیدگی‌های کاربران به صورت برون‌ریزی ناراحتی‌ها و ناکامی‌ها به شکلی که توأم با ایذا و آسیب طرف مقابل‌اند، هستند.

پونه ۱۸ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، خاطرنشان می‌سازد، وی با گوش دادن به آهنگ‌های بی‌تی‌اس، اشک می‌ریزد و به این صورت در عمل تاحدودی از تنیدگی خویش می‌کاهد:

«- پس هم آهنگ‌هاشون هم خوشحالت می‌کنه و هم غمگین؟»

آره، بستگی به مودم داره. اگر که حال خوب نباشه، آهنگای سدشون (غمگین) رو گوش می‌دم و اگر حال خوب باشه، آهنگای شادشون رو.

- آهنگ غمگین شون، تو رو غمگین‌تر می‌کنه؟

آره خب.

- پس چرا گوش می‌دی؟ قطعاً باید یه کاری کنی از اون حال دریایی.

شاید چون اون لحظه که ناراحتم، اون آهنگ حس و حال رو به زبون میاره، همون همزادپنداری که بهت گفتم. یه کم آهنگ گوش می‌دم، گریه می‌کنم، بعد اوکی می‌شم.»

همان‌گونه که خاطرنشان شد، بیش‌تر تخلیه‌های انجام شده در هواداران گروه بی‌تی‌اس، به صورت آسیب‌زا مشاهده می‌شود که علت این امر به مواردی مانند: عدم تعادل روانی برخی از هوادارها، احساس فاصله زیاد موجود بین هوادار و آیدول‌ها، اسیر شهوت شدن هوادار و نظایر آن باز می‌گردد.

اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۱۲۵

نگین ۱۳ ساله، از داستان‌سرایی (فن‌فیکشن)‌هایی یاد می‌کند که برخی از هواداران به تهیه آن‌ها دست زده و در آن به هر طریق ممکن که بخواهند، آیدول‌شان را مفتضح می‌کنند. نرگس ۲۱ ساله هم از تخلیه روانی که برخی از هواداران توسط تهیه داستان‌سرایی‌ها دارند، یاد کرده است:

«- به نظر شما هر فن‌فیکشنی ارزشمند هست؟»

من خودم معمولاً بستگی داره چه فن‌فیکشنی را خوانده باشم. کلی فن‌فیکشن هست که خیلی خوشحال‌کننده است، مثلاً اگر شما آیدول باشین، اصلاً مشکلی باهاش ندارین یک‌سری فن‌فیکشن‌هایی هستن که خدایی ضربه روحی به آدم وارد می‌کنند و اگر یکی چنین داستانی را حتی اگر خیالی باشه، از زندگی شما بیاره بیرون، شما کاملاً روحیه‌تون نابود می‌شه.»



«- احساسات به شوگا چه طور بود و اون چه قدر روی تو تأثیرگذار بود؟»

عام. همه می‌دونستن که شوگا دوست پسر منه. حق نداشتن بهش بد بگن. حق نداشتن از شوگا خوش شون بیاد. توی مدرسه اگر می‌دیدم کسی داره آرمی می‌شه، می‌رفتم مخش رو می‌زدم تا شوگا رو به عنوان بایس انتخاب نکنه. اگر انتخاب می‌کردن، با من طرف بودن. من حتی رفتم اسم شوگا رو تتو کردم روی سینه‌ام اون موقع. البته دو ماه پیش رفتم کاور کردم اون تتو رو. بعد خیلی تلاش کردم شماره‌اش رو پیدا کنم. چون خیلی از این چنلا شماره‌های این آر‌تی‌ست کره‌ای‌ها رو می‌ذارن که البته بعضیاش فیکه. یه بارم تونستم آیدی اسنپ چتش رو پیدا کنم. هر روز می‌رفتم بهش پیام می‌دادم. اون موقع اینستاگرام شخصی نداشتن و فقط اکانت بی‌تی‌اس بود. برای همین خیلی بود که دایرکت اسنپ چتش رو داشتم، همون چند ماه اول که طرفدارشون شده بودم یه وبلاگ ساختم برای شوگا و خودم اسمش رو هم گذاشته بودم معشوقه‌ی پنهان یونگی (می‌خندد).

توش از احساساتم می‌نوشتم و بعضیا می‌اومدن می‌خوندن. اون سال‌ها چون تلگرام و اینستا مثل الان نبود، سایت و وبلاگ بیش‌تر طرفدار داشت. بعد از یک مدت شروع کردم به داستان نوشتن از خودم و شوگا. مثلاً ما دوست پسر و دوست دختریم و باهم رابطه داریم، بعد طرفدارای وبلاگم زیاد شد. خیلیا خودشون رو جای شخص دختر داستان که در واقع خودم بودن تصور می‌کردن و کلی خوش‌شون

می‌اومد و کامنت می‌داشتن و تشکر می‌کردن، ولی خب بعضیا عصبیم می‌کردن، چون در مورد شوگا می‌گفتن. برعکس حرف زدند توی جمع قلمم خوب بود.

- چه احساسی به کامنت‌هایی که می‌گذاشتن داشتی؟

چیزی نمی‌گفتم بهشون، ولی خیلی زیاد حرص می‌خوردم. بدم می‌اومد که کسی جز خودم در مورد یونگی همچین حرفایی بزنه. اگر نزدیکم بودن خرخره‌هاشون رو می‌جویدم، تصورم این بود که یونگی برای منه و کسی حق نداره مثل من دوستش داشته باشه، می‌گفتم یا من یا هیچ کس».



نرگس در قسمت دیگری از مصاحبه‌اش، از فندوم‌ها که متشکل از گروه هواداران هستند، به عنوان عرصه‌ای جهت تخلیه روانی افراد یاد کرده است:

«- خوب با خودت فکر نمی‌کردی این درگیری‌ها اشتباهه؟»

نه واقعاً. من تنها بودم. مشکلات داشتم. رفتم توئیتر و دوستایی پیدا کردم که هر روز باهاشون توی فضای مجازی وقت می‌گذروند. از تنهایی دراومدم و رفتاراشون روم تأثیر گذاشت. اون موقع یه جورایی با رفتارای متعصبی که داشتم، خودم رو خالی می‌کردم. من از صبح تا شب با همه چیز زندگی درگیر بودم. پس چی واسم بهتره از این که برم و به چهارتا طرفدار بدبخت دیگه بد و بیراه بگم تا از خشمم کم بشه؟ اون موقع متوجه نبودم، ولی خب ناخودآگاه این تو ذهنم بود. با فحش و بی‌ادبی و دعوا و در آخر برنده شدن توی دعوا، حس خالی شدن و بهتر شدن، بهم دست می‌داد. البته بعضی وقتا عصبی هم می‌شدم.

- یعنی هیجانانگیز رو این جوری تخلیه می‌کردی؟

آره تقریباً. خودم نفهمیدم خیلی، ولی خب بعداً که رفتم پیش تراپیست، بهم این رو گفت. اون موقع تصورم بر این بود که من باید به رقبای بی‌تی‌اس بی‌احترامی کنم و متقابلاً باید از خود بی‌تی‌اس در برابر حرفایی که می‌زنن، دفاع کنم. امکان نداشت چیزی ببینم و دفاع نکنم. ایرانی، خارجی، کره‌ای هر کسی، هر توئیتری می‌زد که علیه پسرای بی‌تی‌اس بود، من وظیفه‌ام بود که دفاع کنم. البته فقط توی توئیتر دفاع نمی‌کردم، توی مدرسه، بیرون از خونه، توی خونه، اینستاگرام یا تلگرام هر جایی که می‌شد با هرکسی که چیز بدی می‌گفت، شروع می‌کردم به بحث کردن و جواب دادن، یه وقت‌هایی می‌شد

چند ساعت می‌نشستم پشت گوشی و با یک نفر سر بی‌تی‌اس دعوا می‌کردم. از زندگی‌م می‌زدم تا از اون‌ها دفاع کنم».



ترنم ۱۸ ساله هم در بیانات خودش با اشاره به نفرت پراکنان (هیترها) یادآور شده است، برخی از افراد بی‌هویت که هویت‌یابی خویش را در اهانت به دیگران یافته یا مترصد یافتن بهانه‌ای برای تخلیه فشارهای روانی وارده بر خویش هستند، با یافتن کم‌ترین بهانه‌ها از پسران بی‌تی‌اس، دست به تمسخر و استهزای آنان می‌زنند و به این ترتیب به نوعی خود را تشفی می‌بخشند:

«در مورد هیتهایی که به اعضاء دادن: مثلاً به چهره نامجون خیلی هیت می‌دادن اوایل دیو و می‌گفتن که این آدم چهره خوبی برای آیدول شدن نداره، بعد این که یک رپر زیر زمینی بود، بهش می‌گفتن تو لیدر خوبی نیستی، تو هنوز نمی‌تونی جمله بسازی، چه طوری آهنگ می‌نویسی، خیلی زشتی و کلی توهین دیگه، یونگی خیلی پوستش سفیده اون قدر که می‌تونم بگم از شیر هم سفیدتره، اولای دیو بهش می‌گفتن رنگ پوستت خیلی سفیده، انگار یک روحی یا می‌گفتن مثل گربه‌ها چندشی، به جیهوپ می‌گفتن، نخند، اصلاً لبخند بهت نمیداد، دندون‌هاش خیلی بزرگ ان، زشتی با این قیافه می‌خواهی آیدول بشی؟ به جین می‌گفتن، خیلی لاغر، خیلی قدش بلنده برای آیدول شدن پیره، چون اون موقع‌ها ۱۸ یا ۱۹ سالش بود، به جیمین که اون موقع‌ها یه کم تپل بود، می‌گفتن چاق، می‌گفتن لب‌هاش خیلی بزرگه، بی‌استعدادی، شبیه دخترها هستی، به تهیونگ می‌گفتن تو دوست رو فروختی، برای این که بتونی آیدول بشی، می‌گفتن بی‌احساسی، تو لایق این هستی که همیشه تو روستا زندگی کنی و کارهای روستایی‌ها رو انجام بدی و به جونگ‌کوک می‌گفتن خیلی بچه‌ای برای آیدول شدن، چرا نمی‌ری مشق‌ها رو بنویسی و کلی هیت دیگه. هنوز هم هیته‌ها هستن، البته به این شکل نه، ولی هیترها با چیزهای جدید، هر روز بهونه دارن برای هیت دادن، مثلاً هیترهایی که سولو استن هستن، یعنی فقط طرفدار یکی از اعضای گروه یا یک شیپ هستن، هیت می‌دن، اونم این جوریه که مثلاً بیان

جین و نامجون رو شیپ کنن. نامجون تو یه برنامه به جونگ کوک یا جیهوپ نزدیک بشه به شونه‌اش دست بزنه اون رو بغل کنه، دستش را بذاره رو دستش، می‌گن چرا جیهوپ این کار رو کرد، شاید می‌خواد بین نامجون و جین دعوا راه بندازه با این که اصلاً تأیید شده نیست که همچین رابطه‌ای هست یا نه و همه این‌ها در حالیه که بی‌تی‌اس همیشه برای هر دین و اعتقادات و نژاد و زبان و رنگ پوستی ارزش قایل هست، اما درست با همین رنگ پوست و چهره و این جور چیزا بهشون کلی هیت دادن.

در کل اوایل دبیو، هیت‌ها خیلی بیش‌تر بود و بین اعضاء نامجون و جیمین خیلی هیت می‌گرفتن، اما الان بی‌تی‌اس بزرگ‌ترین بوی بند جهان و صاحب بزرگ‌ترین فن‌دوم جهان هست و کسی نمی‌تونه که بهشون خیلی هیت بده».

ترنم در فراز دیگری از مصاحبه‌اش از ساسنگ‌فن‌هایی یاد می‌کند که در اوج عدم تعادل روانی به سر برده، با پیشه کردن دوستی، نظیر دوستی خاله خرسه، در جهت حمایت از آیدول مورد علاقه‌شان، دست به رفتارهای نامناسب و ناشایست زده و به این ترتیب تخلیه روانی خویش را تسهیل می‌سازند:

«... خطرناک‌ترین ساسنگ‌فن بی‌تی‌اس هم یک دختر ۲۵ سال بود که به جونگ کوک گیر داده بود و یه بار تو فرودگاه لخت خودش رو می‌انداخت جلوی جونگ کوک، بعد بهش از تو وی‌ورس پیام‌های تهدید می‌فرستاد و بهش می‌گفت، تو باید با من ازدواج کنی، وگرنه می‌کشم. نمی‌دونم تفنگ دارم، چی دارم و گفتم برات، اعضاء رو شیپ می‌کنن و از اونجایی که بعضی‌ها ته‌کوک یعنی جونگ کوک و تهیونگ رو باهم شیپ می‌کنن برا جونگ کوک پیام فرستاده بود که تو اگه واقعاً با تهیونگ رابطه داری، من تهیونگ رو می‌کشم».

۲-۱۳- اتلاف وقت

«- دنبال کردن بی‌تی‌اس برات عادت شده بود؟
آره دقیقاً، یعنی من از خواب که بیدار می‌شدم، اولین کاری که می‌کردم چک کردن اینا بود که دارن چی کار می‌کنن، آهنگ جدید دادن بیرون یا نه و این چیزا (سارا، ۲۰ ساله)».

برخی از هواداران در مصاحبه‌های خودشان از صرف وقت طولانی برای هواداری و پرداختن به گروه بی‌تی‌اس یاد کرده‌اند. این هواداران که غالباً از سن کمی برخوردارند و در جریان تحولات مغزی خویش از سویی و تحول‌های عاطفی، شناختی، اجتماعی، عقیدتی جامعه خویش از سوی دیگر، دچار سردرگمی شده‌اند، با یافتن ملجاء و پناهی همچون گروه بی‌تی‌اس، برای گریز از شرایط دشواری که آنان را احاطه کرده است و یا برای قدردانی و ادای دین به گروهی که افق دید جدیدی را برای آنان رقم زده است و یا برای ارضای هیجان‌جویی‌های خویش، در اشکال مختلف، وقت زیادی برای طرفداری از گروه پسران بی‌تی‌اس صرف می‌کنند.

اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۱۲۹

شرکت در رأی‌گیری‌های مختلف با نشر آهنگ‌های بی‌تی‌اس، شرکت در رأی‌گیری‌های مردمی جشنواره‌های مختلف، تولید محتوا برای گروه و هواداران، گوش کردن و دیدن کنسرت‌های بی‌تی‌اس، صرف وقت برای یادگیری زبان کره‌ای و مانند آن‌ها، قسمتی از فعالیت‌هایی است که هواداران در آن زمینه‌ها وقت صرف کرده‌اند.

غزل ۱۶ ساله، در مصاحبه خود بیان می‌دارد که وی در هنگام نشر آهنگ‌های جدید گروه بی‌تی‌اس، ۲۴ ساعته در خدمت استریم زدن برای رکوردیابی و رکورد شکنی آهنگ جدید بی‌تی‌اس درمی‌آید:

«... خوب خود تو مثلاً اگه کامبک بدن اون روز اول مثلاً چه قدر زمان می‌گذاری؟»

(باخنده) خب بذار بگم... چون تاریخ ریلیز، ورزش، ساعتش، همه چیش از چندوقت قبل مشخصه، دیگه هماهنگ می‌کنم. بعد من خودم چون پیچ هم دارم و آپدیت‌ها رو اون جا هم می‌ذارم، لازمه مثلاً اون روز قشنگ وقت بذارم. دیگه قبلش می‌خوابم. مثلاً یهو دیگه ممکنه مثلاً ممکنه مثلاً یه روز نخوابم کلاً. بعد دیگه استریم می‌زنیم. اطلاع‌رسانی می‌کنیم. آپدیت‌هاشون رو می‌ذاریم. اگه خبری چیزی باشه. می‌ذاریم. لینک چیزایی که باید برن استریم بززن رو پخش می‌کنیم. از این کارا.

- همه فن‌ها همین طوری هستن و این جور موقع‌ها این طوری وقت می‌گذارن؟

همیشه که این طوری نیست. خیلی خوش شانس باشیم، تو سالش، دوتا کامبک بدن، ولی همه هم این طوری نیستن. اونایی که خودشون پیچ دارن، مثل من، ما بیش‌تر وقت می‌ذاریم.

- خوب اگه اون روز کامبک درس یا کار داشته باشی، اون موقع چه کار می‌کنی؟

چون از قبل مشخصه که کی مثلاً آهنگ میاد بیرون، کاری داشته باشم، قبلش انجام می‌دم. حالا مگه دیگه خیلی دیگه نتونم باشم (می‌خندد) که همون فقط گوش می‌ذارم، استریم می‌زنم. درس هم داشته باشم. باز می‌رسم دیگه حداقل چندبار استریم بززنم.»

مهمشید ۱۹ ساله، با عباراتی مشابه بیان می‌دارد که وی و دوستانش در فن‌دوم، برای ترجمه هم‌زمان لایو بی‌تی‌اس، گاهی در طول ۲۴ ساعت بیدار مانده‌اند تا زودتر از گروه‌های دیگر، ترجمه لایو بی‌تی‌اس را به دست هواداران برسانند.

تینای ۱۹ ساله نیز در مصاحبه‌ای که دارد، خاطرشان ساخته است که زندگی وی برای دیدن کنسرت‌های بی‌تی‌اس، کاملاً متوقف شده، و در آن زمان وقت وی فقط و فقط صرف دیدن کنسرت و حواشی آن می‌شود:

«بعد یه تایمی هم بود، اینا کنسرت و اینا می‌داشتن، بعد لینکای غیرقانونی شون اومد بیرون، من کلی می‌گشتم لینک‌هایی رو پیدا کنم که مثلاً قطع نشه از این حرفا. بعد قشنگ می‌نشستم، سه ساعت اینا کنسرت نگاه می‌کردم. کاملاً زندگی‌م رو استپ^۱ (متوقف) می‌کردم، می‌نشستم کنسرت رو نگاه می‌کردم.»

صباى ۱۶ ساله، با عباراتى مشابه خاطرنشان مى‌سازد، او نیز پس از پرداختن به کنسرت‌هاى بی‌تی‌اس، چنان غرق محتوای مربوط به این گروه مى‌گردد که اصلاً متوجه گذر زمان نمى‌شود:

«- شما خودت چه میزان وقت در روز برای دیدن کلیپ‌هاشون می‌گذاری؟»

من خب روزای عادی تاظهر که مدرسه هستم، ولی بچه‌ها گوشى میارن اونجا هم سر کلاس می‌بینیم، ولی تو خونه تقریباً ۲ ساعت اینا یا ۳ ساعت شاید فقط توی خونه بینم. دیگه آدم غرق شون می‌شه، ساعت می‌گذره، نمی‌فهمه (خنده)، خیلی وقتا هم می‌بینی از بعضی درس‌هاش می‌افته، نمی‌تونه بخونه، یعنی نمی‌رسه».



سارینای ۱۳ ساله و شادی و ریحانه ۱۵ ساله، در مصاحبه‌هاى جداگانه‌شان، از صرف وقت‌هاى طولانى در هر روز برای گروه پسران بی‌تی‌اس یاد کرده اند:

«- برای انجام دادن این کارهای حمایتی چه قدر از زمانت رو می‌گذاری؟»

حداقل ۳ یا ۴ ساعت در روز.

- می‌شه بگی که توی این ۳، ۴ ساعت چه کارهایی انجام می‌دی؟

فیلم‌ها و ویدیوهاشون رو می‌بینم. ران بی‌تی‌اس رو تماشا می‌کنم. موزیک‌ویدیو می‌بینم و موزیک‌هاشون رو گوش می‌دم».

«- چه قدر از وقتت رو صرف دیدن شون می‌کنی؟»

حدوداً در روز ۵، ۶ ساعت».

«- این جورى از درس‌هاى عقب نمى‌افتی؟»

اونا رو هم بعدش می‌نویسم، ولی گاهی وقتا اون قدر درگیرش می‌شم که می‌بینم شب شده و من تو اینستا هی تو اکسپلورم از بی‌تی‌اس پست و فیلم می‌بینم. یه دفعه به خودم میام می‌بینم درسام مونده. مامانم هم غر می‌زنه.

- می‌تونى بگى تقریباً چند ساعت وقتت رو با بی‌تی‌اس می‌گذرونى؟

اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۱۳۱

از مدرسه که میام تا شب حدوداً چهار، پنج ساعت، شب هم قبل خواب تا وقتی خوابم بیره می‌بینم، شاید دو ساعت».

نیکوی ۱۵ ساله نیز در مصاحبه‌اش بیان داشته است که وی به شوق دیدار گروه بی‌تی‌اس، رو به یادگیری زبان کره‌ای (که به جز برای افرادی که در صدد مهاجرت به کره هستند، در سایر موارد چندان قابل استفاده و کاربری نیست)، آورده است:

«- تو خودت چه قدر تونستی کره‌ای یاد بگیری؟»

من خیلی پیگیر نبودم چون هم تنبلی نمی‌ذاره، هم واقعاً زبان سختیه و این که خیلی گرامر پیچیده‌ای داره، واسه همین زیاد دنبالش نرفتم، البته به این هم فکر کردم که زیاد توی زندگی به دردم نمی‌خوره، خوبیش اینه که این موضوع رو من همین اول کار بهش فکر کردم، ولی یکی از دوستانم که خیلی پیگیر زبان کره‌ای بود و کلی به خاطرش کلاس رفت و زحمت کشید، این موضوع رو دیر فهمید که این زبان هیچ جا به دردش نمی‌خوره و فقط به درد کسی می‌خوره که بخواد به کره مهاجرت کنه. البته اون دوستم به خاطر علاقه‌ای که به زبان شون داشت، رفت یاد بگیره، ولی خب بعد از مدت‌ها وقتی فهمید، خیلی خورد تو ذوقش. کلاً کره‌ای زبانی نیست که به درد بخوره، مگه این که بخوای بری اونجا زندگی کنی که زندگی کردن در اونجا هم خیلی سخته، چون خیلی راحت راه نمی‌دن افراد رو اونجا برای زندگی، مخصوصاً ایرانی‌ها رو. من فقط یه سری اصطلاحات شون رو یاد گرفتم و یه سری جملات آسونش و این که چه طوری خودم رو معرفی کنم، در همین حد. بعد اینم اضافه کنم که اگه آدم زبان چینی و ژاپنی یاد بگیره، خیلی بیش‌تر به دردش می‌خوره و مهاجرت به کشور ژاپن خیلی بهتره و به صرفه‌تره تا این که بخوای زبان کره‌ای یاد بگیری و توی کره زندگی کنی، کره خیلی جای مناسبی برای مهاجرت و زندگی کردن نیست، چون هم ورود بهش سخته، هم کار کردن و کنار اومدن با مردمش سخته، چون آدم‌های زیاد گرمی نیستند».

۲-۱۴- توهم‌زدگی

بررسی‌های میدانی انجام شده در سطح هواداران ایرانی گروه بی‌تی‌اس دلالت بر آن دارند که اقشاری از طرفداران، توهم‌زده بوده و این‌گونه نیز رفتار می‌کنند.

برخورد توهم‌زده طرفداران را می‌توان نشأت گرفته از چند عامل دید، برخی از این عوامل، به قرار زیرند:

- بی‌تجربگی و توهم‌زدگی نوجوان در آغاز،
- جو گرفتگی افراد در جریان الگوبرداری از الگوها،
- تلاش کمپانی بیگ‌هیت برای توهم‌زده نگه داشتن نوجوانان و جوانان هوادار،

- و سایر موارد (مانند مواجهه با ویتترین زندگی افراد در شبکه‌های اجتماعی نظیر اینستاگرام، گسترش و تعمیق فمینیسم در سطح جامعه و خستگی ذهنی ناشی از بمباران اطلاعاتی افراد در فضای مجازی). بی‌تجربگی و توهم‌زدگی نوجوان در آغاز، به این معنا اشاره دارد که نوجوانان به دلیل تجربیات اندک اجتماعی خویش، ممکن است، گاهی در برخورد با مسایل فرارو به شکل نادرست و توهم‌زده برخورد کنند. مریم ۱۸ ساله، در مصاحبه خود در مصداقی در همین جهت، بیان می‌داشت، وی در اوان بلوغ به صرف آن که نسبت به چند هم‌کلاسی خود احساس علاقه می‌کرده است، به این توهم گرفتار آمده بود که وی فردی هم‌جنس‌گرا هست، اما وقتی فرصت تجربه برخورد با جنس مخالف را یافت و از تجربیات اجتماعی بیش‌تری برخوردار شد، توهم خویش را کنار گذاشت:

«- آیا بی‌تی‌اس باعث شده به همجنس‌گرایی علاقه‌مند بشی یا تمایل پیدا کنی؟»

بین الان کلاً بین نوجوان‌ها همجنس‌گرایی زیاد شده، چون فضای ارتباط با جنس مخالف به اندازه کافی فراهم نیست و مدارس جدا از هم هستند و این باعث می‌شه عده زیادی به دلیل حس نیازی که توی دوره بلوغ دارن، توهم همجنس‌گرایی پیدا کنن. از طرف دیگه هم بیش‌تر آرمی‌ها نوجوانند و این رنج سنی بیش‌تر درگیره کی‌پاپه، واسه همین با داستان همجنس‌گرایی هم‌زمان می‌شه و این طور به نظر میاد که کی‌پاپ باعث شده. توی سن نوجوانی آدم‌ها تازه دارن خودشون رو کشف می‌کنن و قطعاً تلاش می‌کنن که تمایلات خودشون رو هم بیش‌تر بشناسن و ممکنه واسه این شناخت سعی کنن راه‌های مختلف رو تجربه بکنن تا ببینند در نهایت چی مناسب‌شونه و به شخصیت‌شون نزدیک‌تره، واسه همین احتمالش زیاده که توی این دوره یه مدت کوتاهی از همجنس خودشون خوش‌شون بیاد، ولی اگر ادامه پیدا کنه و در سنین بالاتر هم همین شکلی بمونه، اون وقت می‌شه مطمئن شد طرف واقعاً گرایش اینه. من خودم دبیرستان که بودم یه سال رو یکی از بچه‌های کلاس کراش داشتم، حتی یکی، دوبار هم به سرم زد که برم بهش بگم، ولی نگفتم. همون موقع کلاس زبانم دو ترم این جوری شد که پسر و دختر رو مجبور شدن قاطی کنند، چون ساختمون پسرها داشت جاش تغییر می‌کرد، توی اون دو ترم متوجه شدم که درباره گرایشم اشتباه می‌کردم. محدودیت باعث می‌شه آدم با هر چیزی که دم دستشه، بخواد نیازهاش رو برطرف کنه، واسه همین خیلی از نوجوان‌ها دچار این اشتباه می‌شن».

جو گرفتگی افراد در جریان الگوبرداری از الگوها، به این معنا است که گاهی نوجوانان و جوانان، به صرف دیدن یک یا چند ویژگی مثبت و قابل توجه در فردی، الگوبرداری از وی را در دستور کار خود قرار داده، سعی می‌کنند به شکل تام و تمام از وی الگوبرداری کنند، حال آن‌که الگوبرداری کامل از فردی که تنها چند ویژگی مثبت از خود نشان داده است، درست نیست و فرد باید جانب احتیاط را در الگوبرداری از شخص مورد علاقه‌اش رعایت کند. به عنوان مثال، نیکوی ۱۵ ساله، در توصیف دوستش خاطرنشان می‌سازد، وی به دلیل علاقه به اعضای گروه بی‌تی‌اس، به همان ترتیب که یکی از آیدول‌های بی‌تی‌اس به فرد (هم‌جنس) مورد علاقه‌اش حلقه ارایه کرده و موهای وی را نوازش می‌کند، با فرد هم

جنس مورد علاقه خودش رفتار کرده، ضمن دادن حلقه به او، موهای وی را به سبک همان آیدول، نوازش می‌کند:

«- نیکو جان تاحالا خودت یا بین دوستانت کسی بوده که تحت تأثیر بی‌تی‌اس به همجنس‌گرایی تمایل پیدا بکنه؟»

توی ایران خانواده‌ها، مدرسه، آموزش و پرورش و کلاً جامعه‌مون اصلاً با این موضوع اوکی نیستن که همجنس‌گرا باشی و توی سن ما و بین نوجوون‌ها خیلی‌هاشون ممکنه، واقعاً این حالت رو داشته باشن، یعنی گرایش داشته باشن، ولی مخفی‌اش کنن، به خاطر این که تحقیر نشن و مسخره نشن، به خاطر همین هیچ وقت در موردش حرف نمی‌زنن، مگر این که به دوست خیلی صمیمی‌شون بگن یا به خواهر و یا برادرشون، یعنی کسی که خیلی بهش اعتماد دارن بگن یا این که تو خودشون نگه می‌دارن، ولی یه سری‌ها هم هستن که واقعاً گی نیستن و تحت تأثیر جوّ کی‌پاپ این توهم رو می‌زنند، مثلاً یکی از دوستانم که فکر می‌کنم خیلی تحت تأثیر این‌ها قرار داره و اعضاء رو خیلی باهم شپ می‌کنه، یه بار داشت می‌گفت که دوست خودش رو یه بار بوسیده و فکر می‌کرد، واقعاً به دخترها گرایش داره، ولی من فکر می‌کنم که خیلی تحت تأثیر مومنت‌های بین اعضاء و شپ‌هاشونه و حتی پروفایلش اکثراً عکس دوتا از اعضاء باهم یا یکی از مومنت‌های بین‌شونه. روی یکی از دوستانش کراش داشت و محبت می‌کرد به اون دوستش و این شبیه همون محبت‌هایی بود که جونگ‌کوک و تهیونگ گاهی به هم نشون می‌دن و حالت تظاهر داره، مثلاً توی یکی از کنسرت‌هاشون به هم دیگه حلقه دادن و مشخص بود که این کارشون ظاهریه، ولی آرمی‌ها خیلی شلوغش کردن که اینا به هم حس دارن که به هم حلقه دادن و یا مثلاً موهای هم رو ناز می‌کنن. این دوستم با کراشش هم همین شکل کارها رو انجام می‌داد و به نظرم یه جورهایی داشت تقلید می‌کرد».

تلاش کمپانی بیگ‌هیت جهت توهم‌زده نگه داشتن هواداران، به این معنا است که کمپانی برای جذب هواداران هر چه بیش‌تر، از اعضای گروه بی‌تی‌اس خواسته است، تا به هواداران خویش توجه بیش‌تری کرده و به آن‌ها در این جهت سرویس بدهند.

یکی از ابعاد توجه به هواداران، بیان جملات عاطفی حمایت‌کننده است، به عنوان نمونه، ریچانه ۱۷ ساله و رخساره ۱۶ ساله، در جریان مصاحبه‌های خود بیان می‌دارند، پسران بی‌تی‌اس خطاب به هواداران شان در موارد مختلف گفته اند: «دوستتون داریم»، «عاشقتونیم»، «هر وقت ناراحت شدید، بدانید که یک نفر در سؤل به فکر شما است و شما را دوست دارد». البته دوست داشته شدن فردی توسط فرد دیگری که شناختی از او ندارد، حرف لغوی بیش نیست:

«- عزیزم تو اطلاعاتی از اصطلاح *BU* داری؟»

نه اطلاعات چندانی ندارم. من تا جایی که بودم و هستم و می‌دونم اینه که ما یه جایی داریم به نام مجیک شاپ که یه آهنگم ساختن ازش و اونجا جاییه که یه آرمی می‌تونه خودش باشه، کنار پسرا توی رؤیاهاش و خب یه جورایی اونجا پسرا منتظرمون ان.

- یعنی یه دنیای خیالی؟

آره اگه ترجمه متنش رو بخونی متوجه می‌شی.

- عزیزم یعنی چه طور منتظرت هستن؟

حالتیه که وقتی که ناراحتی، هفت نفرن که بهت گوش بدن و آغوش شون به روت بازه.

- چه طور وقتی حضور ندارن، فکر می‌کنی که بهت گوش می‌دن؟

ارتباطی که باهامون گرفتن زیادی عمیقه. اون نزدیکی‌ای که بینمون هست و اون عشقی که دم به دقیقه بهمون می‌دن، باعث این فکر می‌شه.

- یعنی این طوره که توی ذهنت باهاشون حرف می‌زنی و ارتباط می‌گیری؟

ارتباط قلبیه. یه جورایی از طریق گوش کردن آهنگاشون.

- درست متوجه نشدم، ممکنه بیش‌تر توضیح بدی؟

گوش دادن آهنگاشون تو سختیا و مشکلات باعث می‌شه حالم خوب شه.

یعنی اون حرف زدن همون حسی خوبیه که بهت منتقل می‌کنن؟

قلبیه، صحبت کردنی و اینا نیست.

- چون از کلمه گوش کردن استفاده کردی گفتم که شاید باهاشون توی ذهنت حرف می‌زنی. می‌تونه باشه.

- یعنی اتفاق افتاده برات؟

آره.

- مثلاً چیزایی که ممکنه به بقیه نتونی بگی؟

اوهوم.

- گفتمی دم به دقیقه عشق و علاقه‌شون رو بروز می‌دن، یعنی دائماً این احساس رو ازشون دریافت می‌کنی؟

آره، مثلاً تو وی‌ورس پست می‌ذارن که عاشقتونیم یا هر جایی که می‌رن، اول از همه می‌گن آرمی یا تو لایواشون می‌گن».

۱- جهان بی‌تی‌اس که با نام‌های جهان بنگتن یا بی‌یو شناخته می‌شود، یک جهان موازی است که توسط بیگ هیت اینترتینمنت طراحی شده و در آثار گروه به کار می‌رود.



«- عزیزم چه طوری با وجود این که از اول شناخت کافی‌ای از فالوورهای نداشته‌ی، بهشون اعتماد پیدا کردی؟

من اولاً جووری نبود که بخوام با فالوورام این قدر حرف بزنم و صمیمی باشم، ولی نمی‌دونم یهو چی شد شروع کردم حرف زدن و دیدم این ارتباطه چه قدر قشنگه اگه بیش تر شه و هی روز به روز بیش تر می‌گفتم. من همیشه از اتفاقات روزم توی استوریام می‌گم، چی شد، کی چی گفته، جووری که با دوستای اطرافم این جووری نیستم. خودشون هم این جووری ان، یه چیزی پیش میاد، سریع میان پیش من باهم حرف می‌زنیم.

- یعنی از آدمای زندگیته یه کم فاصله گرفتی؟

آره، چون که شخصیت واقعی‌شون رو شناختم.

- یعنی بی‌تی‌اس تأثیر داشت که دیدت نسبت بهشون تغییر کنه؟
آره.

- می‌شه بگی چه جووری این تأثیر رو روت گذاشته؟

با رفتاراشون فکر کنم. می‌دونی چیه، همیشه پسرا گاهی میان بهمون می‌گن دوستتون داریم و عاشقتونیم. کدوم دوستمون میاد یهو اینا رو بهمون بگه. وقتایی که بهت نیاز دارن، دنبالت هستن و وقتی کارشون راه می‌افته، یه تشکر هم نمی‌کنن.»

ریحانه ۱۷ ساله، در ادامه مصاحبه خود اظهار می‌دارد، چون آیدول‌ها به آن‌ها عشق می‌دهند، بنابراین وی و دیگر طرفداران هم موظف هستند تا به فکر آن‌ها باشند و به آنان عشق بورزند: «- عزیزم من نگاهی به پیجت انداختم، حس کردم بیش‌تر به جیهوپ توجه داری. نمی‌دونم که بایست^۱ باشه یا نه، ولی می‌شه در موردش بهم بگی؟»

من به همه توجه دارم (باخنده) کلاً او تی سونم^۲ یعنی هر هفتاشون رو دوست دارم و بایس خاصی ندارم. خوشم نیامد بین‌شون فرقی بذارم، چون معتقدم ۷ نفره که بی‌تی‌اس رو بی‌تی‌اس کرده، نه کم‌تر نه بیش‌تر، هر هفتاشون به نوبه خودشون گروه رو قشنگ کردن. نامجون، لیدرمون، با خرابکاریاش و تلاش بی‌وقفش و آهنگ نویسی‌هاش، جین با هندسام بودن و شوخیا و جوکاش و نوتای بلتینگ^۳ خفنی که می‌ره، شوگا با خواب‌آلو بودنش و خنده‌های لته‌ایش و تهیه‌کنندگی و آهنگ‌سازی بی‌نظیرش، جیهوپ، لیدر دنس‌مون، با تمیزکاریاش و ترساش و صد در صد اون امیددی که تو اوج ناامیدی بهمون می‌ده، جیمین با رقص باله مدرنش و صدای جذابش و خنده‌هاش که چشم‌اش بسته می‌شه و از صدلی می‌افته و عشقی که هر وقت حس کردیم کسی دوست‌مون نداره، بهش تکیه کنیم اون جیمینه، تهیونگ با اون مهربونیش و تاتا مایک^۴ بودنش و خنده‌های مستطیلیش که دل همه رو برده و قوی بودنش در برابر همه هیتایی که همیشه بهش می‌دن و اون گلدن مکنه^۵ ما جونگ کوک عضله‌ای با چشمایی که همیشه برق می‌زنه و صدای بی‌نظیرش و رابطه دوستانه‌ای که با تمام اعضا خصوصاً جین داره. همه‌شون به نوبه خودشون قشنگیایی رو نشون موندن که فهمیدیم دنیا هنوز قشنگیاش رو داره و همیشه و در هر حال، به یاد آرمیاشون بودن و به عشق ورزیدن بهمون فکر می‌کردن و به نظرم این عشق گرفتنمون باید متقابل باشه و ما هم بهشون عشق بدیم».

رخساره ۱۶ ساله نیز در مصاحبه‌ای که دارد، توهمزدگی خویش را به معرض دید می‌گذارد:

-
- ۱- Bias بایس، مورد علاقه‌ترین عضو گروه است که فرد هوادار وی را دنبال می‌کند.
 - ۲- OT7 یا one true 7 به فردی گفته می‌شود که هفت عضو بی‌تی‌اس را به یک اندازه دوست دارد.
 - ۳- صدای Belting همان صدای فریاد زدن است. هنگامی که خواننده صدای سینه خود را به نت‌های بالاتر می‌برد، این اتفاق می‌افتد و به اصطلاح فریاد می‌زند که این‌گونه خواندن آسیب‌های شدیدی به حنجره فرد می‌زند.
 - ۴- شخصیت‌های BT21 در اواخر ماه سپتامبر طراحی شدند و این نام ترکیبی از نام گروه بی‌تی‌اس و قرن ۲۱ است. زمانی که گروه BTS تازه به جمع دوستان برنامه پیام‌رسان لاین (Line Friends) پیوست، پروژه‌ای با طراحی کارکتر و ایده جدیدی از محصولات مرتبط با پسرها به انجام رسید. پروژه طراحی شده شامل ۸ شخصیت است که توسط پسران گروه بی‌تی‌اس ایجاد شده است. کویا (نامجون)، آر جی (جین)، شوکی (شوگا)، مانگ (جیهوپ)، چیمی (جیمین)، تاتا (شخصیتی که گاهی لب‌خند می‌زند. او یک شاهزاده بیگانه کنجکاو و تغییر شکل دهنده از سیاره BT با سر قلبی شکل و بدن آبی با لکه‌های زرد است و او توسط تهیونگ ایجاد شده است)، کوکی (جونگ کوک) و وان (ریات فضایی تاتا است که توسط آر ام (نامجون) ایجاد شده است و محافظ بی‌تی‌اس است. هر کدام از این شخصیت‌ها، مخاطب را به نحوی به دنیای بی‌تی‌اس هدایت می‌کند.
 - ۵- چون جونگ کوک در بیش‌تر زمینه‌ها استعداد داره لقب Golden Maknae را به وی داده‌ان. مکنه به معنی کوچک‌ترین عضو گروه است.

«- اهوممممم. حالا خودت تو چه فضایی بودی که رفتی سراغشون؟»

اون موقع‌ها که مادر پدرم بودن بیش‌تر با رفیق‌ام بودم، سمت گوشیم نمی‌رفتم. وقتی جدا شدن همه‌اش داخل اتاقم نشستم و سرم داخل گوشی و این باعث شد که بیش‌تر دنبالش باشم.

- الان با کدومشون زندگی می‌کنی؟

من حضانت‌م دست پدرمه، ولی بیش‌تر پیش مادرمم.

- فرقی می‌کنه یعنی پیش کدام باشی تو زمانی که صرف گوشی می‌کنی؟

من پیش پدرمم، همه‌اش داخل اتاقم تنها دارم به آهنگ‌های گوشیم گوش می‌کنم و پیش مادرم، کسی که خیلی بهم نزدیک‌تره، دختر خالمه که هر وقت می‌رم پیش مادرم، میاد پیشم و این باعث می‌شه باهم یه کارایی انجام بدیم سرگرم بشم، زیاد سمت گوشی نرم.

- اهوممم. بعد فکر می‌کنی که وجودشون چه جوری کمک کرده بهت؟

حرفاشون، کارایی که باعث می‌شن آرمیا بخندن.

- حرف‌های قشنگ دیگه‌ای هم ازشون یادته که بگی؟

مثلاً گفتن آرمی زندگی ادامه داره، بیاین زندگی کنین یا گفتن که هر وقت ناراحت شدی یا این که فکر کردی کسی به فکر تو نیست، به این فکر باشین که یه نفر داخل کره، داخل شهر سئول به فکر شما هست و همیشه شما رو دوست داره».

تلاش دیگر کمپانی برای جذب هواداران بیش‌تر، ممانعت از ازدواج آیدول‌ها است. در حالت اخیر هواداران جنس مخالف که از عواطف پرشوری برخوردارند، در ذهن خویش می‌توانند به عشق تخیلی خود شکل داده و آیدولی را به عنوان دوست جنس مخالف یا همسر آینده خویش، در نظر بگیرند و زندگی خویش را با همین قسم از توهمات و رؤیایها، ادامه دهند:

«... کسی که همچین رفتاری داره، معلومه که فقط آیدولش رو داره برای این استن می‌کنه که باهاش ازدواج کنه و به محض این که آیدولش وارد رابطه بشه، میاد بهش هیت می‌ده. این جور افراد معمولاً کمبود عاطفی دارن و مثلاً با خودشون خیال‌پردازی می‌کنن که با آیدولشون تو رابطه ان و این فکر و خیالاً توی کی‌پاپرا خیلی زیاده. کمپانی‌ها هم به خاطر همین رفتار فنا نمی‌ذارن که آیدولشون تا ۳۰ یا ۴۰ سالگی یا هیچ وقت ازدواج نکنه. چون وقتی آیدول یه کمپانی هیت بگیره درآمدشون کم‌تر می‌شه و این به ضرر کمپانیه».

نوجوانان در جریان کاربری از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی آن، ممکن است در برخورد با ویتترین زندگی افراد در شبکه‌های اجتماعی نظیر اینستاگرام و یا خستگی ذهنی که تبعه بمباران ذهنی کاربران فضای مجازی (با اتکاء به هوش مصنوعی) است و یا تبعیت از ارزش‌های فمینیسم رادیکال (که فرضاً شعار می‌دهند، زن ایرانی باید دستش را قطع کند و به زندگی مشترک با مرد ایرانی رضایت ندهد)، گرفتار توهم‌زدگی شوند که در جای دیگری باید به این امر پرداخت.

توهم‌زدگی هواداران گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، واجد برخی از تبعات هست. این تبعات از مواردی مانند برخورد متعصبانه در مورد یک آیدول و ادعای این که آیدول مورد نظر شوهر آتی فرد است و دیگران حق چپ نگاه کردن به او را ندارند، شروع شده، به دعوی افراد سر چگونگی ربط دادن اعضای بی‌تی‌اس به هم (شیپ کردن) رسیده، از آنجا به طلاق و انحلال خانواده، به امید دستیابی به آیدول مورد علاقه و ازدواج با وی می‌رسد.

الناز ۱۲ ساله و نیکوی ۱۵ ساله، در مصاحبه‌هایی که دارند، توهم‌زدگی خویش را به شرح زیر به معرض دید گذارده اند:

«- می‌شه در مورد آرمی‌های متعصب هم توضیح بدی؟»

خب اون‌ها این طوری اند که می‌گن فقط گروهی که ما ازش طرفداری می‌کنیم خوبه و یا این که نباید روی بایس^۱ من کراش^۲ داشته باشی و البته خب خیلی با هیترها^۳ هم دعوا می‌کنن، ولی خب من این طوری نیستم، ولی تعداد این جور آرمی‌ها زیاد هست.



- می‌شه از این مورد که گفتی آرمی‌های متعصب این طوری هستن، مثال بزنی؟
یکی از هم کلاس‌های من این طوری بود که وقتی می‌گفتی که بایس من تهیونگ هست، می‌پرید بهت می‌گفت که تهیونگ برای من هست و همین جوری باهات بحث می‌کرد».



۱- بایس Bias به فرد مورد علاقه یک فن‌در یک گروه گفته می‌شود.

۲- کراش Crush به علاقه داشتن به کسی در عین بی‌خبری وی گفته می‌شود.

۳- هیتر Hater فردی است که دست به نفرت پراکنی می‌زند.



«- توی دوستان کسی هست که اگر خبر رابطه اعضاء رو بشنوه، خیلی ناراحت بشه و واکنش تندی نشون بده؟»

یکی از دوستانم هست که خیلی احساسیه و رو این چیزها حساسه، مثلاً یه دختره بود که ویدیو گذاشته و گفته بود که من و تهیونگ به زودی ازدواج می‌کنیم و اون ویدیو رو فرستاده بود تو گروه‌مون. بعد همین دوست احساسی من همین طور یک‌ریز داشت حرص می‌خورد و تا یه مدت خیلی اعصابش بهم ریخته بود. خیلی هم تهیونگ رو دوست داره، یعنی با تمام وجودش دوست داره و همیشه هم طرفدارش بوده و یه دید عاشقانه‌ای نسبت به تهیونگ داره، یعنی فراتر از بعد آیدول بودنش، ازش خوشش میاد و حس عاشقانه‌ای نسبت به تهیونگ داره، واسه همین خیلی واکنش نشون داد نسبت به این قضیه و هر چه قدر هم که ما باهاش حرف می‌زدیم که این اتفاق قرار نیست بیفته و دختره چرت و پرت گفته، قبول نمی‌کرد و همچنان عصبانی بود، می‌گفت اگه تهیونگ یه روزی بخواد واقعاً با کسی قرار بذاره، من چه کار کنم؟ همیشه توی تصوراتش هست که یه روزی می‌ره کره و با تهیونگ ازدواج می‌کنه، در صورتی که واقعاً معلوم نیست در آخر کی توجه اعضای بی‌تی‌اس رو به عنوان معشوق جلب می‌کنه. توی سال ۲۰۱۳ که تازه دبیر شده بودند، موزیک ویدیوی پسر عاشق رو دادن بیرون، اون آهنگ در مورد دختراست که دخترا چه موجودات شگفت‌انگیزی هستن و یه دختری توی اون موزیک ویدیو هست که باید انتخاب کنه بین اعضاء و در آخر می‌ره، می‌پره بغل تهیونگ که یعنی اون رو انتخاب کرده و تهیونگ هم متقابلاً بغلش می‌کنه و دوست من سر این قضیه با این که این موزیک ویدیو قدیمی بود و هیچ حس واقعی‌ای در اون وجود نداشت، خیلی عصبانی شده بود و خیلی ناراحت بود و فکر می‌کرد تهیونگ روی این دختره کراش داره».

مرضیه ۱۹ ساله، از دعوی شپیرها سر توهمات خودشان به قرار زیر یاد کرده است:

«- می‌تونم برام مثال بزنی؟ برای خودت یا دوستانت بوده که با فنای متعصب بحثی صورت بگیره

و اگر بوده به چه دلیل و سر چه موضوعی بوده؟»

حالا دوستانم که نه، ولی دیدم بعضاً بعضی طرفدارا می‌گن که تهیونگ شوهر منه و من یه روزی می‌رم کره و باهاش ازدواج می‌کنم و کس دیگه‌ای هم چنین ادعایی داشته باشه، باهم دعواشون می‌شه سر شوهر آینده‌شون اون سر دنیا؟!

یا شیپرای تعصبی که به شیپ‌های دیگه هیت می‌دن و فقط شیپی که خودشون استن می‌کنن رو قبول دارن و غیر از این باشه دوباره همین بساط هیت و بد و بیراه ... هست مثل بعضی ویمین شیپرا یا تهکوکرا که خیلی بین‌شون دعواست».



رخساره ۱۶ ساله نیز از طلاق گرفتن برخی از هواداران برای دستیابی به آیدول مورد علاقه‌شان و ازدواج احتمالی با وی به شرح زیر یاد کرده است:

«- یعنی چه جوری برای اونا از همسر خودشون طلاق گرفته اند و اصولاً می‌گن واسه چی طلاق گرفته اند؟»

آره. حتی بعضی وقت‌ها از اونایی که طلاق گرفتن، اون مردها اومدن برای بی‌تی‌اس آهنگ خوندن، مثلاً آهنگ انگلیسی خوندن، ترجمه‌اش می‌شد که من ای کاش شبیه جونگ‌کوک بودم، جونگ‌کوک بهترین، زخم طلاق گرفت به خاطر جونگ‌کوک. سر همین چیزها، خیرش خیلی وایرال شده بود».

۲-۱۵- بازماندن در ابعاد عینی

«یه سری دیگه از فن‌ها تعصبی‌ان مثلاً این قدر راجع به این چیزها فکر بچه‌گونه کردن که آره مثلاً من می‌رم با فلانی ازدواج می‌کنم، فن تعصبی شدن یعنی بایس من فلانیه» (گلاره، ۱۴ ساله).

در بررسی یافته‌های میدانی، بازماندن حداقل برخی از هواداران در ابعاد عینی و تأخیر آنان به دست‌یابی به تفکر انتزاعی و ممارست یافتن در آن، به ذهن پژوهشگر متبادر می‌شود، به این معنا که گذشته از طرفداران کم سنی که در بحث‌هایشان به اتخاذ مواضع عینی و ملموس دست می‌زنند و به نوعی با مسایل فرارو به شکل بچه‌گانه برخورد می‌کنند، هوادارانی که سن بلوغ را نیز پشت سر گذاشته و باید

اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۱۴۱

به مرزهای تفکر انتزاعی دست یافته باشند، در برخورد با مسایل مختلف و تحلیل شرایط، بعضاً عینی برخورد کرده و بازماندن در تحلیل‌های عینی و یا ضعف شدید تفکر نظری را به ذهن تداعی می‌کنند. هواداران در الگوبرداری از آیدول‌های مورد علاقه خودشان، در سه سطح الگوبرداری در ظواهر (پوشش، آرایش)، الگوگیری در رفتارها و در نهایت الگوبرداری در ارزش‌ها را در خود نشان می‌دهند.

الگوبرداری در ابعاد صوری و رفتاری، عمدتاً به الگوبرداری در مسایلی عینی محدود می‌شوند. اما به نظر می‌رسد که الگوبرداری در ابعاد ارزشی بی‌تی‌اس نیز بیش‌تر به مصادیق عینی و ملموس بینجامد. زیرا پسران بی‌تی‌اس برای جذب بیش از پیش هواداران به سمت کمپانی، موظف به ظاهر شدن در اشکال مختلف و متنوع هستند، مضاف بر این وظیفه تبلیغ برندهای مختلف، ابعاد عینی و مادی را بیش از پیش در آیدول‌ها به نمایش می‌گذارد و در نهایت آیدول‌ها به دلیل تأکیدی که بر جنسیت‌زدایی از پوشش، آرایش و عشق دارند، در عمل می‌کوشند تا با پوشیدن البسه جنس مخالف، انجام آرایش‌هایی که بیش‌تر خاص زنان است و به نمایش کشیدن برخی از روابط بسیار نزدیک با دیگر اعضای گروه در جریان اجرا، به نمایش تفکر فکری و فرهنگی کمپانی بیگ‌هیت بپردازند، مجموعه آن چه از آن یاد شد، سبب می‌شود، بیش‌تر از آن که پسران بی‌تی‌اس فرصت تبلیغ اندیشه‌های انتزاعی را داشته باشند، کارشان به تأکیدهای عینی و عملی محدود شود.

در این میان جلوه‌های متعدد هیجانی که در گروه بی‌تی‌اس وجود دارد، مضاف بر تداوم این جلوه‌های هیجانی در سطح هواداران گروه، در مجموع فضای پر هیجانی را برای هواداران رقم می‌زند که این فضا خود به خود هواداران را از تحلیل منطقی و نظری مسایل دور کرده، به وادی برخوردهای مثلاً لجاجت-آمیز با هواداران گروه‌های دیگر و مانند آن‌ها می‌اندازد که سنخ واکنش‌های هیجانی نیز بیش‌تر واجد رفتارهای عینی و ملموس هستند.

فضای هیجان زده کی‌پاپ از سویی و هواداران کم سن و بیش‌تر هیجانی از سوی دیگر، برخی از افراد سودجو را ترغیب می‌کند که با تهیه سایت یا صفحات طرفداری و جذب فالور، با گرفتن تبلیغات، به پول و منافع مادی قابل توجه برسند. نگاهی به محتواهای ارایه شده در این صفحات یا سایت‌ها حکایت از ارایه مباحثی بسیار ساده و مبتذل دارد که بعضاً تولید آن‌ها نیز توسط هواداران کم سن و سال صورت پذیرفته است.

ماحصل آنچه از آن یاد شد، سوق یافتن بیش از پیش طرفداران به سمت ابعاد ملموس و مادی است و بالطبع با سنگین شدن کفه ترازوی زندگی آدمی در ابعاد مادی، کفه دیگر ترازو که حاوی ابعاد نظری، انتزاعی و ارزشی است، خود به خود کم و کم وزن‌تر می‌شود.

در ادامه با ارایه شواهدی در زمینه عناوین یاد شده، مسأله بازماندن اقشاری از هواداران در ابعاد عینی و ملموس مورد تأکید قرار خواهد گرفت.

الناز ۱۲ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، با افکار بچه‌گانه خود بیان می‌کند، اگر روزی بتواند در فن-میتینگ بی‌تی‌اس حضور یابد، برای آیدول مورد علاقه‌اش شیرموز می‌برد و جویای احوال وی می‌شود: «- خوب اعضای گروه بی‌تی‌اس چه قدر مورد علاقه‌ات هستند؟»

اممم آیدول‌ها برای من کراش ان و من بهشون علاقه دارم.

- خوب گفتمی که دوست داری بری فن‌میتینگ، خب اون جا چه کار می‌کنی و چه اتفاقی قرار بیفته؟ خب اون جا حداکثر یه ربع شاید هم کم‌تر وقت داری، چون که تعداد افراد بالا هست، و من مثلاً بخوام برم اون جا خوراکی‌ای می‌برم براشون که دوست دارن، مثلاً جونگ کوک شیر موز دوست داره و در مورد این که چه جوری باهاشون آشنا شدم باهاشون حرف بزدم.

- خوب اگه برای اون شیر موز ببری، برخلاف رژیم غذایی‌شون نیست؟

خب توی فیلم‌هایی که از فن‌میتینگ پخش شده، اعضاء هر خوراکی‌ای که آرمی‌ها براشون میارن رو باز می‌کنن، همون جا می‌خورن.»

گذشته از موارد عینی و ملموس، نظیر آنچه الناز به اقتضای قرار داشتن در دوره تفکر عینی خودش، از آن یاد می‌کند، اگر به مباحث افرادی که از سن بیش‌تری برخوردار بوده و به مرزهای تفکر انتزاعی دست یافته‌اند، توجه شود، ملاحظه می‌شود که به دلیل شرایط پرهیجان گروه بی‌تی‌اس و تداوم همان هیجان‌زدگی در ادامه، الگوبرداری هواداران از آیدول‌ها عمدتاً الگوبرداری در ابعاد عینی و ملموس است و مسایل انتزاعی در این میان کم‌تر مطرح است. ریحانه و سحر ۱۵ ساله، در مصاحبه‌های خود به ابعاد عمدتاً عینی اشاره داشته، در اشاره به مسایل ارزشی نیز با اشاره به مقوله تبلیغ جامعه اقلیت جنسی توسط بی‌تی‌اس، در مسایل اخیر نیز به سمت مصادیق عینی سوق یافته، خود به خود فرصتی برای توجه به ابعاد انتزاعی و ارزشی نمی‌یابند:

«- به نظرت چی باعث می‌شه که فن‌ها این قدر به خریدن این وسایل اصرار داشته باشن؟»

به نظرم خب یه جورایی یه تعصب و عرق خاصی نسبت به آیدول‌ها هست دیگه.

- یعنی می‌گی خود فن‌ها دوست دارن، به دلایل شخصی این وسایل رو داشته باشن یا از جای خاصی تحت فشار قرار می‌گیرن؟

ببین، به نظرم وقتی یکی طرفدار کسی هست، هر کسی، چه بی‌تی‌اس چه یه گروه یا آدم دیگه ناخودآگاه شبیهش می‌شه، مثلش لباس می‌پوشه یا لباس‌ها و چیزایی می‌خره که نشون بده طرفدار اون آدم هست و این جوری حس خوبی داره.

- یعنی اگه طرفدار یکی باشی، اما توی ظاهر نشون ندی، یعنی طرفداریت واقعی نیست؟

نه خب، صد در صد که دل آدم مهمه، اما خب وقتی فن‌هستی، یه جورایی کشیده می‌شی به سمت این که هر چه بیش‌تر خودت رو شبیهش کنی یا حتی دلت رو خوش می‌کنی به یه سری وسایلی که

اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۱۴۳

نماد یا تصویر اون آیدول رو داره. بعد همیشه دوست داری اون رو از نزدیک ببینی. باورت می‌شه، من حتی گاهی خواب دیدم که رفتم کره و دارم بی‌تی‌اس رو از نزدیک می‌بینم!
- دقیقاً از چی شون خوشت میاد ریحانه؟

خب کلاً به سبک خاصی ان، هم آدمای گروهش، ظاهر و قیافه‌هاشون، هم حرکات هماهنگ با آهنگشون، کلاً به رنگ و لعاب خاصی داره می‌دونی. فیلم‌هاشون خیلی باکیفیت، همه چی شون درجه یکه کلاً. هیچی رو کم نداشتن. از تیپ و قیافه‌شون بگیر تا صحنه و همه چی.
- می‌توننی مثال بزنی؟

مثلاً رنگ موهاشون یا مدل موهاشون، لباس‌های خاصی که می‌پوشن و ست می‌کنن، خیلی اسپرت و خاص ان، مثلاً به موزیک ویدیو دارن اسم آهنگش آیدوله، خیلی دوستش دارم. فقط کافیه حرکات- شون رو ببینی یا پشت صحنه‌های فیلمش رو. مثلاً به جای فیلم جیمین دهنش رو باز می‌کنه با کامپیوتر درست کردن به دفعه از تو دهنش می‌ره تو به صحنه دیگه. می‌خوای نشونت بدم؟ ببینی عاشقش می‌شی. دفعه اولی که دیدم، اون روز بیش‌تر از ۲۰ بار دیدمش. یا خیلی طرح‌های این جور تو فیلمش داره. تو آهنگش می‌گه، عاشق طرفدارام یا این که همیشه تناسب اندام دارن و لاغر، پوستشون سفید و خوشگل‌هه، فک کن با این که پسر ان، اما از به دختر پوستشون بهتره، کلاً خیلی به خودشون می‌رسن و اهمیت می‌دن، در کل خیلی خوش‌تیپ هستن».

«- سحر جان قبل‌تر گفتم کمپانی در حال حاضر زیر نظر یک فرد امریکایی هست، از چه منبعی این موضوع رو شنیدی؟

توی یکی از پیج‌های اینستا خوندم که جدیداً با به امریکایی قرارداد بستن و همه چی شون زیر نظر اونه، ولی اسمش رو یادم نمیاد.

- می‌توننی مثال بزنی چه نشانه‌هایی توی موزیک ویدیوهاشون هست؟
مثلاً توی موزیک ویدیو دینامیت، پشت سرشون رنگین کمون بود و جیمین یهو می‌پرید بغل جونگ کوک شاید به کم تبلیغ باشه، البته به نظر من زیاد معنی خاصی نداره و می‌تونه دوستانه باشه. کمپانی وای جی هم با امریکایی‌ها قرارداد بسته و خیلی روی این مسأله تمرکز دارن و تقریباً می‌شه گفت تمام آیدول‌های کمپانی وای جی دارن هم جنس‌گرایی رو تبلیغ می‌کنند».

مهتاب ۱۸ ساله، در مصاحبه‌اش با اشاره به روابط بیش‌تر هیجانی حاکم بر هواداران، در عمل تأکید می‌کند که با تحقق لجاجت‌ورزی با دیگر هواداران گروه‌های کی‌پاپ، خود به خود عرصه منطق و دلیل و استدلال در میان هواداران بی‌تی‌اس کم رنگ می‌گردد:

«- من شنیده‌ام که یک‌سری از طرفداران هستند که روی گروه یا یک عضو خاص تعصب زیادی دارند و گاهی بین طرفداران یک گروه هم حتی دعوا می‌شه. درسته؟
(می‌خندد) آره خب، اینا پیش میاد.

– طرفدارهای متعصب بی‌تی‌اس چه فعالیت‌هایی برای حمایت از شون انجام می‌دن؟

وقتی بهش فکر کنی، در نگاه اول چندان فرقی آن چنانی‌ای با طرفدارای غیرمتعصب ندارن. اونا هم به موقع استریم^۱ می‌کنن، تویت^۲ می‌زنن و توی رأی‌گیری‌ها شرکت می‌کنن، ولی جای دیگه‌ای هم فعال هستن. کافیه تا یه نظر منفی ببینن و اون موقع هست که شروع می‌کنن تا به هر روش ممکن، بقیه رو متقاعد کنن که اون نظر درست نیست و این بیش‌تر با فحاشی و توهین همراهه. حتی ممکنه به یه انتقاد درست بر بخورند، ولی باز هم چون به نظرشون آیدول و گروهی که دنبال می‌کنن، بی‌نقصه، نمی‌تونن قبول کنن. به نظرشون این هم برخوردهای پرخاشگرانه هم یه جور حمایت از آیدوله. مهم هم نیست اون انتقاد از طرف کیه، چه هم فنومی باشه، چه از یه فنوم دیگه و حتی از یه لوکال^۳ اونا به هر صورت باید اون نظر و انتقاد رو بی‌ارزش نشون بدن».

در فضای پر هیجان طرفداری از بی‌تی‌اس و نفی و انکار گروه‌های دیگر کی‌پاپ (که گاهی حتی برخی از هواداران با هواداران دیگری که ممکن است قدری با هم تفاوت دید داشته باشند) - نظیر کسانی که به جای شیپ کردن آیدول‌های الف و ب، آیدول‌های الف و ج را با هم شیپ می‌کنند و بلافاصله به همین سبب بین آنان درگیری پدید می‌آید-)، افرادی وجود دارند که سعی می‌کنند از آب گل‌آلود ماهی بگیرند.

وجود انبوهی از سایت‌ها و صفحات طرفداری که حتی زحمت تهیه تولید محتوا را به خود نداده و محتوای تولید شده هواداران را (هر چه قدر هم که سخیف و بی‌مایه باشد)، در سایت یا صفحه طرفداری خود برای دیگران مورد استفاده قرار می‌دهند، عامل ذی‌نقش دیگری در بازماندن اقشاری از هواداران در تفکر عینی و ملموس و دور ماندن آن‌ها از دست‌یابی به تفکر انتزاعی و اعتلای آن هستند. گلنوش ۱۴ ساله، در توصیف سایت‌هایی که به ارایه مباحث پیش و پا افتاده و سخیف به هواداران می‌پردازند و با افزایش بازدید کنندگان خودشان، به منافع مالی فزون‌تری دست می‌یابند، اظهار می‌دارد:

«– خب شخصیت خودت رو در این تست‌ها چی درآوردی؟

بایس من نامجونه، چون مثل اون شخصیت مهربونی دارم، هر کاری برای کمک به همه می‌کنم، شوخی می‌کنم و زیاد می‌خندم، باهوشم، ولی گیج بازی درمی‌ارم و خرابکاری می‌کنم و فراموش کارم. نقطه ضعفم چال گونه‌ی نامجونه.

– یعنی چی نقطه ضعف چال گونه‌ی نامجونه؟

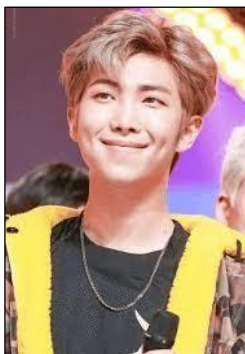
یعنی اون قدر چال گونه‌اش رو دوست دارم که آرزوش رو دارم.

– آرزوت اینه که شبیه اون چال گونه داشته باشی؟

1. stream
2. twit
3. Local

در کی‌پاپ به آدم‌های معمولی لوکال می‌گویند. این افراد عضو هیچ فنومی نیستن و هیچ چیزی از آن‌ها نمی‌دانند.

نه، من که شبیه اون نمی‌شم. آرزوی این که از نزدیک ببینمش و چال گونه‌اش رو لمس کنم و بیوسمش...»



- یعنی چی این که افراد بی‌تی‌اس خودشون تیپ شخصیتی اند، اصلاً می‌دونی تیپ شخصیت یعنی چی؟

آره، یعنی مدل خاصی از اخلاق و رفتار. هر کدوم از اعضای بی‌تی‌اس یک تیپ شخصیتی^۱ به حساب میان و طرفدارایی که شبیه اونا هستن، اون تیپ شخصیت رو دارن.

- چه طور مشخص می‌شه که اون تیپ شخصیت رو داره؟
از مقداری که به یکی از اعضاء علاقه داره و بیش‌تر طرفدارشه. هر آرمی واسه‌ی خودش یه بایس داره. روی هر کی بایس داشته باشی، می‌شه ازش فهمید که شخصیت تو چیه که بایست اون شخص بوده. چون هیچ کسی بی‌دلیل بایس انتخاب نمی‌کنه، بر اساس شخصیتشه.

- به نظرت این شخصیت‌شناسی تا چه اندازه درسته و کاربرد داره؟
همیشه درست درمیاد. واسه‌ی من و دوستانم که همیشه درست دراومده. من تاحالا کسی رو ندیدم که روی یکی بایس داشته باشه و تیپ شخصیتش غیر از چیزایی باشه که واسه‌ی اون مشخص شده. کی مشخص کرده که هر کدوم چه تیپ شخصیتی دارند؟

توی سایت‌های مختلف کلی تست هست که ازش می‌فهمی شخصیتت بر اساس بایست چیه و چه ویژگی‌هایی داری. مثلاً مشخص کردن که اونایی که بایس شون نامجون باشه حتماً هیجان دوست دارن و درون‌گرا هستن و دردشون رو به کسی نمی‌گن. یا اونایی که هوپ رو دوست دارن مثلاً آروم و باحوصله و باوقارند.

- یعنی منظورت اینه که از روی طرفداری می‌شه شخصیت آرمی‌ها رو فهمید؟
آره، دقیقاً همینه منظورم.»

۱ - ظاهراً مصاحبه شونده درک درستی از شخصیت و مفهوم تیپ شخصیت ندارد.

ریاکشن بی تی اس وقتی تو فنساین میبیننت

7 سوال • صحیح/غلط • توسط: Haruko • انتشار: 2 سال پیش • 6,977 مرتبه انجام شده • گزارش

ذخیره در مورد علاقه ها • افزودن به لیست

♥♥♥♥♥♥♥♥♥♥♥♥♥♥♥♥♥♥♥♥♥♥♥♥♥♥

جانگ کوک:اروم بهت میگه شب منتظرم باش 😊 (بقیه شو به ذهن کثیفتون میسپارم 😏)

صحیح

غلط

7

بهدی < > قبلی

اگه یه ارمی واقعی هستی و میخوای یه هیتر رو بکشی بیا تو تست ازت خواهش میکنم

6 سوال • صحیح/غلط • توسط: Haruko • انتشار: 2 سال پیش • 2,033 مرتبه انجام شده • گزارش

ذخیره در مورد علاقه ها • افزودن به لیست

9999999999

هییییی

صحیح

غلط

نتیجه درنگ بیش از اندازه افراد در تفکر عینی و معطل شدن در ابعاد مادی و صوری، به آنجا می‌انجامد، هوادارانی که از فرصت ممارست و تمرین در تفکر انتزاعی و منطقی در زندگی خود کم‌تر برخوردار بوده‌اند، در هنگام بحث و استدلال، به طرح مباحثی ابتدایی و سخیف روی می‌آورند، گلاره ۱۴ ساله و باران ۲۰ ساله، در مصاحبه‌های خودشان مصادیقی از منطق ضعیف و متزلزل خویش را به قرار زیر ارایه کرده‌اند:

«- آیا بی‌تی‌اس تا به حال توی حرف‌هاشون به ایران هم اشاره‌ای کردن؟
بله مثلاً توی لایوها درباره ایران و این که دوست دارن توی ایران کنسرت بگذارن، حرف زدن.
- این که توی لایو درباره ایران صحبت کردن، بهت چه احساسی داد؟
احساس خیلییییی خوب و خب خوشحال شدم که اون‌ها به ما فکر کردن و این که ما براشون مهمی هستیم».

اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۱۴۷

«... آهان یکی دیگه از دلایلی که خیلی از بتس (بی‌تی‌اس) خوشم میاد، اینه که خیلی متواضع و فروتن هستن و احترام می‌ذارن به بقیه. مثلاً کوکی رفته بود قطر برا یه سری کارها و آرمیا رفته بودن اون جا که کوکی رو ببینن و چون هوا گرم بود، کوکی براشون آب اینا خرید فرستاد. بعد بتس فک کنم تاحالا دوبار رفته سازمان ملل صحبت کرده و سالن پر بوده و همه گوش می‌دادن به حرفاشون، ولی هر بار رئیس جمهوری ما رفتن، سالن خالی بوده، حتی با بایدن هم در کاخ سفید دیدار داشتن، یعنی از لحاظ سیاسی هم برتر از ما هستن. فقط این عکس‌هایی که می‌فرستم رو مقایسه کن.»



۲-۱۶- کاهش تدریجی حساسیت‌ها

با ارایه مکرر یک محرک، حساسیت مخاطبان به محرک مورد نظر به تدریج کاهش یافته، با حساسیت کم‌تری با آن برخورد می‌کنند.

امام محمد غزالی، در بحثی که در باب غیبت مطرح می‌کند، خاطر نشان می‌سازد، غیبت کردن و به دست کردن انگشتر طلا توسط مردان، هر دو در عرف دین امری حرام به شمار می‌روند، اما شناخت غیبت (که از منظر دین، معادل خوردن گوشت برادر مرده است)، بسیار بیش‌تر از به دست کردن انگشتر طلا، توسط یک مرد است، ولی با این وجود، در سطح جامعه ملاحظه می‌شود که مردان از به دست کردن انگشتر طلا، ابا دارند، اما از غیبت کردن پرهیز نمی‌کنند.

امام محمد غزالی، در پاسخ به تعارض ظاهری پیش‌گفته، روی مسأله حساسیت‌زدایی شدن مردان جامعه خویش، تکیه کرده، یادآور می‌شود، مردان جامعه، به دلیل مشاهده مکرر غیبت توسط اطرافیان خودشان، حساسیت خویش را نسبت به این کار بسیار زشت از دست داده‌اند، اما از آنجا که همین مردان، خیلی کم شاهد به دست کردن انگشتر طلا، توسط اطرافیان خودشان بوده‌اند، از این گناه کوچک‌تر، به شدت پرهیز می‌کنند.

متون نظری روان‌شناسی معاصر نیز از ویژگی کاهش تدریجی حساسیت آدمی، به صورت یک روش درمانی مؤثر استفاده کرده‌اند.

با بررسی اظهارات هواداران مصاحبه شده در پژوهش، مشخص می‌شود که این هواداران بعضاً به سبب برخورد مدام، مستمر و زیاد با اعضای گروه بی‌تی‌اس، جنسیت‌زدایی در ابعاد آرایشی و پوششی و همین‌طور بدون جنسیت دیدن عشق که از شعارهای اساسی پسران بی‌تی‌اس است، تأثیر پذیرفته و با وجود آن که تحقق موارد اخیر با فرهنگ آنان همخوانی نداشته با آن‌ها مخالفت می‌ورزد، پذیرش و بعضاً اقدام عملی در این جهات را در دستور کار خود قرار داده‌اند.

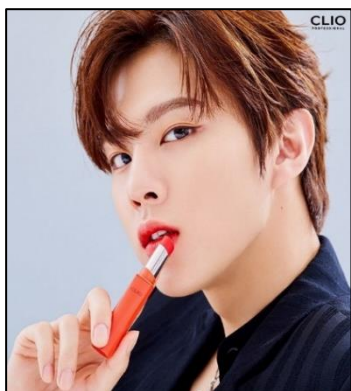
تصاویر زیر بیانگر القائات گروه بی‌تی‌اس در جنسیت‌زدایی از پوشش است که اقشاری از هواداران مصاحبه شده، تأکید داشته‌اند که اگر چه پیش از برخورد با گروه پسران بی‌تی‌اس، قایل به جنسیت‌زدایی در پوشش نبوده‌اند، اما در اثر برخورد با آرای گروه بی‌تی‌اس در این جهت، از مخالفت پیشین خویش دست کشیده و اکنون با دیده تأیید به آن می‌نگرند:





تصاویر زیر نیز بیانگر نقطه نظر پسران بی‌تی‌اس در جنسیت‌زدایی از آرایش است. برخی از افراد مصاحبه شده خاطرنشان ساخته‌اند، با وجود آن که آنان تا پیش از آشنا شدن با گروه بی‌تی‌اس، آرایش مردان را نمی‌پذیرفته یا آن را در حد بسیار کمی قبول داشتند، بعد از آشنا شدن با بی‌تی‌اس و مواضع آن در این جهت، آرایش زیاده‌تر و گسترده‌تر مردان را مورد تأیید خویش قرار داده‌اند:





در کنار حساسیت‌زدایی‌هایی که در پوشش و آرایش در جمعیت هوادار گروه بی‌تی‌اس ملاحظه می‌شود، جنسیت‌زدایی از عشق برای هواداران گروه بی‌تی‌اس مطرح شده و توسط اقشار قابل تأملی از آنان پذیرفته شده است و آنان برخلاف گذشته که فرضاً افراد هم جنس‌گرا را با شناخت می‌دیدند، در حال حاضر با دیده تأیید به اقلیت جنسی و رفتارهای آنان می‌نگرند.

الناز ۱۲ ساله، در مصاحبه خودش به صراحت بیان می‌دارد، اگر الگوی مورد علاقه او هم جنس‌گرا باشد، او مشکلی با این مسأله نخواهد داشت. گلاره ۱۴ ساله، در مصاحبه‌اش بیان می‌دارد که آشنا شدن با پسران بی‌تی‌اس در مثبت شدن نگرش وی به هم جنس‌گراها مؤثر واقع آمده است. سحر ۱۵ ساله و غزل ۱۶ ساله هم خاطرنشان ساخته‌اند، پسران بی‌تی‌اس سبب شده‌اند تا آن‌ها افراد هم جنس‌گرا را اشخاصی قابل احترام بدانند و نسبت به آنان پذیرش داشته باشند:

«- خوب از نظر تو آرمی‌های دختر بیشتر هستند یا آرمی‌های پسر؟»

آرمی‌های دختر بیشتر هستند، چون اعضای جنس مخالف ما هستند، ولی آرمی‌های پسر هم داریم که توی کنسرت خیلی هستند، چون خود همین تهیونگ توی کنسرت‌ها می‌اومد امتحان می‌کرد که دخترا بیشترن یا پسرا، مثلاً می‌گفت دخترا حالا سر و صدا کنید، حالا پسرا و اینا که ببینیم کیا بیشترن.



- منظورت از جنس مخالف تو هستند، چیه؟
خب پسر که با پسر حس نمی‌گیره، یعنی تعدادشون کمه.
- به نظرت اعضای بی‌تی‌اس با دخترها بیش‌تر احساس عاطفی دارن یا پسرها؟
این معلوم نیست، چون ما از گرایش اعضای بی‌تی‌اس خبری نداریم.
- خوب تو خودت دوست داری که همه‌شون گی باشن؟
نه.

- پس چی دوست داری؟
دوست دارم که به دخترا علاقه‌مند باشن.
- خوب اگر بایس و کراشت گی باشه، مورد قبول تو نیست؟
نه، من با این موضوع مشکلی ندارم».

«- آیا این نگرش و عقیده درباره همجنس‌گرایی رو قبل از آشنایی با بی‌تی‌اس هم داشتی؟
من اصلاً نمی‌دونستم که چنین موضوعی وجود داره و وقتی فهمیدم که دلم خواست با خوراکی مورد
علاقه‌ام ازدواج کنم و بقیه گفتن تو خارج چنین چیزهایی هست و بعد از اون هم هیت‌ها رو شنیدم و
خب اون زمان نگاه خاصی درباره این موضوع نداشتم، ولی در کل بنده خودم الان کوک‌سکشوالم و به
چونگ‌کوک گرایش دارم (می‌خندد) و خب من به همه عقاید بقیه احترام می‌گذارم و به من مربوط
نیست که کی چه کار می‌کنه و اگر کسی راجع به این موضوع حرف بزنه، سعی می‌کنم خیلی نظری
ندم چون دوست ندارم خیلی وارد این موضوع شم.

- پس آشنایی با بی‌تی‌اس تا حدودی روی مثبت شدن نگرش نسبت به موضوع همجنس‌گرایی
تأثیری داشته، درسته؟
بله حدوداً».

«- این کار چه سودی به ایلمیناتی می‌رسونه؟

ایلو میناتی اولین هدفش اینه که مردم جهان کم باشند و وقتی کلیشه‌های جنسیت رو از بین بیره، به مرور دیگه دخترها از پسرها خوش‌شون نیامد و پسرها از دخترها خوش‌شون نیامد و همجنس‌گرایی رواج پیدا می‌کنه و همین باعث می‌شه زمین کم بشه جمعیتش. از طرف دیگه می‌خوان کاری کنند که فاصله طبقاتی هم توی جوامع باشه تا مردم انگیزه پیدا کنند که برای معروف شدن و به دست آوردن پول هر کاری بکنند. من نمی‌گم تام‌بوی‌ها یا همجنس‌گراها بد هستن، چون من جزوشون نیستم که حق داشته باشم نظری بدم، چون برای یه سری‌ها واقعاً نیازه، مثلاً طرف دختره، ولی کاملاً تمایلات و احساسات پسرانه داره، در اون صورت تیپ تام‌بویی یا حتی تغییر جنسیت هم حقشه و طبیعیه، ولی این که اکثریت جوان‌ها حس می‌کنند هم جنس‌گرا هستن و توی دبیرستان‌های دخترونه همه فاز تام‌بوی بودن می‌گیرن، این نشون می‌ده که این‌ها همه برنامه‌ریزی شده هست و تحت تأثیر پیام‌های مخفی توی آهنگ و فیلم و این جور چیزها ایجاد می‌شه.

- سحر جان آیا بعد از آشنایی با بی‌تی‌اس همجنس‌گرایی را به عنوان پدیده‌ای طبیعی پذیرفتی یا این که قبل از کی‌پاپر شدن هم همین دید را نسبت به آن‌ها داشتی؟

خب قبل از کی‌پاپر شدن سنم کم بود و هنوز در جریان این جور چیزها قرار نگرفته بودم هم‌زمان با کی‌پاپر شدنم سنم هم بیش‌تر شد و حتی اگه با بی‌تی‌اس آشنا نمی‌شدم، باز هم بالاخره با همجنس‌گرایی مواجه می‌شدم، چون توی دبیرستان‌های دخترونه پره از این چیزها، ولی بی‌تی‌اس باعث شد بفهمم که همجنس‌گراها کاملاً قابل احترامند و باید پذیرفت‌شون».

«- غزل، تو قبل از ورودت به کی‌پاپ، چیزی در مورد همجنس‌گرایی و به طور کلی کوییرها، چیزی می‌دونستی؟

در این حد که بدونم پسر با پسر باشه. دختر با دختر. خب تو مدرسه شنیده بودم دیگه، ولی درکی نداشتم واقعاً. ایده‌ای نداشتم که چه طوریه. بعد تو کی‌پاپ دیدم که چه طوریه و متوجه شدم. - قبلش دیدت چه طوری بود؟

دید بدی نداشتم، بیش‌تر این جوری بودم که چه طور ممکنه؟ مگه فقط بین دختر و پسر نیست؟ این که اون موقع کوچیک بودم و چیزی هم ندیده بودم فکر می‌کنم بی‌تأثیر نبود.

- کی‌پاپ چه طوری افراد کوییر رو به تو نشون داد؟

من خیلی دید خوبی پیدا کردم. یعنی واقعاً این طوری‌ام که حس می‌کنم درک‌شون می‌کنم. برام عجیب نیست که چه طور ممکنه دوتا پسر یا دوتا دختر با هم باشن. واقعاً فرقی ندارن».

۲-۱۷- بروز خطاهای جدی شناختی

با بررسی بیانات هواداران گروه بی‌تی‌اس، مشخص می‌شود که در مباحث این افراد، خطاهای جدی شناختی وجود داشته، بیانات آنان در غالب موارد از منطق سست و ضعیفی برخوردار است، ولی با این

اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۱۵۳

همه هواداران با شدت از آیدول‌ها و کلاً گروه بی‌تی‌اس حمایت به عمل می‌آورند، عناوین خطاهای شناختی که در مصاحبه با هواداران دختر و پسر گروه بی‌تی‌اس به دست آمده است، به قرار زیر است: پرهیز از کسب اطلاعات جدید، عدم برخورد نقادانه با اطلاعات خویش، بزرگ‌نمایی، پیشه کردن برخوردهای عاطفی و هیجان‌مدار، توجیه کردن، نادیده گرفتن تناقض‌ها، برخوردهای متعارض، اتکاء به منطق بسیار ضعیف، توسل به استنادهای ضعیف و متعارض، نیت‌خوانی، ارجاع مباحث به شخص ثالث، پیش گرفتن برخوردهای مفرط، خودفریبی، خودسانسوری، توهم‌زدگی، رؤیاپردازی، توسل به دروغ، تقدس‌گرایی، توسل به واکنش‌های نابخردانه و شکل‌گیری ادراک جهت‌دار. در ادامه، مصادیقی از عناوین مطرح شده درج خواهد شد.

– پرهیز از کسب اطلاعات جدید

همان‌گونه که از عنوان پرهیز از کسب اطلاعات جدید برمی‌آید، در این خطای شناختی فرد مایل به کسب اطلاعات جدید در زمینه‌های مورد علاقه خودش نیست، زیرا می‌ترسد که مبدا کسب اطلاعات جدید، اطلاعات اولیه و نظام ذهنی وی را آشفته کرده و به هم بریزد.

سحر ۱۵ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، در نمونه‌ای در این جهت بیان می‌دارد:

«... آهنگ‌های بی‌تی‌اس ری‌ورس‌های منفی نداره.

– ری‌ورس منفی یعنی چی؟

بعضی آهنگ‌ها یه سری پیام‌های منفی تو خودشون دارن که آهنگ رو که برعکس می‌کنی، اون پیام‌ها رو می‌شنوی، مثلاً تو آهنگ‌های بیلی ایلیش (خواننده) خیلی ری‌ورس‌های منفی زیاده.

– چرا ری‌ورس‌های منفی رو توی آهنگ‌ها می‌گذارن؟

بعضی خواننده‌ها برای این که معروف بشن با ایلومیناتی قرارداد می‌بندن و بعد تازه متوجه می‌شن تو چه دردسری افتادن. ایلومیناتی مجبورشون می‌کنه این پیام‌های مخفی رو بذارن توی آهنگ‌هاشون تا توی ذهن آدم‌ها تأثیر بذاره، اگر هم خواننده‌ها قبول نکنند این کار رو بکنند، صد جور تهدیدشون می‌کنند.

– بی‌تی‌اس هم این پیام‌ها رو توی آهنگ‌هاش داره؟

یکی، دو جا شنیدم که توی بعضی آهنگ‌هاشون هست، ولی دلم نمی‌خواست بدونم واسه همین پیگیری نکردم بینم دقیقاً چیه و تو کدوم آهنگه.

– چرا دلت نمی‌خواست بدونی؟

دلم نمی‌خواد تصویری که از بی‌تی‌اس و آهنگ‌هاشون دارم، خراب بشه، چون می‌دونم، حتی اگر با ایلومیناتی همکاری بکنند، از روی اجبار و مجبورند و خواست خودشون نیست. از طرفی هم آهنگ‌هاشون حال من رو خوب می‌کنه، دوست ندارم هر بار که یه آهنگ رو گوش می‌دم، یاد پیام مخفی توش بیفتم و حالم بد شه.»

– عدم برخورد نقادانه با اطلاعات خویش

در برخی از مواقع، فرد دارای اطلاعاتی است که به عیان خطا بودن آن‌ها آشکار است، اما وی حاضر به بررسی نقادانه اطلاعات خودش نیست و مبتنی بر اطلاعات مخدوش اولیه خودش، دست به اظهار نظر و یا عمل کردن می‌زند.

الناز ۱۲ ساله، در نمونه‌ای در این جهت، در مصاحبه‌ای که دارد، از جمعیت ۷۵۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ نفری حاضر در کنسرت‌های بی‌تی‌اس یاد کرده و یا بیان می‌دارد که در صورت رفتن اعضای گروه بی‌تی‌اس به سربازی، اقتصاد کره با مشکل مواجه می‌گردد!

«– هزینه هر بلیط کنسرت چه قدر هست؟»

به پول ایران گرون‌ترین بلیط ۴۰۰ میلیون تومن و ارزون‌ترین بلیط کنسرت ۱۵ میلیون تومن هست. – جمعیت کنسرت‌ها به نظرت حدودی چه قدر هست؟

۷۵۰ هزار میلیون نفر (!).

– واقعاً؟

آره بابا خیلی زیاد ان

– کمک مالی چه طور تاحالا شده دولت کره به اونا کمک مال کنه؟

نه، خود بی‌تی‌اس منبع مالی دولت کره جنوبی هست و می‌گن که از موقعی که اونا می‌رن سربازی چرخه مالی و اقتصادی کره جنوبی به مشکل برخورد کرده (!).

شیدای ۲۰ ساله که به شکل حرفه‌ای در کار موسیقی فعالیت دارد، در مصاحبه خودش اذعان می‌دارد کمپانی‌های کی‌پاپ با آیدول‌های خودشان به صورت برده رفتار می‌کنند، اما با این همه تأکید می‌کند، وی مُصر به مهاجرت به کره برای فعالیت در کی‌پاپ هست، ولی کار خودش را در پوشش کمپانی‌های کی‌پاپ (که امکانات عظیمی در اختیار دارند)، انجام نداده، با ایستادن روی پای خودش، به صورت اجرای فردی به تحقق اهداف خویش خواهد پرداخت که موضوع اخیر تقریباً امری ناشدنی است:

«– با وجود این بینشی که پیدا کردی، اما هنوزم دوست داری به کره مهاجرت کنی؟»

دیگه از اون مدل مهاجرت پشیمون شدم، ولی این که خودم به عنوان یه آدم مستقل بخوام برم، به نظرم از این مشکلات برای آدم پیش نیامد.

– بزرگ‌نمایی

همان‌گونه که از عبارت بزرگ‌نمایی هویدا است، بزرگ‌نمایی اغراق در واقعیت بوده، برخی از طرفداران با توسل به بزرگ‌نمایی، در صدد به نمایش کشیدن عظمت بیش از پیش پسران بی‌تی‌اس برمی‌آیند.

مهدیه ۲۰ ساله در مصاحبه خود مصداق بارزی از بزرگ‌نمایی در مورد اعضای گروه بی‌تی‌اس را ارایه

کرده است:

اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۱۵۵

«چندتا برنامه هست که اعضای گروه در مورد زندگی گذشته‌شون صحبت کردند. که توی اون جیمی برمی‌گرده می‌گه که صبح‌ها ساعت ۶ بیدار می‌شده، می‌رفته مدرسه، بعد می‌رفته کمپانی تا ساعت ۴ صبح تمرین می‌کرده و فقط ۲ ساعت (!) می‌خوابیده».

– پیشه کردن برخوردهای عاطفی و هیجان‌مدار

برخی از افراد در برخورد با گروه مورد علاقه خودشان، برخوردی صرفاً عاطفی و هیجانی را پیش گرفته و به شکلی هیجان‌مدار با آن برخورد می‌کنند، به عنوان مثال، گلاره ۱۴ ساله، در قسمتی از مصاحبه خودش اظهار می‌دارد، عاشق گروه بی‌تی‌اس است و عشق نیز منطقی ندارد و یا بیان می‌کند، عشق وی به گروه بی‌تی‌اس سبب شده است که از همه چیز این گروه خوشش بیاید و حتی اگر اعضای گروه، زشت‌ترین آهنگ دنیا را بخوانند، آن آهنگ از نظر او باز هم زیبا است:

«– من یک ویدیویی می‌دیدم که یکی از اعضای بی‌تی‌اس بعد از اجرا باحال خیلی بدی از روی استیج پایین می‌اومد و برایش ماسک اکسیژن و کارهای امدادی می‌کردن، آیا به نظرت این تلاش که باعث می‌شه آیدول‌ها به این شدت خسته بشن که حتی حال‌شون بد بشه کار درستیه و نشون‌دهنده دوست داشتن خود هست؟»

نمی‌دونم. فقط این رو می‌دونم که اتفاقاً آرمی‌ها و همه فن‌ها خیلی به کمپانی‌ها به خاطر این کارهایی که با آیدول‌ها می‌کنن، هیت می‌دن.

– این که می‌گی یک بخش بزرگی از تلاش‌های آیدول‌ها برای سخت‌گیری کمپانی‌هاست، آیا به نظرت شما با حمایت کردن از گروه‌های کی‌پاپ باعث نمی‌شی که این کمپانی‌ها شرایط سخت‌گیرانه‌تر و فشار بیش‌تری رو برای آیدول‌هاشون اعمال بکنن؟

ما از کمپانی‌ها خاطره‌های بدی داریم و توقع هم نداریم که اعضاء این قدر سختی بکشن در حدی که بیهوش بشن، ولی کمپانی‌ها برای پول اون‌ها رو اذیت می‌کنن و من هم چون به شخصه دوست‌شون دارم و عشق هم منطقی نداره، باز هم با این اتفاقات از شون طرفداری می‌کنم... .



– عزیزم آیا تا به حال پیش اومده که یک آهنگ یا ویدیو از بی‌تی‌اس رو دوست نداشته باشی، ولی صرفاً به خاطر این که گروه بی‌تی‌اس رو دوست داری و طرفدارشون هستی به اون آهنگ گوش بدی یا اون ویدیو رو تماشا کنی؟

آره، بعضی وقت‌ها پیش اومده، ولی نه این که از اون آهنگ بدم بیاد، ولی خب مثلاً اون جو ری هم نبوده که خیلی با سلیقه من یکی باشه.

خیلی کم پیش اومده چون معمولاً هر چیزی از بی‌تی‌اس باشه بیش‌تر به صداها یا استایل‌شون یا پارت‌های بایسم یا بایس‌رکرم^۱ توجه می‌کنم و اصلاً برام مهم نیست که ریتم آهنگ و دستگاه آهنگ چی باشه، ولی خب یکی، دو بار این هم پیش اومده.

وقتی این‌ها پیش میاد دیگه نمی‌نشینم ۵۰ بار ام‌وی (موزیک ویدیو) رو بینم مثلاً دو، سه بار می‌بینم که فقط آهنگ رو حفظ بشم یا معنی آهنگ رو بفهمم یا استایل‌های جدیدشون رو بینم.

بین وقتی فن‌یه گروه باشی واقعاً این جو ری که با همه وجود دوست‌شون داری. اگه آرمی باشی با همه وجودت هفت تا عضو بی‌تی‌اس رو دوست داری، پس حتی اگه آهنگ‌شون زشت‌ترین آهنگ دنیا هم باشه، باز به نظرت قشنگ میاد. به خاطر همین خیلی پیش نیومده که من از آهنگی خوشم نیاد».

شب‌نم ۲۵ ساله با بیان این که عاشق کره است، دلیلی برای تبیین بیاناتش نمی‌آورد و پرنیاز ۱۸ ساله نیز با اظهار این که با شادی گروه بی‌تی‌اس شاد و با ناراحتی آن‌ها ناراحت می‌شود، تأکید می‌ورزد، به خاطر گروه بی‌تی‌اس است که به فرهنگ کره علاقه‌مند شده است:

«- کره و زندگی در کره چیزی داره که غبطه‌اش رو بخوری؟»

بین مثلاً طبیعتش و روستاهاش و سرسبزش رو من خیلی دوست دارم و همیشه آرزوم بوده که چنین جایی زندگی کنم.

- یعنی مثلاً با شمال خودمون چه فرقی داره؟

نمی‌دونم (می‌خندد)، ولی دیدی مثلاً آدم یه جایی رو احساس می‌کنه براش آشنا هس. من همیشه بر این باورم که توی زندگی قبلیم حتماً کره زندگی کردم. یه جور اعتقاده دیگه. بعد علاقه‌مندم که برم اونجا و با مردمش باشم».



۱- بایس رک (bias wrecker) به دومین فرد مورد علاقه یک طرفدار از یک گروه گفته می‌شود. یعنی بایس اولویت اول و بایس رک اولویت دوم آن فرد در گروه است.

«- عزیزم تا چه حد گروه بی‌تی‌اس روی تو تأثیر گذاشته؟»

تأثیر که خیلی داشته، من ناخودآگاه بعد از آشنا شدن با بی‌تی‌اس سبک موسیقی‌ای که گوش می‌کنم، هم‌هانش کی‌پاپ و آهنگ‌های کره‌ای شده، عکس پس زمینه گوشیم هم گروه بی‌تی‌اس هست، حتی به جرأت می‌تونم بگم، رؤیاهام تحت تأثیر بی‌تی‌اس قرار گرفته، اون اوایل هم خیلی دوست داشتم آیدول بشم و الانم درسته شاید اون قدر برام پررنگ نباشه، ولی همچنان در فکر آیدول شدن هستم. من فن‌پیج بی‌تی‌اس رو دارم و دنبال‌شون می‌کنم. بعد من با شادی اونا شاد می‌شم و با ناراحتی اونا ناراحت می‌شم و حرفای انگیزشی که اعضاء می‌زنن رو من روی آئینه اتاقم می‌زنم و کتاب‌هایی که اعضاء معرفی کردن رو گرفتم و خوندم، مثل کتابخانه نیمه شب یا کتاب بادام، فوق‌العاده هس یا فیلم‌هایی که اعضاء معرفی می‌کنن رو می‌بینم، در کل بی‌تی‌اس روی روحیه من تأثیر زیادی داشته و یه موضوعی هم که هست و روی من تأثیر داشته، این بوده که من برم و بیش‌تر با فرهنگ کره‌ای‌ها آشنا بشم، لباس‌های اونا رو بپوشم، برم زبون اونا رو یادم بگیرم و در کل تأثیرات مثبتی روی من داشتن».

- توجیه کردن

گاهی افراد در مواجهه با اطلاعات شناختی معارض با اطلاعات خودشان، با توسل به توجیه مسایل، می‌کوشند تا با توسل به توجیه پاسخ لازم را بدهند و خودشان را از مخمصه تعارض شناختی ایجاد شده نجات دهند. به عنوان مثال، رخساره ۱۶ ساله، در مواجهه با پرسش دلایل انتخاب تیپ دخترانه اعضای بی‌تی‌اس در برخی از مواقع و تبلیغ برندهای گران‌توسط آن‌ها، در هر دو مورد می‌کوشد تا با توجیه مسایل مطرح شده، این مسایل را رفع و رجوع کند، در حالی که به نمایش نهادن بی‌هویتی جنسی و به دست فراموشی سپردن مسوولیت انسانی انسان‌ها و به حسرت کشیدن انسان‌های دیگر، اموری نیستند که به سادگی از آن‌ها گذشت:

«- تو هم موافقی یه جور استایل‌شون دخترانه به نظر می‌رسه؟»

نه. به نظر من مردم کور ان که نمی‌تونن فرق این‌ها را با دخترا بفهمن (لحن متعجب و عصبانی)، چون واقعاً این‌ها اصلاً شبیه دخترا نیستن. چون خیلی جذاب و مثلاً خاص و درعین حال خیلی کیوت ان. می‌دونی بعضی وقتا خیلی کیوت می‌شن، بعضی وقتا خیلی خاص می‌شن، و این باعث می‌شه که خیلی بهتر به نظر بیان... .

- تبلیغات هم انجام می‌دهند؟

بله، تبلیغات خیلی زیادی انجام می‌دن سفیر برندهای خیلی مشهور هستن و کلی پول در میانن.

- برنند کدام کشورها؟

از هر جایی که باهاشون تماس بگیرند، پاریس، آمریکا و خود کره.

- تبلیغ چه چیزهایی را انجام می‌دهند؟

هر چیزی که خیلی پرطرفدار باشه.



- من دیدم مک‌دونالد را هم تبلیغ می‌کنند؟

آره هم خوراکی، هم وسایل خونه، یخچال، تلویزیون، خیلی چیزها رو تبلیغ می‌کنن یادم نیست که بخوام دونه، دونه، بهتون بگم، ولی خیلی زیاد هر چی که معروف باشه و پرطرفدار، اینا تبلیغش می‌کنن.



اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۱۵۹

- وقتی که تبلیغ چیزهای خیلی گران قیمت را می‌کنند، طرفداراشون که وضعیت مالی شون متوسط یا ضعیفه، ناراحت نمی‌شن؟

نه (با تعجب) برای چی ناراحت بشن، خوب اگه کسی بتونه که می‌خره، کسی هم که نتونه خوب نمی‌خره دیگه.

- من دیدم که کسانی بودند که ناراحت می‌شدند.

من در این مورد هیچ حسی ندارم، چون خودم این طوری نیستم، از هیچ کدوم از دوستانم هم تاحالا همچین چیزی نشنیدم، آخه ماها که کمبودی نداریم، خودمون هر چی داریم به اندازه خودمون داریم و راضی هستیم، خوب اون‌ها هم بیش‌تر دارن، خوب داشته باشن، به ما ربطی نداره و برای تبلیغ بهشون زنگ می‌زنن، کارشونه دیگه، باید برن کارشون رو انجام بدن، نمی‌شه که کار نکنن که بقیه ناراحت نشن، این چیزی که شما می‌گین، واقعاً نمی‌دونم شاید خیلی آرمی‌های کمی این طوری باشن، ولی من به این جور آرمی بر نخوردم».

ثنا ۱۶ ساله، در مصاحبه خودش به صراحت اعلان می‌کند، وی به همراه دوستش، رژیم گرفتن‌های مفرط اعضای گروه بی‌تی‌اس را توجیه می‌کردند:

«- موردی هم بوده در مورد بی‌تی‌اس شنیده باشی و خودت عمداً کار اشتباه آن‌ها را توجیه کنی؟ بله.

- خوب کار اشتباه بی‌تی‌اس چی بود که توجیه کردی؟

بهتره بگیم که توجیه می‌کردیم جفت‌مون و بازم توجیه می‌کنیم جفت‌مون. چون واقعاً هر دو تا شون خیلی لاغرن. اشتباه بی‌تی‌اس اینه که زیاد رژیم می‌گیرن. چون خودم وزن بالایی داشتم، می‌دونم نگه داشتن وزن به اندازه‌ای که الان هستن، خیلی کار سختیه و باید رژیم درست و حسابی بگیرن.

- وزن جیمین می‌دونی چه قدره؟

حدود ۶۰ کیلو.

- چرا مناسب نیست؟

خب لاغره، قدش از من بلندتره حدود ۱۷۵-۱۷۶ فکر می‌کنم.

- این‌ها را از کجا می‌دونی؟

قبلاً خوندم.

- با این که می‌دانی که هم جیمین و هم آر ام لاغر هستند، اما تو و دوستت از آیدول‌های خودتان

دفاع می‌کردید و می‌گفتید که لاغر نیستند؟

بله، خودم می‌دونم مسخره به نظر می‌رسه».

– نادیده گرفتن تناقض‌ها

برخی از هواداران بی‌تی‌اس در بیانات و اظهارات‌شان می‌کوشند تا با نادیده گرفتن و توجیه تناقض‌های اعضای گروه، از این تناقض‌ها عبور کنند. به عنوان مثال، الناز ۱۲ ساله، مسأله بوسیدن لب‌های یکدیگر توسط آیدول‌ها در صحنه اجرا را که بارها رخ داده است، نفی کرده آن را فن‌آرت (پردازش‌های هنری هواداران) می‌نامد و با نفی رژیم غذایی سخت‌گیرانه آیدول‌ها، اصولاً لاغر بودن اعضای گروه را به ژن کره‌ای‌ها منتسب می‌سازد:

«– در مورد گرایش جنسی اعضای گروه هم اطلاعاتی داری؟»

خب نه در مورد همه‌شون، ولی جیمین اعلام کرده اخیراً که بایسکشوال هست.

– این رو خودش رسماً اعلام کرد یا شایعه هست؟
نه، رسماً گفته.

– بایسکشوال به چه معناست؟

یعنی هم به دخترا گرایش داره، هم به پسرا.

– در مورد گرایش جنسی بقیه‌شون چیزی می‌دونی؟

نمی‌دونم، یعنی هیچ کس نمی‌دونه.

– خوب پس اون تصاویری که پخش شده تو اینترنت که اعضاء همدیگر رو می‌بوسند، چی هست؟

اممم آهان منظورتون فن‌آرت هست، اون که ساخته ذهن آرمیا هست.

– اگر که واقعاً این‌ها درست باشه چی؟

خب آرمی‌ها چون دوست دارن این‌ها باهم باشن، فن‌آرت می‌سازن، یعنی دوست دارن که بهم گرایش

داشته باشن... .



– اعضاء و خواننده‌های این گروه طوری هستن که خوب طرفدارها دوست دارن از نظر ظاهری

شبیه‌شون باشن، اما فکر نمی‌کنی که شبیه شدن بهشون، باعث این می‌شه که بهشون ضرر وارد بشه،

اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۱۶۱

مثلاً به طرفدار چاق و دارای اضافه وزن چه قدر باید خودش رو اذیت کنه و به خودش فشار بیاره که شبیه اون‌ها بشه؟

خب ضرر داره، ولی خب کسی که تپل هست، اعضاء گفتن که نیازی نیست فن‌ها شبیه ما بشن و می‌گن همون طور که هستی خودت رو دوست داشته باش و شعارشون لاو یورسلف هست.

- خوب من منظورم این که توی آیدول‌ها و اعضاء بی‌تی‌اس چرا کسی به عنوان مثال اضافه وزن نداره که طرفدارش نسبت به خودش، احساس خوبی داشته باشه؟
خب اینو قبول دارم که نباید این طور باشه.

- مثلاً اون موقع که باری مد بود خیلی از مخاطب‌هاش از باری تقلید می‌کردن و دوست داشتن اون شکلی باشن یا کارتونای دیزنی که البته بعد تغییر رویه داد. خب به نظرت اونا هم نباید در مورد این موضوع تجدید نظر کنن تا حرف‌هاشون قابل باورتر بشه؟

آره خب، به نظرم همه که یک شکل نیستن و اگه اون‌ها هم اینو نشون بدن بهتره، ولی خب این لاغر بودن توی ژن‌شون هست، چه توی کره‌ای‌ها چه چینی‌ها».

کوثر ۲۵ ساله، با نادیده گرفتن مواردی مانند چرخاندن پرچم اقلیت جنسی یا تماس‌های بدنی آیدول‌ها در صحنه، اذعان می‌کند که همفوب‌تر از صنعت کی‌پاپ وجود ندارد و رفتارهای اخیر آیدول‌ها اصلاً همجنس‌گرایانه نیست:

«- بعد مثلاً به سری ویدیوهایی که من دیدم از همین کنسرتاشون و اینا مثلاً خیلی گاهی پیش می‌اومد که دوتا هم‌جنس همدیگه رو می‌بوسن. اون‌ها چه طور؟

همین. می‌خواستم این رو بگم. می‌خواستم بگم چیزی که مثلاً به نفری که از بیرون نگاه می‌کنه کی‌پاپ رو، مثلاً توی ایران که می‌خوان ضد کی‌پاپ حرف بزنن، میان می‌گن که آره کی‌پاپ همجنس‌گرایی رو داره ترویج می‌ده، به خاطر این که فکر می‌کنن این حرکتایی که اینا می‌زنن، مثلاً پسرای که همدیگه رو بغل می‌کنن یا ماچ می‌کنن، کیس البته منظورم نیستا، مثلاً بوسه‌ی روی گونه منظورمه یا مثلاً حرفای عاشقانه به هم می‌زنن و این حرفا، فک می‌کنن اینا دارن این کار رو می‌کنن که هموسکشوالیتی رو ترویج بدن. در صورتی که این تو فرهنگ خود کره‌ایا هست. یعنی کره‌ایا به فرهنگی دارن که تو خود بافت جامعه‌شون هم همینه که پسرا با همدیگه خیلی عادی که دوتا پسر همدیگه رو بغل کنن. خیلی عادی که دوتا پسر دست هم رو بگیرن و حتی من به جا به مقاله‌ای می‌خوندم که لوازم آرایشی رو خیلی پسرا، توی بافت خود جامعه‌شون، خیلی بیش‌تر از دخترا استفاده می‌کنن و این تو فرهنگ‌شونه. یعنی این نیست که بخوان همجنس‌گرایی رو ترویج بدن. نه اصلاً اتفاقاً فرهنگ کره به فرهنگ فوق‌العاده هموفوبه و اصلاً ساپورت نمی‌کنه همجنس‌گرایی رو مردم‌شون، ولی این اکت‌ها اصلاً اکت‌های همجنس‌گرایانه حساب نمی‌شه.

- یعنی مردها به ظاهرشون خیلی می‌رسن.

آره خیلی تمیز ان. بعد کیوت بودن یه ویژگی مثبتته تو فرهنگ‌شون. یعنی دخترا معمولاً پسرایی رو دوست دارن تو کره که مهربون و گوگولی مگولی باشن. برا همینه مثلاً طرفدارای کی‌پاپ وقتی می‌شنون که وای مثلاً بی‌تی‌اس اومد هوموسکسوالیتی رو ترویج داد، خنده‌شون می‌گیره و می‌گن این چرت و پرتا چیه می‌گید. چون اصلاً هوموفوب‌تر از صنعت کی‌پاپ ما نداریم».

مریم ۱۸ ساله نیز ضمن صحّه نهادن بر برخی از تناقض‌های گروه بی‌تی‌اس، اظهار می‌دارد، افراد باید ببینند دیگران چه می‌گویند (و از گفته آنان سود ببرد)، نه آن که ببیند دیگران چه می‌کنند، حال آن که طبق ادبیات تحقیق، در صورت تعارض قول و فعل یک الگو، اثرگذاری وی بسیار اندک خواهد بود و اثرگذاری جدی، نیازمند انطباق حرف و عمل الگو است:

«- نظرت درباره کنترل زیادی که کمپانی روی تمام امور بی‌تی‌اس داره چیه و با وجود این کنترل و دخالت، اعضاء چه قدر در کارهاشون مختارند؟

یه چیزی که تو تمام سال‌هایی که کی‌پاپ بودم درک نکردم، اینه که چرا کمپانی‌ها تا این حد رفتارهای افراطی و غیرقابل قبول در مقابل آیدول‌ها دارن. توقع دارن آیدول‌هاشون نه چپ برن، نه راست، هیچ خطایی نداشته باشن، هیچ ارتباطی نداشته باشن، در مورد هیچی شخصی تصمیم نگیرن و با وجود تمام این‌ها از لحاظ روحی و جسمی سرپا و پرانرژی باشن. اگر هم توقعاتی که از آیدول‌ها دارن برآورده نشه، شروع می‌کنند به سرکوب و سرزنش‌شون. در طول این سال‌ها هیچ وقت ندیدم کمپانی‌ها به اندازه کافی از حق و حقوق آیدول‌هاشون دفاع بکنن یا پشت‌شون باشن. فکر نمی‌کنم اعضاء اراده زیادی تو کارهاشون داشته باشن...»

- به نظرت پیام خودت را دوست داشته باش، با عمل‌های زیبایی و رژیم‌های سخت غذایی که بی‌تی‌اس داره، در تناقض نیست؟

درسته که کارهای بی‌تی‌اس صددرصد عین حرف‌هاش نیست و کلی رفتارهای افراطی توی کی‌پاپ هست که به خاطر تصمیمات کمپانی‌ها هست، ولی اگر این پیام‌شون باعث ایجاد تفاوت حتی توی یکی از فن‌هاشون بشه، باز هم خوبه. مهم خود پیامه که می‌تونه تأثیر خوبی توی زندگی بعضی از آرمی‌ها ایجاد کنه و تا وقتی تأثیر مثبتی داره، دیگه زیاد اهمیتی نداره که خودشون چه قدر می‌تونند بهش عمل بکنند، از قدیم هم گفتن ببین چی می‌گه، نه این که کی می‌گه».

- برخورد‌های متعارض

یکی دیگر از تعارض‌های شناختی قابل مشاهده در طرفداران گروه بی‌تی‌اس، برخورد‌های متعارض و متناقض آن‌ها است. به این معنا که گاهی هواداران در عین پذیرش عاطفی یک مقوله، در تحلیل منطقی خویش آن را نفی کرده و یا با اتخاذ مواضع متناقض، به ارایه پاسخ خویش می‌پردازند که بالطبع این امور قابل پذیرش نیستند.

اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۱۶۳

مسعود ۲۰ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، در حالی که منطقاً برخی از مواضع گروه بی‌تی‌اس را رد می‌کند، اما در قسمت دیگری از مصاحبه خودش بی‌تی‌اس را عشق خودش معرفی می‌کند و اظهار می‌دارد، به سبب عشقی که به بی‌تی‌اس دارد، به دنبال رفتن به کره برای دیدار آیدول‌ها هست:

«این تضادهای فکری شما با بی‌تی‌اس تو رو در ادامه هواداری مردد نمی‌کنه؟»

بعضی وقت‌ها این طور فکر می‌کنم، ولی هیچ جایگزینی به خوبی بی‌تی‌اس نمی‌بینم و پیدا نکردم. پس به هواداریم ادامه می‌دم.

– یعنی اگر زمانی به گروهی بهتر از بی‌تی‌اس پیدا بشه، شما قید بی‌تی‌اس رو می‌زنی؟

بله، همین طور خواهد بود. چون بعضی از کارهای بی‌تی‌اس، مثل آرایش پسران رو قبول ندارم... .

– مسعود اگر مشخص بشه گروه بی‌تی‌اس همجنس‌گرا هستند، تو باز به طرفداری خودت ادامه

می‌دی؟

نه، به هیچ وجه، سریع از هواداری انصراف می‌دم و لکه ننگ رو از حافظه‌ام پاک می‌کنم.

– مسعود تو به ازدواج فکر می‌کنی؟

البته که فکر می‌کنم و شب و روز کار می‌کنم و پس‌انداز می‌کنم تا به وقتش دست و بالم خالی نباشه

و ازدواج کنم و در این مورد هم از بی‌تی‌اس تقلید نمی‌کنم... .

– یعنی تو تا این حد به بی‌تی‌اس علاقه داری که دوست داری برای دیدن آن‌ها به کره مهاجرت

کنی؟

آره، از بین بهترین علاقه‌مندی‌هام بی‌تی‌اس اولین هست. بی‌تی‌اس عشق من است.»

شبنم ۲۵ ساله نیز پس از آن که تعارض شعارهای بی‌تی‌اس که در آهنگ‌هایشان مطرح می‌شود را

با عملکرد اعضای گروه مورد تأکید قرار می‌دهد، از این مسأله فاصله گرفته، تأکید می‌کند که وی فارغ

از تعارض شعارهای بی‌تی‌اس، تنها به متن آهنگ‌های گروه توجه دارد:

«– شبنم به موضوع دیگه‌ای که شما درباره‌اش حرف زدی، اینه که اعضای بی‌تی‌اس خیلی مخالفت

می‌کنن با قوانین شرکت طرف قراردادشون و کارهای خودشون رو و اون چه که دل‌شون می‌خواد رو

انجام می‌دن. اما من اطلاعاتی دارم که می‌گه اون قدر قراردادهای این‌ها سنگین و سخته که حتی حق

ندارن رنگ موی خودشون رو انتخاب کنن و یا این که شرکت تصمیم می‌گیره براشون که کجای

بدن‌شون رو باید عمل کنن و اونا حق اعتراض و امتناع ندارن. همین طورم در مورد اظهار نظر آزاد و

حق ازدواج هم هیچ‌گونه تصمیمی بدون اجازه شرکت نمی‌تونن بگیرن!

خب اینا که هست، البته من فکر نمی‌کنم به این شدت. چون به موقع به حرفایی می‌زنن که به نظر

بر ضد کمپاینه، ولی خب به جورایی انتخاب بین محبوبیت و موفقیت و پول و اینم چیزیه که بابتش

می‌پردازن.

- بنابراین چه طور می‌شه شعارهای چنین افرادی که تن به این قوانین شدید می‌دن رو در زمینه این که «تو باید خودت رو دوست داشته باشی» و به قول شما «خودت باش و به قضاوت دیگران اهمیت نده» رو جدی گرفت؟

خب... نمی‌دونم. این جور که تو می‌گی شعارهاشون کشکی می‌شه (می‌خندد)، ولی حالا گیر نده دیگه. وقتی که من آهنگاشون رو گوش می‌دم دیگه به این چیزاشون فکر نمی‌کنم و بیش‌تر متن آهنگه هست که روم تأثیر می‌ذاره».



- اتکاء به منطق بسیار ضعیف

برخی از هواداران مصاحبه شده، در جریان ارایه استدلال‌های خویش، آشکارا نشان می‌دهند که از منطقی ساده‌نگر و ضعیف برخوردارند و با همان منطق ساده‌نگر، در صدد رتق و فتق امور و پاسخ به دیگران برمی‌آیند.

برخورد مبتنی بر صفر و یک، یکی از جلوه‌های همین منطق ساده‌نگر و ضعیف هست. به این معنا که گاهی هواداران گروه بی‌تی‌اس با اتکاء به منطق صفر و یک که تنها واجد دو گزینه منفی یا تأیید است، با مسایل فرارویشان برخورد می‌کنند، حال آن که در مسایل انسانی نمی‌توان تنها با اتکاء به دو گزینه مثبت و منفی، به جمع‌بندی درستی از واقعیات دست یافت.

در مورد اخیر، هواداران مورد بحث، پس از دل بستگی به گروه بی‌تی‌اس، با مطلق دیدن گروه، به دلیل منطق ساده‌نگر خویش و تبعیت از صفر و یک دیدن مسایل، به صرف آن که گروه بی‌تی‌اس در چند زمینه واجد ویژگی‌های مثبت است، با یک تعمیم نادرست، تمامی آن گروه را مثبت ارزیابی می‌کنند. ریحانه ۱۵ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، منطق مبتنی بر صفر و یک خویش را به شرح زیر به معرض نمایش می‌گذارد.

«- خوب به نظرت آرایش چیز خوبیه یا نه؟

اگه بد بود، بی‌تی‌اس این کار رو نمی‌کردن.

- مگه بی‌تی‌اس هر کار انجام می‌دن درسته؟

اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۱۶۵

بی‌تی‌اس حامی آدم‌ها هس، مگه می‌شه یه همچین گروهی برای آدما چیز بد بخواد؟»
جلوه دیگری از منطلق ضعیف افشاری از هواداران بی‌تی‌اس، نادیده گرفتن مشکلات فرارو است.
ریحانه ۱۷ ساله، در مصاحبه خودش با اشاره به نادیده گرفتن مشکلات به جای حل آن‌ها، منطق ساده‌نگر خویش را به معرض دید می‌گذارد:

«- عزیزم در ارتباط با مشکلی که گفتمی داشتی، در واقع بی‌تی‌اس بهت کمک کرد که برای حل کردن مشکل تلاش کنی یا اون مشکل رو نادیده بگیری؟

یه جورایی هر دوتاش.

- دقیقاً به چه شکل؟

یه جورایی باعث شد بیش‌تر به خودم اهمیت بدم که دیگه هر غمی رو به دلم راه ندم و هر چیزی ارزش این کارا رو نداره.

- یعنی مشکل رو نادیده بگیری و بیش‌تر به خودت پردازی؟
آره.

- بیش‌تر روی چه جنبه‌هایی از خودت تمرکز کردی؟

سعی کردم خودم رو بهتر کنم با این که خب زیاد مشکلات رو مهم نمی‌گرفتم، الان دیگه بیش‌تر شده و بیش‌تر حتی ریلکس‌تر شدم.»

الناز ۱۲ ساله هم در مصاحبه خودش با بیان مواردی مانند این که تنها برای رفتن به کره برای دیدن گروه بی‌تی‌اس، شروع به یادگیری زبان کره‌ای کرده است یا بدون کاربری از غذاهای کره‌ای یا پوشاک سنتی آنان، خود را شیفته این موارد اعلان می‌کند، ضعف استدلال و منطق خود را به عیان به نمایش می‌گذارد:

«- از تمام کشور کره جنوبی، فقط گروه بی‌تی‌اس تو رو جذب کرده؟

آره، البته فرهنگ‌شون و غذا و لباس‌هاشون رو هم دوست دارم.

- خوب چرا غذاشون رو دوست داری؟

غذاشون به نظر جالب و خوشمزه میان.

- تاحالا غذای کره‌ای امتحان کردی؟

خیر.

- خوب پس چه جوری می‌گی دوست داری غذاشون رو؟

از شکل و ظاهرشون خوشم میاد و البته مدل‌هایی که غذا می‌خورن توی فیلماشون و ویدیوهای موبکبانگ.



- خوب تو گفتی که لباس‌هاشون رو دوست داری منظورت از این حرفت چی بود؟
- خب مدل لباس‌هاشون قشنگه که اسم مدل لباس‌هاشون هامبوگ هست.
- تاحالا این مدل لباس‌هایی که می‌گی رو پوشیدی؟
- نه، تاحالا امتحان نکردم.
- چرا امتحان نکردی؟
- چون توی ایران نیست و اگر هم باشه خیلی گرون هست.
- خوب چه طوری وقتی امتحان‌شون نکردی دوست داری لباس‌شون رو؟
- من توی تن کره‌ای‌ها دیدم و به نظرم قشنگ اومد...



- تو دوست داری که کنسرت بی‌تی‌اس بری؟
- آره و به خاطر همین دارم کره‌ای می‌خونم.
- یعنی تو به خاطر کنسرتی که معلوم نیست بتونی بری یا نه، داری زبان کره‌ای به این سختی رو یاد می‌گیری؟
- آره.

اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۱۶۷

- می‌شه در مورد این که به خاطر گروه بی‌تی‌اس در حال خوندن زبان کره‌ای هستی، بیش تر توضیح بدی؟

خب آدم دوست داره کره‌ای یاد بگیره و بره کره و وقتی بره کشورشون، می‌تونه بیش تر باهاشون ارتباط برقرار کنه.

- خوب وقتی گروه بی‌تی‌اس نباشه، چه اتفاقی می‌افته؟

اگه اونا نباشن من دیگه انگیزه‌ای واسه خوندن کره‌ای ندارم و برای خوندن کره‌ای بیش ترین انگیزه‌ام اینه که برم کره و اونا رو ببینم.

- حالا مطمئنی که بری کره اون‌ها رو می‌بینی؟

آره دیگه، تلاشم رو می‌کنم که اگر فن‌ساین گذاشتن برم و شرکت کنم.

- فن‌ساین دقیقاً چی هست؟

فن‌ساین، اینه که می‌تونن بری گروه مورد علاقه خودت رو ببینی و یه چند دقیقه وقت داری که از نزدیک ببینی‌شون و باهاشون صحبت کنی.

- و فکر نمی‌کنی این که اونا نباشن، تو علاقه و رغبتی به ادامه دادن زبان کره‌ای نداری؟

خب نتونم بخونم بازم طرفدارهاشون هستن، مثلاً ممکنه توی اینستا هنوز طرفدارهاشون باشن.

- خوب تو داری هزینه مالی و زمانی می‌کنی و وقتی این اتفاق بیفته، میای می‌گی که دیگه یاد

نمی‌گیرم، به این ترتیب تلاش‌ها، وقت و پولت بیهوده تلف نمی‌شه؟

چرا، ولی من دیگه ریسکش رو پذیرفتم».

- توسل به استنادهای ضعیف و متعارض

هم‌زمان با منطقی ضعیفی که برخی از هواداران گروه بی‌تی‌اس از آن بهره می‌برند، بعضی از هواداران دیگر با استناد به مباحث متعارض، در صدد استدلال در مسایل مختلف برمی‌آیند که بالطبع این استدلال ضعیف و ناکارآمد برای آنان راهگشا واقع نخواهد شد.

به عنوان نمونه، مرضیه ۱۹ ساله با استناد به موارد ساده‌ای مانند تبریک حلول ماه رمضان و یا متوقف کردن کنسرت در هنگام پخش اذان توسط اعضای گروه بی‌تی‌اس، اظهار می‌دارد وی به دلایل اخیر به دینداری خویش افتخار می‌کند! حال آن که اعضای گروه بی‌تی‌اس هم‌زمان با انجام رفتارهای اخیر، در موارد متعددی رفتارهای خلاف اعتقادات دینی مرضیه را از خود به نمایش می‌گذارند که در کل نمی‌توان این مجموعه از رفتارها را مؤید اعتقادات دینی مرضیه دانست:

«- راستی آیدول از نظر تو چه معنی‌ای داره؟!»

امممم... (فکر می‌کند) آیدول برای من، یه معنی کامل از یه هنرمنده که اون قدر هنرش رو دوست داره که براش تلاش کرده تا به این جایگاه رسیده، یه هنرمند واقعی که می‌تونم ازش درس بگیرم و

بشه الگوم و سعی کنم تو زندگیم، مثل اون تأثیرگذار باشم و کلی یاد بگیرم و این که ما اونا رو نمی‌پرستیم و فقط از شون یاد می‌گیریم. آیدول شاید در انگلیسی به معنای بت باشه، چیزی که کمپانی‌ها انتخاب کردن، نه ما، اونا انتظار دارن این اتفاق بیفته، من با افتخار می‌گم که مسلمونم و به عقاید ما پایبندم، ولی طرفدار این گروهم و این که حتی افتخار کردن به دینم هم تحت تأثیر بی‌تی‌اسه.

- چه طور باعث شدن به دینت افتخار کنی؟

این که اون قدر هوای آرمی‌های مسلمون‌شون رو داشتن و ماه رمضان رو تبریک می‌گن و حواس‌شون هست به آرمی‌های مسلمون دست نزنن و نظرشون رو گفتن در مورد حجاب که خیلی من رو به حجاب بیش‌تر علاقه‌مند کرد یا وقتی اذان پخش شد، کنسرت‌شون رو متوقف کردن».

- نیت‌خوانی

افرادی که بهره‌ای از استحکام استدلال و منطق ندارند، ممکن است در تبیین بیاناتشان، دست به ذهن‌خوانی و نیت‌خوانی درباره مسایل مطرح شده زده و با تفسیر مطلوب طبع خویش از ماجرای به وقوع پیوسته، اظهارنظر کنند، حال آن که ذهن‌خوانی امر پذیرفته‌ای نیست و این که هر کس با ظن خود یار کسی شود، راهگشا و راهنمای آدمی واقع نمی‌شود و چه بسا فرد دیگری در جریان نیت‌خوانی یک فرد واحد، اظهاراتی عکس اظهارات فرد نخست را ارایه کند.

الناز ۱۲ ساله و رخساره ۱۶ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خویش در پاسخ به مواضع سیاسی اعضای گروه بی‌تی‌اس در مورد اعتراض‌های مردمی مردم ایران در سال ۱۴۰۱، هر دو با تذکر این که روی کلاهی که یکی از اعضای گروه بی‌تی‌اس گذاشته بود، کلمه آزادی درج شده بود، با نیت‌خوانی و ذهن‌خوانی خویش، این مسأله را مترادف میل نامجون به حمایت از اعتراض‌های مردمی مردم ایران قلمداد کرده اند، حال آن که اصولاً در موسیقی پاپ که بی بهره از سنت اعتراضی نیست، استفاده از کلماتی مانند آزادی، بسیار مرسوم است:

«پسرا کلاً نمی‌تونن چیزهای سیاسی نشر بدنند، چه برای کشور خودشون چه برای کشورهای دیگه.

- خوب این‌ها با شعارهایی که اون‌ها می‌گن منافات یا تناقضی ندارد؟

خب اون‌ها با کارهایی که روزانه انجام می‌دن به آرمی‌هایی که کشورشون به یه مشکلی برخورد، می‌فهمونن که ما همراه شما هستیم.

خب می‌شه یه نمونه از این حمایت‌هایی که کردن رو بگی؟

مثلاً آر ام موقعی که فلسطین توی شرایط جنگی بود، یک تابلو خرید که در مورد این بود که مردم فلسطین قوی باشین و این که ما پشتتونیم رو توی برنامه وی‌ورس به اشتراک گذاشت.

خب مابقی اعضاء چی، اون‌ها چه کار کردن؟

خب نامجون توی یکی از عکسایی که پست کرده بود، یک کلا سرش بود که روش به انگلیسی

نوشته بود: آزادی آزادی.

خب این کار رو به چه منظوری انجام داده بود؟
غیر مستقیم به ایران نوتیص داده بود.
برای چی این کار رو کرده بود؟
برای این که نشون بده پشت مردمه ایران هستش.
خب تو از کجا فهمیدی منظورش مردم ایران هستن؟
خب آرمی‌ها حدس شون این بود که نامجون به ما آرمی‌های ایرانی غیر مستقیم می‌گه که ما پشتتون
هستیم.

پس یعنی به خاطر محدودیت‌هاشون غیر مستقیم حمایت می‌کنن؟
بله، همین طوره».

«- ببین یه جور گفتمی مثل این که خوشحالی از این که آرمی هستی، حس کردم به یک چیزهای شون
افتخار می‌کنی؟ به چه چیزهای گروه بی‌تی‌اس افتخار می‌کنی؟
درست فهمیدین، به گروه بی‌تی‌اس واقعاً افتخار می‌کنم: به شهرت شون، به کارهایی که انجام می‌دن،
به کمک‌های مادی که به بقیه می‌کنن، کلاً این چیزها باعث می‌شه خیلی بیش‌تر تحت تأثیر قرار
بگیرم. حتی داخل آهنگ‌هاشون هم یه چیزهای هست برای این که به آرمی‌ها نشون بدن. یا برای
آزادی ایران اون‌ها معمولاً کمپانی‌شون اجازه نمی‌ده وارد مسایل سیاسی شن، حتی نمی‌ذاره وارد مسایل
سیاسی کشور خودشون بشن، ولی بعضیاشون برای آزادی ایران یه جوری غیرمستقیم نشونی فرستادن.
می‌گی چیا فرستادن؟
مثلاً نامجون یه عکس استوری کرد که نوشته بود آزادی نزدیکه».

- ارجاع مباحث به فرد ثالث

گاهی افرادی که از ضعف استدلال رنج می‌برند، به جای ارایه استدلال مناسب در تبیین مسایل و
مواضعی که مطرح می‌کنند، ممکن است احساس ضعف کرده و برای گریز از استدلال، با ارجاع مسایل
به شخص یا نهاد ثالث، از استدلال و پاسخ‌گویی لازم بگریزند.
آنچه از آن یاد شد، در بسیاری از هواداران گروه بی‌تی‌اس ملاحظه می‌شود، به این معنا که این افراد
هنگامی که رفتارهای متعارض با شعارهای گروه بی‌تی‌اس را شاهد هستند، برای ختم مسأله، با ارجاع
رفتارهای خلاف شعارهای اعضای بی‌تی‌اس به کمپانی، اصولاً کمپانی را مسوول رفتارهای متضاد
اعضای گروه با شعارهایشان معرفی می‌کنند و به این ترتیب وظیفه تبیین تعارض پدید آمده را به دست
فراموشی می‌سپزند، حال آن که در هیچ شرایطی نمی‌توان مسوولیت انسانی انسان‌ها را به بهانه‌های
مختلف نفی کرد و کنار نهاد.

اظهار نظر رخساره ۱۶ ساله و گلاره ۱۴ ساله در مصاحبه‌های جداگانه‌ای که دارند، حاوی مصادیقی در همین جهت است:

«- خوب بعد وقتی آرایش شون رو می‌بینی برات چه معنی می‌ده؟»

برام معنی خاصی نمی‌ده، خیلی‌ها همین جوری هستن، به نظر من هیچ فرقی نمی‌کنه، البته چرا چون من آرمی‌ام هیچ فرقی نمی‌بینم و برام عادی شده، ممکنه برای بعضی‌ها که برای اولین بار ببینن، مثلاً بگن آره، مگه این پسر نیست، چرا آرایش کرده و اینا. بالاخره این‌ها آیدول هستن و باید آرایش کنن. باید یه کم تغییر بدن پوست شون رو.

- چرا آیدول‌ها حتماً باید آرایش بکنن؟

برای این که جذاب‌تر به نظر بیان و به استایل لباس پوشیدن شون بیش‌تر بیان. البته خودشون واقعاً جذاب ان، ولی به خاطر کمپانیه.

- رنگ صورت شون را سعی می‌کنند، سفید نشون بدن؟

نه. همه شون رو میکاپ آرتیست شون انجام می‌ده که همه شون هم قبول می‌کنن، می‌پذیرن اینا رو.»

«- آیا ممکنه روزی یه اتفاقی از جانب بی‌تی‌اس بیفته که دیگه از شون خوشت نیاد و نخوای حمایت شون کنی؟»

از اون جایی که خیلی دوست شون دارم بعید می‌دونم و فکر نمی‌کنم چنین آدم‌هایی باشن که خلاف میل من کاری انجام بدن، یعنی کاری بکنن که من بدم بیاد به خاطر همین هیچ‌وقت از شون بدم نیامد و ممکنه فراموش کنم.

- بی‌تی‌اس رو فراموش می‌کنی یا اون کار بدی رو که شما از ش بدت میاد؟

این رو گفتم، چون که این قدر دوست شون دارم، ۱۰۰ درصد آدم‌هایی هستن که مورد تأیید و شرایط من هستن و بعد به نظرم یک روز این قدری تغییر نمی‌کنن که بیان تمام اون شرایط رو بهم بریزن، چون نه تنها من بلکه خیلی‌های دیگه‌ای هم هستن که ممکنه از اون کار بدشون بیاد. برای همین به نظرم هیچ‌وقت چنین کاری نمی‌کنن و من هیچ‌وقت از شون بدم نیامد و فقط ممکنه از شون طرفداری نکنم و فراموش شون بکنم، ولی بدم نیامد.

- می‌شه مثال بزنی اگر بی‌تی‌اس چه کاری انجام بدن ممکنه دیگه از شون طرفداری نکنی و فراموش شون بکنی؟

تا به حال بهش فکر نکردم ولی مثلاً شاید اگه به عقاید احترام نگذارن یا مثلاً به دین و مذهب بی‌احترامی کنن یا بخوان من رو به راه بدی هدایت کنن.

- با توجه به صحبت‌های خودت بی‌تی‌اس توی آهنگ‌هاشون به مضامینی مثل دوست داشتن خود اشاره می‌کنن، ولی آزادی انتخاب نداشتن حتی برای ساده‌ترین مسایل مثل رنگ مو... هم به نوعی

اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۱۷۱

برخلاف دوست داشتن خود به حساب میاد، آیا با توجه به این به نظرت حرف‌ها و رفتارهای بی‌تی‌اس باهم تناقضی ندارن؟



بین اون‌ها این سختی‌ها رو می‌کشن و هزارتا فایده براشون داره، مثلاً بدن‌شون قوی می‌شه، پول در میارن و همین طور این تلاش‌ها رو می‌کنن تا ما خودمون رو دوست داشته باشیم و البته باید بگم نصفش به خاطر سخت‌گیری کمپانیه، ولی اگر انقدر تلاش نکنن که بهترین گروه کی‌پاپ نمی‌بودن.

- من یک ویدیویی می‌دیدم که یکی از اعضای بی‌تی‌اس بعد از اجرا باحال خیلی بدی از روی استیج پایین می‌اومد و براش ماسک اکسیژن و کارهای امدادی می‌کردن، آیا به نظرت این تلاش که باعث می‌شه آیدول‌ها به این شدت خسته بشن که حتی حال‌شون بد بشه، کار درستیه و نشون‌دهنده دوست داشتن خود هست؟



نمی‌دونم. فقط این رو می‌دونم که اتفاقاً آرمی‌ها و همه فن‌ها خیلی به کمپانی‌ها به خاطر این کارهایی که با آیدول‌ها می‌کنن، هیت می‌دن».

- پیش گرفتن برخوردهای مفرط

بعضی از هواداران مصاحبه شده در جریان مصاحبه‌های‌شان، در پاسخ به سوال‌های مطرح شده، نوعی از افراط را در پاسخ‌های خویش به نمایش می‌کشیدند که به دلیل افراط نهفته در قضاوت آنان، چندان هم پذیرفته نیستند، به عنوان نمونه، نگین ۱۳ ساله، با اشاره به مسأله طرح انحلال گروه بی‌تی‌اس در سطح جامعه، از سقوط سهام سامسونگ یاد می‌کند که گروه پسران مبلغ برند آن بوده اند:

«- نقش کمپانی این وسط چی هست؟»

تبلیغات را واسه این‌ها میاره، مثلاً بی‌تی‌اس تبلیغ سامسونگ را کرده و یک تایمی شایعه شد که قرار بی‌تی‌اس دیس‌بند بشه و سامسونگ خیلی افت کرد به ثانیه نکشید (!) که یک ضرر خیلی گنده کرد». شیدای ۲۰ ساله هم در مصاحبه‌اش به صرف آن که دو هنر آموزش در اندیشه تغییر جنسیت هستند، محتوای یک گزارش تحقیقی در مورد افرادی که تغییر جنسیت داده اند را نفی می‌کنند و نسترن ۱۹ ساله، از هوادارانی یاد می‌کند که به صرف هواداری از یک یا چند آیدول، خود را محق می‌دانند که در مورد دقایق زندگی آن افراد، اظهار نظر کرده و در مورد آنان، از خودشان احکام لازم الاجرا صادر کنند: «به نظرت این هنجارشکنی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها تاوان سنگین نداره؟ مثلاً توی همین قضیه تغییر جنسیت من مستندی رو می‌دیدم که بسیاری از کسانی که تغییر جنسیت داده بودن، بعدش دچار پشیمانی و افسردگی شده بودن و به خاطر برگشت ناپذیر بودن تصمیم‌شون خیلیاشون دست به خودکشی هم زده بودن!

این مستندی که می‌گی رو ایران ساخته بودن؟

نه. درباره تراجنسیتی‌های ایران بود، ولی یه مستند حکومتی نبود. اتفاقاً توی بی‌بی‌سی هم پخش شده بود.

خب این اطلاعاتی که می‌گی توش بود کاملاً اشتباهه. من دوتا از دوستانم و دوتا از هنرجو هام هستن که دارن این پروسه تغییر جنسیت رو طی می‌کنن و خیلی هم از تصمیم خودشون راضی ان.»

«فن‌هایی رو که عصبی می‌شن و به هم می‌ریزن، دیدی؟

آره. مثل همون شنیدن خبر دیت و اینا.

– خوب دقیقاً به چه حقی ناراحت می‌شدن و احياناً به دنبال این مسأله هیت هم می‌دن؟

نمی‌دونم واقعاً. بعضی از هوادارها که کم هم نیستند، می‌گن نه‌هه، اصلاً یه حقی برای خودشون می‌دونن که آیدول‌شون مثلاً نباید دیت بره یا ازدواج کنه... فکر می‌کنن که اوکی ما آلبومای تو رو می‌خریم یا مثلاً کنسرتای تو رو میام. تو داری با پولی که ما برای حمایت تو خرج کردیم ازدواج می‌کنی و حق مائه که تصمیم بگیریم. در صورتی که اشتباهه. یارو کار کرده، حالا هر پولی هم درآورده. بالاخره کار کرده دیگه مثل سگ. بعد الآن داره ازدواج می‌کنه، واقعاً تو کی هستی که برای زندگی شخصی یه نفر دیگه تصمیم بگیری حالا. هر چه قدم که طرف رو دوست داشته باشی، اصلاً تو براش خونه خریده باشی، ماشین خریده باشی، تو کی هستی که بخوای دخالت کنی. کره‌ایا خودشون بیش‌ترین ری‌اکشن رو می‌دن همیشه هم کلی هیت می‌گیرن، ولی خب دیگه، متأسفانه این چیزها هست.»

– خودفریبی

با ملاحظه استدلال‌های برخی از هواداران گروه بی‌تی‌اس در پاسخ به سوال‌های مطرح شده در مورد گروه، ملاحظه می‌شود که بعضی از هواداران به جای ارایه استدلال‌های مدقن، با نوعی از خودفریبی،

به تبیین و جمع‌بندی مواضع مورد نظر خویش می‌پردازند که البته این نحوه از برخوردها کار درستی نیست.

نرگس ۲۱ ساله، در مصاحبه خودش خاطرنشان می‌سازد، وی در اوایل طرفداری خویش از گروه، از آن بت ساخته و آن را بدون هیچ ایراد و نقصی می‌دید، اما در گذر زمان و با تغییر دیدگاه‌های وی، تاحدودی مواضع وی در مورد گروه تغییر کرده است.

نگین ۱۳ ساله نیز در مصاحبه‌ای که در مورد گروه بی‌تی‌اس دارد، ضمن آن که مشکلات موجود فراروی گروه را به کمپانی ارجاع می‌دهد، بیان می‌کند، او و دوستانش تصمیم گرفته اند که تنها از موارد شادی که در مورد گروه وجود دارد، با یکدیگر حرف زده و از حرف زدن در مورد ظلم‌های کمپانی در حق اعضا، سرباز بزنند. نگین در قسمت دیگری از حرف‌هایش، خاطرنشان می‌سازد، اگر چه وی و دوستانش در داستان‌های تک‌صحنه و مجمل (وان‌شات) و داستان سرایی‌های مفصل‌تر (فن‌فیکشن) که در مورد آیدول‌ها تهیه می‌کنند، به طرح مباحث نامناسبی هم دست می‌زنند، اما این موارد را صرفاً برای سرگرمی، تفریح و خوش‌گذرانی خودشان می‌نویسند و نقد (افرادی که از آن‌ها با عنوان روشنفکر یاد می‌کند)، در مورد اهانت‌هایی که با وان‌شات‌ها و فن‌فیکشن‌ها به آیدول‌ها می‌شود، وارد نیست:

«- چی باعث شده بود به اعضای گروه بی‌تی‌اس این طوری نگاه کنی؟»

نمی‌دونم، شاید چون تو ذهنم ازشون خدا ساخته بودم.

- چه قدر اون زمان با جو و محیط خود کی‌پاپ و مسایل پشت پرده اون آشنایی داشتی؟ چیزی نمی‌دونستم اون زمان. اگر هم کسی چیزی می‌گفت، باور نمی‌کردم. برام یه کم سخت بود پذیرفتن این چیزا که این قدر تحت فشار ان. یه کم هم به خاطر این بود که چون زندگی خودم اوضاع خوبی نداشت، و یه جورایی به اونا پناه می‌بردم، تا از غم و غصه‌های زندگیم راحت بشم، دیگه خب نمی‌خواستم قبول کنم که این اعضای بی‌تی‌اس هم شاید اون جور نیستن که نشون می‌دن. خودم رو گول می‌زدم. چون می‌دونستم اگر با واقعیت این که چه قدر ممکنه فضای کی‌پاپ برای اونا سخت و آزار دهنده هست، روبرو می‌شدم، احتمالاً حالم بدتر می‌شد. برای همین خیلی نمی‌رفتم دنبال این چیزا که داره چه اتفاقی می‌افته و تا می‌تونستم از این خبرا دوری می‌کردم.

- یعنی هیچ وقت نپذیرفتی؟

چرا یه کم بزرگ‌تر شدم قبول کردم. نه همه‌ی چیزهاش، ولی یه بخش بزرگیش رو.

- وقتی پذیرفتی واکنشت چه طور بود؟

سخت بود برام یه کم از اون دنیایی که برای خودم ساخته بودم، پیام بیرون و فکر کنم توی انتخابم، برای فاصله گرفتن از بی‌تی‌اس هم تأثیر گذاشت. یعنی چون متوجه شدم که چه خبره و خیلی از کارا و حرفاشون نمایشیه، برای تبلیغه و جذب هواداره یا تحت اجبار یه سری حرفا و کارا رو می‌کنن، ناراحت کننده بود برام. اون چیزی که ساخته بودم، ریخت.»

«بیش‌تر دوست‌ها که آرمی هستن یا کلاً جزو فن‌ها هستن، کلاً این جوری ان که نمی‌تونن زجر کشیدن آیدول‌شون را تحمل بکنن و براشون به شدت گریه می‌کنن، به قول مامانم یک حالت دیوانگی این شکلی هست.

- اگر خودت به این فکر کنی که چه طور می‌شه به آیدول کمک کرد که زجر نکشه، چه چیزی به ذهنت خطور می‌کند؟

نمی‌تونم کاری بکنم.

- چرا؟

یکی این که کمپانی اهمیتی به این که حال آیدول‌هاشون چه طوره نمی‌دن، مهم اون پول است.

- اگر همه آرمی‌ها حمایت نکنند، باعث نمی‌شود که کمپانی تجدید نظر بکند؟

اگر آرمی‌ها حمایت نکنن، به ضرر آیدول می‌شه، چون آیدول را بیرون می‌کنن، گروه کلاً منحل می‌شه و دیگه نمی‌شه پیداشون کرد.

- یعنی ممکن نیست خودشون بتوانند یک جوری کارشون را ادامه بدهند؟

نه خیلی احتمالش کمه، به هر حال باید یک، دوتا چیز براشون بمونه، از مدیر برنامه‌ها و این چیزها، ولی خوب وقتی دیگه آرمی‌ها حمایت نکنن، همه طردشون می‌کنند.

- مثل این که هم آیدول‌ها و هم آرمی‌ها گروگان کمپانی هستند؟

بله.



- یعنی از هر دو گروه سوءاستفاده می‌شود. آرمی‌ها باید زجر آیدول را ببینند و حمایت کنند و مخالفت نکنند و آیدول هم مخالفت نکنه، چون چیزی بگه می‌اندازنش بیرون؟

بله.

- فضای پر از تهدید؟

بله. ما همه‌مون در حالت عادی داریم به این موضوع‌ها فکر می‌کنیم و وقتی تو جمع دوستانمون هستیم، ترجیح می‌دیم راجع به این چیزها حرف نزنیم، راجع به خوشحالی‌هامون حرف بزنیم که خودمون هم خوشحال باشیم... .

- گروه روشنفکر که گفتی، به چه صورت فکر می‌کنند؟
- بله روشنفکری مثل تیکه انداختن است. خیلی خیلی زیادی به فکر طرف هستن، من نمی‌گم کار بدی می‌کنن، من می‌گم دیگه از یک حدی گیر دادن باید تمام بشه.
- منظور شما از گیر دادن چی هست؟
- مثلاً طرف یک وان شاتی نوشته خیلی اوکیه، یعنی مثلاً راجع به یک چیز خیلی خنده‌داریه، ولی یک هو یک روشنفکری میاد تو کامنت‌ها می‌گه، شما با این کارهاتون دارین آیدول را آزار می‌دین.
- اون‌ها ایرادشون به این مطالب چی هست؟
- فکر می‌کنن همه وان‌شات‌ها و فن‌فیکشن‌ها آسیب می‌زنن.
- یعنی مشکل‌شون این هست که چرا خیالات و تصورات خودتون را با اون ۷ نفر می‌نویسید؟
- بله.

- چه چیز اون‌ها به نظرشون آسیب می‌زنه؟
- این که رابطه‌های بین اون‌ها را می‌گن، این که این با اون یک جور دیگه هس، باهم حس‌های متفاوتی دارن، صمیمی‌ترن، یک حس‌هایی بیش‌تر از صمیمیت دارن، می‌گن این جور چیزها خوب نیست که ما اصلاً این طور فکر می‌کنیم، اصلاً باهم یه جوری باشن یا نباشن، به ما چه این جور چیزها یه تفریح و خوش‌گذرونیه».

- خودسانسوری

- با بررسی مصاحبه‌های انجام شده با جمعیت تحقیق مشخص می‌شود که برخی از مصاحبه‌شوندگان به دلیل ناخوشایند دیدن بعضی از اطلاعات، دست به سانسور اطلاعات برای خود زده یا در فراز دیگر، برای مواجه نشدن با نقد احتمالی ناقدان، علایق خویش را سانسور می‌کنند تا با نقد ناقدان مواجه نشوند.
- ثناى ۱۶ ساله در مصاحبه‌اش، در موارد متعددی از سانسور اطلاعات برای خودش یاد کرده است:
- «- در مورد ماجرای فلسطین و اسرائیل، فکر می‌کنی حق با کدوم طرف هست؟
- فلسطین همیشه مظلومه، قبلاً فکر می‌کردم چون اون قدر تو مغزمون خوندن که اسرائیل دشمنه، ما هم این طوری فکر می‌کنیم، اما تو این جام جهانی فهمیدم فقط ما نیستیم که از اسرائیل بیزاریم.
- چه طور، مگر چه چیزی دیدی؟
- تصورم قبلاً این بود که خیلی‌ها با اسرائیلی‌ها ارتباط خوبی دارن، ولی دیشب دیدم که پشت خبرنگار اسرائیلی داد می‌زدن «فلسطین را آزاد کنید» یا حمایت بازیکن‌های مراکش و خلیبای دیگه.
- در مورد حمایت بی‌تی‌اس از اسرائیل شنیدی؟
- بله می‌دونم.

- با حمایت بی‌تی‌اس از اسرائیل، تغییری در میزان علاقه شما رخ نداده؟

نه، چون دلم نمی‌خواد با این چیزا خودم رو درگیر کنم و اصلاً علاقه‌ام کم بشه. این هم مهمه بدونید که به خاطر گروه بی‌تی‌اس نیست، به خاطر جیمین هست. علاقه زیادی به جیمین دارم، نگران بودم و هستم این چند ساله که می‌شناسمش که چیزی بشنوم از جیمین که ناراحتم کنه. برای همین هم هست که خیلی دنبال اخبار منفی بی‌تی‌اس نمی‌رم و بیش‌تر فیلمای بامزه از بی‌تی‌اس رو می‌بینم یا اخبار جالب در مورد بی‌تی‌اس رو دنبال می‌کنم. توی آپارات سرچ می‌زنم *BTS Funny Moments* و یه کم انرژی می‌گیرم.



- از کجا مطمئن هستی آن چیزی که اعضای گروه نشان می‌دهند، واقعی هست؟
من مطمئن نیستم، اما خب توی این همه سال که بودن، همین جوری بودن، اگه مشکلی بود، این همه سال نمی‌موندن.
- آیا در وقت‌های خصوصی این افراد در کنارشان هستی و می‌بینی چه کار می‌کنند؟
نه، نمی‌تونم ببینم.
- کنجکاو نیستی بدونی زندگی خصوصی آیدول مورد علاقه‌ات چه طور هست؟
نمی‌خوام بدونم، به خاطر این که می‌ترسم اونی نباشه که همیشه تصور کردم. نمی‌خوام علاقه‌ام کم بشه. مثلاً اگه بدونم و بفهمم جیمین با کسی رابطه داشته خیلی حالم بد می‌شه.
- منظورت چه نوع رابطه‌ای هست؟
رابطه جنسی.

- به نظرت تا الآن جیمین رابطه نداشته؟

می‌خوام فکر کنم نداشته، این شدنیه تا زمانی که به موقع ببینم واقعاً داشته که دیگه اون موقع علاقه‌ام خیلی کم می‌شه...

- ببین بگذار کمی واضح‌تر سوالم را طرح کنم. قراردادی که دارن ازدواج، قرار ملاقات با جنس مخالف، خوردن غذای دلخواه، اعلام گرایش جنسی و خیلی موارد دیگه رو ممنوع کرده که دیگه از هر چیزی هم بگذریم، از غذای دلخواه نمی‌شه گذشت. چه طور یک انسان می‌تواند خودش را دوست داشته باشد، ولی حتی غذایی که می‌خورد هم انتخاب کمپانی باشد نه خودش. نظرت در این مورد چی هست؟ الآن متوجه شدم. وقتی خودم آزاد نیستم، چرا باید شعار آزادی بدم. من قبلاً گفته بودم که به نظرشون احترام می‌ذارم. الآن هم می‌گم بهشون احترام می‌ذارم و حرفم عوض نشده، ولی چیزی که هست اینه که نباید این شعار رو مطرح کنن، ولی واسه اینم دوباره نظر دارم. به نظرم چون نوجوون‌هایی عین من که دوست دارن آزاد باشن، موفق باشن، هر کاری دلشون می‌خواد بکنن و گیر نندن بهشون، از این شعارها خوششون میاد اونا هم این رو خوب می‌دونن و از این شعارها برای بالابردن تعداد فن‌ها استفاده می‌کنن. نه فقط بی‌تی‌اس تقریباً تو هر کاری شعار قشنگ زیاد می‌دن، چون شعارهای جذاب تو خالی خیلی می‌تونه هوادار جمع کنه.

- در فندومی که تشکیل دادین برای جذب هوادار از شعارهای تو خالی هم استفاده کردین؟

همین شعار خودت رو دوست داشته باش، دختران ضدگلوله و در بند خودت باش.

- چه قدر به این شعارها عمل می‌کنید؟

خیلی کم.

- یعنی خود شما که هوادار بی‌تی‌اس هستید، به شعارهای بی‌تی‌اس عمل نمی‌کنید؟

نه، وقتی خودشون عمل نمی‌کنن، ما هم دلسرد می‌شیم. اگه می‌گم بهشون احترام می‌ذارم یا نمی‌خوام در موردش صحبت کنم، همون دلایلی هست که قبلاً گفتم، نمی‌خوام به این نقاط ضعف فکر کنم».

شب‌نم ۲۵ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، در عین حال که از خود سانسوری به شکل معمول در خود یاد کرده است که با ندیدن برخی از اطلاعات ناخوشایند، حاضر به درگیر کردن ذهنش نیست، از سانسور علایق و عواطف خودش در مورد گروه بی‌تی‌اس نیز در برابر دیگران یاد کرده است. شب‌نم در مصاحبه خودش خاطر نشان می‌سازد، از آنجا که برخی از شهروندان با اندیشه‌های بنیادین بی‌تی‌اس در زمینه جنسیت‌زدایی در زمینه آرایش، پوشش و عشق مخالف هستند، وی در برابر این دسته از افراد، علایق خود به گروه بی‌تی‌اس را سانسور می‌کند تا مورد هجمه آنان قرار نگیرد:

«- شب‌نم شما درباره علاقه‌ات به رفتن به کره گفتی، ولی آیا به این که این تصمیم چه تبعاتی برات

داره و چه هزینه‌هایی باید بابتش بدی هم فکر کردی؟ مثلاً غربت، امکان عدم مورد پذیرش قرار گرفتن

به عنوان یک غریبه در فرهنگ کره و این که باید همه وابستگی‌ها و خانواده‌ات رو برای رفتن پشت سر بگذاری؟

آره، خودمم می‌دونم که خیلی سخته و به همین خاطر قبلاً بهت گفتم، باید اول مستقل باشم و وابسته به هیچ کسی برای رفتن نباشم که بتونم موفق بشم. درباره فرهنگ کره، ولی خیلی خوشبین هستم، چون آدم‌های پذیرایی هستن.

- ولی آمار مهاجرین به کره برخلاف خیلی کشورهای دیگه به نظر چندان چشمگیر نیست. این خودش شاید نشون دهنده این باشه که شرایط اونجا چندان آسان نیست، وگرنه جمعیت مهاجر بیش‌تری رو جذب خودش می‌کرد.

به نظرم شرایط هیچ‌جا برای مهاجرها ساده نیست. همه‌جا سخته.

- چه چیزی در این سختی وجود داره که با وجود این که باید بابتش هزینه‌های سنگینی از جمله دوری از دوستان و خانواده و غیره بدی، باز دست ازش برنمی‌داری؟

یه عشقه دیگه. بعد الان شرایط کشور خودمون رو ببین. چه اقتصادی، چه اجتماعی، چه از هر نظری وقتی می‌بینی آینده نداری، بنابراین حاضری هر هزینه‌ای بدی که جای دیگه آینده خودت رو بسازی.



- حالا بر فرض اگر شما نتونی به این هدفت برسی چی؟ اگر نتونی مهاجرت کنی این همه انرژی و زمانی که صرفش کردی چی می‌شه و چه احساسی پیدا می‌کنی؟
اصلاً دوست ندارم به این قسمتش فکر کنم.

- ولی خب این هم یه احتمالیه و همین‌طور که تا الان نشده، متأسفانه ممکنه هیچ وقت هم نشه!

اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۱۷۹

آره، ولی خب فکر کردن بهش انرژی آدم رو می‌گیره و فایده‌ای نداره... .

- شب‌نم عرقی که شما نسبت به بی‌تی‌اس داری، شبیه چیزیه که آدما نسبت به خانواده‌شون دارن؟ مثلاً این که انتقاد دیگران از کره و بی‌تی‌اس باعث می‌شه که واکنش شدید نشون بدی و یا این که از ترس شنیدن انتقاد، خودت رو مجبور می‌کنی که حرفی نزنی و علاقه‌مندی خودت رو سانسور کنی. به نظرت این باعث نمی‌شه که از آدم‌ها دور بشی و فشار روانی زیادی رو تحمل کنی؟ آره، درست می‌گی، ولی خب دست خودم نیست. یعنی به قول تو یه عرقی دارم که روشن حساسم».

- توهم‌زدگی

برخی از هواداران بی‌تی‌اس در جریان مصاحبه‌های خودشان نشان می‌دهند که در مواجهه با علایق‌شان به گروه بی‌تی‌اس، دچار برخی از افراط و تفریط‌ها هستند و در مواجهه با بعضی از مسایل حول و حوش گروه مورد علاقه خودشان، به گونه‌ای غیرمنطقی و گاه توهم‌زده برخورد می‌کنند.

محمدرضای ۲۱ ساله در مصاحبه خودش، یادآور شده است که وی (نظیر بسیاری از هواداران دیگر) در آغاز طرفداری از گروه بی‌تی‌اس، به شکلی توهم‌زده تصور می‌کرد گوش دادن به آهنگ‌های سایر گروه‌های کی‌پاپ و نظایر آن، خیانت به گروه بی‌تی‌اس به شمار می‌آید و باید به شدت از این کار استنکاف داشته باشد:

«- هم‌زمان با بی‌تی‌اس موسیقی‌های دیگه رو هم دنبال می‌کردی؟

یه مدتی نه، مثلاً برای یکی، دو ماه فک می‌کردم که اگه به بقیه موزیکا گوش بدم، به بی‌تی‌اس خیانت کردم (باخنده). حتی یه کم خودم رو هم سرزنش می‌کردم که چرا آهنگ دیگه‌ای گوش دادم، یه هم‌چین چیزی بود برای یه مدت کوتاهی واقعاً فقط بی‌تی‌اس رو دنبال می‌کردم و به هیچ آهنگ دیگه‌ای گوش نمی‌کردم فقط همین بی‌تی‌اس، بی‌تی‌اس با مثلاً یکی، دوتا خواننده دیگه که با اینا کار می‌کردن، مثل هالزی^۱ و یکی، دوتا دیگه هم بودن ولی الان یادم نیست.

ولی بعد از یه مدت چرا، بعدش دیگه بقیه موزیکا هم بود، مثلاً رپ فارسی، رپ دری، آهنگای خارجی امینم^۲ در کل همه چیز گوش می‌کردم بی‌تی‌اس رو هم بغلش دنبال می‌کردم، هنوز هم همین طوری هستم، دیگه انگاری عادی شده برام و مثل اون موقع نیست که فک کنم خیانت کردم بهشون (باخنده)».

۱- هالزی Halsey خواننده و ترانه‌نویس آمریکایی است. او با منتشر کردن موسیقی در شبکه‌های مجازی توجه‌ها را به خودش جلب کرد. در ۲۰۱۴ او اولین قرارداد موسیقی خود را با آسترالورکس بست.

۲- امینم Eminem رپر، ترانه‌نویس و تهیه‌کننده موسیقی آمریکایی است. امینم با فروش تخمینی بالغ بر ۲۰۰ میلیون از آثارش، یکی از پرفروش‌ترین هنرمندان موسیقی در تاریخ است. او بابت محبوب کردن موسیقی هیپ هاپ در مرکز آمریکا معروف است و از سوی منتقدان به‌عنوان یکی از برترین رپرهای تمام دوران تلقی می‌شود.

– رؤیایپردازی

در زندگی روزمره بعضی از افراد به جای استقبال از شناخت مدقن و مستحکم، به دلیل ضعف منطق یا عشق و علاقه مفرط، با اتکاء به دنیای تخیلی خویش، در صدد ارایه تبیین و تحلیل مسایل فرارویشان برمی‌آیند، بالطبع در حالت اخیر که افراد به جای روشنگری منطقی در مورد مسایل مطرح شده، به ارایه رؤیابافی‌های خویش به دیگران اقدام می‌کنند، در جهان بیرون موفق عمل نخواهند کرد. البته از آنجا که بسیاری از هواداران در سنین بلوغ بوده یا در اوج هیجان جنسی خویش هستند، رؤیایپردازی‌های عاشقانه و جنسی آنان نیز دور از ذهن نمی‌نماید، رؤیایپردازی‌های اخیر ممکن است در جریان زندگی روزمره فرد نیز مداخله کند.

شیرین ۲۲ ساله که متأهل نیز بوده و به سبب حمایت مفرط از گروه بی‌تی‌اس، با همسرش هم دچار اختلاف‌های زیادی شده است، در مصاحبه خودش گزارش می‌دهد که وی در جریان مدیریت صفحه طرفداری خویش، با تهیه داستان‌های تخیلی (که در صورت آگاهی همسرش از محتوای این داستان‌های هرزه‌نگار، تداوم زندگی وی با خطر جدی مواجه خواهد شد)، با محوریت خودش، در سرگرم کردن دیگر هواداران می‌کوشد.

زندگی مشحون از رؤیای شیرین و رؤیابافی‌های وی برای دیگر هواداران، خطرهای بالقوه‌ای هستند که شیرین بدون توجه به آن‌ها، گذران ایام کرده و به این ترتیب به طرفداری خویش از گروه بی‌تی‌اس ادامه می‌دهد:

«– شیرین تو فن‌پیچ‌هات داستان‌های خیالی هم راجع به آیدول‌ها می‌نویسی؟»

اوه، بله، داستان‌های خیالی می‌نویسم که لطمه به آیدول‌ها نزنه.

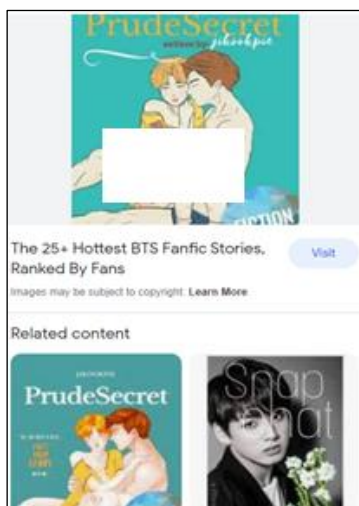
– می‌شه یه نمونه رو مثال بزنی؟

بله، مثلاً دیشب خواب دیدم که برای مسافرت به کره رفته بودم یه تی‌شرت سفید با یه شلوار کتان سفید به پا داشتم و موهای چتری و کوتاهم رو به یه سمت شونه زده بودم. وسایل سفرم داخل یه کوله پشتی بود و وقتی از هواپیما پیاده شدم، داخل فرودگاه منتظر بودم که آر ام به استقبالم بیاد. هر چه منتظر شدم، بی‌فایده بود و خبری از آر ام نبود و من اینجا غریب و تنها، جایی رو بلد نبودم. یهو کسی من رو صدا زد. وقتی به سمت صدا برگشتم، جیمین رو دیدم. اون گفت: برای آر ام کاری پیش آمده و نتونسته بیاد فرودگاه دنبالت، من رو فرستاده. از دیدن جیمین خوشحال شدم و و باهم روبوسی کردیم و من همراهش به هتل محل اقامتم آمدم. ازش تشکر کردم و به رسم ایرانی بودنم، بهش سوغاتی دادم و در اطاق هتل اون شب رو به استراحت گذراندم و صبح با صدای در زدن از خواب بیدار شدم و وقتی در رو باز کردم آر ام در آستانه در ظاهر شد. من سراسیمه خود رو در آغوش انداختم که ناگهان یهو از خواب پریدم.

– نظر فالورهای درباره داستان‌های تخیلیت چی هست؟

اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۱۸۱

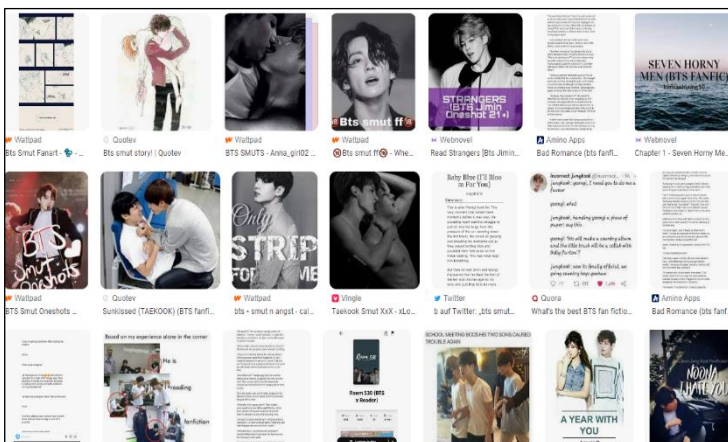
خیلی خوش‌شون میاد و باز ازم درخواست ادامه داستان را می‌کنند و یا می‌گن باز هم داستان می‌خوایم و من روزهایی از هفته رو اختصاص به داستان‌های خیالی داده‌ام».



گلاره ۱۴ ساله، در توصف رؤیایپردازی‌های خویش از علاقه‌اش به این که همسر جونگ‌کوک باشد، یاد کرده و فرشته ۱۸ ساله، در مصاحبه‌اش به بیان این نکته پرداخته است که بسیاری از دختران رؤیایپردازی‌های عاشقانه با اعضای گروه بی‌تی‌اس دارند!

«- دوست‌ها، مگه چه چیزهایی می‌خوانن که به نظرت برآشون خوب نیست؟»

اسمات (داستان‌های خارج از اخلاق) و وانشات و داستان‌هایی که اعضای توشون مافیا و ومپایر و این جور چیزها هستن و خود واقعی‌شون نیستن یا مثلاً می‌گن اعضای همجنس‌گرا هستن یا با شخصیت‌های بی‌رحم و خشن جلوه می‌دن شون و از شون سوءاستفاده می‌کنن و شخصیت‌شون رو عوض می‌کنن.



۱ - پیش‌تر ذیل عنوان عشق تخیلی از ویژگی‌های این عشق یاد شد.

- گلاره جان آیا تا به حال تصور و خیال‌پردازی راجع به خودت و اعضای بی‌تی‌اس داشتی یا نه؟
ببین تصورش که ۱۰۰ درصد هست (می‌خندد) ولی خب مثلاً بخوام به بقیه بگم و بروز بدم و از این کارهای بچه‌گونه بکنم نه. فقط ابراز علاقه می‌کنم.

- می‌تونی بیش‌تر درباره‌اش توضیح بدی؟

مثلاً همیشه به فانتزی‌هام فکر می‌کنم مثل این که فاصله سنی‌ام با جونگ‌کوک کم باشه و بتونم از نزدیک بینمش و باهاش حرف بزنم و دوستم داشته باشه و خیلی فراتر از دوست باشیم و بیییییین مثلاًااا کوک شوهرم باشه. وای می‌شه نگم؟»

«- خیال‌پردازی درباره اعضای بی‌تی‌اس توی ذهنت و تنهایی‌های خودت نداشتی یا نداری، به این صورت که خودت رو در یک رابطه با آیدول‌ها تصور کنی؟

یه مقدار سوال عجیبی پرسیدی و همه‌اش می‌ترسیدم نکنه به این سوال برسی (می‌خندد)، ولی آره من مشکلی با این موضوع نداشتم. من راستش خیلی خیال‌پردازی‌هام به این صورت نبود که رابطه‌ی عاشقانه‌ای باهاشون داشته باشم، نمی‌خوام خودم رو مستثناء از این قضیه بدونم یا این که بخوام خودم رو جدا کنم، نه این جور نیست، اما من برعکس بقیه دخترها، از تصور رابطه عاشقانه خوشم نمیاد، اتفاقاً خیلی خیلی خیلی تصورات داشتم، حتی ممکنه الآن هم بعضی مواقع داشته باشم، بعضی اوقات که حوصله‌ام سر می‌ره و به عنوان سرگرمی، اما خودم رو توی یه قالب دوست و گروه دوستانه در نظر می‌گیرم و این خیلی بهم کمک می‌کنه که حتی توی دنیای واقعی هم بعضی از مشکلاتم رو در رابطه با همین دوست‌ها حل کنم، برای همون آره داشتم.»

- توسل به دروغ

دروغ و دروغ‌گویی امر بسیار مذمومی است، اما افراد ضعیف‌النفس و کسانی که بدون هیچ استدلال و برهانی در پی به کرسی نشاندن حرف خویش هستند، ممکن است به دروغ متوسل شده، بخواهند با دروغ‌گویی، واقع را پوشانده، امر کاذب را واقع بنمایند.

ثنا ۱۶ ساله در مصاحبه خودش خودش در نقد اندیشه بی‌تی‌اس در زمینه جنسیت‌زدایی از آرایش و پوشش، متوسل به دروغ شده، تصاویر پسران بی‌تی‌اس را در حالت آرایش کرده، تصاویر فتوشاپی معرفی می‌کند:

«من از بی‌تی‌اس خیلی چیزها یاد گرفتم. جدی اگه قشنگ نگاه کنی، بی‌تی‌اس یه دانشگاهه که من رو خیلی عوض کرده. خیلی بهتر شدم.

- ولی گفتمی که دیرتر از گذشته یاد می‌گیری و تمرکزت کاهش پیدا کرده. درسته؟

در کنار این همه خوبی یه بدی هم داشته باشه چیزی نمی‌شه که. مهم اینه که تلاشم بیش‌تر شده.

- نقاط ضعف گروه بی‌تی‌اس چیست؟

هیچ نقطه ضعفی ندارن.

- یعنی هیچ نقطه ضعف ندیدی؟

نقطه ضعف خاصی ندارن. معمولاً می‌گن شبیه دختران، ولی غلط می‌کنن.

- به نظرت آرایش اعضای بی‌تی‌اس معمولی هست یا زیاده روی می‌کنند؟

نه، اینا اصلاً آرایش نمی‌کنن، خیلی از این عکس‌ها فتوشاپ شده هستن^۱».

- تقدس‌گرایی

تقدس‌گرایی به معنای پردازش آرمان‌گرایانه الگوها هست، وقتی افرادی در مواجهه با الگوهای مطرح شده در جامعه به آنان متوجه شده و آن‌ها را سرلوحه الگوبرداری خویش قرار دهند، ممکن است به دلیل ضعف منطق با دیدن چند ویژگی مثبت در الگو، به سادگی دست به آرمانی‌سازی وی زده، او را در همه ابعاد و وجوه مختلف یک‌ه و تک تصور کنند. شدت شیفتگی برخی به الگوهای مورد نظرشان چنان زیاد است که از آنان به عنوان «خدای» خویش یاد می‌کنند.

برخی از هواداران در شرایط معمول الگوی خویش را در اوج‌اعلی‌علین دیده، وی را فاقد هر نوع خطا، تقصیر، نقص و سستی تصور می‌کنند، در حالت اخیر، تقدسی که هواداران برای آیدول مورد نظرشان قایل هستند، سبب می‌شود آن‌ها بدون دید نقادانه، الگوی مورد نظر را در اوج خوبی‌ها تصور کنند و از هرگونه خدشه و ایرادی که بر آن‌ها وارد است، به سادگی چشم‌پوشند.

نگین ۱۳ ساله، در مصاحبه خودش در اظهارنظری در همین رابطه، چنین بیان می‌داشت:

«در هر صورت این شکلی بگم که اگر آیدولی حتی اگر یک نفر را بکشه هم فن‌هاش اون فن‌هایی

که خیلی وفادار هستند و خیلی دوست‌شون دارند، می‌گن که باز براشون یک فرشته باقی می‌ماند.

- شما چه مدل فنی هستی؟

بله (باخنده) من اگر آیدول مورد علاقه‌ام یک نفر را هم بکشه، برای من یک فرشته است.

- چه جور ی یک فرشته می‌ماند؟

نمی‌دونم راستش من هیچ وقت به این فکر نکردم که چرا می‌مونه، ولی می‌دونم که اگر آیدول من این کار را بکنه، من هیچ مشکلی ندارم، هیچی نمی‌گم. یعنی این شکلی می‌گذرد که این‌ها همه شایعه است، دروغه و واقعی نیست.

- یعنی ترجیح می‌دی، حس دست نخورده باقی بماند؟

بله».

- توسل به واکنش‌های نابخردانه

برخی از افراد به دلیل ضیق نفس در مراودات خویش به جای توسل و تمسک به استدلال برای نشان دادن حقانیت بیانات خودشان، با رو آوردن به تهدید، می‌کوشند طرف مقابل را وادار به پذیرش خواست

۱- مصاحبه شونده تصویری را نشان داد که یکی از آیدول‌ها چهره‌اش با فتوشاپ زیباتر شده بود.

خویش کنند. احسان ۱۷ ساله، در مصاحبه خود با یادآوری رفتارهای خواهر بزرگ‌ترش، خاطرنشان می‌سازد، وی اولیاء را بر سر دوراهی خودکشی خودش و یا رضایت و همراهی برای مهاجرت خویش به کره قرار داده بود که در نهایت موفق به اخذ دریافت وجه و رضایت اولیای خویش برای مهاجرت به کره شده است:

«- اگر شرایط برای تو هم مهیا بشه به کره مهاجرت می‌کنی؟»

نه، امکان نداره، پدر و مادرم رو تنها نمی‌ذارم و مرتب از خواهرم نیز خواهش می‌کنم بعد از اتمام دروسش برگردد.

- کلاً با مهاجرت مخالفی؟

آره، من که شاهد درهم شکسته شدن پدر و مادرم بعد از مهاجرت خواهرم بودم، کلاً با مهاجرت مخالفم. هر رشته تحصیلی رو که بخوایم تو کشور خودمون هست و می‌تونیم ادامه تحصیل بدیم. فقط باید خیلی سعی و تلاش کنیم توی کنکور قبول بشیم.

- چرا خواهرت رو از مهاجرت به کره منصرف نکردی؟

حقیقتش خواهرم به صورت خیلی افراطی کره رو دوست داشت و خیلی غیرمنطقی شده بود. اصلاً نمی‌شد باهاش حرف زد. فقط به رفتن فکر می‌کرد. در غیر این صورت ممکن بود اگر بهش فشار بیاوریم برای این که نره، ممکن بود دست به خودکشی بزنه. برای همین پدرم حتی کمک مالیش هم کرد و فرستادش کره. بیچاره پدرم بعد از رفتن خواهرم سریع پیر شد و مادرم هم افسرده شده و مدام گریه می‌کنه.

- خود خواهرت الان از رفتن به کره خوشحاله؟

راستش نمی‌دونم. چون ممکنه حقیقت رو کتمان بکنه، به ظاهر که خوشحاله و به آرزوش رسیده».



- شکل‌گیری ادراک جهت‌دار

برخی از افراد به سبب عشق و علاقه وافر به چیزی و یا غور و تفحص بیش از حد در امری، به تدریج ادراک واقع‌گرای خویش را از دست داده، از آن پس ادراک آنان تحت تأثیر همان مسأله مورد علاقه

اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۱۸۵

عمل کرده و راهنمای فرد واقع می‌شود. به تعبیر دیگر، همان‌گونه که چشم‌بند اسب گاری، دامنه دید حیوان را محدود به فرارویش می‌کند، ادراک جهت‌دار می‌تواند عرصه ادراکی فرد را محدود به عامل مورد علاقه کرده، از فهم، درک و تحلیل واقع‌نگر مسایل دور سازد.

ثنای ۱۶ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، آشکارا از ادراک جهت‌دار خویش یاد می‌کند که علقه وی مانع نفی الگوی مورد علاقه‌اش در تمامی شرایط می‌گردد:

«- اگر جیمین مرتکب قتل عمد بشود و مقصر باشد، شما از جیمین حمایت می‌کنی یا جیمین را محکوم می‌کنی؟»

شاید حمایت نکنم، ولی محکوم هم نمی‌کنم چون اصلاً دلم نمی‌آید.

- پس اگر اعضای گروه بی‌تی‌اس که شما از هواداران آن هستی اشتباه کنند، اگر بتوانی دفاع می‌کنی و گرنه محکوم خواهی کرد. درست هست؟
بله، اصلاً شدنی نیست».

شیرین ۲۲ ساله نیز که با بنیانی هیجانی هوادار گروه بی‌تی‌اس شده است و در مسیر عشق‌ورزی به گروه، حتی پایه‌های زندگی زناشویی خویش را سست و لرزان کرده است، در مواجهه با اندیشه جنسیت-زدایی از عشق توسط بی‌تی‌اس، دست به کتمان این معنا زده، بیان می‌دارد که از بی‌تی‌اس تنها باید انتظار اموری مانند مدرسه‌سازی، ساختن بیمارستان، کمک به نیازمندان و مانند آن‌ها را داشت، نه ترویج مواردی مانند بدون مرز بودن عشق را.

«- واکنش هواداران در مورد شایعه همجنس‌گرایی بی‌تی‌اس چگونه هست؟»

هواداران بی‌تی‌اس دو دسته‌اند. دسته اصلی که این تهمت‌ها رو باور نمی‌کنن و می‌دانند که این موارد کار دشمنان هست و دسته‌ی دوم گروهی هستند که هواداری‌شون به خاطر منفی است که این گروه برای آن‌ها دارد.

- مثلاً چه منفی برای آن‌ها دارد؟

مثلاً کسی که لباس‌های مارک‌دار بی‌تی‌اس رو می‌فروشه، هواداریش اصلی نیست و فقط برای درآمدزایی هست، یعنی تا سود هست، هواداریش رو ادامه می‌ده و یا هوادارنمایی که یه فن‌پیچ در مورد گروه بی‌تی‌اس داره، اگر بدانه با گذاشتن این عکس‌های جنجالی بر تعداد فالورهایش اضافه می‌شه، تا دلت بخواد عکس‌های مثبت هیجده از آیدول‌ها فتوشاپ می‌کنن و در فن‌پیچ‌شون می‌ذارن. این‌ها طرفدار واقعی بی‌تی‌اس نیستن و فقط طرفداری‌شون به خاطر مقدار درآمدی هست که از معروفیت این گروه به دست میارن و یا ممکنه اصلاً دشمن بی‌تی‌اس باشند و بخوان گروه رو خدشه‌دار کنند.

- هواداران اصلی برای رفع اتهام از آیدول‌ها چه کار می‌کنند؟

بعضی‌هاشون مثل خود من فن‌پیچ‌هایی دارن که با شناساندن چهره واقعی آیدول‌ها به مردم و هواداران از آن‌ها رفع اتهام می‌کنند و از کارهای خیری که گروه بی‌تی‌اس انجام می‌ده، مثل مدرسه

ساختن، بیمارستان ساختن و کمک به پناهندگان و نیازمندان و بی‌سرپرستان و بیماران خاص، شخصیت مهربان آن‌ها رو به همه معرفی می‌کنند و از شعارها و پیام‌هاشون در فن‌پیج‌ها استوری می‌گذارن.

- شایعه همجنس‌گرایی بی‌تی‌اس چه تأثیری روی هواداران دارد؟

تأثیر خیلی بدی روی هواداران دارد. هواداران اصلی که به این شایعه باور ندارند و محکومش می‌کنن، ولی بقیه هواداران و ورودی‌های تازه باور می‌کنن و خیلی داغون می‌شن و خانواده‌هاشون باهاشون درگیر می‌شن و سخت‌گیری می‌کنن و یه عده هم ممکنه دچار انواع انحراف‌های اخلاقی بشن و یه عده ممکنه که از هواداری منصرف بشن».

بنابراین با توجه به آن چه از آن یاد شد، در یک جمع‌بندی اجمالی می‌توان بیان داشت، مصاحبه با هواداران گروه بی‌تی‌اس، بیانگر این معنا است که اقشار قابل تأملی از آنان بعضاً در مرادوات و استدلال‌های خویش، مبتنی بر شناخت دقیق عمل نکرده، به دلیل شکل‌گیری هیجانی رابطه‌شان با گروه و غرق شدن در شورآفرینی اجراهای آن، بعضاً دچار خطاهای شناختی جدی می‌گردند و این خطاها می‌توانند روابط اجتماعی و فراتر از آن سبک زندگی و نظام ارزشی آنان را تحت تأثیر خود قرار دهند.

۲-۱۸- بروز برخی از اختلال‌های روانی

هوادران مصاحبه شده در جریان مباحث‌شان، گاهی به ارایه شواهدی پرداخته‌اند که از این موارد می‌توان با عنوان بروز برخی از اختلال‌های روانی در اثر هواداری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس یاد کرد.

اضطراب، درگیری ذهنی، احساس حسرت و تحقیرشدگی، سرخوردگی، حسادت، افسردگی، عصبی شدن، بدشکلی بدنی و از خود بیگانگی، برخی از اختلال‌های گزارش شده توسط جمعیت تحقیق هستند که در ادامه به اجمال به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

- اضطراب

در سنت کی‌پاپ شروع فعالیت آیدول‌ها از سنین خیلی پایین، مورد پذیرش قرار گرفته است، اما از آنجا که طبق اصل اشباع در روان‌شناسی، ارایه یک محرک دایم، در نهایت به اشباع مخاطب می‌انجامد، ضرورت جابه‌جاسازی گروه‌های کی‌پاپ نیز برای کمپانی‌های فعال در این عرصه احساس می‌شود و بهترین دوره تغییر گروه‌ها و کنار نهادن یک نسل به نفع نسل دیگر، سربازی رفتن مردان ذی‌نقش در گروه‌های کی‌پاپ است، زیرا در کره جنوبی مردان تا ۳۰ سالگی فرصت رفتن به سربازی را دارند، و اعضای (مسن) یک گروه مشهور با رفتن به سربازی، در عمل به تدریج از اذهان هواداران (که نسبت به آن‌ها، به نوعی به حالت اشباع نیز رسیده‌اند) پاک می‌شوند.

اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۱۸۷

بررسی شواهد آرایه شده در زمینه اضطراب در مورد اعضای گروه بی‌تی‌اس، به دو زیر مجموعه اضطراب به دلیل فشار بیش از حد کمپانی به آیدول‌ها و اضطراب اضمحلال گروه بی‌تی‌اس و جایگزین کردن گروهی دیگر به جای آن‌ها باز می‌گردد.

نگین ۱۳ ساله، در مصاحبه خود با اشاره به کم توجهی کمپانی به سلامت جسمانی آیدول‌ها، در این زمینه اظهار نگرانی می‌کند:

«- این تفاوتی که در پشت صحنه مشاهده می‌کنید چه افکار و احساساتی برای شما ایجاد می‌کند؟ ببینید می‌تونید بک استیج را توی یوتیوب یا پینترست سرچ کنید، کاملاً این طوری که بیش‌تر آیدول‌ها یک سری مریضی دارند که این مریضی‌ها اصلاً براشون خوب نیست، مثلاً یکی از اعضای بی‌تی‌اس دمای بالای بدن براش اصلاً خوب نیست، این طوری که می‌تونه کاملاً بکشدش و علی‌رغم این‌ها، باز هم می‌رقصه، طوری که رقص و ورزش دمای بدن را بالا می‌بره، می‌دونید شما اگر بک استیج را ببینید با ماسک اکسیژن دارن بهشون تنفس می‌رسونن و اصلاً حال‌شون خوب نیست این بیش‌تر قلب ماها را اذیت می‌کنه و فشار میاره بهمون.»



مسعود ۲۰ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، با اشاره به احتمال جایگزین کردن آیدول‌های جدید به جای آیدول‌های فعلی گروه بی‌تی‌اس توسط کمپانی، از اضطراب خود در این زمینه یاد کرده است:

«- به نظرت کمپانی به فکر جایگزینی برای آیدول‌های جدید به جای آیدول‌های فعلی نیست؟ صد در صد هست و در حال آموزش نوجوان‌های زیادی برای جایگزینی آیدول‌ها هست. چون آیدول‌های فعلی در حال حاضر ستاره هستند و گذشت زمان و کهولت سن از جذابیت آن‌ها کم می‌کند

و به زمانی مثل بقیه آرتیست‌ها و سلبریتی‌ها تکراری می‌شن و این باعث می‌شه هواداران از ادامه هواداری منصرف بشن.

- به نظرت هواداران با این جایگزینی مشکلی ندارند؟

هواداران ناراحت می‌شن، چون همه‌شون آیدول‌ها رو دوست دارند. آیدول‌ها لباس کهنه نیستند که بعد از مدتی دور انداخته بشن، از نظر روحی و روانی افسرده می‌شن.»
نگین ۱۳ ساله نیز در مصاحبه‌اش، اضطراب خود در مورد احتمال انحلال گروه بی‌تی‌اس یاد کرده است:

«- شما از چه چیزی الهام می‌گیری و به چه صورت در زندگی خودت به کار می‌بری؟

راستش را بگم من واقعاً نمی‌تونم به همچین چیزی فکر کنم، ناخودآگاه یک‌دفعه گریه‌ام می‌گیره.

- چی می‌شه یعنی؟

این که بالاخره یک روزی این‌ها نیستن، یک روزی که الان تو کره قانون اینه که تا ۳۰ سالگی باید دیگه سربازی را رفته باشین و الان یکی از اعضاء ۳۰ سالشه و تایم اینه که بره سربازی و بعد ازدواجش را بکنه. ما مشکل مون این نیست که می‌خوان برن ازدواج کنن یا می‌خوان برن هر کاری بکنن. زندگی‌شون دست خودشونه، ولی این که یک روزی دیگه این گروه وجود نداره خیلی غمگینه و من همه‌اش وحشت دارم از اون روز (با لحن غمگین و مضطرب در این مورد صحبت می‌کند).»

نگین در فراز دیگری از صحبت‌هایش، خاطرنشان می‌سازد، او و دوستانش سعی می‌کنند با صرف وقت گاه ۲۴ ساعته برای تبلیغ پسران بی‌تی‌اس، در عمل به افزایش هواداران کمک کنند تا شاید این مسأله مانع از انحلال محتمل گروه بی‌تی‌اس توسط کمپانی بیگ‌هیت شود:

«- چه چیزی باعث می‌شود به اخبار گروه بی‌تی‌اس علاقه‌مند باشید؟

ما همه آرمی‌ها دوست‌هایی داریم که خیلی از ما کنجکاوتر هستن، کسانی که ۲۴ ساعته دارن این‌ها را دنبال می‌کنن و اخبار جدید را به ما می‌رساند و ما هم اگه کنجکاو باشیم، می‌ریم راجع بهش تحقیق می‌کنیم.

- کسی که کنجکاوتر است چند ساعت در روز وقت می‌گذارد؟

تو تابستان که این‌ها ۲۴ ساعت آنلاین هستن.

- در مورد این مسأله خود یک آرمی تصمیم می‌گیرد؟

بله خود یک آرمی، من خودم یکی از این آرمی‌های خیلی کنجکاو را دارم. شما برین تو توییت‌ها، اینستاگرام این‌ها یک پیجی دارن، یک اکانتی دارن تو همه اپلیکیشن‌ها، حتی یوتیوب که می‌رن همه جا ۲۴ ساعته هستن اخبارها را در بیارین بذارن، من با دوستانم تو واتساپ گروه داریم خبرا را هر کی زودتر دید می‌فرسته، چون همسن‌های ما هم جزء این‌ها هستن ما می‌گیریم ۸ ساعت مدرسه یک

اثرهای روانی هواداری از گروه بی تی اس / ۱۸۹

ساعت هم تا خانه در راه، ۱۰ ساعت این جوری، در طول روز شاید فقط ۲، ۳ ساعت درس بخونن، می شه ۱۳ به جز خواب که بعضیا مثل دوست من خیلی کم می خوانن، می چرخیم تو این جور جاها.
- چه کار می کنید؟

اطلاع کسب می کنیم، تلاش می کنیم جمعیت آرمی ها را زیاد کنیم.



- چه پیغامی در زیاد شدن جمعیت آرمی ها وجود دارد؟

احتمال دیس بند شدن شون کم تر می شه.

- مشغله ذهنی زیادی با دیس بند شدن گروه داری؟

هممون همین طوری شدیم.

- مضطرب شدید؟

بله، مثلاً من می گم ۶ سال دیگه شاید به نظر شما خیلی بیاد، ولی ما هر طوری که حساب می کنیم

می بینیم انگار ما همین دو روز پیش ۱۰، ۱۱ سالمون بود و الآن ۱۳، ۱۴، ۱۵ سالمونه و می گیم این ۶

سال هم همین طوری سریع می گذره و دیگه دیر می شه.

- دیر می شه یعنی چی؟

دیر می شه برای تلاش کردن این برای ما انگار وظیفه مون که تعداد آرمی ها را زیاد کنیم که دیس بند

نشه، وظیفه خودمون می دونیم این را.

- یک چیزی مثل مرگ و زندگی (لحن و حالت کلام نگین کاملاً این حس را به من منتقل می کرد).

دقیقاً».

– درگیری ذهنی

در مواقعی که افراد، با یک مقوله عاطفی به شکل جدی مواجه شده و تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند، درگیری عاطفی آنان، موجد درگیری ذهنی نیز برای آنان هست.

بررسی مصاحبه‌های انجام شده در سطح هواداران گروه بی‌تی‌اس، حکایت از آن دارد که موارد مختلفی نظیر فهم درست پیام‌های گروه بی‌تی‌اس در آهنگ‌هایش، تولید محتوا برای گروه، درگیری ذهنی در مورد رقابت‌های گروه با دیگر گروه‌های کی‌پاپ، رقابت در جشنواره‌های جهانی موسیقی، کاربری احتمالی محتوای هرزه‌نگار در مورد آیدول‌ها و درگیری ذهنی در این جهت، از جمله دلایلی هستند که هواداران را دچار درگیری ذهنی می‌سازند.

درگیری‌های ذهنی هواداران را از منظری می‌توان به دو دسته، درگیری‌های ذهنی سالم و پویا و درگیری‌های ذهنی ناسالم تقسیم کرد. در درگیری‌های ذهنی سالم، هواداران ممکن است به فرضیه-پردازی در مورد مفاهیم پنهان مطرح شده در آهنگ‌های بی‌تی‌اس و یا ربط مفاهیم فلسفی و روان-شناختی پیشین با مفاهیم مطرح شده فعلی در آهنگ جدید و مانند آن بپردازند. ریحانه ۱۷ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، با اشاره به همین معنا می‌گوید:

«– یعنی پسرا در موسیقی خودشون مفهوم خاصی رو می‌خوان برسونن؟»

کلاً هر کدام از موزیک‌ویدیوها پشت‌شون کلی تئوری و فلانه. هر چیزی اونجا استفاده شده و هر اکسسوری‌ای، یه معنی‌ای قطعاً این وسط هست که خب حالا بعضی از آرمیا یه سری دیدگاه خاص خودشون رو دارن، یعنی تئوریا خیلی متفاوته، مثلاً توی موزیک فیلم آوت می‌گن که بچه‌ها توی دنیای موازی ان و جین داره کاری می‌کنه و حالا داره دنبال‌شون می‌گرده و اینا، ولی کلاً هر چیزی پشتش یه مفهومی داره و شاید ما درست نفهمیم و فقط یه حدسایی می‌زنن».



اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۱۹۱

در درگیری‌های ذهنی ناسالم، افراد ممکن است اولاً با هر بهانه‌ای متوجه گروه و حواشی آن شوند و ثانیاً درگیری‌های ذهنی پدید آمده، به اتلاف وقت فرد انجامیده و یا حتی فراتر از آن، به توقف ذهنی وی بینجامد.

ترنم ۱۸ ساله و الناز ۱۲ ساله، مصادیقی از درگیری ذهنی که توام با اتلاف وقت گسترده است و درگیری ذهنی که به توقف فعالیت ذهنی فرد می‌انجامد را به معرض دید نهاده اند:

«- در روز چند ساعت از وقتت رو صرف بی‌تی‌اس و اخبار و موزیک و پیچ خودت می‌کنی؟ والا من تقریباً هر لحظه روزم با آهنگ می‌گذره، نه تنها بی‌تی‌اس‌ها، بلکه آهنگ‌های دیگه رو هم گوش می‌دم و می‌تونم بگم، بدون موسیقی زندگی برام مثل زندانه. پیچم را هم سعی دارم هر لحظه روز فعال استفاده کنم، یعنی از اون جایی که پیچم خبریه، همیشه باید پست و استوری بذارم، اما اگه اینجا موضوع فقط بی‌تی‌اس هست، هر لحظه تو فکرم هست، چه ساعتی چه برنامه‌ای دارن یا مثلاً شیر می‌خورم، به یاد جونگ‌کوک می‌افتم، دست و پا چلفتی می‌شن به یاد نامجون، یه تایم‌ها خیلی بامزه می‌شم به یاد جین، بعضی وقتا که احساس می‌کنم، یکی به کمک من احتیاج داره، به یاد جیهوپ، وقتایی هم که آدم‌ها باهام بد برخورد می‌کنن یا هم لازم می‌شه که از خودم دفاع کنم، شوگا، وقتایی که احساس می‌کنم روحم به آرامش احتیاج داره هم به یاد تهیونگ، وقت‌هایی هم که خیلی زیبا می‌شم، به یاد جیمین می‌افتم، حتی خیلی چیزهای دیگری هم هستن که اگر بخوام توضیح بدم تا فردا وقت می‌بره. در کل همه تایم زندگیم با فکر کردن به اونا می‌گذره. دست خودم نیست، وقتی چیزها و اتفاق‌هایی که برای اونا پیش اومدن رو هر روز تجربه می‌کنم، دایم بهشون فکر می‌کنم. فکر کردن به اونا روتین نرمال زندگی من شده و بدون اون‌ها روزهام نمی‌گذره».

«- تا حالا شده تو این مسیر بهت لطمه و صدمه ای وارد شه؟

آره، از نظر روانی آسیب دیدم نتونستم به درس‌هام برسم و از همین طریق بهم فشار میاد و یا مثلاً از اون ور باید درس بخونم و از اون ور دوست دارم یه نگاهی بندازم و بفهمم که توی بی‌تی‌اس چه خبر شده و کلاً دیگه نمی‌تونم به هیچ کدوم از کارام برسم.

- از نظر سلامت جسمانی چه طور تا حالا صدمه‌ای دیدی؟

بدنی نه زیاد، بیش‌تر همون روحی روانی که گفتم».

از آنجا که در سنت کی‌پاپ، تهیه تک‌صحنه یا داستان‌نویسی در مورد آیدول‌ها، امر جا افتاده‌ای هست و این مسأله مورد علاقه بسیاری از هواداران هم هست، برخی از هواداران گزارش داده اند، با مطالعه وان‌شات‌ها یا فن‌فیک‌های هرزه‌نگار که با محوریت بی‌تی‌اس ارایه شده اند، آنان با درگیری‌های ذهنی جدیدی در این جهت مواجه شده اند. نیکوی ۱۵ ساله، در همین ارتباط چنین بیان می‌داشت:

«- چه طور فن‌فیکشن‌ها برات جذابیتی نداره، در حالی که اکثر آرمی‌ها به شدت طرفدارش هستنند؟

به خاطر این که اکثرش حالت جنسی داره و خیلی اغراق‌آمیز و حتی خشونت‌آمیزه. حتی جدا از ژانرش، اون اوایل آرمی شدنم که فن‌فیک می‌خوندم، داشت دیدم رو تغییر می‌داد و روی روانم تأثیر می‌گذاشت، سر این که هر بار اون دو نفر رو کنار هم می‌دیدم، مسأله رابطه اونا توی ذهنم می‌اومد و دیدم تغییر می‌کرد نسبت به اون دو نفر و گاهی هم با خودم فکر می‌کردم، شاید واقعی باشه با این که می‌دونستم واقعی نیست و کمپانی نمی‌ذاره هیچ وقت این‌ها باهم قرار بذارن و اگر رابطه‌ای بود، قطعاً مخفی می‌موند. بنابراین از یه جایی به بعد دیگه فن‌فیکشن نخوندم، ولی دوستانم خیلی پیگیر بودن حتی استوری می‌ذاشتن که اگه فن‌فیک خوب می‌شناسید به ما بگید بریم بخونیم».

– احساس حسرت و تحقیر شدگی

«... هنوز دو ماه نشده، پدرم پول شهریه‌ام رو پرداخت کرده، حالا باید برای خرید تک تک کتاب‌هام پول بده. از بچگی دوست داشتم مستقل باشم. پول‌هام رو جمع می‌کردم تا چیزی که می‌خوام رو با پولای خودم بخرم، ولی دیگه از دبیرستان که شهریه مدرسه و کتاب‌های کنکور اضافه شد، احساس ضعف بیش‌تری کردم. الان هم واقعاً اعتماد به نفسم پایین اومده. کدوم یکی از اونا مثل من هستن؟ کدوم یکی پول توجیبی گرفتن. جین تازه می‌خواد بره سربازی ولی ببینید چه قدر سرمایه داره؟

– آیا حسرت می‌خوری که چرا جای اعضای بی‌تی‌اس نیستی؟

آره، حسرت می‌خورم که چرا مثل اون‌ها پولدار نیستم» (محسن، ۲۲ ساله).

هواداران گروه بی‌تی‌اس در مواجهه با آیدول‌های مورد علاقه خودشان، مستقیم و غیرمستقیم با برخی از ارزش‌هایی که آیدول‌ها در خودشان به نمایش می‌گذارند، روبرو می‌گردند. بالطبع از آنجا که فرهنگ کره با فرهنگ ایران متفاوت است، اخذ معیارهای فرهنگی کره و تلاش برای تعمیم آن‌ها در ایران بعضاً دشوار بوده، ممکن است هواداران (خاصه هواداران کم تجربه) را به سمت حسرت و تحقیرشدگی سوق دهد.

سارینای ۱۳ ساله، در مصاحبه‌اش، با اشاره به معنای اخیر بیان می‌داشت:

«– اگر بی‌تی‌اس یا آیدولی یه چیزی رو ترند بکنه دنبال این می‌ری که تو هم اون رو انجام بدی؟

آره توی لباس خیلی بیش‌تر پیش میاد، مثلاً شلوارک کوتاه خیلی دوست دارم و می‌خرم.

– توی استایل‌های بیرون از خونه هم شده که از آیدول‌های کی‌پاپ پیروی کنی؟

توی پوشش بیرون نه، نمی‌تونم، ولی تو جمع‌های دخترانه یا جمع‌هایی که خانم‌ها باشن آره.

– چرا نمی‌تونی بیرون از خونه از استایل آیدول‌ها پیروی کنی؟

چون خانواده‌ام اجازه نمی‌دن. خب هر خانواده مذهبی قطعاً نمی‌گذارن دخترشون اون جور بره

بیرون.

– این محدودیت‌هایی که از سمت خانواده‌ات و یا حتی از سمت جامعه وجود داره که باعث می‌شه

نتونی پوشش مورد علاقه‌ات رو استفاده کنی، چه احساسی بهت می‌ده؟

اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۱۹۳

احساس ناتوانی می‌کنم. وقتی نمی‌تونم در برابر اون چیزی که مال منه، از حق خودم دفاع کنم و بگم که این بدن مال منه، پس تنها من می‌تونم برایش تصمیم بگیرم یا نمی‌تونم طرز فکرهای اشتباه رو از بین ببرم، یه جور حس حقارت بهم دست می‌ده.

- این طرز فکرهای اشتباهی که نمی‌تونن اون‌ها رو از بین ببری مربوط به چه موضوعاتی هستن؟
این که حجاب من به همه مربوطه یا این که رفتار من به همه مربوطه کلاً چیزهای شخصی که چون من دخترم به همه مربوط می‌شه.

- چه چیزی باعث شده که به این نتیجه برسی که چون دختر هستی مسایل شخصی‌ات به همه مربوط می‌شه؟

مثلاً پسرهای فامیل ما بعضی اوقات با شلوارک می‌رن بیرون، ولی هیچ‌کس گیر نمی‌ده بهشون، ولی مثلاً من موهام بیرون باشه یا مانتو کوتاه بپوشم، بهم گیر می‌دن».

یکی از موارد عارضه‌زا در روابط آیدول‌ها و هواداران، تبلیغ برندهای غالباً بسیار گران توسط آیدول‌ها است که بالطبع بسیاری از هواداران بی‌تی‌اس، به استفاده از همان برند که آیدول محبوب‌شان از همان برند بر تن کرده و یا کاربری دارد، علاقه‌مند می‌شوند، اما به دلیل ضعف بنیه مالی خودشان، قادر به تهیه برندهای تبلیغ شده آیدول‌ها نیستند و این مسأله ممکن است به نوعی اسباب تحقیرشدگی فرد نزد خودش را فراهم آورد.

محمدرضای ۲۱ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از تجربه خودش در ارتباط اخیر یاد کرده است:

«- آلبوم یا کلاً وسایلی که خود آیدول‌ها استفاده می‌کنن یا مثلاً تبلیغ می‌کنن رو خریدی؟
من نه راستش تو این مورد من اصلاً حوصله‌اش رو ندارم، بعد هزینه کردن برای خرید اینا هم زیاده واقعاً، ولی خب دوستایی دارم که آره این کارا رو انجام می‌دن.

می‌دونن چیزایی که تبلیغ می‌کنن، واقعاً در سطح توان خرید خیلیم نیست، اصن یعنی چیزایی تبلیغ می‌کنن که همه‌شون برند ان، مثلاً یه لباسش شاید نزدیک ۱۴، ۱۵ تومن قیمتش باشه، بالای دو، سه هزار دلار قیمت هر کدوم از لباسایی هست که تبلیغ می‌کنن یا مثلاً یه کاپشن تبلیغ کرده بودن من دقیق یادمه به پول ما ۲۳ میلیون تومن بود یا یه کفش تبلیغ کرده بودن، اگه درست یادم باشه ورساچه بود، نمی‌دونم یا گوجی یا ورساچه بود، یکی از این دوتا قیمتش ۱۱۵ میلیون بود. خیلی چیزای دیگه هم هست که خب با این قیمتا تعداد خیلی کمی توان خریدش رو دارن».

- احساس سرخوردگی

نوجوانان و جوانان از سویی به دلیل تجربیات اندک اجتماعی خودشان و از سوی دیگر به سبب آرمان‌گرایی که بر ذهن آنان حاکم است، غالباً با منطق صفر و یک با مسایل فراروی‌شان برخورد می‌کنند.

از طرف دیگر از آنجا که پسران بی‌تی‌اس به سبب احترام زیادی که برای هواداران قایل بوده و خود را موظف به برخورد صمیمی با آنان می‌دانند و به همین ترتیب در عملکرد خود، رفتارهای نودوستانه و خیرخواهانه زیادی را به نمایش نهاده‌اند (نظیر پذیرفتن سفیری یونسکو، حمایت از آسیایی‌های مقیم امریکا در دیدار با رئیس‌جمهور وقت امریکا و مانند آن‌ها)، این مسأله سبب می‌شود که نوجوانان و جوانان در برخورد با گروه بی‌تی‌اس با منطق صفر و یک خودشان، گروه بی‌تی‌اس را در اعلی‌علیین تصور کنند و همه اندیشه‌های آرمانی خود را به نوعی در آن‌ها فرافکنی کرده، تصور کنند، آنان در تلاش برای تحقق و تسری همه خوبی‌ها بوده و به تحقق همه خوبی‌ها نایل خواهند آمد.

ریحانه ۱۷ ساله، در مصاحبه خود، نمونه‌ای از فرافکنی تمام آرمان‌ها و ایده‌آل‌ها در گروه بی‌تی‌اس را به نمایش می‌نهد:

«- شما از راه ادمین بودن کسب درآمدی هم داری؟»

نه خیررر، اولاً به نظرم تبادل تو گردن آدمه یه جورایی، با این که بستگی داره به بنر طرف و این‌ها، ولی یه جورایی تو گردن آدمه.

دوماً فعالیتت رو که انجام می‌دیم، به خاطر عشقیه که دریافت می‌کنیم از پسرا و می‌خواهیم منتقلش کنیم به بقیه و از یه طرفم بچه‌ها و بزرگ‌سال‌هایی که از سنین مختلف تو پیجمون ان. ایجاد اون حال خوب و حس خوبه زیادی برام مهمه و ارتباط گرفتن باهاشون توی این دنیایی که همه باهم دعوا دارن و دوستای واقعی کم پیدا می‌شه و اون عشقی رو که همیشه ازشون دریافت می‌کنم، بدون این که کار خاصی کرده باشم.

- منظورت چیه که روی گردنت هست؟

یعنی اگه مثلاً من بیام بگم ۲ کا جذب می‌کنید، بعد ۱۰۰ تا (فالور) گیرش بیاد، من چه جور از این پول استفاده کنم.

- عزیزم می‌شه از تأثیراتی که بی‌تی‌اس توی زندگی گذاشته بگی، مثلاً الگویی که ازشون توی رفتارت یا ظاهرته گرفته باشی؟

به نظرم اونا توی یه برهه‌ای که واقعاً نیازشون داشتیم، اومدن و شدن نور و امید زندگی مون و حتی توی روان‌شناسی هم هست دیگه، مد نظر داشتن یه فرد موفق که اون رو دوست داری، خیلی بهت کمک می‌کنه که بری جلو و مثل اون قوی بشی. گفتم که اونا همیشه بهمون عشق می‌دن، توی بدترین شرایط، به هر روشی که باشه، و این باعث شد که منم به بقیه عشق بدم و سعی کنم حال بقیه رو خوب کنم. فهمیدم خب اگر جایی شکست خوردم، زود خودم رو جمع کنم و ادامه بدم و تلاش کنم. یه چیز خیلی مهمم این وسط هست که اونا با این که بهترین امکانات رو دارن، یه جورایی بزرگ‌ترین بوی بند این سال‌ها هستن، ولی همیشه متواضع بودن شون و گرم و صمیمی برخورد کردن شون، کارای

اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۱۹۵

خیر و دوستانه‌شون رو همیشه نشون دادن، این که آرتیستم خودش رو اون قدر بالا نمی‌گیره و با بقیه صمیمیه، باعث می‌شه وقتی منم به یه جایی رسیدم، این جور می‌باشم».

اما وقتی هواداران در گذر زمان با مواردی خلاف تصورات اولیه خود مواجه می‌گردند، ممکن است به دلیل خطا یافتن ارزیابی‌های اولیه خویش، در خودشان احساس سرخوردگی را بیابند. نیکوی ۱۵ ساله، در نمونه‌ای در این جهت می‌گوید:

«- اگر آیدول مورد علاقه‌ات مرتکب خطایی بشه، آیا باز ازش حمایت و طرفداری می‌کنی؟
بین مثلاً سر اتفاقاتی که توی ایران افتاد، بی‌تی‌اس خیلی دیر واکنش نشون داد، اونم بیش‌تر نامجون. در حالی که هر اتفاقی توی کره می‌افته، آرمی‌ها سریع واسه حمایت از بی‌تی‌اس صداشون درمیاد، توقع می‌رفت بی‌تی‌اس خیلی زودتر و بیش‌تر از این حرف‌ها به ماجراهای ایران واکنش بده و حمایتش رو نشون بده. نامجون یه استوری گذاشت و واسه یه آرمی که توی ایران مرده بود، اسپرینگ دی^۱ (روز بهاری) رو خوند و ابراز ناراحتی کرد، ولی توقع من خیلی بیش‌تر از این حرف‌ها بود. البته این جور نیست که کلاً آدم طرفداریش رو قطع کنه، ولی یه کم دل‌سرد کننده هست بعضی کارها».



نرگس ۲۱ ساله نیز که در آرزوی رفتن به کره و درآمدن به عضویت گروه‌های کی‌پاپ بوده است، در مصاحبه خودش از بر باد رفتن آرزوها و سرخوردگی نهایی خودش به شرح زیر یاد کرده است:

«- وقتی که داشتی به این فکر می‌کردی که بری و به عنوان دنسر توی کی‌پاپ فعالیت کنی، از سختی‌ها و فشارهایی که روی آرتیستا می‌گذاشتن، خبر داشتی؟
نه قطعاً. بعدها فهمیدم که پدرشون در میاد.

- چه چیزهایی رو فهمیدی؟

رژیمای سخت می‌دن بهشون. محدودشون می‌کنن. خیلی از کارهایی رو که دوست دارن، نمی‌تونن انجام بدن. مجبور هستن هر چی بگن، گوش کنن. تمرینای خیلی خیلی سخن می‌ذارن برای دنسرای کی‌پاپ. من دقیق یادم نیست چیا بود که خوندم. مال خیلی وقت پیشه، ولی می‌دونم که وحشتناک بود.

بعد دنسرا چون مثل آرتیستا شناخته شده نیستن و طرفدار ندارن، خیلی راحت هرکاری بخوان باهاشون می‌کنن. بهشون تجاوز می‌کنن. ازشون سوءاستفاده می‌کنن. با قول این که اگر بهشون خدمت جنسی بدن، جایگاهشون پیشرفت می‌کنه، فریبشون می‌دن. یادمه یه داستان خوندم اون وقت از یکی از همین دنسرای کی‌پاپ، مال یه بند خیلی معروف بود. منتهی پسر بود. دختر نبود. خیلی آزارش داده بودن. این شرایط البته به مراتب برای دخترا بدتر و وحشتناک‌تره. تمریناشون سخت‌تره و خب بیش‌تر آسیب می‌بینن. چه جسمی چه جنسی چه روحی. خیلی سخته شرایطشون بعد که کلاً کارشون با دنسرا تموم می‌شه، مثل یه تیکه آشغال اونا رو دور می‌اندازن و دنسرا هم خیلی سودی نمی‌برن از این کارشون. بیش‌تر اون عشق به کاره که نگهشون می‌داره. خیلی سخته شرایط دنسرای کی‌پاپ. البته نه فقط کی‌پاپ کلاً همه جا».



فریبای ۴۶ ساله، در مصاحبه خودش بیان می‌دارد، وقتی دختر او عکس بدون آرایش یکی از آیدول‌ها را در لباس سربازی دید، به ذوقش برخورد و گفته است که نمی‌خواهد هیچ وقت این تصویر در ذهنش بماند، حال آن که تصویر بدون آرایش و بدون سفید شدن رنگ پوست (وایت واشینگ) آیدول (که از نژاد زرد هست)، به مراتب واقعی‌تر از تصاویر فتوشاپی و وایت واشینگ شده و توام با گوشواره و گردن بند آنان است:

«... چند وقت پیش بود که خبری رو شنیدم و خیلی شوکه شدم.

- چه خبری؟

مثل این که گفته بودن جین باید بره سربازی.

- خب، رفت؟

همین، به دخترم عکس جین رو، توی تلگرام نشون دادم ولی واکنش دخترم عجیب بود.

- چرا؟ چه طور واکنش نشان داد و عکس چه بود؟

اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۱۹۷

عکس سربازی جین بود و این که موهایش خیلی کوتاه شده بود و کاملاً ساده بود و انگار خورد تو ذوق بچهام. یه دفعه خیلی ناراحت شد و گفت نمی‌خوام این تصویر توی ذهنم بمونه. دوست ندارم این طوری بینمش.»



محسن ۲۲ ساله، با دیدن زندگی لاکچری اعضای بی‌تی‌اس و مقایسه آن با شرایط اقتصادی حداقلی که جامعه به وی تحمیل کرده است، نتیجه گرفته است که شعارهایی نظیر نتیجه‌بخشی سخت‌کوشی افراد که توسط بی‌تی‌اس داده می‌شود، بیش‌تر سنخ همان شعار را دارند تا واقعیات ملموس جامعه‌ای که وی در آن زندگی می‌کند:

«- زندگی خودت را با گروه بی‌تی‌اس مقایسه می‌کنی؟»

بله، خیلی مقایسه می‌کنم. با خیلی از افراد موفق دیگه هم مقایسه می‌کنم.

تولدای لاکچری اعضای گروه رو که می‌بینم، به خودم می‌گم دوتا آدم چرا باید این قدر باهم اختلاف طبقاتی داشته باشن.



– وقتی به این موارد فکر می‌کنی ناامید هم می‌شوی؟

راستش ناامید می‌شم، واسه یه لحظه هست. باور کنید دست از کار و مطالعه برمی‌دارم. می‌گم آخرش که چی. یه جایی می‌رسم به حرف اون دوستم. من که هیچ وقت نمی‌تونم توی این شرایط افتضاح با ماهی ۶-۷ تومن حقوق به جایی برسم، پس بذار سرسری بگیرم همه چیز رو حداقل کم‌تر فکر می‌کنم، کم‌تر اذیت می‌شم».



الناز ۱۲ ساله، از منظر دیگری در خطر سرخورده شدن قرار دارد. الناز به دلیل علاقه وافر به گروه بی‌تی‌اس شروع به یادگیری زبان کره‌ای کرده است که در گذر زمان، پس از آن که متوجه شود، یادگیری زبان دشوار کره‌ای در زندگی روزمره وی چندان راهگشا واقع نخواهد شد، سرخوردگی ناشی از اتلاف عمر، گریانش را خواهد گرفت:

«– تو دوست داری که کنسرت بی‌تی‌اس بری؟

آره و به خاطر همین دارم کره‌ای می‌خونم.

– یعنی تو به خاطر کنسرتی که معلوم نیست بتونی بری یا نه، داری زبان کره‌ای به این سختی رو

یاد می‌گیری؟

آره... .

– خوب یعنی فقط به خاطر همین مسأله داری زبان به این سختی رو یاد می‌گیری؟

البته این زبان اصلاً سخت نیست و زبان چینی هستش که خیلی سخت هست و این که بله، به خاطر

این‌ها دارم زبان به این قشنگی رو یاد می‌گیرم.

– خوب نقش بی‌تی‌اس در انگیزه یادگیری زبانت چیه؟

این که اگه زبان‌شون رو یاد بگیرم، می‌تونم باهاشون صحبت کنم».

– **حسادت**

هواداران گروه بی‌تی‌اس در جریان عشق ورزیدن به آیدول‌ها، با دقایق زیادی از رفتارها و عملکرد آنان

آشنا می‌شوند.

اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۱۹۹

برخی از رفتارهای اعضای گروه ملهم از ارزش‌های حاکم بر جامعه سرمایه‌داری و لائیک کره، ارزش‌هایی است که در جامعه نسبتاً دینی ایران پذیرفته نیست، از این رو ممکن است، برخی از طرفداران با مشاهده رفتارهای خاص در پسران بی‌تی‌اس (نظیر رنگ کردن موها، کاربری از رژلب، استفاده از گوشواره و زیورآلات)، مایل به انجام رفتار مشابه شوند که به لحاظ تفاوت فرهنگی این امر دشوار بوده، ممکن است هوادار در حسرت رفتارهایی که در جامعه وی مجاز شمرده نمی‌شود، باقی بماند.

در موارد دیگری پسران بی‌تی‌اس، با وجود سردادن شعارهای زیبا، اما در عمل به نمایش اوج مصرف و رفاه ممکن در زندگی روزمره خودشان می‌پردازند که باز برخی از هواداران با مقایسه شرایط خود با اعضای گروه بی‌تی‌اس، احساس حسادت کرده و حسادت گریبان‌شان را می‌گیرد. محسن ۲۲ ساله، در مصاحبه‌اش مصداقی از تفاوت‌های فرهنگی که به حسرت وی انجامیده است را بیان داشته است:

«دوستم حمید این اواخر این طوری شده که رژ می‌زنه، قبلاً این جور نبود، بهش می‌گم چرا موهات رو رنگ می‌کنی، مگه رنگ خودش چه ایرادی داشت یا چرا رژ می‌زنی، می‌گه خوشگل می‌شم. می‌گم پسر که نباید رژ بزنه، می‌چسبونه به امل بودن و این که ایرانیا امل بودن قبلاً، کره‌ای‌ها رو نگاه کن. آدم حال می‌کنه تیپ و قیافه بی‌تی‌اسی‌ها رو می‌بینه. می‌گه کاش یه جای دیگه به دنیا می‌اومدم جز ایران. خیلی به کره‌ای‌ها و بی‌تی‌اسی‌ها حسادت می‌کنه. من چی بگم دیگه».



ریحانه ۱۵ ساله، مه‌لقای ۱۹ ساله و شیرین ۲۲ ساله هم با اشاره به تفاوت زندگی خودشان با آیدول‌ها، از حسرت‌های درونی خویش سخن گفته‌اند:

«- در مورد بی‌تی‌اس و بلک‌پینک دوستان تو هم همین نظر رو دارن؟»

فکر می‌کنم آره، همون طور که گفتم کلاً دخترا. بعضی دخترا حتی به بلک‌پینک حسادت می‌کنن و ازشون بدشون میاد. مثل دوستم مهسا.

- منظورت چیه حسادت می‌کنند؟

چون خوشگل ان، پولدار ان، مانکن ان، مهسا هم دوست داره مثل شون باشه، ولی نمی‌تونه، به خاطر همین انگار حسادت می‌کنه. مثلاً بلک پینک خیلی پولدار هستن و تفریحات لاکچری ای دارن، خریداشون رو نشون می‌دن و کلاً لاکچری زندگی می‌کنن دخترا هم بهشون حسودی می‌کنن. حتی یه بار مهسا یه دامن خریده بود، شبیه دامن لیسا. تپل هم هست و اصلاً دامن بهش نمیاد و مثل اونا نمی‌شه، واسه همین ناراحت می‌شه اگه بهش بگیم.

- یعنی چون دوستت مثل بلک‌پینک امکانات و پول نداره، بهشون حسادت می‌کنه؟
آره، چون نمی‌تونه مثل اونا بیوشه و بگرده.

- خوب به نظرت این برخورد و روش درسته؟

حسادت که در کل خوب نیست، مامانم می‌گه آدم باید خودش رو با خودش همیشه مقایسه کنه، اما خب به نظرم خیلی از دخترا این حسادت رو تجربه می‌کنن و دست خودشون نیست. مهسا هم همین طور.

- خوب مهسا با وجود این که بهشون حسادت می‌کنه لباس شبیه اونا رو هم خریده بود؟
دوست داره شبیه‌شون بشه و وقتی می‌بینه هر کار می‌کنه نمی‌تونه، ناامید می‌شه و بیش‌تر حسادت می‌کنه.

- تو چی تو هم دوست داری مثل شون باشی؟

آره همه دخترا دوست دارن، اما من مثل مهسا حسادت نمی‌کنم، حتی گفتم که بلک‌پینک رو هم دنبال می‌کنم گاهی، اما مهسا از حسادت زیادش الکی می‌گه ازشون بدش میاد. نمی‌تونه مثل شون باشه، این جور می‌گه».

«- تو اون زمان تعصبی نبودی؟»

زمانی که کی‌پاپر بودم، فکر می‌کردم نیستم، ولی بودم. هنوزم آثارش هست توم.

- خوب می‌شه بگی چه جور می‌بودی.

اگه کسی ازشون خوشش نمی‌اومد، گارد می‌گرفتم و می‌خواستم بهشون ثابت کنم که گروه من خوبه.



اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۲۰۱

– دقیقاً یادت نیست که چرا و چه فکری به ذهنت می‌رسید که ناراحت می‌شدی؟ فکر می‌کنم یکیش حسودیه طبیعتاً، آره مطمئنم یکیش حسودیه، یکیش هم حس مالکیتیه که تو روی این آدم‌داری، منتها حسودیه رو نمی‌تونستم کنترل کنم، اما مالکیته رو می‌تونستم کنترل کنم و این طوری باشم که ببین این زندگی خودشه و تو مالک این آدم نیستی و اصلاً این حتی تو رو نمی‌شناسه و این که امم، اون آزاده که هر کاری تو زندگیش بکنه و با هر کسی که دوست داره، باشه. پس هیچی، اما یه حسودی دیگه این بود که چرا من نباید جای این آدم باشم، خوش به حال این آدم که توسط کسی که من این قدر دوست دارم، دوست داشته شده، کسی که این قدر آدم خوبیه، کسی که این قدر ویژگی‌های خوبی داره، کسی که این قدر خفن و موفقه، کسی که این قدر جذاب و قشنگه و همه این مسایل».

«– این جشن تولدها چه تأثیر منفی روی هواداران می‌تونه داشته باشه؟»

این جشن تولدهای میلیاردری آیدول‌ها حس حسادت جوان‌ها رو شعله ور می‌کند. این جشن‌ها تفاوت‌ها رو بیش‌تر نشان می‌ده و تناقض داره با شعار برابری انسان‌ها که توسط خود بی‌تی‌اس داده می‌شه. اگر انسان‌ها برابرند، چرا جشن تولد آیدول‌ها میلیاردری هست و بعضی‌ها حتی نمی‌تونند جشن خانوادگی رو تدارک ببینند.

– این همه تناقض شعارها و پیام‌های آیدول‌ها با رفتار و عمل واقعی آن‌ها زنگ هشدار برای آگاه شدن هواداران نیست؟

(خیلی مکث می‌کند و متفکرانه جواب می‌دهد) حقیقت من بارها هست پی به تفاوت شعارهاشون با عملکرد و رفتارهای آیدول‌ها برده‌ام و اگر همه رو از چشم کمپانی ببینیم، نابخردانه است. مثلاً این که شعار برابری انسان‌ها رو می‌زنند ولی جشن تولدهای میلیاردری می‌گیرند. بعید می‌دانم که خود آیدول‌ها هم از این جشن تولدها خوش شون نیاد و ته دل شون راضی نباشن.

– اعضای بی‌تی‌اس هفت نفرند، یعنی هفت بار جشن تولد مجلل در یک سال برای کمپانی کمرشکن نیست؟

اوه، خیلی هزینه‌بر هست. کمپانی برای هر کدام از آیدول‌ها هزینه تولد حساب کنه، به مقدار بدهکاری اون آیدول اضافه می‌شود و همین‌طور خرج و هزینه‌های اضافی رو به مقدار بدهی آیدول‌ها اضافه می‌کند تا سال‌ها بتواند اون‌ها رو نگه دارد و به بهانه تصفیه حساب از آن‌ها سوءاستفاده بکند. آیدول‌ها معروفیت رو به بهای سال‌ها بدهکاربودن به کمپانی خریده‌اند».

– افسردگی

با بررسی آرای ارایه شده هواداران گروه بی‌تی‌اس، مشخص می‌شود که برخی از هواداران به دلایل مختلف، افسردگی را تجربه کرده‌اند.

یکی از عمده‌ترین دلایل افسردگی هواداران گروه بی‌تی‌اس، ملاحظه فشارهای متعدد کمپانی بر روی آیدول‌ها است. هوادارانی که به الگوهای مورد علاقه‌شان عشق می‌ورزند، در مواجهه با فشارهایی که کمپانی به آنان وارد می‌کند، متألم شده، تألم خویش را در این ارتباط اعلان داشته‌اند. شادی ۱۵ ساله و شیرین ۲۲ ساله، در مصاحبه‌های خویش از افسردگی‌شان که با مشاهده مشکلات فراروی آیدول‌ها گریبان‌گیر آنان شده است، به قرار زیر یاد کرده‌اند:

«- کمپانی از لحاظ روحی به آیدول‌ها توجه می‌کند؟»

نه، بیش‌تر توجهش ظاهری هست که قشنگ و شیک باشه و جذاب، یه سری شون افسردگی دارن، فنای نزدیک بهشون هم می‌گن افسردگی شدید دارن بعضیاشون و خب به خاطر شرایط محیطی هست به نظرم، یعنی فشارهای زیاد کمپانی روشن از لحاظ پوشش و رفتار و حرکت و گرایش جنسی.

- طرفداران وابستگی زیادی به آیدول‌ها دارن؟

آره خب، وقتی تخیلات ازدواج و شوهر دارن از شون، طبعاً وابستگی زیادی هم دارن دیگه بهشون و بعد این که بعضی از طرفدارها شنیده بودن یه سری از آیدول‌ها افسردگی دارن، کلی ناراحت شدن و یه سریا گریه کردن سرش».



«- شیرین متفاوت بودن حالات آیدول‌ها با شعارها و پیام‌هاشون چه پیامدهای روانی روی هواداران داره؟»

باعث سردرگمی هواداران شده. شعارهاشون همه خوب و پر از روحیه و امید، اما فشاری که آیدول‌ها به خاطر استبداد کمپانی و تهمت‌هایی که از طرف دشمنان بهشون زده می‌شه رو تحمل می‌کنند، افسردگی و ناامیدی از سر و رویشان می‌باره و یه جورایی این افسردگی به هواداران هم منتقل می‌شه. - این افسردگی چه پیامدهای اخلاقی رو برای هواداران می‌تونه داشته باشه؟

هواداران به خاطر علاقه‌ای که به آیدول‌ها دارند، درک شون می‌کنند و می‌دانند آیدول‌ها تحت فشارهای زیادی هستند و دارند فقط به خاطر هواداران تحمل می‌کنند. برای همین هواداران از بار سنگین فشاری که روی آیدول‌های محبوب‌شون هست، خلق و خوشون تنگ می‌شه و ممکنه به خاطر

اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۲۰۳

این ناراحتی پرخاشگر و بد خلق بشن و یا حتی ممکنه افسرده بشن، چون کاری از دست‌شون برای آیدول‌ها برنمیاد».



عامل مهم دیگری که در افسردگی برخی از طرفداران گروه بی‌تی‌اس ذی‌نقش است، نشأت گرفته از مقایسه شرایط هواداران با شرایط زیست آیدول‌های بی‌تی‌اس است.

صبای ۱۶ ساله، احسان ۱۷ ساله و فریبای ۴۶ ساله، در مصاحبه‌های خویش به طرح مصادیقی از افسردگی ناشی از مقایسه تطبیقی شرایط هواداران و آیدول‌های مورد علاقه‌شان پرداخته‌اند:

«- سبک زندگی که گروه بی‌تی‌اس به اشتراک می‌گذاره، چه جوریه؟

بیش‌تر حالت مصرف‌گرا و لباسای زیاد و متنوع و هی رنگ مو عوض بشه و ایناست دیگه، هر دفعه رنگ مو تغییر می‌کنه و لباسا عوض می‌شه هی و اکسسوری جدید و ...

و این که هی می‌گن خودت رو دوست داشته باش و در واقع جسم هست منظور که خب خودشون خلاف این هستن و هی عوض می‌شن و متناقضه این حرف با عمل و این که خب برو بگرد و زندگی بکن و لذت ببر و اینا،

خودشونم که تبلیغ کشورشون رو این وسطا می‌کنن و یه جورایی زرنگ بازیه خب دیگه که جذب مهاجر بکنن. می‌رن می‌گردن و هی می‌گن واو چه قدر اینجا قشنگه و چه قدر هوا عالیه و چقد حال‌مون خوبه و آدم رو بیش‌تر می‌سوزونن (خنده) که خب تو می‌بینی این جوریه نیستی تو زندگیت و چقد بدبختی درمقایسه با اونا».

«- احسان می‌شه چند تأثیر منفی گروه بی‌تی‌اس رو بر قشر نوجوان هم بگی؟

یکی از تأثیرات منفیش اینه که به خاطر شهرت زیاد و معروفیت گروه در سطح جهانی و با گسترده‌تر شدن فضای مجازی و به اشتراک گذاشتن جزئیات زندگی آیدول‌ها، بسیاری از نوجوانان وقت و افکار خود را با زندگی این افراد و اخبار مربوط به آن‌ها درگیر کرده و از بسیاری از اهداف خود دور می‌مانند و یا حتی به دلیل نداشتن موقعیت آیدول‌ها، دچار افسردگی و ناامیدی می‌شوند».

«... دخترم خیلی فیلمای زندگی روزمره بی‌تی‌اس رو دوست داره و مدام می‌گه دوست داره جای اونا باشه.»

– گفته که چرا دوست داره جای آن‌ها باشد؟

می‌گه شادان، همیشه بهشون خوش می‌گذره، ولی من فکر می‌کنم زندگی پر زرق و برقی که نشون می‌دن، دخترم رو هوایی کرده. بخوام صاف و صادق باشم با شما، خودم هم نگاه می‌کنم، دلم می‌خواد جای اونا باشم.

– چرا؟

چیزی که از زندگی معمولی‌شون نشون می‌دن، خیلی بهتر از زندگی ما هست. نه دعوایی، نه جرّ و بحثی. همه‌اش شوخی و خنده و بگو بخند. آخه عجیبه که اونا توی سختی‌هاشون هم حال‌شون خوبه.»



برخی از هواداران دختر نیز که عشق آیدول‌ها را در دل دارند، با ملاحظه امکان‌ناپذیر بودن دسترسی آنان به آیدول مورد نظرشان یا با احساس احتمال گرایش آیدول مورد علاقه به دختری دیگر، عشق تخیلی خود را بر باد رفته دیده، افسردگی را تجربه می‌کنند.

– **عصبی شدن**

بعضی از هواداران در مصاحبه‌های خویش اذعان داشته‌اند که در جریان طرفداری از گروه بی‌تی‌اس، عصبی شدن را تجربه کرده‌اند.

اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۲۰۵

در شایع‌ترین حالات، عصبی شدن هواداران به ظلم کمپانی به آیدول‌ها و مقایسه امکانات رفاهی قلیل خودشان با امکانات رفاهی گسترده آیدول‌ها باز می‌گردد. اما در موارد بعد، عشق تخیلی دختران هوادار به آیدول‌ها و احساس رقیبانی که فراروی آن‌ها قرار دارند یا آینده نامعلوم عشق تخیلی آنان، اسباب ناراحت و عصبی شدن این دسته از هواداران را فراهم آورده است. مهديه ۲۰ ساله و ثنای ۱۶ ساله، در مصاحبه‌های خویش از عصبی شدن خود در جریان هواداری گروه بی‌تی‌اس به قرار زیر یاد کرده‌اند:

«- مهديه شده که انتقادی نسبت به کی‌پاپ و کی‌دراما داشته باشی یا یه کار منفی کرده باشی و به خودت بگی آهان این تأثیر کی‌پاپ و کی‌دراما هست؟
تأثیر منفی که مطمئناً می‌ذاره. اون قدر پیگیری مداوم که همه‌اش تأثیر مثبت نداره. مثلاً یکیش این که، اون کیفیتی که از زندگی‌هاشون نشون می‌دن، باعث می‌شه که آدم بشینه با خودش فکر کنه، وای چه قدر اون‌ها خوشبخت‌اند، چه قدر توی امکانات و رفاه زندگی می‌کنند. این باعث می‌شه یه حسرتی توی اون بیننده ایجاد کنه.

- مهديه این حسرتی که می‌گی برای تو هم به وجود اومده؟
آره، خب من تجربه خودم رو گفتم.

- به چی حسرت می‌خوردی و این حسرت توی زندگی چه تأثیری گذاشت؟
خب بیش‌تر به خاطر وضعیت مملکت مون حسرت می‌خوردم. می‌گفتم چرا اون‌ها باید این قدر تو رفاه و امکانات زندگی کنند و ما این قدر وضع مون بد باشه. چرا من نمی‌تونم جای اون‌ها باشم و اینا.
درباره تأثیر هم، خب باعث شده بود من کلاً ناامید بشم نسبت به همه چی. یعنی به خودم می‌گفتم، حالا من هر چی هم تلاش بکنم، با این امکانات محدود خب آخرش که چی؟! یا با این مردم بخیل آخرش چی می‌شه؟ همیشه به این فکر می‌کردم که کاش کمی از خصوصیت‌های خوب مردم کره رو ایرانی‌ها هم داشتند. مجموع این‌ها باعث شده بود که من پرخاشگر بشم. یعنی خودم نمی‌فهمیدم چرا این‌طوری شدم، ولی می‌فهمیدم پرخاشگر شدم. بعد که نشستم عمیق فکر کردم، دیدم دلیلش اینه که من خیلی حسرت می‌خورم و خیلی از نداشتن امکانات عصبی می‌شم. یعنی از این مقایسه عصبی می‌شدم».

«... خیلی دوست ندارم در مورد بی‌تی‌اس با دخترا حرف بزنم.

- چرا؟

جیمین^۱ رو خیلی دوست دارم، حتی بک‌گراند^۲ گوشیم هم عکس جیمین هست. تم^۳ گوشیم هم تم بی‌تی‌اسه. حسودی می‌کنم یه کم اگه کسی از فامیل مثلاً جیمین رو دوست داشته باشه. یه جورایی بدم میاد. دوست دارم آس باشم.



- اگر قرار باشد به جیمین یک نقش در زندگیت بدی، دوست داری این نقش چی باشه؟ مثل پدر، برادر و از این دست نقش‌ها.

دوست پسرم بهترین نقشی هست که بهش حتماً می‌دم.

- یعنی الان هم به عنوان یک دوست پسر به جیمین نگاه می‌کنی؟

نه، الان خب دوست پسرم نیست، ولی پیشنهاد بده رو هوا قبول می‌کنم (باخنده). من خیلی دوستش دارم، ولی برایش نقشی نمی‌تونم در نظر بگیرم، چون باید باشه و واقعاً اون نقش رو قبول کنه، اما توی ذهنم چرا بهش فکر کردم، نمی‌تونم انکارش کنم. موقع آهنگ گوش دادن که فکرهام خیلی زیاد می‌شه، نمی‌تونم جلوی این فکرها رو بگیرم.

- چه فکرهایی؟

همین که چه قدر دوستش دارم و گاهی اوقات حتی فکرم این هست که چرا من باید این قدر ذهنم درگیر جیمین باشه. می‌دونین خیلی درگیرشم و البته می‌دونم که چه قدر مسخره هست.

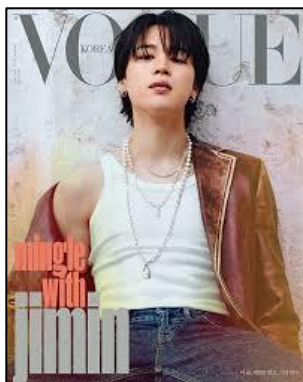
- این که دوست نداری کسی جز تو به جیمین ابراز علاقه کنه، ارتباطی با شدت علاقه‌ای که به

جیمین داری، داره؟

-
1. Jimin
 2. Background
 3. Theme

اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۲۰۷

بله، صد در صد. هم آس بودنم توی جمع و هم میزان علاقه خیلی خیلی زیادی که بهش دارم، باعث می‌شه نتونم تحمل کنم کسی جز من بگه به جیمین علاقه دارم. انگار ماله منه یا صاحبشم یه همچین چیزی».



- بدشکلی بدنی

مواجهه هواداران با آیدول‌هایی که شرط پذیرش اولیه آنان چهره زیبایشان بوده است و در ادامه در جریان تمرین‌های مدام ورزشی و حرف‌های خویش و تغذیه حساب شده و دقیق، به اندامی جذاب دست یافته‌اند، زیبایی فیزیکی قابل توجهی را به آیدول‌ها بخشیده است. مضاف بر این، جذابیت رنگ‌های متنوع مو، زیورآلات به کار گرفته شده، پوشیدن البسه برند و البسه طراحی شده توسط طراحان مد، جذابیت فزون‌تری را برای آیدول‌ها فراهم می‌آورد.

هواداران در برخورد با آیدول‌هایی که با توجه به شرایط پیش‌گفته، از جذابیت قابل توجهی برخوردارند، در بازگشت به خویش و مقایسه خود با آنان، در می‌یابند که از استانداردهای زیبایی آیدول‌ها دور هستند و اتخاذ تمهیداتی که اندام آنان را شبیه اندام آیدول‌ها کند (نظیر پیش گرفتن رژیم‌های غذایی سخت گیرانه) برای آنان بسیار دشوار می‌نماید. از این رو در یک جمع‌بندی ساده، شکست و به دنبال آن، بدشکلی بدنی خویش را نتیجه می‌گیرند، در حالی که اگر این افراد با آیدول‌ها سروکاری نداشتند، آستانه ادراکی آنان بالا نرفته بود و شاید هیچ‌گاه مسأله بدشکلی بدنی برای آنان مطرح نمی‌شد و از اندام خویش رضایت خاطر داشتند. اظهارات نرگس ۲۱ ساله و فرشته ۱۹ ساله، مصادیقی در همین جهت را به دست می‌دهند:

«- یعنی دلت می‌خواست بری کره؟»

قطعاً. من خب همیشه حتی قبل از این که سمت بی‌تی‌اس و کی‌پاپ برم عاشق کی‌دراما بودم و کره جزو کشورای مورد علاقه‌ام بود. خیلی دوستش داشتم. یادمه اون موقع که طرفدار بی‌تی‌اس شدم، همه‌اش پرس و جو می‌کردم و توی اینترنت اطلاعات درمی‌آوردن که چه جوری می‌شه به کره مهاجرت کرد. یکی از راه‌هاش درس و مهاجرت تحصیلی بود. ولی من چون درس خوندن رو دوست نداشتم، یه

راه دیگه رو کشف کردم. یکی از هم‌کلاسیام تو کلاس هیپ‌هاپم بهم گفت، تو که دنست خوبه و این قدر کره رو دوست داری، چرا نمی‌ری آزمون بدی؟ بهم گفت می‌تونی از خودت و دنست ویدیو بگیری و بفرستی برای کمپانی‌های موسیقی، بعد اگر اوکی بودی، بری برای آزمون حضوری و کارآموزی منم تا حالا به ذهنم نرسیده بود که همچین راهی هست. در موردش شنیده بودم، اما اون قدری اطلاعات نداشتیم. منم که خب آرزوم بود برم دنسر بشم. یه بار یه ویدیو از دنسم ضبط کردم و درخواست دادم که اگر امکانش هست، نگاه کنن تا شاید بتونم آزمون اصلی رو بدم. خیلی هم دنس خوبی رفتم، اما خب اون قدرم راحت نیست که تا ویدیو بفرستی جوابت رو بدن. یادم نیست دقیقاً برای کجا فرستادم. ولی خب جوابی هم نگرفتم ازشون و یه جورایی ناامید شدم. بعد با خودم فکر کردم، حتماً به خاطر این که قیافه‌ام شبیه به آیدولای دختر و دنسرای دختر نیست یا خوشگل نیستم، جوابم رو ندادن. هیکلیم اوکی بود چون برای دنس باید هیکلت خوب باشه، ولی اون موقع این تصور که پوستم سبزه هست و قیافه‌ی خوشگلی ندارم، اذیتم کرد».



«یه مدت سردردای خیلی بدی می‌گرفتم به مدت چندساعت. سیستم هورمونی بدنم خیلی بهم ریخته بود و مجبور شدم برم دکتر. همونجا بهم گفت که اگر بخوام این طوری ادامه بدم، چه بلایی سرم میاد. می‌شه گفت از همونجا بود که کم‌کم فاصله گرفتم از کی‌پاپ.
- چرا؟

چون خب احساس می‌کردم آسیب دیدم به خاطرش. هر چی بیش‌تر تو فندوم بودم و محتوای مربوط به گروه‌ها رو می‌دیدم، بیش‌تر از خودم متنفر می‌شدم. فقط هم هیکلیم نبود، با صورتم مشکل پیدا کرده بودم. خیلی جدی تو فکر عمل بینی بودم. در حالی که می‌دونستم به ورزش کردنم آسیب می‌زنه. رفتم جلوتر متوجه شدم واقعاً ارزشش رو نداره».

– از خودبیگانگی

مفهوم بیگانگی از جمله مفاهیمی است که از دیرباز در متون دینی، فلسفی، اجتماعی و روان‌شناختی مورد توجه بوده است.

واژه بیگانگی در فرهنگ لغت آکسفورد، به معانی بیگانه شدن با دوستان، واگذار کردن، انتقال دادن و از خودبیگانه کردن آمده است.

در فرهنگ نامه‌های فارسی، واژه بیگانگی به معنای غریب و اجنبی بودن، ناآشنایی و ناشناس و نیز در مقابل خودی آمده است. همچنین مترادف فقدان عقل و منطق است، به گونه‌ای که به ابراز عجز در برابر شناخت واقعیات زندگی منجر می‌شود.

میشل^۱ معتقد است که موضوع‌های بیگانگی متعدد است. بیگانگی از خود^۲، بیگانگی از دیگران^۳ و بیگانگی از جامعه^۴ و نهادهای وابسته آن، همگی اشکالی از بیگانگی هستند (موسوی و حیدرپور، ۱۳۹۰). در بیگانگی از خود، فرد خودیت خویش را ترک کرده، به گونه‌ای رفتار می‌کند که مطلوب طبع دیگران واقع شود، ولی خود واقعی‌اش آن را قبول ندارد.

در بیگانگی از جامعه فرد از واقعیات فرهنگی- اجتماعی خودش جدا شده، آدمی به جای آن که مبتنی بر خواست جامعه خویش رفتار کند، مبتنی بر خواست جوامع غیرخودی رفتار می‌کند.

تینای ۱۹ ساله، در مصاحبه خود در عمل به طرح از خودبیگانه شدن دوستش پرداخته است:

«یکی از دوستای دیگه من هم هست که حالا خودش هم آرمیه. اون اتفاقاً خیلی از من بیش‌تر گوش می‌ده و استریم می‌زنه. چون که... نه استریم البته نمی‌زنه‌ها... ولی اون خیلی بیش‌تر از من گوش می‌ده. مثلاً من کم‌تر گوش می‌دم، حتی آهنگای بقیه رو. اون خیلی بیش‌تر تو این قضیه هست، بعد در حدی بود که مثلاً این اسپاتیفایش^۵ واسه آخر ۲۰۲۲، بهش گفته بود که تو جزو نیم درصد اول کسایی هستی که به بی‌تی‌اس گوش دادن. بعد خب خیلی چیز وحشتناکيه دیگه. بعد اون اسکرین شاتش رو به عنوان یکی از دستاوردهاش گرفته بود و اینا».

شقایق ۱۹ ساله نیز در مصاحبه‌اش در مورد مشابهی چنین نقل کرده است:

«– یعنی این افراد به لحاظ فرهنگی مغلوب اون‌ها شدن؟»

آره دیگه، زبون اون، استایل شون، حرفاشون، خنده‌شون شده فرهنگ اینا. مثلاً زبون خود طرف فارسیه، خب بعد میاد کل پیجش رو تغییر می‌ده به زبون اون، حتی عکس یکی دیگه رو می‌ذاره رو پروفایلش یا

1. Mitchell, J.

2. Self- alienation

3. other- alienation

4. Social- alienation

5. Spotify

افکت‌های کره‌ایا رو می‌ذاره رو صورتش که عین اونا بیفته بذاره پروفایل (تعجب). کپشن‌های پستاش رو کره‌ای می‌نویسه یه جوری که واقعاً حس می‌کنی طرف اون جاییه اصن (خنده)». مجموعه آنچه که افراد پیش گفته، در صدد انجام دادن آن‌ها برآمده اند، با برچسب اختلال روانی از خودبیگانگی قابل تبیین است، به این معنا که در اختلال از خود بیگانگی، فرد بدون توجه به عواطف و احساسات درونی خویش، تنها و تنها برای آن که در چشم دیگران جلوه‌گر شود، به روشی عمل می‌کند که این مسأله محقق شود.

۲-۱۹- بی‌هویتی جنسی



برخی از هواداران گروه بی‌تی‌اس هدف غایی کمپانی بیگ‌هیت را به لحاظ اقتصادی کسب سود و به لحاظ فرهنگی از بین بردن و جنسیت‌زدایی از پوشش، آرایش و عشق عنوان کرده اند. به این معنا که کمپانی بیگ‌هیت در کنار الزام کاربری آرایش‌های خاص زن‌ها برای ستاره‌ها و تأکید در جنسیت‌زدایی از پوشش در سطح ستاره‌ها، جنسیت‌زدایی از عشق را نیز در دستور کار ستاره‌های خویش قرار داده است و از آنان می‌خواهد که مثلاً گاهی با بوسیدن لب‌های یکدیگر در حین اجرا، شائبه هم‌جنس‌گرایی خود را بر سر زبان‌ها بیندازند و گاهی با ستایش از ستاره‌های زن، خود را متمایل به جنس مخالف نشان دهند.

الزام کمپانی در جهت بی‌هویتی کردن جنسیت مردانه توسط ستاره‌های بی‌تی‌اس، مقدمه مناسبی در جهت جا انداختن نظریه جنسیت‌زدایی از عشق به شمار می‌رود. به این معنا که ستاره‌ها با آرایش، پوشش و پیش گرفتن حرکات، سکنا و رفتارهایی که ظاهری تقریباً زنانه بدان‌ها می‌بخشد، در عمل در راستای تحکیم بیش از پیش از نظریه جنسیت‌زدایی از عشق گام برمی‌دارند.

عرفان ۲۱ ساله ضمن تأیید این که آیدول‌های بی‌تی‌اس هویت جنسی قطعی از خود نشان نمی‌دهند، بی‌هویتی سازی جنسی پسران بی‌تی‌اس را به نظام سرمایه‌داری مرتبط می‌سازد که به دنبال فرهنگ سازی برای دگرباشی جنسی است.

سمانه ۱۷ ساله نیز ضمن تأیید مشخص نبودن هویت جنسی پسران گروه بی‌تی‌اس، خاطرنشان می‌سازد که نمایش رفتارهای هم‌جنس‌گرا و دگر جنس‌گرا، الزام کمپانی به آیدول‌ها است که به این

اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۲۱۶

ترتیب گروه بی‌تی‌اس در جذب مخاطب، موفق‌تر عمل کند. شیرین ۲۲ ساله هم با تأیید ظواهر دخترانه پسران بی‌تی‌اس، علت این امر را متفاوت جلوه‌گر شدن گروه بی‌تی‌اس در مجموعه کی‌پاپ برمی‌شمرد.

«- عرفان چرا همه پسران گروه بی‌تی‌اس به دخترها شباهت دارن؟

گروه هفت نفره اعضاء بی‌تی‌اس ظاهراً مذکر هستند، اما فاقد هویت جنسی قطعی هستند. از قضا، این مسأله، یعنی هویت مرزی جنسی، یکی از محورهای شکل‌گیری پروژه بی‌تی‌اس هست. پسرانی جوان با اندام و پوشش و هییتی پسرانه، اما با چهره‌هایی به شدت ظریف و زنانه که استفاده از میکاپ و زیور آلات زنانه، تشخیص هویت جنسی آن‌ها رو دشوار کرده است.

هفت عضو گروه بی‌تی‌اس پسران دخترنما هستن که با آرایش و میکاپی که می‌کنن، تشخیص‌شون

سخته چه جنسیتی دارن.

کمپانی معمولاً آیدول‌ها رو از بین پسرانی انتخاب کرده که شبیه دخترن و یا با عمل‌های جراحی

پلاستیک اگر ابرادی داشتن رو تغییر دادن.



- چرا کمپانی این کارا رو می‌کنه؟

خود کمپانی زیر نظر یکی از برنامه‌های یک شبکه جهانی است که ستاد فرماندهی نظام لیبرال سرمایه‌داری را تشکیل می‌دهد. در سال‌های اخیر با اعمال نفوذ این شبکه قدرتمند، بحث دگرپاشی جنسی و هویت‌های جنسی رو فرهنگ‌سازی کرده. در دو، سه سال اخیر به واژه ال‌جی‌بی‌تی، کوئیر رو هم اضافه کردن. کوئیر به معنای اصلی عجیب و غریب و یا عوضی.

واژه‌ای است که به صورت کلی برای افرادی به کار می‌رود که هویت جنسی نامشخصی دارند و کوئیر در ادبیات جنسی که در سال‌های اخیر در رسانه‌های نظام لیبرال سرمایه‌داری جعل شده، به افرادی گفته می‌شود که از لحاظ شناسنامه‌ای و فیزیولوژیک مرد هستند، اما ظاهر و قیافه و آرایش آن‌ها زنانه است.

- چرا در کنسرت‌ها و ویدیوهای بی‌تی‌اس هیچ دختری نیست؟

چون به اختلال آمیختگی هویت جنسی و خود بسندگی جنسی رسیدن حتی در آهنگ عاشقانه‌ای به نام «به تو نیاز دارم دختر» که در آن خطاب به مخاطبی فرضی که به دختر باشد گفته می‌شود، عملاً هیچ دختری در این ویدیو وجود ندارد».



«- هویت‌های جنسی‌شون مشخصه؟»

خب ببین نه زیاد، چون اینا گفتم می‌خوان به همه احترام بذارن، در نتیجه نمیان بگن و حتی برای جذب کردن مخاطب بیشتر، میان رفتارای دگرجنسی هم نشون می‌دن بعضاً که بگن، مثلاً ما طرفدار اونا هم هستیم، یعنی خیلی هویت‌شون معلوم نیس از این لحاظ.»



«- خواننده‌های بی‌تی‌اس چه تفاوتی داشتند که شما آن‌ها را متفاوت دیدی؟»

تفاوت در ظاهر همه‌شون و جذاب بودن همه‌ی اعضای بی‌تی‌اس برای من جالب بود. همه‌شون ظاهری آراسته و آرایش کرده داشتند. هفت پسری که در ظاهر چهره‌هاشون شبیه دختران قشنگ و آرایش کرده بودند و با کلی استعداد رقص و خوانندگی باهم.»

احسان ۱۷ ساله، فارغ از تحلیل‌های عرفان، سمانه و شیرین، اقدام پسران بی‌تی‌اس در هویت‌زدایی جنسی را اقدامی مطلوب طبع جامعه زنان برمی‌شمرد، زیرا با کم رنگ شدن هویت مردانه، تبعیض جنسیتی موجود بین زن و مرد تضعیف شده و رنگ می‌بازد و به این ترتیب زنان از زیر بار سلطه مردان سلطه‌جو، خارج خواهند شد:

«- احسان این از بین بردن تفکیک جنسیتی چه انعکاسی روی هواداران داره؟»

این از بین بردن تفکیک جنسیتی بیش‌تر باعث خوشحالی دخترها و خانم‌ها شده. چون قبلاً و در سال‌های گذشته، همیشه مردها جنس برتر بودن و به خودشون اجازه می‌دادن در مسایل دخترها و زنان و خواهرهای خود اظهار نظر کنند و تصمیم گیرنده نهایی مردها بودن و تبعیض جنسیتی در سال‌های دورتر خیلی آشکار بوده، طوری که اگر قتلی اتفاق می‌افتاد یه دختر رو به عنوان خون‌بس به خانواده مقتول می‌دادن. بدون این که نظر دختر رو بخوان. هواداران مؤنث خیلی از این بابت خوشحالند و استقبال بیش‌تری از بی‌تی‌اس می‌کنند.

- عدم تفکیک جنسیتی چه تأثیری روی هواداران داره؟

دیگه با این شعار برابری زن و مرد، پسران هم مانند دخترها به خودشون اجازه می‌دن که آرایش کنند و گوشواره به گوش‌هاشون آویزون کنند و عمل‌های زیبایی صورت انجام بدن. برعکس، دخترها هم دوست دارن، لباس‌های پسرانه بپوشن و موهاشون رو کوتاه کنند و در اجتماع و ورزشگاه‌ها در کنار مردان بیش‌تر حضور داشته باشن».

هواداران مصاحبه شده، در توصیف ویژگی‌های هویت جدیدی که پسران بی‌تی‌اس در عمل به طرح آن پرداخته و در جهت تحکیم آن می‌کوشند، از مواردی مانند: چهره دخترانه، کاربری از طلاجات و زیور آلات (زنانه)، نیمه برهنگی‌های تحریک‌آمیز جنسی، برخورداری از ملایمت زنانه در اعمال، انجام رفتارهای پرناز و عشوه دخترانه، کاربری از آرایش، گریم و رنگ موی زنانه، کاربری از رنگ‌هایی که بیش‌تر توسط دختران مورد استفاده قرار می‌گیرند، برخورداری از صدای دخترانه و نظایر آن یاد کرده‌اند.

نگین ۱۳ ساله با اشاره به نقد اولیاء در مورد چهره دخترانه اعضای بی‌تی‌اس، تأکید می‌کند که برای نسل وی این مسایل مطرح نیست.

ثنای ۱۶ ساله که از کت و شلوار جیمین کپی‌برداری کرده و مشابه آن را برای خود سفارش می‌دهد، اصولاً قیافه جیمین را دخترانه می‌داند.

احسان ۱۷ ساله نیز در مصاحبه خود با تأکید این که چهره اعضای بی‌تی‌اس دخترانه است، از کاربری آنان از طلاجات و زیور آلاتی که بیش‌تر صبغه زنانه دارند، یاد کرده است.

«الآن کلاً از هر پدر و مادری که پیرسین، هر خواننده مردی را که ببینم می‌گن چرا این‌ها شبیه دخترها هستن، ولی به نظر من، مرد بودن به این نیست که طرف ریش داشته باشه، می‌تونه طرف خیلی تمیز باشه، مهربان باشه، کمک کنه به همه، این خودش یک نشانه مرد بودن هست، ولی مثلاً والدین الآن این جور هستن که می‌گن این پسر دخترنما چیه داری نگاه می‌کنی؟! این‌ها چی دارن که ازشون خوشتر میاد؟ اصلاً نمی‌دونن که این‌ها چون چند هزار نفر را نجات دادن، به چند هزار نفر کمک کردن که راهشون را پیدا کنن.

- فکر می‌کنی نحوه پوشش آیدول‌ها با کمکی که به افراد می‌کنند، چه ارتباطی دارد؟

اثرهای روانی هواداری از گروه بی تی اس / ۲۱۵

به نظرم ربطی نداره، ولی الان پدر و مادرها فکر می‌کنن، مردها حق ندارن آرایش کنن، در صورتی که کلاً نسل ما برای چیزی زن و مرد قابل نیست. اگر یک مرد را با پیراهن صورتی ببینه، می‌گه خوب دوست داره دیگه به ما چه اصلاً، ولی والدین می‌گن وا، یعنی چی، طرف مرده، برای چی باید پیراهن صورتی بپوشه».



- چرا به کت و شلوار علاقه‌مند شدی؟
- جیمین و دوستاش خیلی کت و شلوار تن شون می‌کنن.
- یعنی فقط به خاطر این که آن‌ها کت و شلوار می‌پوشند، دوست داری تو هم بپوشی؟
- جذاب و کیوت‌تر می‌شن، وقتی کت و شلوار تن می‌کنن.
- خوب آن‌ها جذاب و کیوت می‌شوند، تو چرا می‌خواهی بپوشی؟
- به نظرم مثل جیمین به من هم میاد کت و شلوار. یه تصویری توی ذهنم از کت و شلوار دارم.
- کت و شلوار مگر مردانه نیست؟
- نه کی گفته. اتفاقاً زنونه‌اش هم هست. تازه جیمین شبیه دختراست تا پسرا (باخنده) اون قدردم بهش میاد که نگو.





«- احسان این درسته که گروه بی‌تی‌اس اعتقاد داره بین زن و مرد هیچ تفاوتی نیست؟ بله، کاملاً معتقد به اصل برابری زن و مرد هستن. بعد خودشون هویت جنسی مشخصی ندارند. از نظر چهره و آرایش صورت مثل خانم‌ها هستند، ولی از نظر فیزیک بدنی مثل آقایان هستند و معتقد هستن همون طوری که دخترها آرایش می‌کنند و طلاجات به خودشون آویزان می‌کنند، پسرها هم می‌تونن و این تفکرشون باعث شده هواداران دختر و پسر زیادی داشته باشن.

- این عدم تفکیک جنسیتی چه تأثیری روی هواداران گذاشته؟
باعث شده که اکثر پسران هوادار به تقلید از آیدول‌ها آرایش کنند و مثل دخترها به خودشون زنجیر و طلاجات آویزان کنند و موهاشون رو رنگ کنند و در این میان هواداران دختر هم از آرایش‌شون تقلید می‌کنن، هم از پوشش و مد لباس‌هاشون».



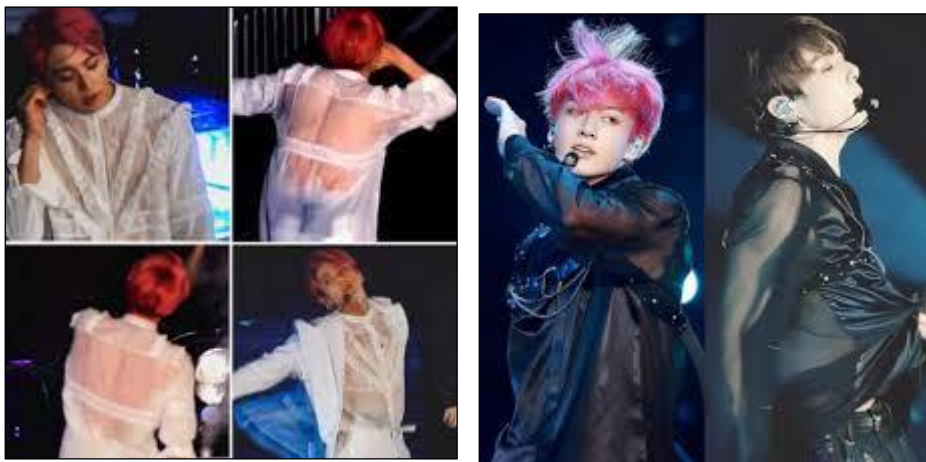
مسعود ۲۰ ساله و محسن ۲۲ ساله، با اشاره به بدن پسران بی‌تی‌اس (که همواره موهای آن تراشیده شده است)، بدن آیدول‌ها را به بدن دختران تشبیه کرده و خاطرنشان کرده اند که به همین دلیل، بدن

اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۲۱۷

نیمه برهنه پسران بی‌تی‌اس (برخلاف بدن نیمه برهنه مردان کشتی‌گیر)، تحریک جنسی مخاطبان مرد را به همراه داشته، به نوعی مشوق هم‌جنس‌گرایی برای آنان است:

«- چه تفاوتی بین پسران بی‌تی‌اس و ورزشکارها می‌بینی؟»

پسران گروه بی‌تی‌اس قشنگی شکل و قیافه و ظاهرشون همه مثل دخترها هس. مثلاً اگر یه پای لخت هر کدام از اعضاء رو کنار پای لخت یه دختر بذاری و روی بقیه بدن شون رو بیوشانی هیچ کس نمی‌تونه تشخیص بده کدام پا مال دختر و کدام پا مال پسرای بی‌تی‌اس هست. برای همینه وقتی پسران بی‌تی‌اس نیمه برهنه بیوشن، چون هیبت مردانه‌ای ندارند، دیدن بدن شون باعث لذت می‌شه و تهمت‌ها هس که بهشون می‌زنن، ولی مثلاً کشتی‌گیرها با این که نیمه برهنه هستن، این جور حسی رو در تماشاچیان خودشون چه زن و چه مرد، ایجاد نمی‌کنن.»



«- بی‌تی‌اس چه نقاط ضعفی دارد؟»

(بعد از حدود دو سه دقیقه فکر کردن) تو رو خدا این حرف رو می‌زنم برداشت بد نکنیدا.

- نه بدون قضاوت گوش می‌دهم، خیالت راحت باشد.

همجنس باز نیستم، اما بعضی وقتا که عکساشون رو می‌بینم تحریک می‌شم. عجیبه خب من پسری هستم که استریت هستم و گی نیستم، ولی این قدر آرایش می‌کنن و جذاب هستن که تحریک می‌شم.

- یعنی آرایش غلیظی دارن؟

غلیظ نه، به نظرم گریمورشون دقیقاً داره آرایش‌شون می‌کنه برای جذب پسرار. یه طوری آرایش می‌کنن که دقیقاً تو چشم من زیبا و جذاب به نظر برسن.

- این نقطه ضعف هست برای آن‌ها؟

دارن تحمیل می‌کنن همجنس بازی رو به منی که هوادارم.

- چه طور همجنس‌گرایی را به شما تحمیل می‌کنند؟

گفتم که یه طوری آرایش می‌کنن که یه پسر هم از آیدول‌ها خوشش میاد.
- مگر این که کسی از یک آیدول خوشش بیاید، یعنی آیدول برای او جذابیت جنسی دارد؟
خب جذابیت جنسی دارن واسه پسر.



- از کجا متوجه می‌شوی برای پسرها جذابیت جنسی دارند؟
با دوستانم صحبت کردم دیگه، اونام می‌گن که خوشگل ان.



اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۲۱۹

- یعنی دوستان تو به صراحت اعلام کردند که آیدول‌های بی‌تی‌اس برایشون جذابیت جنسی دارند؟
بله، دقیقاً، وقتی من با سه، چهارتا از دوستانم دور هم بودیم، اینا رو گفتن.

- چه چیزی دقیقاً برای شما و دوستانتان جذابیت جنسی دارد؟
رژ لبی که می‌زنن، لباسای تنگی که می‌پوشن، این که خیلی سفید هستن و سفید کننده هم استفاده می‌کنن. دیگه این که مدل موهاشون جذابه. حرف زدن‌شون توی چندتا ویدیو رو هم شنیدم، انصافاً صدای نازی دارن.

- یعنی به خاطر جذب مخاطب این طوری لباس می‌پوشند و آرایش می‌کنند؟
من که این طوری فکر می‌کنم.

- پس کجا ترویج همجنس بازی می‌کنند؟ این‌ها را که گفتی به خاطر جذب مخاطب هست. مگر تا
به حال مستقیم اعلام کردند که همجنس‌گرا هستند؟

نه چند دقیقه پیشم گفتم، در مورد سفید بودن که اینا خیلی چیزا رو مستقیم که نمی‌گن، ولی همین که من به یه پسر علاقه‌مند می‌شم و فانتزی‌هایی رو توی سرم تصور می‌کنم، همین تشویق به همجنس بازی‌ه! از نظر من که این طوریه. لازم نیست که حتماً یه بلندگو بردارن داد بزنن، ما همجنس بازی‌یم».





احسان ۱۷ ساله، با تأکید این که پسران گروه بی‌تی‌اس، به دلیل کاربری از آرایش و پوشش زنانه، هیبت مردانه خویش را از دست داده اند، آنان را ملایم‌تر و مهربان‌تر از دیگر مردان می‌داند و محسن ۲۲ ساله با تأیید این مسأله که اعضای گروه از رفتاری دخترانه برخوردارند، از ناز و عشوه دخترانه آیدول‌ها، در جریان اجرایشان یاد می‌کند:

«... عدم تفکیک جنسیتی در پوشش و لباس چه تأثیر اخلاقی روی هواداران گذاشته؟ چه بسا هواداران پسر قبلاً رفتارهای خشن داشتن، ولی با آرایش و پوشش‌های مشترک زنانه و مردانه انعطاف بیشتری به خرج می‌دهند و یا این طور به نظر می‌رسد. آرایش در پسران خواه ناخواه اون ابهت و هیبت مردانه‌شون رو کم رنگ‌تر می‌کنه و در ظاهر ملایم‌تر و مهربان‌تر به نظر می‌رسند.»

«... بی‌تی‌اس آهنگ‌هاشون ریتم باحالی داره، ولی به نظرم گروه یه کم زیادی دخترونه هست دیگه.»

– یعنی چه؟ اگر ممکن هست لطفاً چند مثال بزن تا من متوجه منظور شما بشوم؟

خیلی ناز و عشوه میان این رفتارها بیشتر به دخترها میاد تا پسر. پسر که نباید این قدر ناز و عشوه داشته باشه، اینا دخترونه ان، شایدم چون من تو خانواده‌ای بزرگ شدم که این چیزا رو از پسر بینن مسخره‌اش می‌کنن، این طوری فکر می‌کنم.

– دو مورد را لطفاً بیشتر توضیح بدهید. یکی این که لطفاً مثال‌های بیشتری از دخترونه بودن رفتارهای اعضای گروه بی‌تی‌اس ارایه بده. دوم هم این که در مورد خانواده‌ات و این که چرا این رفتارها را نمی‌پذیرند توضیح بدهید و در مورد آن هم مثال بزنید.

کارای دخترونه بی‌تی‌اس آرایش زیادشون هست که همین دوستم هم که گفتم، از این رژی بی‌رنگ می‌زنه، وای نمی‌تونم تصور کنم اگه روش می‌شد خاک تو سر (باخنده) رژ قرمز و بنفشه می‌زد، فکر می‌کنم اینا تأثیر بی‌تی‌اس هست روی دوستم. خودش هم به من گفته که برای قشنگی رژ می‌زنه.

اثرهای روانی هواداری از گروه بی تی اس / ۲۲۱

– از دوستت پرسیدی که آیا بی تی اس تأثیری بر رژ لب زدن او داشته یا خیر؟
بله پرسیدم. گفت که اونا می زنن خوشگل می شن و حتی گفت، اگه خجالت نمی کشیدم حتماً رژ
رنگی هم می زدم».

کاربری از رنگ های جیغ و رنگ هایی که بیش تر توسط دختران مورد استفاده قرار می گیرند، از دیگر
مواردی است که برخی از افراد مصاحبه شده، به تأکید آن پرداخته اند. محسن ۲۲ ساله، در همین رابطه
بیان می داشت:

«– باز هم رفتارهای دخترانه دیگری از بی تی اس دیده ای؟

رنگ مورد علاقه دارن همه شون، رنگای جیغ دوست دارن.

– همه ی آنها؟

نه دیگه همه شون، حتی فکر کنم یکی شون به مشکلی علاقه زیادی داره، ولی اکثرشون رنگای جیغ
رو دوست دارن.

– این بد هست؟

با این که یه پسر رنگ موی مورد علاقه داشته باشه، مشکل دارم، خیلی سوسول بازیه. این چیزا
دیگه خز شده.

– یعنی باعث کاهش علاقه تو به بی تی اس شده؟

آره واقعاً این چیزا علاقه ام به بی تی اس رو کم می کنه. خجالت می کشم بگم طرفدار بی تی اس هستم.

– اما یکی از آنها گفتی که به رنگ مشکلی علاقه دارد، چرا به اون علاقه نداری؟

مهم اکثریت هست. اکثرشون رفتارهای دخترانه دارن. همونم که رنگ مشکلی داره مطمئن هستم

که رفتار دخترانه داره».



ثناى ۱۶ ساله، صدای جیمین را دخترانه می‌داند و فریبای ۴۶ ساله هم با تأکید این که پسران بی‌تی‌اس زمختی صدای مردان را ندارند، گریم و رنگ موی آنان را نیز مردانه نمی‌داند:

«- از آهنگ‌های جیمین کدوم رو خیلی دوست داری؟»

کریسمس لاو رو عالی خونده. صدای دخترونه و مخملی جیمین عالیه.»

«- شما موافقید که دخترتان به حرف پدرش گوش نمی‌ده؟»

نه تو همه چیز، ولی اگر قرار بود آیدول‌های بی‌تی‌اس با حرف پدرشون عمل کنن، به اینجا نمی‌رسیدن.

- شما از کجا می‌دانید که پدر آیدول‌ها مشوق بودن یا مانع؟

حدس می‌زنم این طوری بوده باشن. آقایون کلاً همین طوری هستن.

- مگر اعضای بی‌تی‌اس آقا نیستن؟ پس چرا این باور را در مورد آن‌ها ندارید؟

نمی‌دونم، ارتباط خوبی می‌گیرم باهاشون، خوش انرژی هستن، چهره مردونه‌ای ندارن، شاید به خاطر همین احساس نمی‌کنم که دارم در مورد مرد صحبت می‌کنم. ضد مرد نیستم یه وقت اشتباه برداشت نکنید، فقط در مورد آیدول‌های بی‌تی‌اس نمی‌تونم انگار اون تصور مردونه سفت و سخت و زمخت رو داشته باشم. مثلاً همسر خودم خب خیلی هم صداش، هم چهره‌اش و هم لحنش مردونه هست. بحث دوست داشتن نیست، اینجا بحث تصویری هست که از بی‌تی‌اس دارم که نمی‌تونم اون تصویر مردونه رو انگار تجسم کنم. برای همین حس می‌کنم آیدول‌ها یه کم از بقیه مردا متفاوت باشن توی ذهنم که این طوریه.



- چه چیزی باعث شده که این طور حس کنید که با بقیه مردها متفاوت هستن؟

چهره‌هاشون مردونه نیست، گریم‌هاشون و رنگ مویی که استفاده می‌کنن مردونه نیست، صدای

زمختی ندارن و همه اینا فکر کنم در این حسی که دارم تأثیرگذار بودن.»



مجموعه آنچه به اجمال از آن یاد شده دلالت بر ترویج (عامدانه یا غیرعامدانه) بی‌هویتی جنسی توسط پسران گروه بی‌تی‌اس دارد.

۲-۲۰- وابستگی و اعتیاد به بی‌تی‌اس

در گذشته اعتیاد تنها به وابستگی دارویی، مانند وابستگی به الکل و داروهای روان‌گردان، اطلاق می‌شد، اما بررسی‌های بعدی نشان داد که برخی از رفتارها، به دلیل تکرار شونده‌گی وسواس گونه‌ای که می‌یابند، از الگوی مشابه وابستگی دارویی، تبعیت می‌کنند. از این رو، به تدریج اعتیاد رفتاری^۱ به معنای اعتیاد به رفتارهایی مانند: قمار، خرید کردن، تماشای تلویزیون، ورزش کردن، کارکردن و برخی از موارد مشابه، به شکلی هم‌عرض اعتیاد به مواد، مطرح گردید.

بررسی‌های انجام شده، دلالت بر آن دارد که زیربنای فیزیولوژیک یک‌سانی، بین اعتیادهای دارویی و اعتیادهای رفتاری وجود دارد. به این معنا که در اعتیاد به مواد، با مصرف ماده الکلی یا روان‌گردان، میزان ترشحات دوپامین^۲ و نوراپی‌نفرین^۳ در مغز فزونی می‌گیرد. افزایش ترشح هورمون‌های پیش‌گفته، به احساس لذت در موجود می‌انجامد. به شکل مشابهی تکرار رفتارهایی همچون قماربازی، ورزش، اعمال جنسی، خرید، غرق شدن در فناوری‌ها، اسباب ترشح دوپامین و نوراپی‌نفرین را در مغز فراهم می‌آورد. بنابراین لذت‌طلبی انسان‌ها، سبب می‌شود، آن‌ها بیش از پیش، به سوی رفتارهای اخیر رو بیاورند. نکته مهمی که یادآوری آن ضرورت دارد، آن است که اگر چه در آغاز، انتخاب فرد در زمینه انجام رفتاری مانند سروکار داشتن با یک گروه کی‌پاپ یا مطالعه داستان‌های کی‌پاپ (فن‌فیکشن)، کاملاً ملحوظ است، اما به دلیل ترشح‌های هورمونی اخیر، احساس مطلوبی در مغز پدید می‌آید که فرد آن را به عنوان یک احساس خوب و لذت‌بخش تجربه می‌کند، بنابراین لذت حاصل، وی را وا می‌دارد

1. Behavior-oriented addiction

2. Dopamine

3. Norepinephrine

که به تکرار آن رفتار، دست بزند و بدین ترتیب رفته رفته، فرد به جای دست زدن به انتخاب‌های آزادانه پیشین خود، به چرخه استفاده از الگوهای تکانشی وارد شده، از عکس‌العمل‌های ارادی خویش دور می‌گردد. به این ترتیب می‌توان بیان داشت، مغز فرد معتاد، وی را مجبور می‌سازد تا به تکرار رفتار مورد نظر دست بزند.

آنچه درباره وابستگی و اعتیاد موارد مختلف بیان شد، می‌تواند مقدمه‌ای برای ورود در بحث وابستگی و اعتیاد به گروه بی‌تی‌اس و فن‌فیکشن‌های مربوط به بی‌تی‌اس باشد.

بررسی اطلاعات میدانی گردآوری شده در سطح جمعیت تحقیق، بیانگر آن است که برخی از هواداران، به شدت به پسران گروه بی‌تی‌اس وابسته هستند.

نگین ۱۳ ساله، از گریه جمعیت انبوهی از شاگردان مدرسه‌اش یاد کرده است که در پی شنیدن خبر اعزام جین به سربازی، شکل گرفت.

صبای ۱۶ ساله، در مصاحبه‌اش بیان داشته است که با سرماخوردگی یا مریض شدن یکی از آیدول‌ها، هواداران وی ممکن است، مدرسه رفتن را ترک کرده، به اندوه و زاری بنشینند. به همین ترتیب ترانه ۱۸ ساله، از هوادارانی یاد می‌کند که حتی در برابر عکس آیدول‌ها، غش و ضعف می‌کنند:

«از یک طرف مطرح می‌کنید که آیدول‌ها هر کاری بکنند مهم نیست، ولی در عین حال رفتن آن‌ها باعث اضمحلال گروه می‌شود، به این پیامدها چگونه واکنش نشان می‌دهید؟

اتفاقاً واسه همین وقتی معلوم شد که یکی از اعضاء باید بره سربازی یک‌سری فیلم‌ها از دم کمپانی اومد، می‌شه گفت همه آرمی‌ها رفته بودن دم کمپانی و داشتن شعار می‌دادن که نفرستن اعضاء را سربازی و خوب قسمت خنده‌داراش اینه که تو مدرسه ما آرمی خیلی زیادن و مامان من که یک بار اومده بود مدرسه، گفت اومدم دیدیم همه دارن اشک می‌ریزن و با خودش فکر کرده بود که مدیری، کسی فوت کرده و وقتی پرسیده بود از یکی از مادرها که چی شده، اون گفته بود که چون یکی از اعضای بی‌تی‌اس داره می‌ره سربازی، بچه‌ها عزادار شدنند».

«بعد فن‌ها وابستگی زیادی به آیدول‌ها دارن؟»

آره خیلی زیاد. طوری که یکی‌شون سرما بخوره یا مریض شه و نباشه، فناش افسرده می‌شن و مدرسه نمی‌رن و حال‌شون بهم می‌ریزه و حتی گریه می‌کنن کل اون روز رو یا می‌بینی دپرس می‌شه طرف، منم قبلاً این جور بودم، یعنی دقیقاً افسرده می‌شدم نبودن یا مثلاً یکی‌شون مریض می‌شد، الان خب یه کم عاقل‌تر شدم (خنده)».

«یکی از دوستای من برای اجرای بی‌تی‌اس به دبی رفته بود و توی فیلم‌هایی که آورده بود، فن‌های متعصبی بودند که با دیدن بی‌تی‌اس جیغ می‌کشیدن و غش و ضعف می‌کردن و حنجره پاره می‌کردن. به این‌ها اگر یه عکس بهشون نشون بدی، از خودشون بی‌خود می‌شن. حتی بعضی‌ها انقدر اونا رو دوست دارنند که شب‌ها نمی‌تونن بخوابن».

اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۲۲۵

مصادیقی که از آن‌ها یاد شد، این شائبه را در هر بیننده‌ای ایجاد می‌کند که مبادا بین هواداران و آیدول‌ها وابستگی ایجاد شده باشد و هواداران اخیر به نوعی خود را معتاد کاربری از آیدول‌ها و آهنگ‌های و هر چیز منتسب به آن‌ها بدانند.

برخی از افراد مصاحبه شده به صراحت از معتاد شدن خود به موارد پیش گفته یاد می‌کنند، بنابراین به نظر می‌رسد شائبه مطرح شده، قریب به صحت باشد.

فریبای ۴۶ ساله که در مورد دخترش به مشاوره پرداخته بود، از اعتیاد دخترش به بی‌تی‌اس یاد می‌کند و در ادامه خودش نیز اعتراف می‌کند، جذابیت‌های گروه بی‌تی‌اس وی را نیز متوجه این گروه کرده است و او در حال حاضر با گوش کردن به آهنگ‌های بی‌تی‌اس، کارهای مطالعاتی خود را انجام می‌دهد و اگر لازم شود، از خوابش هم می‌زند تا آهنگ‌های بی‌تی‌اس را گوش کند. گلاره ۱۴ ساله نیز به شکل مشابهی از اعتیاد خود به آهنگ‌های بی‌تی‌اس یاد کرده، تأکید می‌کند بدون شنیدن آهنگ‌های بی‌تی‌اس، حالش بد شده و نمی‌تواند کار کند:

«... دخترم به مدت معتاد ویدیوهای بی‌تی‌اس شده بود، صبح تا شب می‌دید تا این که من و باباش باهم تصمیم گرفتیم گوشه‌ی رو ازش بگیریم. هم درسش داشت افت می‌کرد، هم انگار معتاد گوشه‌ی شده بود.»

– معتاد گوشه‌ی یا بی‌تی‌اس هستی؟

بهبتره بگم معتاد بی‌تی‌اس شده بود و به خاطر بی‌تی‌اس گوشه‌ی دستش می‌گرفت... .



– الان شما وابسته هستید؟ وابسته یکی از اعضای بی‌تی‌اس یا کل گروه؟

اگر معنی وابستگی این باشه که وقتی غذا می‌پزم، یا به محض این که از خواب بیدار می‌شم صبح‌ها و شب از خوابم می‌زنم تا به آهنگ گوش بدم و خیلی هم زمان از دست می‌دم و خیلی هم احساس گناه می‌کنم، اسمش وابستگی هست، خب بله من وابسته هستم.

– منظور شما از آهنگ، آهنگ‌های بی‌تی‌اس هست؟

بله. جدیداً وقتی مطالعه می‌کنم، عادت کردم آهنگ‌ها و ریمیکس‌های بی‌تی‌اس و یکی، دوتا بند دیگه رو گوش می‌دم و حواسم پرت می‌شه، نمی‌تونم روی چیزی که می‌خونم مسلط بشم.

- خوب چرا هم‌زمان این کار را انجام می‌دهید؟

نمی‌تونم گوش ندم، عادت کردم، البته خیلی وقت نیست که این طوری شدم. می‌ترسم که آهنگ‌های بی‌تی‌اس تکراری بشن و برم سراغ آهنگ‌های دیگه.

- چرا می‌ترسید؟

چون الان فکر می‌کنم به خاطر این که بی‌تی‌اس رو دوست دارم نمی‌تونم ترک کنم، اگه ربطی به علاقه‌ام به بی‌تی‌اس نداشته باشه و معتاد آهنگ بشم چی؟

- گفتید شب از خوابتان می‌گذرید به خاطر آهنگ گوش دادن؟

بله گوشی تو دستمه که خوابم می‌بره، دیگه تا ۲ یا ۳ حتی بعضی شب‌ها بیش‌تر گوش می‌دم و توی شبکه‌های اجتماعی می‌چرخم».

»- توی این ساعات چه کارهایی انجام می‌دی؟

آهنگ گوش می‌دم، ویدیو و عکس می‌بینم و اخبار جدید رو می‌بینم.

- اگه یه روزی نتونی این مقدار زمان رو برای دنبال کردن بی‌تی‌اس بگذاری، چه حالی پیدا می‌کنی؟ آهنگ گوش کردن رو که تقریباً حدود ۵ ساعت از فقط آهنگ گوش می‌دم و معتادم (می‌خندد) و خیلی بیش‌تر هم ممکنه بشه، چون کلاً تو انجام دادن همه کارهام آهنگ گوش دادم و بدون آهنگ واقعاً نمی‌تونم کار کنم و حالم بد می‌شه».

غزل ۱۶ ساله و ترنم ۱۸ ساله، در مصاحبه‌های خودشان اظهار داشته اند که در صورت بی‌خبری از گروه، آرامش و قرار خویش را از دست داده، احساس گم‌شدگی وجودشان را در برمی‌گیرد:

»- تو کی پاپ رو دقیقاً به خاطر چی دنبال می‌کنی، سبک آهنگ‌هاشون یا خود آیدول‌ها.

اولش که من اصلاً این برنامه‌هاشون رو ندیده بودم. فقط اجراها و آهنگاشون بود. بعد خیلی خوشم اومد. دیگه دنبال‌شون کردم. ولی الان هم چنان اون اجراهاشون رو دوست دارم. آهنگاشون مورد علاقه من ان. جوری که خیلی کم‌تر واقعاً آهنگ‌های دیگه رو دوست دارم گوش بدم. مگه دیگه خیلی معروف باشن. ولی الان خودشونم برام خیلی مهم ان. واقعاً برام مهم‌تر از آهنگاشون ان. می‌تونم تحمل کنم چندد ماه آهنگ ندن بیرون، ولی نمی‌تونم چند روز بمونم بدون این که یه آپدیت از خودشون بدن. همیشه از خودشون خبر می‌دن. توی وی‌ورس، توئیتر. الانم که توی اینستا عکس می‌ذارن. تازه اومدن. ولی با فن‌ها توی وی‌ورس و توئیتر بیش‌تر حرف می‌زنن. بیش‌تر وی‌ورس».

»- فکر می‌کنی خوبی‌ها یا بدی‌هایی که فن‌بی‌تی‌اس بودن برات داشته چی بوده؟

نمی‌دونم راستش، ولی یه چیزی هست که حالا نمی‌تونم بگم بدی هست یا قابل‌کنترل‌ه و اون وابستگی زیاد به اونا هست. من فکر می‌کنم اگر اونا نباشن، آرمی‌ها یه مدت حس گم‌شدگی و سردرگمی

اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۲۲۷

پیدا می‌کنم، ولی این به آدمش وابستگی داره، برخی آسیب می‌خورن و برخی آگه اونا هم نباشن، خوشحال می‌مونم و گم نمی‌شن و برای خودشون تلاش می‌کنن، چون زندگی همینه آدم‌ها میان و می‌رن بی‌تی‌اس هم همین طور، مثلاً من می‌تونم این حس گم‌شدگی و کلافگی رو کنترل کنم و به مسیر خودم ادامه بدم، چون این قدرت رو از بی‌تی‌اس گرفتم».

پونه ۱۸ ساله در مصاحبه خودش، از اعتیاد خویش به مطالعه داستان‌سرایی‌هایی که هواداران در مورد بی‌تی‌اس انجام داده‌اند، یاد کرده است و بیان داشته که گاهی در طول روز دو داستان را مطالعه کرده است:

«- تو خودت چه سبک و ژانری رو دوست داری و چه قدر برای خوندن این موارد وقت می‌گذاری؟ من تقریباً هر روز می‌رم واتپد و فیک می‌خونم. البته الان یه کم به خاطر نت و اینا نمی‌تونم زیاد برم و صرف وقت کم‌تر شده. یه وقتی بود که تو یه روز دوتا فیک تموم می‌کردم. یه جورایی می‌تونم بگم تو واتپد چتر شدم. معتاد محسوب می‌شم (می‌خندد)، و این که کلاً برام موضوع مهم نیست. قلم یه نویسنده رو خوشم بیاد می‌خونم. دیگه مهم نیست که موضوع و ژانرش چیه. قشنگ باشه، می‌خونم. البته اینم بگم قلم قشنگ باشه، ولی مثلاً موضوع زننده و خیلی بدی داشته باشه رو نمی‌خونم. چون خیلیا قلم‌شون قشنگه، ولی محتوایی که داستان‌شون داره خیلی مزخرفه».

با وجود اعتیاد یافتن برخی از هواداران به گروه پسران بی‌تی‌اس، آهنگ‌ها و مطالعه داستان‌های تهیه شده درباره گروه پسران، برخی از هواداران وابسته خاطر نشان ساخته‌اند، آنان برای مختل نشدن جریان زندگی‌شان، سعی کرده‌اند تا از شدت وابستگی خویش بکاهند. مصاحبه‌دیبا ۱۵ ساله، حاوی مصداقی در این جهت است:

«... می‌دونی کسانی که حمایت می‌کنن خیلی از وقت‌شون رو برای این کارها می‌گذارن، ولی من خیلی علاقه ندارم توی فضای مجازی باشم چون یه جورایی حس می‌کنم که اعتیاد پیدا کردم، برای همین فقط سعی می‌کنم بی‌تی‌اس رو دنبال کنم تا خودم رو آرام کنم.

- درباره این که خودت رو با دنبال کردن بی‌تی‌اس آرام می‌کنی، می‌شه بیش‌تر توضیح بدی؟ نه این که خودم رو با بی‌تی‌اس آرام بکنم، منظورم این بود که مثلاً تو تا یه زمانی دایما بی‌تی‌اس رو دنبال می‌کردی و می‌خواستی بدونی کجا می‌رن و چی کار می‌کنن و همه اخبارشون توی فضای مجازی رو دنبال می‌کردی، ولی وقتی این رو کنار می‌گذاری و دیگه همیشه و با شدت قبل دنبال‌شون نکنی، انگار مثل یه معتاد می‌شی که اعتیادش رو ترک کرده.

من کلاً خیلی دنبال اخبار نیستم و احساس تعصب نمی‌کنم که باید حتماً همه چیز رو اولین نفر بدونم. وقتی بخوای دایم پیگیر باشی، به این عادت می‌کنی که همیشه از همه چیز بی‌تی‌اس باخبر باشی و هر کی ازت سوالی درباره‌شون بپرسه، حتماً از اون مسایل اطلاع داشته باشی.

- می‌تونم از این صحبت‌هایی که داشتی این برداشت رو داشته باشم که خیلی سعی نمی‌کنی طوری بی‌تی‌اس رو دنبال کنی که زندگی روزمرهات بخواد مختل بشه؟
بله درسته، ولی در کل سعی می‌کنم، زمان‌هایی که حرف‌های مفیدی می‌زنم، اون‌ها رو هم توی زندگی‌ام تأثیر بدم، چون به نظرم بی‌تی‌اس این مدل رو انتخاب کردن که توی حرفه و فعالیت‌شون از طریق طرز فکری که دارن و آهنگ‌هاشون به مردم کمک کنن.
- آیا تا قبل از این که به این نگرش برسی که ممکنه به بی‌تی‌اس اعتیاد پیدا بکنی، چنین رفتاری داشتی که زمان زیادی رو بخوای برای بی‌تی‌اس بگذاری؟
آره، مثلاً شب‌ها نمی‌خوابیدم و خیلی بیدار می‌موندم تا ویدیوهای بی‌تی‌اس رو تماشا کنم».

۲-۲۱- سایر مسایل روان‌شناختی

تا اینجا از برخی از تبعات و پیامدهای روان‌شناختی هواداری از گروه بی‌تی‌اس مانند: سردرگمی‌های نوجوانی، انگیزه بخشی، افزایش اعتماد به نفس، کمک به بهبود حال بد افراد، آرامش‌بخشی، شادی-آفرینی، تعدیل اثرپذیری در گذر زمان، عشق تخیلی، تحقق برخورد مادرانه، ارضای هیجان‌جویی، پیشه کردن برخوردهای هیجان‌مدار، تخلیه روانی، اتلاف وقت، توهم‌زدگی، بازماندن در ابعاد عینی، کم اثر شدن تدریجی حساسیت‌ها، بروز خطاهای جدی شناختی، بروز برخی از اختلال‌های روانی، بی‌هویتی جنسی، وابستگی و اعتیاد به بی‌تی‌اس یاد شد. اما پیامدهای هواداری از گروه بی‌تی‌اس که تاکنون از آن‌ها بحث شد، همه تبعات نبوده، موارد دیگری هم در بررسی میدانی ملاحظه می‌شوند که برخی از این موارد، به قرار زیر هستند:

- ارتقای تفکر انتقادی هواداران،
 - پذیرش تولید هواداران،
 - ایجاد امکانی برای فرافکنی و بروز نسبی ذهنیات ممنوعه افراد،
 - به انحراف کشیده شدن کنجکاوی افراد،
 - پناه بردن به موسیقی به عنوان یک پناهگاه،
 - وقوع پدیده اشباع،
 - کاربری از آثار غالباً هرزه‌نگار،
 - تحریک جنسی هواداران،
 - و بی‌توجهی به بهداشت روانی افراد که در ادامه، به اجمال به آن‌ها پرداخته خواهد شد.
- برخی از افراد مصاحبه شده، در جریان مصاحبه‌شان تأکید می‌کردند که در فراز و فرودهای هواداری از پسران بی‌تی‌اس، تا حدودی به «تفکر انتقادی» رسیده‌اند. به این معنا که برخی از هواداران که در ابتدا گروه و کمپانی آن‌ها را به صورت کاملاً ایده‌آل می‌دیدند، ممکن است در گذر زمان و در مواجهه با

اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۲۲۹

نیمه تاریک کمپانی و گروه، به این جمع‌بندی برسند که نباید در روند زندگی اجتماعی خویش، برخورد‌های صفر و صد را پیش بگیرند و ضرورت دارد که در مواجهه با مسایل مختلف، پس از وقوف به ابعاد مختلف پدیده فرارو، نسبت به جمع‌بندی آن اقدام به عمل آورند.

سارینای ۱۳ ساله و مریم ۱۸ ساله، در مصاحبه‌های خود، مصادیقی از سوق یافتن تفکر کاربران به سمت انتقادی‌اندیشیدن را در خود به نمایش نهاده‌اند:

«- منظورت از روی تاریک کی‌پاپ رو می‌تونی بیش‌تر توضیح بدی؟»

از اون لحاظ که بگیم مثلاً شیطانی‌ان و این چیزها منظورم نیست، ولی از لحاظ خیلی چیزهای دیگه آره. برای نمونه می‌شه به مرگ آیدول‌های کی‌پاپ بر اثر خودکشی اشاره کرد که معلوم نیست سر بدبخت‌ها چی آورده بودن، مثلاً جونگ‌هیون از نظرم خیلی مرگش مشکوک بود، چون واقعاً هیچ مشکل خاصی نداشت که البته امیدوارم این جوری بوده باشه، ولی یهویی خودکشی کرد، ولی یکی مثل سولی که در اثر هیت‌های مردم خودکشی کرد رو می‌شه توجیه کرد، ولی یکی مثل جونگ‌هیون که نسبتاً کم هیت می‌گرفته و هنوز دلیل مرگش مشخص نیست آدم رو مشکوک به کمپانی می‌کنه. خود من خیلی شده فکر کنم که آیا کمپانی می‌تونه مسوول مرگش باشه یا نه، ولی چون پلیس نیستم، نمی‌تونم بیش‌تر از این درباره مرگش اطلاعات دقیق بدم (می‌خندد). البته من منظورم از ورژن دارک کی‌پاپ فقط خودکشی نیست، تجاوزها، آزارهای جنسی، سخت‌گیری‌های پی‌درپی مثلاً جوری که آیدول مجبوره رژیم سخت بگیره و روزی ۱۲ ساعت هم برقصه و این که الآن سن آیدول شدن تو کی‌پاپ خیلی اومده پایین، یکی از اعضای آیو^۱ فکر می‌کنم الآن ۱۴ سالشه بعد اگه بخواد همه این‌ها رو تحمل کنه واقعاً کم میاره.

لباس‌هایی که مجبور به پوشیدن‌شون می‌شن، کارها یا رفتارهای فیزیکی که مجبورن انجام بدن، ام‌وی‌هایی که مجبورن به خاطرش جون‌شون رو وسط بگذارن یا مثلاً یادم نیست که از کدوم گروه بود که داشتم کلیپش رو می‌دیدم، ولی موبایل‌هاشون رو ازشون می‌گرفتن تا مطمئن بشن که روی کارشون تمرکز می‌کنن و یا یه وقت خدایااییییی نکرده قرار نگذارن. یه چیز دیگه هم اینه که اون قدر تمرین‌های سخت یه آیدول‌ها می‌دن که آیدول‌ها موقع اجرا از هوش می‌رن یا از خستگی نمی‌تونن رو پاهاشون وایستن. این رو خیلییی زیاد دیدم مثل جی‌فرند^۲، همین بی‌تی‌اس یا استری کیدز و خیلی گروه‌های دیگه. کلاً همه این‌ها دیوونه‌کننده است.»

۱- آیو (IVE) یک گروه دخترانه موفق و مشهور کره جنوبی است که توسط کمپانی Starship Entertainment شکل

گرفته و در ۲۰۲۱ دیبو خود را انجام دادند. کوچک‌ترین عضو این گروه ۱۵ سال دارد.

۲- جی فرند (Gfriend) یک گروه موسیقی اهل کره جنوبی است که در سال ۲۰۱۵ زیر نظر سورس میوزیک ایجاد شد. در

۲۰۲۱، بیانیه‌ای راجع به تمام شدن قرارداد جی فرند با سورس میوزیک منتشر شد و هر شش عضو، کمپانی را ترک کردند.



«- با توجه به این که کمپانی روی تمام اعمال و رفتار اعضا کنترل کامل دارد، چه طور می‌تونی حرف‌ها و رفتارهای بی‌تی‌اس رو باور کنی و بپذیری؟

به نظرم الان علم آرمی‌ها اون قدر زیاد شده که متوجه این نکته باشن که نباید کارهای بی‌تی‌اس رو صددرصد از طرف خودشون ببینند. اگه نسبت به این قضیه آگاه باشی، خودت حواست هست که همه کارهاشون رو واسه خودت الگو نکنی و همه حرف‌هاشون رو کاملاً درست و بدون اشتباه، در نظر نگیری. آدم باید همیشه چند درصد احتمال خطا داشته باشه و هر چی می‌بینی یا می‌شنوی، اول خودش قضاوت کنه، ببینه منطقی هست یا نه. اگه اعضای بی‌تی‌اس حرفی می‌زنند، من شخصاً اول فکر می‌کنم این حرف منطقیه یا نه، بعد تصمیم می‌گیرم بپذیرمش. با توجه به وضعیتی که کی‌پاپ دارد، نمی‌شه مطلق طرفدار کسی بود و ازش تقلید کرد.»

«پذیرش تولید هواداران»، به معنای ایجاد بارگذاری تولیدهای هواداران در صفحات طرفداری از گروه پسران یا سایت‌هایی که وظیفه خود را طرفداری و ترویج پسران بی‌تی‌اس می‌دانند، است. ویرایش عکس‌ها، تهیه کلیپ‌ها، تهیه تک‌صحنه‌ها و داستان‌سرایی با محوریت آیدول‌ها و تولید محتوای تفریحی و سرگرمی، از جمله مواردی هستند که برخی از هواداران دست به تهیه آن‌ها و بارگذاری آن‌ها در فضای مجازی زده اند. فریبای ۴۶ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، در مورد تولیدهای دخترش (و در ادامه تولیدهای خودش) در ارتباط با گروه بی‌تی‌اس بیان می‌دارد:

«- مگر چندتا ویدیو تولید کرده بی‌تی‌اس که این قدر دخترتان بخواد درگیر ویدیوها شود؟

آخه فقط ویدیو نبود. چت می‌کرد و داستان می‌نوشت.

- داستان چی، کجا می‌نوشت؟

انگار فیلم‌نامه می‌نوشت که شخصیت‌های اصلی داستان همین آیدول‌های بی‌تی‌اس مثل جین و جیمین و وی و بقیه‌شون بودن.

- ژانر داستان‌ها چی بود، عاشقانه، ترسناک، کمدی یا موارد دیگر؟

همه جوره بود دیگه توی گوشیش قسمت نوشتن می‌نوشت. خیلی دختر خلاق و باهوشیه، اما مورد ناجوری دیدم که نمی‌دونم چرا واقعاً این کار رو کرد.

(سکوت کردم تا به مصاحبه شونده به خواست خود ادامه دهد بسیار ناراحت به نظر می‌رسید).

اثرهای روانی هواداری از گروه بی تی اس / ۲۳۱

باباش هیچ وقت اجازه نمی‌ده روی گوشیش رمز بذاره و خب مدرسه رفتنی گوشه‌ی رو با خودش نمی‌بره. چند روز پیش بود که رفته بود مدرسه و منم تحریک شدم که برم داستان‌ها رو بخونم، البته خودم می‌دونم اشتباه بزرگی کردم شاید هم کار درستی بود، به هر حال توی نوت گوشیش یکی از داستان‌ها اسمش با بقیه فرق می‌کرد نمی‌دونم کار خدا بود، انگار من دقیقاً رفتم سر همون.

- می‌تونم بپرسم که اسم داستان چی بود؟

اسمش که رمزی بود جی‌هات بود، ولی نمی‌دونم معنی‌ش چیه و چرا این اسم رو گذاشته، شاید واسه این که اگه گوشیش رو باز کرد، کسی اهمیت نده به همچین اسمی. تو داستان مثل بقیه داستان‌هایی که نوشته بود تقریباً همه بودن ولی یه تفاوتی داشت که واقعاً برام عجیب بود.



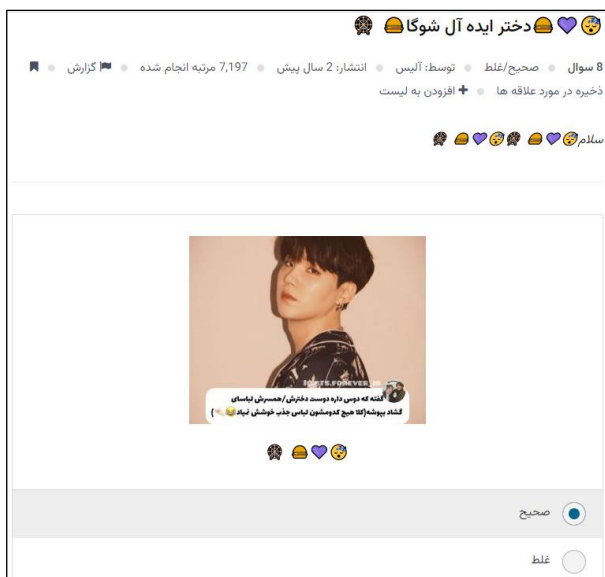
- محتوای داستان چه چیزی بود؟

نمی‌دونم از کجا این چیزا رو یادگرفته، ما همیشه کنترل کردیم با دوستای خوبی بگرده، از اینترنت درست استفاده کنه یا هر چیزی که هست به من بگه، ولی این داستان پر بود از بوسه و چیزای دیگه. من هم تخیلاتی داشتم در مورد یکی از آیدول‌ها، ولی نه این طوری.

- اگر دوست دارید و امکانش هست در مورد تصور خودتان هم توضیح دهید.

من داستان‌های دخترم رو که اوایل می‌خوندم، راستش از روی بی‌کاری خودم هم داستان می‌نوشتم و خیال‌پردازی می‌کردم. یکی از اساتید گفته بودن، کسی که از قوه تخیل قوی‌تری برخوردار باشه، خلاق‌تر می‌شه. توی اینترنت گشتم دیدم داستان نوشتن می‌تونه قوه تخیل رو فعال کنه. اینا رو کنار هم گذاشتم تصمیم گرفتم دیگه شروع کنم منم داستان بنویسم و خب چی بهتر از بی‌تی‌اس که علاقه‌مند هستم به این گروه. ولی همیشه تخیلات من حول و حوش ساختن قهرمان از تک تک اعضای بی‌تی‌اس بود. انگار خودم حس خوبی می‌گیرم وقتی از قهرمانی‌های اونا می‌نویسم، احساس می‌کنم انگار خودم قهرمان هستم و دارم در مورد خودم می‌نویسم».

تصاویر زیر نیز نمونه‌هایی از محتواهای عرضه شده توسط برخی از هواداران است که در صفحات و یا سایت‌های هوادار گروه پسران، به وفور ملاحظه می‌گردند:




دختر ایده آل شوگا 🍷💜🤔

8 سوال • صحیح/غلط • توسط: آلیس • انتشار: 2 سال پیش • 7,197 مرتبه انجام شده • گزارش

ذخیره در مورد علاقه ها • افزودن به لیست

سلام 🍷💜🤔🍷💜🤔



دختر ارومی باشه

🍷💜🤔

صحیح


غلط

دختر ایده آل شوگا 🍷💜🤔

8 سوال • صحیح/غلط • توسط: آلیس • انتشار: 2 سال پیش • 7,197 مرتبه انجام شده • گزارش

ذخیره در مورد علاقه ها • افزودن به لیست

سلام 🍷💜🤔🍷💜🤔



فایل نوجوتون بوکنی به همه ارمیا فول ازبواج داده 🍷💜🤔🍷💜🤔

🍷💜🤔

صحیح

غلط

«ایجاد امکانی برای فرافکنی و بروز نسبی ذهنیات ممنوعه افراد»، مقوله مهم دیگری است که باید بدان توجه لازم را داشت. کمپانی بیگ‌هیت در جریان راه افتادن تک صحنه‌ها (وان‌شات‌ها) و داستان-سرای‌ها (فن‌فیکشن‌ها) که تقریباً در سطح جهان در ارتباط با سلبریتی‌ها و چهره‌های شاخص جامعه معمول است، با سکوت و عدم اعتراض جدی در برابر تک صحنه‌ها و داستان‌سرای‌های مستهجن که از سوی برخی از هواداران، حول و حوش آیدول‌ها پردازش می‌شوند، در عمل عرصه مساعدی را برای مشکل‌دارترین و مسأله‌دارترین افراد جامعه می‌گشاید و آنان فارغ از احتمال پیگیری حقوقی اهانت‌هایی که در تک صحنه‌ها و داستان‌سرای‌های خودشان دارند، در ذهن خود را گشوده و در پوشش تهیه متن، عمیق‌ترین عواطف و احساسات خویش را برون‌ریزی و فرافکنی می‌کنند.

کوثر ۲۵ ساله، در مصاحبه خود در همین رابطه به شرح زیر بحث کرده است:

«- انواع فن‌فیکشن چی هست و چه محتواهایی تولید می‌شه؟»

بین این‌ها همه‌اش بستگی به خود اون طرف داره. همون طور که رمانی داریم، رمان عاشقانه‌ی اروتیک داریم که خیلی صحنه‌های زیادی داره، و رمان عاشقانه سافت داریم که صحنه‌های زیادی نداره، و رمان جنایی داریم و رمان پلیسی داریم و رمان هیجانی داریم و چه می‌دونم علمی-تخیلی داریم، فن‌فیکشن‌ها هم همین‌ان. هیچ فرقی با رمان و داستانی دیگه ندارن و اون نویسنده خودش تصویری که دوست داره، چی بنویسه و تمام این ژانرها رو شامل می‌شه، و صرفاً از کاراکترهایی استفاده می‌کنه که برای اون خواننده‌ها آشنا ان و طرف می‌تونه تصور بکنه که این، مثلاً حالا این بر فرض میاد اسم فلان خواننده رو میاره به عنوان کاراکتر داستانش، برای کسی که داره می‌خونه راحت‌تره تصورش که میاد اون کاراکتر رو با اون تصویری که تو ذهن خودش هست، تصور می‌کنه، چون می‌شناسه در مورد این آدم که کیه و ژانرش هم همین.

- یعنی فکر می‌کنی علت تولید فن‌فیکشن یکیش اینه که شخصیت رو راحت و آماده داره بهت می‌ده.

آره دقیقاً و تو می‌ری اون داستانی رو می‌خونی که با کاراکترهایی ان که تو خودت دوست‌شون داری. یعنی مثلاً تو فلان عضو و فلان عضو و فلان عضو گروه رو خیلی دوست داری و می‌ری دقیقاً داستانی رو می‌خونی که اون سه‌تا توشن.

- در واقع داری می‌گی، با این که اونا کلی محتوا تولید می‌کنن، یعنی هم آهنگ این‌ها می‌دن هم موزیک ویدیو می‌دن، گاهی ولاگ می‌دن از زندگی روزانه‌شون، ولی با این حال بازم انگار کافی نیست برای طرفداران‌شون و بازم می‌رن سراغ فن‌فیکشن و چیزهایی که خودشون دارن.

آره همین طوره و کلاً هنر خیلی زیاده توی طرفدارای کی‌پاپا و البته طرفدارای هر چیزی، می‌گم این تصور خیلی غلطه که یه نفر بیاد بگه که وای کی‌پاپ یه چیز خیلی زیاد فراگیر شده هست و طرفداراش خیلی دارن کارای عجیب‌گریبی می‌کنن. تمام کارهایی که طرفدارای کی‌پاپ می‌کنن طرفدارای انیمه

اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۲۳۷

هم می‌کنن، طرفدارای سریالای هالیوودی هم می‌کنن، طرفدارای بازیگرهای خارجی، حتی طرفدارای یه سری از کانتنت‌های داخلی هم می‌کنن. فقط محتواهای داخلی به خاطر این که سانسور می‌شه خیلی جا برای این که طرف بخواد کاری بکنه نیست.

- اوهوم.

وگرنه اینم، یعنی چی می‌گن، بنیه‌ی، مایه‌ی، آه چی می‌گن، کلمه‌اش چیه؟

- *essence*

آره *essence*. می‌خوام فارسیش رو بگم.

- ماهیت.

ماهیت، آها. ماهیت فن‌بودن اینه. تو طرفدار هر چیزی که باشی، دلت می‌خواد در اون زمینه فعالیت انجام بدی. حالا اگه یه نفر هنرمند باشه، نقاش باشه بر فرض، تو اون زمینه نقاشی می‌کشه. اگه طرفدار کی‌پاپ باشه، نقاشی اون خواننده‌ها رو می‌کشه. اگه طرفدار فیلم و سریالای خاصی باشه، مثلاً همین هری‌پاتر، چه قدر معروفه و چه قدر هنوز که هنوزه بعد از این همه سال طرفداراش میان صحبت می‌کنن که آره من عضو فلان هاوس^۱ ام.

- اوهوم.

چی می‌گن، اون مدرسه جادوگریه هستم. مثلاً من هاپلپافم یا مثلاً من گریفیندورم. بعد میان گروه می‌سازن و توی اون گروه‌ها باهم حرف می‌زنن. بعد تظاهر می‌کنن که همیشه با اون هاوس‌ها هستن و اون ویژگی‌های رفتاری که توی اون مثلاً فیلم، هر کدوم از این گروه‌ها داشتن، همونا رو بروز می‌دن. لباساش رو می‌خرن. چوب جادوگریش رو می‌خرن. یعنی این چیزی که می‌خوام بگم، می‌گم این فرآیندهایی که توی کی‌پاپ، این فرآیندهایی که توی کی‌پاپ به خصوص بین طرفدارای کی‌پاپ اتفاق می‌افته، عین همین بین تمام طرفدارای هر چیزی که توی دنیا ممکنه وجود داشته باشه، هست.»



کنجکاوی، پدیده‌ای فطری است که نه تنها در انسان‌ها، بلکه در حیوان‌ها نیز ملاحظه می‌شود و غالباً انسان‌ها در تلاش هستند تا به کنجکاوی‌های بی‌حد و حصر خودشان پاسخ مناسب و مقتضی ارایه کنند. برخی از هواداران گروه بی‌تی‌اس در جریان مصاحبه‌های خودشان در عمل نشان می‌دهند که کنجکاوی فطری آنان، با یافتن پاسخ‌های نامناسب به مسیر مناسبی هدایت نشده‌اند. رخساره ۱۶ ساله و ترنم ۱۸ ساله، در مصاحبه‌های خود از «کنجکاوی به انحراف رفته» خویش، به شرح زیر یاد کرده‌اند:

«- داشتی راجع به ویدیوهایی که اعضاء را باهم شیپ می‌کنن، می‌گفتی؟

بعضی از آرمی‌ها هستن که باشیپ کردن خیلی مخالف ان، بعضی‌ها هم هستن که شیپ کردن رو خیلی دوست دارن. من خودمم به شخصه شیپ‌شون رو خیلی دوست دارم. مثلاً یه نشونه‌هایی هم هست که باعث می‌شه آرمی‌هایی که شیپرن خیلی بیش‌تر برن توی این موضوع که آره اینا حتماً باهم ان. جیکوپ هم این وسط یه کارایی می‌کنه که آرمی‌ها سوژه پیدا می‌کنن.

- اوهوم. بعد آرمی‌هایی که دوست دارن با این سوژه‌ها چه کارهایی می‌کنن؟
کلیپ درست می‌کنن. مثلاً داخل یکی از لایوهاشون که تهیونگ داشت جان کوک رو معرفی می‌کرد، می‌گفت این دوستمه، جان کوک می‌گفت که من دوستتم؟ من رو درست معرفی کن. همین باعث می‌شد که کلیپ خیلی درست کنن آرمی‌ها ازش».

«- فتوبوک چیه که ازش حرف می‌زنی؟

فتوبوکی که من درباره اعضاء می‌گم، اینه که اونا میان با سلیقه و طراحی‌هایی که خودشون توی عکس‌برداری‌ها انجام می‌دن، حرف‌هایی که تاحالا تو دل‌شون مونده و به هر دلیلی نتونستن به ما بگن با یه سری تصاویر و نمادهای خاص به ما نشون می‌دن، بعد اینا رو تو یک مجله جمع آوری می‌کنن و به عنوان مرچ می‌فروشن. دقیقاً مثل همین کام اوت جیمین که به شکل مستقیم اعلام نکرده، چه گرایش جنسی داره و در قالب تصاویر به ما فهموند».

«پناه بردن به موسیقی به عنوان یک ملجاء و پناهگاه»، به این معنا است که بعضی از هواداران در مصاحبه‌های خویش اذعان داشته‌اند که آنان به دلیل برخی از مشکلاتی که در روند زندگی‌شان داشته‌اند، با پناه جستن به موسیقی، کوشیده‌اند تا مشکلات خویش را به دست فراموشی و نسیان بسپارند که غالباً نیز در این جهت موفق عمل کرده‌اند. مه‌لقای ۱۹ ساله و فریبای ۴۶ ساله، در مصاحبه‌های خودشان شواهدی از این امر را به دست داده‌اند:

«- یادت هست که اون اوایل علت دنبال کردن گروه پسران توسط خودت چی بود؟

من به خاطر مشکلات خانوادگی، دوران سختی رو تو زندگی‌م می‌گذروندم. دوست خاصی نداشتم و همیشه آدم گوشه‌گیر و آرومی بودم. اون گروه باعث می‌شد بخندم و دلخوشی داشته باشم. هیچ کس نبود که درکم کنه و باهاش حرف بزئم، ولی گروه پسران برام مثل مسکن عمل می‌کرد و می‌تونستم از دنیای اطرافم به اونا پناه ببرم. حتی زمان‌هایی رو یادم میاد که غیر از اونا مطلقاً هیچ دلخوشی و

اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۲۳۹

دلیلی برای ادامه دادن پیدا نمی‌کردم. به نظرم برای دوره‌ای ناچاهی‌های من بودن و نمی‌تونم تصور کنم که اگه فن‌شون نبودم، اون چند سال چه جوری می‌گذشت.

- پس بگذار این سوال رو بپرسم، این گروه خلاءهای عاطفی که احساس می‌کردی رو برات پر می‌کرد؟

آره، دقیقاً. بعد بهم حس مهم بودن می‌داد. دوست داشتن آدم‌ها حس جذابی و وقتی خام‌تری، از آدم‌ها بت می‌سازی و می‌پرستی‌شون، فارغ از این که اون‌ها هم مثل تو انسان‌ان و کم و کاستی‌هایی دارن. من تو زمان‌های خالیم در مورد آینده رؤیاپردازی می‌کردم. همیشه موسیقی رو دوست داشتیم و به نظرم گروه پسران یه تأثیر بزرگی توی علاقه‌ام به موسیقی و در نهایت انتخاب رشته‌ام داشت.»

«- با همسرتان به خاطر این که تا ۲، ۳ شب برای بی‌تی‌اس بیدار می‌مانید، مشکلی ندارید؟»

با همسرمدتی هست که سرد هستیم و یکی از دلایلی که شب‌ها با آهنگ‌های بی‌تی‌اس خودم رو مشغول می‌کنم، عدم توجه همسرمدتی به من هست. اون می‌ره توی گوشیش و منم می‌رم توی گوشی خودم. به من محبت نمی‌کنه و منم برای این که فراموش کنم، می‌رم سراغ آهنگ و کلیپ.

- آیا از لحاظ عاطفی هم اعضای بی‌تی‌اس کمبود محبتی که در رابطه‌تان وجود دارد را جبران می‌کند؟

نه، جبران نمی‌کنه. همین که حس خوبی بهم می‌ده، کافیه. کنسرت‌های قبلی بی‌تی‌اس رو نگاه می‌کنم، جشن‌هایی که دارن و غرق اونا می‌شم. یه چیز عجیبی که خیلی دلم می‌خواد ادامه بدم، خوندن داستان‌های عاشقانه‌ای هست که شخصیت‌های اصلیش اعضای بی‌تی‌اس هست.

- منظور شما همان فیکشن‌ها هست؟

بله، ای بابا چه قدر من درگیر بی‌تی‌اس شدم (لبخندی که به لب داشت محو شد و چهره در هم او نشان دهنده ناراحتی وی بود).



- اگر رابطه شما با همسرتان گرم و صمیمی شود، بی‌تی‌اس را کنار خواهید گذاشت؟
شاید کنار نذارم، ولی خیلی کمرنگ می‌شه توی زندگیم، مطمئنم.
- از کجا مطمئن هستید؟

چون قبلاً هم همین اتفاق افتاد، یک دوره‌ای خیلی خودم رو درگیر فوتبال کرده بودم و خیلی دنبال می‌کردم از سر بی‌کاری، ولی بعد از این که همسرم وارد زندگیم شد و اون اوایل مخصوصاً دوره نامزدی، فوتبال کمرنگ شد. احتمالاً فکر می‌کنید یک خانم چرا باید به فوتبال فکر کنه و درگیر اون بشه، آخه اون موقع فوتبال خیلی پررنگ بود، گوشی نبود، آهنگ‌های جورواجور خارجی و داخلی نبود و مهم‌تر این که داداشم خیلی فوتبالی بود، منم درگیر شده بودم. همین الان در مورد بی‌تی‌اس هم فکر می‌کنم، سه تا دلیل عمده داره خیلی درگیرش شدم: اول این که دخترم خیلی دوست داره و برام مهمه بتونم با دخترم ارتباط برقرار کنم. دوم این که خیلی بی‌کارم این روزا و وقتم این طوری پر می‌شه و سوم این که خودم رو مشغول می‌کنم تا به مشکلاتی که با همسرم دارم فکر نکنم. البته چندتا کار دیگه هم می‌کنم.

- یعنی اگر این سه عامل مرتفع بشود، بی‌تی‌اس کمرنگ خواهد شد؟
بله کمرنگ می‌شه، مطمئن هستم».

«وقوع پدیده اشباع»، مقوله روان‌شناختی دیگری است که بعضی از افراد مصاحبه شده از آن یاد کرده اند.

پدیده اشباع بیانگر این امر است که با آرایه یک محرک به دفعات زیاد، طرف مقابل به تدریج به حالت اشباع و دلزدگی از محرک یاد شده می‌رسد و همین امر سبب می‌شود، فردی که مثلاً طرفدار یک گروه کی‌پاپ مشخص بود، در گذر زمان نسبت به گروه مورد نظرش به اشباع برسد و علائق اولیه خویش را به سادگی نسبت به گروه مورد علاقه‌اش از دست بدهد.

فریبای ۴۶ ساله، از وقوع پدیده اشباع برای خودش در سال‌های جوانی یاد کرده، انتظار تکرار همین مسأله را برای خود و دخترش که در حال حاضر به شدت طرفدار گروه بی‌تی‌اس هستند، دارد:
«... موهای جین رو آبی کرده بودن خیلی جذاب شده بود و دخترم تا به مدت خیلی دلش می‌خواست موهایش رو آبی کنه که از باباش به خاطر همین مسأله هم کتک هم خورد. در نتیجه فکر می‌کنم هم کمپانی و هم آیدول‌ها دوست دارن این جذابیت ظاهری بیش‌تر بشه.



- این جذابیت تا کجا ادامه پیدا می‌کند؟ آیا هواداران تا ابد این علاقه را حفظ خواهند کرد؟ شنیدم گفتن تا سال ۲۰۲۵ می‌خوان گروه رو منحل کنن. فکر می‌کنم به همین خاطر منحل می‌کنن، وگرنه چه دلیل دیگه‌ای می‌تونه داشته باشه. هوادار یه جایی سیر و اشباع می‌شه. ولی نکته‌اش اینجا هست که دخترم نمی‌تونه این رو قبول کنه که اینا از هم جدا بشن.

- چرا این اشباع شدن اتفاق می‌افتد؟

چون نمی‌تونن که چهره جدیدی بسازن یا چه قدر می‌خوان لباس عوض کنن یا چه قدر می‌خوان رنگ مو تغییر بدن. سبک درسته متفاوت، ولی صداها تکراری هستن و یه جا خیلی خسته کننده می‌شه.

- آیا شما در طول مدتی که هوادار این گروه هستید به این خسته کننده بودن گروه نرسیدید؟ پیش‌بینی می‌کنم یک سال دیگه ادامه بدم این اتفاق بیفته و احتمال می‌دم چون دخترم علاقه بیش‌تری داره، شاید دو سال اما بیش‌تر نمی‌شه. این اولین گروهی نیستن که دوست‌شون دارم. قبل از این گروه یه گروه ایرانی بود که یه کم قدیمی هستن نمی‌دونم شما با توجه سنتون یادتون میاد یا نه گروه آریان که ایرانی بودن.



- بله به خاطر دارم.

من عاشق علی پهلوان بودم طوری که کل اتاقم عکس اون بود. خیلی باهاش اون موقع خیالبافی می‌کردم. معتاد آهنگ‌هاشون بودم و از گلزارم خیلی بدم می‌اومد (باخنده). همون موقع هم می‌گفتن که به خاطر خوشگلی راه دادن توی گروه. ولی گذشت و گذشت تا این که کم‌کم علاقه‌ام کم‌تر شد به پهلوان و در نهایت دیس‌بند شدن و هر کی رفت یه طرفی. صدای علی پهلوان خیلی ناز بود، ولی با همه اینا یه جایی دیگه عادی شد همه چیز. برای بی‌تی‌اس هم همین اتفاق می‌افتد و به نظر من اگر گروه مفیدی باشن یه تصویر مثبت و قشنگ می‌مونه توی ذهن طرفدارا و هر وقت یاد می‌کنن، می‌گن یاد اون دوران بخیر وگرنه که همه یادشون می‌ره و تموم می‌شه همه چی. دل بستن به این‌ها اشتباهه واقعاً. این تجربه خودم هست چون یه روز که خیلی هم زود می‌رسه از دست‌خواهی داد هر چیزی که توی ذهنت ساختی. واقعیت اینه که تصویر واقعی جین همونی هست که من از سر‌بازیش به شما نشون دادم که دخترم نمی‌خواد حتی ببینه این عکس رو».

«کاربری از مسایل غالباً هرزه‌نگار»، مقوله دیگری است که توسط افشار قابل تأملی از هواداران مصاحبه شده، مورد تأیید قرار گرفته است. به این معنا که با شیوع گسترده تک‌صحنه‌ها (وان‌شات‌ها) و داستان‌سرایی‌ها (فن‌فیکشن‌ها) در جمع هواداران بی‌تی‌اس، در موارد زیادی محتواهای اخیر رنگ جنسی به خود گرفته و به طرح برخی از مسایل جنسی بین آیدول‌ها با یکدیگر یا آیدول و فرد نویسنده می‌پردازند و هواداران در جریان کاربری از وان‌شات‌ها و فن‌فیکشن‌ها، ناگهان با صحنه‌های جنسی مواجه می‌گردند که در مخیله آن‌ها نیز تا آن زمان خطور نکرده بود.

«- مگه توی این فن‌فیکشن‌ها چه چیزهایی نوشته می‌شد که ممکن بود نگرشات رو نسبت به اعضای بی‌تی‌اس تغییر بده؟

من خودم ۴، ۵ تا فیک بیش‌تر نخواندم، ولی خب بیش‌تر سبک‌های مافیایی بود یا اعضاء یه فرد معروف بودن که مالک یه شرکت بودن. کلاً چیز خوبی نبود چون اعضاء رو یه فرد با اعصاب خراب یا بدجنس نشون می‌داد و من الان دارم به این می‌رسم که چه قدر تباه بودم که یه زمانی چنین چیزهایی رو می‌خواندم.



چرا این فکر و تصور رو داری زمانی که فن فیکشن می‌خواندی، تباه بودی؟
خب من از روی کنجکاوی فیک‌های دختر پسری می‌خواندم و بیش‌تر چیزهایی که همین جوری تو نت بودن رو می‌خواندم. علاوه بر این بیش‌تر فیکشن‌ها اعضاء رو به شخصی نشون می‌دادن که راحت آدم می‌کشه، بی‌حیا و منحرفه یا خیلی خشنه، در صورتی که اصلاً در حالت واقعی این جوری نیست» (سارینا، ۱۳ ساله).

«- مثلاً چه داستانی از نظرت مناسب نیست؟»

ببین داستانم نمی‌دونم می‌شه گفت. ژانر بگم، چی بگم. بخوام مثال بزنم به فیک هست تو و آتپد که کاپلش ته‌کوک‌ه. من خب فقط کوک‌مین نمی‌خونم که. کاپلای دیگه رو هم می‌خونم، بعد تو فکر کن معروف‌ترین فیک ته‌کوک که خیلی هم خواننده داره و اسمش دزیره هست، محتوای داستانش پدوفیلیه. قلم نویسنده‌اش عالیه‌ها. ولی محتوایش... بعد یادمه چند ماه پیش سر همین تو فندوم تو بیتتر دعوا شده بود. فنای این نویسنده می‌گفتن، نه، پدوفیلی نیست. بعد خیلیا می‌گفتن شما دارید تعصبی برخورد می‌کنید و علاقه‌تون به این داستان چمساتون رو کور کرده. داستانش هم این طوره که کوک برادر کوچیک‌تر دوست دختر ته‌یونگه. مثلاً فکر کن ته‌یونگ ۲۲ سالشه تو داستان بعد کوک ۱۰ سالشه. بعد کلاً ته‌یونگ این رو از بچگی دوست داشته که حالا بزرگ می‌شه باهاش وارد رابطه می‌شه. حالا این طرفداراش می‌گفتن نه، این کوک وقتی بچه بود، به چشم عضوی از خانواده‌اش دوستش داشته و عاشقانه دوستش نداشته. ولی خب خودشون رو گول می‌زنن در واقع یا مثلاً من خودم با این فیکشنایی که خیلی اسم‌ات (هرزه‌نگاری) دارن و سکسیست هستن یا محتواهای بی‌دی‌اس‌ام^۱ دارن، حال نمی‌کنم،

۱ - بی‌دی‌اس‌ام (BDSM) مخفف چهار اصطلاح انگلیسی Bondage (مهاربندی)، Discipline (نظم)، Dominance & submission (سروری/ بردگی جنسی) و sadism & masochism (سادومازوخسیم) است و به چهار رفتار زیر در رابطه جنسی اشاره می‌کند:

-علاقه به بسته شدن یا بستن و محدود کردن فیزیکی فرد در سکس؛ این مسأله ممکن است از یک بستن ساده دست تا یک سیستم پیچیده که نیازمند نیم ساعت آماده‌سازی است، گسترده باشد.

-علاقه‌مندی به نظم و انضباط دادن و اقداماتی که موجب مطیع شدن فرد در رابطه جنسی می‌شود. مثلاً درخواست شکلی از رفتار با تحکم و تحمل چیزی که احتمالاً راحت نیست. قابل توجه است که هر چه قدر رابطه عمیق‌تر باشد، دیسپلین، وارد مسایل خصوصی‌تر می‌شود.

-دامینیشن که در آن فرد غالب دوست دارد قدرتمند باشد و قدرت‌ش را اعمال کند و سابمیشن که در آن فرد، علاقه‌مند است که قدرت روی او اعمال شود و اختیاری از خودش نداشته باشد.

- در رابطه سادومازوخیسمی که آزار دادن و آزار دیدن در آن محوریت دارد، در واقع یک طرف با رفتار سادیسمی از شکنجه و تنبیه پارت‌نر لذت می‌برد و فرد دیگر با رفتار مازوخیسمی از تنبیه شدن و شکنجه شدن لذت می‌برد.

نکته قابل توجه در بی‌دی‌اس‌ام (BDSM) این است که رضایت هر دو طرف یک پیش شرط ضروری است. در واقع نوعی رفتار توافقی بین دو (یا بیش‌تر از دو) نفر است که نقش‌های آن مکمل یکدیگر، ولی نامساوی هستند و با هدف رسیدن به لذت و هیجان روحی، جسمی، جنسی و تخلیه روانی - هیجانی صورت می‌گیرد (Setare.com).

به نظرم یه جور توهین به آیدوله که تو بیای از رابطه‌شون فقط سکشوالیته رو برجسته کنی. بعد جدای از محتوا این فیکشنا خیلی وقتا مخاطبای زیر ۱۵ سال دارن یا بچه دبستانی. خب اصلاً جالب نیست که یه بچه بیاد از الان تو این سن فیکشن بی‌دی‌اس‌ام از تهکوک یا بقیه بخونه من خودم با این جور محتواها حال نمی‌کنم حقیقتش. به نظرم خیلی سخیف و بدن و در شأن فن و آیدول نیستن و خودم با این که خیلی طرفدار خوندن فیکشنم، اما ترجیح می‌دم این جور داستانا رو نخونم. ولی خیلیا هستن که این ژانرها رو دوست دارن و خیلی جدی دنبال می‌کنن. یعنی اصلاً براشون مهم نیست که خب زشته این چیزا. بیمارگونه و زشته. پدوفیل (بچه‌بازی) یا حتی من تو خیلی از فیکشن‌ها دیدم که رابطه با اعضای خانواده رو دارن نرمالایز (عادی‌سازی) می‌کنن. یه فیک بود که توش جیمین و یونگی داداش بودن باهم و توش یونگی عاشق جیمین می‌شه و بعد باهم وارد رابطه می‌شن. من چند پارت خوندم و وقتی متوجه شدم داستان از چه قراره، ول کردم. اما خیلیا داشتن می‌خوندن و کامنت می‌داشتن و دوست داشتن فن‌فیکشنا با همه‌ی خوبی و قشنگ بودنش این بدی‌ها رو هم داره» (پونه، ۱۸ ساله).

اگر چه تک‌صحنه‌ها و داستان‌سرایی‌های زیادی با صبغه جنسی در فضای هواداری و هواداران بی‌تی‌اس وجود دارد، اما این موارد تنها معطوف و مختص به هواداران نیست و در آیدول‌ها نیز رفتارهای هم‌جنس‌گرایانه‌ای که به دستور کمپانی، آیدول‌ها از خودنشان داده و مثلاً لب‌های یکدیگر را در برابر جمع حاضران می‌بوسند و یا رفتارهای سمبلیکی که آیدول‌ها با رنگ جنسی از خودنشان می‌دهند، از مواردی است که مورد توجه برخی از هواداران قرار گرفته و در «تحریک جنسی» و الگوبرداری‌های احتمالی آنان ذی‌نقش واقع می‌گردند.

مرضیه ۱۹ ساله، در مصاحبه‌اش با اشاره به صحنه‌هایی که به شکل نمادین تداعی‌گر مسایل جنسی هستند، می‌گوید:

«- دیدن برخی اجراهای سکسی بی‌تی‌اس، چه تأثیری روی حالت‌های جسمی و روحیت می‌گذاره؟
منظورت حرکات بی‌پی‌سی شونه؟
- فکر کنم.

می‌گم واوووو (می‌خندد) و اون موقع عزرائیل سند مرگ من رو می‌بره برای امضاء (باخنده)».



«تهدید بهداشت روانی هواداران»، مقوله مهم دیگری است که توجه به آن ضرورت دارد. برخی از هواداران مصاحبه شده، از انبوه شایعاتی که در فضای طرفداری و ضد طرفداری از بی‌تی‌اس است، یاد کرده اند که این شایعات ذهن مخاطب را می‌خورد و می‌خراشد.

«- تا حالا شده که مثلاً اخبار بدی درباره گروه منتشر بشه؟»

اخبار بد درباره شون رو اصلاً نمی‌خونم. شایعات و اینا رو اصلاً دنبال نمی‌کنم.

- مثلاً چه شایعاتی درباره شون هست؟

مثلاً این که فلانی دوست دخترشه و چیزایی درباره زندگی شخصی شون که اصلاً برای من جذاب

نیست و من بیشتر تر به حرکات مثبت شون و این که درباره مسایل اجتماعی چه واکنشی دارن علاقه دارم و دنبال می‌کنم.» (شبنم، ۲۵ ساله).





مشاهده عملکرد کمپانی که گاه از آیدول‌ها انتظار دارد که حتی خلاف گرایش جنسی خودشان عمل کنند و یا در برابر کسانی که برای آیدول‌ها دست به شایعه‌سازی زده و یا نسبت به آن‌ها نفرت پراکنی می‌کنند، یا افرادی که با خلق تک‌صحنه‌ها و داستان‌های نامناسب، هویت انسانی آیدول‌ها را زیر سوال می‌برند، واکنش جدی از خود نشان نمی‌دهد، دغدغه دیگری است که برخی از هواداران از آن یاد کرده‌اند:

«- دیدن سخت‌گیری کمپانی باعث نمی‌شه که فکر کنی باید در این زمینه کاری انجام بشه؟
خب منم بعضی وقتا از کمپانی خیلی عصبی می‌شم، هم به خاطر تمام سخت‌گیری‌هایی که داره و هم به خاطر خونسرد بودنش، چون نسبت به هنرمنداش یه کم بی‌تفاوته، مثلاً سر بعضی از قضایا کمپانی بعد از چند روز اومد و از آیدول‌هاش دفاع کرد، در صورتی که اون موضوع تموم شده بود کلاً، و یک مشکل دیگه که هست، اینه که کمپانی با فیک آرمی‌هایی که از آیدول‌ها برده‌های جنسی می‌سازن، هیچ برخوردی نمی‌کنه متأسفانه این بی‌خیال بودن هایب خیلی زیاد اعصاب خورد کنه، البته ما در این زمینه هم منفعل نبودیم، سعی کردیم بیانیه بدیم، اما بعضیاش فقط در حد بیانیه باقی مونده، ولی

اثرهای روانی هواداری از گروه بی‌تی‌اس / ۲۴۷

بعضیاش نتیجه بخش بوده، مثلاً وقتی آرمیا متوجه شدن منیجر پسران روی کوک دستت بلند کرده و می‌خواست بزنتش، کلی اعتراض کردن و بیگ هیت هم اعلامیه داد و عذرخواهی کرد و گفت اون فرد رو اخراج کردن» (مرضیه، ۱۹ ساله).

دیپای ۱۵ ساله هم در مصاحبه خود خاطرنشان می‌سازد، مرتبط ساختن آیدول‌ها با یکدیگر (به صورت یک زوج همجنس‌گرا) اثرات روانی نامناسبی روی آنان خواهد گذارد:

«- نظر شخصی خودت راجع به این شیپ کردن آیدول‌ها توسط طرفدارها چیه؟»

من خودم با این موج همراه نیستم، چون می‌دونم به نظر اعضای گروه‌ها خیلی باهم صمیمی هستن و خیلی حرکاتی انجام می‌دن که شک برانگیزه (می‌خندد)، ولی واقعاً دوست ندارم این رو که مثلاً دو نفر نگاه زیرزیرکی بهم می‌کنن بگم وای این دوتا تو رابطه ان، یعنی برای من معنی نداره که هر کاری که دو نفر با هم می‌کنن رو بگیرم نه، این‌ها باهم رابطه دارن. علاوه بر این، به نظرم آیدول‌هایی هستن که خب می‌بینن با بقیه شیپ می‌شن، خوش شون نمیداد، یعنی من خودم رو جای اون‌ها می‌گذارم خیلی برای من سخته که یه جمعیت خیلی بزرگی از طرفدارها بخوان دایم درباره‌ام نظر بدن و بگن فلان چیز هست، در صورتی که شاید هیچ‌وقت اون اتفاق توی زندگی‌ام نیفتاده باشه. در کل اگر هم تو رابطه‌ای باشن، خب باشن، قرار نیست ما هی این رو تکرار کنیم یا اگه نباشن هم به نظر من تکرار این موضوع می‌تونه باعث بشه که روبه‌رو شدن اون دو نفر براشون خجالت‌آور باشه».

وجود افرادی که دست به نفرت پراکنی در مورد آیدول‌ها (و حتی هواداران آن‌ها) می‌زنند و افرادی که برخوردی سمی با آیدول‌ها دارند نیز از جمله مسایلی است که اذهان هواداران پسران بی‌تی‌اس را رنجیده خاطر و متألّم ساخته، آنان با مواجه شدن با این دست از برخوردها، کلاً نسبت به جامعه خودشان و حتی جامعه جهانی بدبین و هراسان می‌گردند:

«- این افرادی که به خاطر شهربازی رفتن جونگ‌کوک بهش هیت دادن از طرفدارهای بی‌تی‌اس بودن؟»

نمی‌تونیم بهشون بگیریم آرمی چون بیش‌تر سانسگ‌فن^۱ و فیک‌آرمی ان (طرفدار غیرواقعی) ولی بیش‌تر از طرف هیت‌رها بود.

- یه چنین مسایلی که منجر به بازخوردهای منفی به آیدول‌ها می‌شه، چه احساسی بهت می‌ده؟
واکنش من سر این قضایا یه واکنش حرصی به تمام معنا هست، مثلاً خیلی شده میان به اسم آرمی می‌گن، جنی خیلی چاقه یا لیزی دنسره (رقصنده تنبل) یا نمی‌تونه بخوانه و من اون لحظه می‌خوام

۱- سانسگ‌فن که به طرفدارانی می‌گویند که کارشان از طرفداری گذشته و شبیه به یک پاپاراتزی یا استاکر دردرساز، برای فرد مشهور مورد علاقه خود مزاحمت ایجاد می‌کنند. مثلاً شماره تلفن یا آدرس خانه شخص معروف را پیدا می‌کنند و آرامش وی را مختل می‌کنند.

خودم و اون طرف رو خفه کنم. آخه این خیلی رو مخه که یه مولتی‌فن^۱ بیاد ببینه، فن یکی از آیدول‌هاش به اون یکی آیدول هیت می‌ده و من در مقابل چنین افرادی این جوریم که شوخییی می‌کنییی. آخه نه که تو خیلی خوبییی. نکشی مون بابا خفنننن» (سارینا، ۱۳ ساله).

«... یه سری فن هم وجود داره که بهشون می‌گن «ساسنگ» و اونا واقعاً خطرناک هستن.

– درباره ساسنگ‌فن‌ها چی می‌دونی؟

ساسنگ، فن‌های پیگیر و متعصبی هستنند که واقعاً خطرناک ان. یه سری شون هستنند که همه‌اش توی زندگی خصوصی آیدول‌ها فضولی می‌کند و دنبال گرفتن آتو از اونا هستن. خونواده آیدول‌ها رو می‌خوان بشناسن و همه‌اش براشون شایعه درست می‌کنن. یه سری دیگه هستنند که نسبت به آیدول احساس مالکیت دارنند و تصاحب‌شون می‌کنن، حتی ممکنه به آیدول یا طرفداران دیگه‌شون آسیب بزنن. به نظر من کسانی که ساسنگ هستنند، از شدت علاقه و طرفداری دیگه دیوونه شدن. انگار یه بیمار روانی هستن» (ترانه، ۱۸ ساله).

۱- مولتی فن (Multi Fan) به شخصی گفته می‌شود که طرفدار تمام یا تعداد بسیاری از گروه‌های کی‌پاپ است. به اصطلاح عامیانه‌تر مولتی فن به طرفدار دو آتشه موسیقی کی‌پاپ گفته می‌شود که تمام یا تعداد بسیاری از گروه‌های موسیقی کره‌ای را دنبال کرده و طرفدار آنان باشد.